مکالمات روزمرّه آمریکائی

AMERICAN-IRANIAN EVERYDAY CONVERSATION

ILLUSTRATED

BY: Eng. J. TAHERZADEH

تألیف و ترجمه

مهندس جلال طاهرزاده

چاپ پنجم ـ تهران ـ دیماه ۱۳۳۳



چاپخانه سپهر تهران ـ خیابان ناصر خسرو ـ تلفن ۱۰۵۵۱۰ـ۳

امثال
بهتر از قواعد
تعلیم میدهند

چاپ اول : اردیبهشت ۱۳۳۱
چاپ دوم : آذر ۱۳۳۱
چاپ سوم : شهریور ۱۳۳۲
چاپ چهارم : فروردین ۱۳۳۳
چاپ پنجم : دی ۱۳۳۳

مقدمه‌ای از مؤلف

دانش آموزان عزیز

تألیف و تدوین این کتاب که برای اولین بار در ایران بچاپ میرسید بعلت نداشتن سوابق قبلی و بخصوص از این نظر که تلفظ کلیه جملات آن با اعراب تنظیم میشد با اشکالات فراوانی مواجه بود بعلاوه مرتب نمودن خطوط سه ستونی و فرم بندی هر صفحه آن اشکالاتی بمراتب پیچیده تر و صرف وقت بیشتری دربرداشت گرچه دو سال سعی و دقت فراوان مبذول گردید که کتابی نفیس و بدون‌اشتباه از چاپ خارج شود ولی بازهم اغلاطی چند که موجب شرمندگی این خدمتگذار بود در چاپهای قبلی مشاهده شد.

مع‌الوصف بخاطر تشویق و استقبال بی نظیر دانش پژوهان و دوستداران فرهنگ وتقریظهائیکه اغلب جراید از این خدمت‌مختصر نمودند و از طرف دیگر بعلت نایاب شدن نسخ چاپهای قبلی دراندك مدت ، ناگزیر شدم که مشقات ناشی از تجدید نظر کلی و دقیقتری را متحمل گردیده با تکمیل اعراب ستون تلفظ و رفع اغلاط کوشش نمایم که کتاب بدون غلط باشد و امیدوارم در این کار توفیقی نصیبم شده باشد.

مهندس جلال طاهر زاده

حروف معرب فارسی

ناگزیر بایستی اذعان‌داشت که الفباء زبان فارسی از لحاظ تلفظ ناقص و دارای‌صداهای اصلی ششگانه نیست . این مطلب در تمام موارد چه در نوشتجات خطی و چه کتب چاپی و غیره پیوسته مشهود و مورد اشکال است . با جزئی توجه تصدیق خواهید فرمود که ما فقط و فقط بقوهٔ حافظه قادر بخواندن نوشتجات زبان مادری‌خود بوده و حتی پاره‌ئی کلماترا که زیاد بگوشمان آشنا نیست حدساً تلفظ مینمائیم که گاهی غلط و بدون معنی میشود .

البته چنانچه اِعراب (زیر و زبر) کلمات را با اینکه قواعد محکمی برای صداهای الفباء یك زبان ادبی مانند پارسی نیست بکار بریم ٠ باز تا اندازه‌ای رفع این اشکال خواهد شد .

باشرح و علل فوق جای تردید نیست که نوشتن و خواندن کلمات یا جملات زبانهای بیگانه که ابداً بدان آشنائی نداریم بدون بکار بردن اِعراب تاچه اندازه مبتذل و بی‌استفاده‌خواهد بود و ازطرف دیگر بعلت دردست نداشتن حروف‌معرب تاکنون این فکر یعنی چاپ مکالمات زبانهای بیگانه باطریقه تلفظ که‌لازمه آنست (Conversation with Phonetic Pronunciation) باالفباء معرب‌پارسی که برای تمام طبقات بینهایت مورد لزوم و احتیاج است جامه عمل بخود نپوشید .

اینك برای اولین بار مکالمات انگلیسی بفارسی را بجامعه و فرهنك ایران تقدیم وامیدوارم‌بزودی مکالمات‌زبان فرانسه را نیزتهیه وتقدیم هموطنان‌عزیز نمایم.

دیباچه

آموختن هر زبان بیگانه دوشرط مهم و اساسی دارد

شرط اول آنستکه زبان مادری خودرا ساده بکار برده ، سعی کنیم جملاتی بسیار کوتاه و رسا بکار بریم تا نوآموز برای درك مطلب دچار اشکال نشده و محتاج بتفکر بیشتری نباشد دوم آنکه زبان بیگانه را حتی‌المقدور واضح ، بدون قواعد پیچیده وتاآنجاکه مورد احتیاج نوآموزان است تشریح نمائیم . یعنی باشرح وبسط قواعد بیشمار وقت و حوصله(مخصوصاً نوآموز) را نگیریم چه‌اگرنوآموزی بازحمت فراوان وصرف وقت قواعد راآموخت تازه برای بکار بردن همان قواعد دچار اشکالات فراوان خواهد بود و در حقیقت قادر به استفاده از آن نیست زیراا‌گرکسی که کم و بیش بزبان بیگانه‌ای‌آشنائی نداشت قادربفرا گرفتن قواعد

آن نخواهد بود و اگر فقط قواعد را با رنج و زحمت آموخت بازکان لم یکن است
شرط دوم مخصوصاً در زبان انگلیسی که واقعاً هر کلمه آن دارای قواعد و موارد استثنائی مختص خود است بایستی بیشتر در نظر گرفته شود . پس صرفه در آنست که در ابتدای فراگرفتن زبان انگلیسی قواعد را کنار گذاشته و بجای آن جملات ساده و مصطلح را مطالعه و بخاطر بسپاریم تا در عین حال بجای یك لغت و یك قاعده چندین لغت با طرز بکار بردن آنها باضافه چندین قاعده و گرامر در یکجا بیاموزیم . مثال انگلیسی زیر شاهد و دلیل ادعای فوق است .

امثال بهتر از قواعد تعلیم میدهد Examples teach more than precepts

اینستکه در این کتاب از بیان و شرح کوچکترین قاعده زبان انگلیسی خودداری و برعکس جملاتی بسیار ساده و درعین حال مفید و مورد استفاده بکار برده شده بطوریکه نوآموز رغبت بمطالعه نموده و در انتهای کتاب نیز با اطمینان میتواند بگوید من زبان انگلیسی را میدانم و بنوشتن و خواندن و (صحبت) کردن آن قادرم .

طریقه تلفظ

در مقابل هر کلمه و یا جمله زبان انگلیسی که در این کتاب بکار برده شده تلفظ آن باحروف مُعَرَّبْ قرار گرفته است بطوریکه نوآموزان باسانی میتوانند جملات انگلیسی را باالفباء پارسی خوانده اشکال بزرك خودرا ازحیث تلفظ مرتفع نمایند .

چنانچه میخواستیم روی تمام حروف یك کلمه اعراب گذاری نمائیم علاوه بر اینکه عملی غیرممکن بود بلکه اولا بعلت کثرت اعراب کلمه پیچیده بنظر میرسید ودر ثانی یك کلمه چهار یا پنج حرفی دارای سه یا چهار علامت جزم است که با جابجا خواندن یکی از آنها بکلی تلفظ کلمه غلط و ذهن مبتدی نیز مشوش میشد .

بدلائل فوق ازعلامت گذاری (جزم) صرفنظر و به بکار بردن کلیه اعراب دیگر اکتفا شده است و بمنظور ناقص نبودن تلفظ با قائل شدن شرط کلی زیرمنظور اصلی (تلفظ کامل) را بدست آورده و در عین حال عمل را بسیار آسان و قابل استفاده نموده است . «قاعده کلی زیررا برای استفاده کامل ازطرز تلفظ در نظر داشته باشید»

درستون تلفظ کلیه حروفیکه روی آنها علامتی گذارده نشده صدای جزم دارد

تذکر : ۱ ـ اغلب کلمات انگلیسی مانند (the) (I) (it) (a) چون در هر صفحه بلکه هرسطر بیش از دوسه بار تکرار شده است به اعراب گذاری یکی دو تای آنها اکتفا شده است . **۲ ـ ازصفحه شماره ۸ الی ۱۶۹ جملات تلفظ برعکس لاتین از راست**

بچپ بترتیب نوشته شده است ۳ـ ازصفحه ۱۶۹ الی ۱۹۳ تلفظ هر کلمه درزیر آن نوشته شده است . ٤ـ ازصفحه ۱۹۳ الی آخر تلفظ هرسطر انگلیسی مطابق شماره همان سطر بافواصل زیادو مانند لاتین ازچپ براست نوشته شده است .

سیلاب یا صدای کلمات

سیلاب یاصدای کلمات زبان انگلیسی در حقیقت آنقدر حائز اهمیت بوده و مؤثر است که طرز تلفظ کلمات را بکلی تحت‌الشعاع قرار میدهد . بطوریکه اگر سیلاب اصلی کلمه‌ای باتلفظ صحیح اداشده و سیلابهای فرعی همان کلمه باتلفظ غلط اداشود بازکلمه صحیح بگوش رسیده ودرحقیقت تلفظ آن صحیح است . زیرا سیلابهای فرعی آنقدر کوتاه و مقطع است که اغلب قابل تشخیص نیست . خوشبختانه تشریح سیلابهای کلمات انگلیسی در این کتاب با اسلوبی بس ساده بیان شده است که نوآموز بآسانی قادر بدرک آن میباشد .

بطور کلی کلمات زبان انگلیسی را که بمنظور مکالمات روزمره بکار برده شده به سه دسته مشروحه زیر تقسیم مینمائیم :

دسته اول : کلمات یك سیلابی (یکصدائی) که دارای همان یك سیلاب اصلی بوده ، گاهی کشیده و گاهی کوتاه ادا میشود مانند

me	too	thought	though	tough	pay
مِیٓ	تو	تآتْ	سْ	تآفْ	پِیْ

البته اگر سیلاب بعضی از این کلمات را کشیده ادا نمائیم صورت استفهام یا تعجب بخود میگیرد. مانند (ME?) (ME!) (می ؟) که صدای کلمه کشیده است. ولی در این مثال (me too) (می تو) سیلاب هردو کلمه صدای معمولی خود را حفظ میکند.

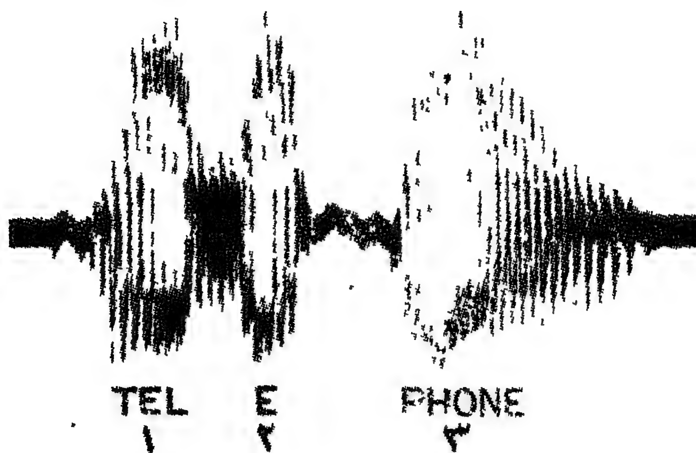
دسته دوم: کلمات دوسیلابی (دوصدائی) مانند

mention	public	station	later	fortune	mister
مِنْشَنْ	پابْلیکْ	سْ تِیْشَنْ	لِیْ تِر	فُرچونْ	مِسْ تِرْ

و امثال آنها که پیوسته و عموماً سیلاب اول اصلی و کشیده و سیلاب دوم کوتاه و مقطع ادا میشود . تلفظ هر یك از آنها با تغییرات زیر صحیح است

MENtion	PUBlic	sTAtion	LAter	FORtune	MISter
مِنْ ,شَنْ	پاب ,لِكْ	سْ ,تِیْ ,شَنْ	لِیْ ,تِرْ	فُرْ چونْ	مِسْ ,تِرْ
مِنْ شَنْ	پاب لیکْ	سْ ,تِیْ شَنْ	لِیْ ,تِرْ	فُ ,ر ,چِن	مِسْ تِرْ
مِنْشِن	پا ,بْلیکْ	سْ ,تِیْشِن	لِیتِ	فُرچی یونْ	مِسْتِ

دسته سوم یا کلمات سه سیلابی « سه صدائی »



A Photograph of three Syllables variation When the word « Telephone » is spoken in the Currant of Transmitter.

تصویر سیلابهای مختلف سگانه هنگامیکه کلمهٔ « تلفن » در جریان الکتریکی انتقال صوت گفته میشود

محل سیلابهای این دسته در کلمات مختلف و سیلاب اصلی آن در بعضی کلمات اول و در بعضی وسط یا آخر ادا میشود لیکن قاعده کلی ایست که سیلاب اصلی (شماره ۳ تصویر) عموما در هر کلمه سه سیلابی متصل سیلاب فرعی (شمارهٔ ۲ تصویر) میباشد و سیلاب شمارهٔ ۱ که سستا متوسط است یا در اول و یا در آخر کلمه خواهد بود مانند امثال زیر که با صداهای بعضی سگانه صحیح است

tel ePHONE HISto ry BEAUti ful COMpa ny comPA nion

کام ُپ نیْ ین   کامْ پنیْ   بیْ دو تفولْ   هیسْ تریْ   تلْ ا ُفنْ

کمْ ُپ نیْنْ   کامْ پنیْ   بیْ تو تیفولْ   هسْ تریْ   تِ لِ فُ نْ

کَ م ُپ ینْ   کام پا نیْ   بیْ تودی فل   هِس تریْ   تلْ فنْ

کلمات بیشتر از سه سیلابی به دسته های دو و دو یا سه و دو سیلابی تقسیم شده و دارای همان شرایط خواهد بود .

(جملات کوتاه و مصطلح)

تلفظ	جمله	معنی
فرست آو ا'ل	first of all	قبل ازهمه (مقدم برتمام)
'افتر ا'ل	after all	بعد ازهمه
'ات فرست	at first	اولا
سکندری	secondary	ثانیاً
'ات 'لست	at last	بالاخره
این د مین 'تیم	in the mean time	در این اثنا (بین)
اوری ور	everywhere	همه جا
انی ور الس	anywhere else	هرجای دیگر
سام 'تیم	sometime	بعضی مواقع (گاهی)
سام وآت	somewhat	قدری (اندکی)
سام 'تیمز	sometimes	بعضی اوقات
سام ور الس	somewhere else	یکجای دیگر (محل دیگری)
سام هآ'	somehow	بقسمی (بطریقی)
سام بادی	somebody	یك شخصی
ن' بادی	no body	هیچ کسی (هیچکس)
ا'ل آو 'اس	all of us	همهٔ ما
نات می	not me!	من نه (بنده خیر)
یو آر اکسپشن	you are exception	شما مستثنی هستید
یو تو	you too!	شما همچنین
نات 'ات ا'ل	not at all	ابداً
بای ن' میز	by no means	بهیچ طریق (بهیچ وسیله)
نور	never	هرگز
اور سینس	ever since	از آن هنگام تاکنون
اباو ا'ل	above all	ازهمه بالاتر (ارجح برتمام)
ا'لم'شت ا'ل ویز	almost always	تقریباً همیشه
لیتل بای لیتل	little by little	کم کم
نآ' ا دیز	nowadays	این روزها
نآو' اند دن	now and then	گاهگاهی
این ا وری 'شرت 'تیم	in a very short time	دریك مدت بسیار کوتاه
ترئی 'تیمز	three times	سه بار
گود 'تیم	good time	اوقات خوش

تلفظ	جمله	معنی
تیم‌لی	timely	بموقع
ا٘ل ٘نیت	all night	تمام‌شب
م٘ر ا٘ر لس	more or less	کم و بیش
تو ماچ	too much	خیلی زیاد
وری ماچ	very much	بسیار
ات لیشت	at least	اقلا
ا٘ل تو گدر	altogether	تماماً
ا٘ل ات وانس	all at once	همه یکدفعه
آن دیس سید	on this side	در این سمت
آن د آدر سید	on the other side	در طرف دیگر
ا٘ل ار آوند	all around	تمام اطراف
از فر می	as for me	مثل‌مال من
از س (س‌آن)	as so « so on »	سایر این (همین رسم)
بای چنس	by chance	اتفاقا (شانسی)
بای ترنز	by turns	بنوبت
بای اند بای	by and by	بعدها، بعدار آن
بای بای	bye bye	خداحافظ
بای د وی	by the way	ضمناً
سید بای سید	side by side	پهلو به پهلو (کنارهم)
بای مس تیک	by mistake	اشتباهاً
بای هارت	by heart	قلبا (ازروی علاقه)
دی بای دی (دیلی)	day by day « daily	روز بروز (روزانه)
دس دی ویك	this day week	هفته آینده درهمین روز
فیس تو فیس	face to face	صورت بصورت (مقابل)
فرام تیم تو تیم	from time to time	وقت بوقت (مرتبا)
آپ اند داون	up and down	بالا و پائین(خوشحالی-بدبختی)
این شرت	in short	خلاصه
نو داوت	no doubt	بدون شك (بدون تردید)
نو ماتر	no matter	اهمیتی ندارد(حرف مهمی نیست)
نو مر	no more	بیشتر خیر
بای ایر	by air	هوائی
بای سی	by sea	دریائی (ازراه دریا)
بای لند	by land	زمینی
بای ا ی ی	by any means	بهر وسیله

جملات کوتاه در مکالمات

تلفظ	جمله	معنی
هلو	Hello!	برای صدا کردن و احوال پرسی و سلامهای خیلی دوستانه بکار میرود ، در فارسی معنی مخصوص ندارد
یس سر	Yes, sir	بله آقا
نو مم	No, Madam	خیر خانم
یس میس	Yes, Miss	بلی خانم
نو سر	No, sir	خیر آقا
پلیز	Please	خواهش میکنم
تل می	Tell me	بمن بگو
کود یو	Could you ?	آیا میتوانید ؟
هاو	How?	چگونه ـ چطور
ویچ وی	Which way?	کدام راه
هاو ماچ	How much?	چه مقدار
هاو منی	How many?	چه عدد
لند می	Lend me	بمن قرض بده
دو می ا فیوور	Do me a favour	یک لطفی بمن بفرمائید
ای اسک یو	I ask you	از شما سئوال میکنم
ول یو آبلایج می	Will you oblige me?	ممکن است مرا ممنون فرمائید
یو آر وری کیند (کایند)	You are very kind	شما خیلی مهربانید
دونت ترابل یرسلف	Don't trouble yourself	خودتان را زحمت ندهید (شما زحمت نکشید)
لت می هلپ یو	Let me help you	اجازه بدهید بشما کمک کنم
لت می تل یو	Let me tell you	بگذار بشما بگویم
وات اباوت	What about?	راجع به (چه موضوعی؟)
دو یو نید هلپ	Do you need help?	آیا شما بکمک احتیاج دارید؟
یس پلیز	Yes, please	بلی، خواهش میکنم
نو تنک یو	No, thank you	خیر ، متشکرم
دو یو نو	Do you know?	آیا شما میدانید؟
ای دو نات نو	I do not know	من نمیدانم

تلفظ	جمله	معنی
ای بك یر پاردن	I beg your pardon.	تقاضا میکنم ببخشید
پاردن می اکسکیوز می	Pardon me. (excuse me.)	مرا ببخشید (اجازه بفرمائید)
ستی ا لیتل	Stay a little.	کمی صبر کنید
سیت دآن	Sit down.	بنشینید
دت ایز گود	That is good.	خوب است
ایز ایت ترو	Is it true?	آیا راست است
ایتیز ترو	It is true.	راست است
ای تنك یو	I thank you.	من از شما متشکرم
کام هیر	Come here.	بیائید اینجا
کام نیر	Come near.	بیائید نزدیك
میك هیست	Make haste.	عجله کنید
فالو می	Follow me.	عقب من بیائید (مرا تعقیب کنید)
تل هیم ات وانس	Tell him at once.	یکدفعه باو بگوئید ـ فوری باو بگوئید
اوپن د دور	Open the door	در را باز کنید
شات د ویندو	Shut the window	پنجره را ببندید
لوك ات ایت	Look at it.	بآن نگاه کنید
لوك آت	Look out.	مواظب باشید (بخارج نگاه کنید)
لسن تو می	Listen to me.	بمن گوش کنید
لت اس ستارت	Let us start.	بگذارید شروع کنیم
گو اند سی	Go and see.	بروید ببینید
گو اوی	Go away.	دور شو
گیو می ا چر	Give me a chair.	یك صندلی بمن بدهید
دت ایز تو ماچ	That is too much.	خیلی زیاد است
دت ایز وری چیپ	That is very cheap.	خیلی ارزان است
الو می	Allow me	بمن اجازه دهید
می ای اسك یر نیم	May I ask your name?	ممکن است اسم شما را سؤال کنم
وات ایز یر نیم	What is your name?	اسم شما چیست
مای نیم ایز	My name is —.	اسم من — است
وات دو یو سی	What do you say?	شما چه میگوئید

تلفظ	جمله	معنی
دو یو هیر می	Do you hear me?	آیا صدای مرا میشنوید (میفهمید)
ای ام نات سپیکینگ تو یو	I am not speaking to you.	من باشما صحبت نمیکنم
دو یو اندرستند	Do you understand?	آیامیفهمید؛
وای دنت یو آنسر	Why don't you answer?	چراجواب نمیدهید
هاو ماچ ایز ایت ورث	How much is it worth?	چقدر ارزش دارد
وات دو یو کل دیس	What do you call this.	اینرا چه مینامید؛
وات داز دت مین	What does that mean?	این چه معنی دارد؛
وات ایز دت گود فر	What is that good for?	این برای چه خوب است؛
بی کرفول	Be careful!	مواظب باش
گود بای	Good bye.	خدا حافظ
وات دو یو مین	What do you mean?	مقصودشما چیست
وات داز ایت سیگنی فی	What does it signify?	این نشانهٔ چیست
آر وی گوئینگ انی ور	Are we going anywhere?	آیاما جائی میرویم
ویس ال می هارت	With all my heart.	باتمام قلبم(بانهایت میل)
وات ایزیت اباوت	What is it about?	این راجع بچیست
ای ام این ا هاری	I am in a hurry	من عجله دارم
وانس فر ال	Once for all.	یکدفعه برای همه
ای هو تو گیو ات آپ	I have to give it up.	من بایستی اورا ترک کنم
لیو می الن	Leave me alone.	من را تنها بگذار
بیت وین آورسلوز	Between ourselves	بین خودمان
دت ایز آو نو کانسکوانس	That is of no consequence.	آن هیچ نتیجه ندارد (بی اهمیت است)
ای ری مم بر ات	I remember it	آنرا بخاطرمیاورم(بنظرم میآید)
یو آر جوکینگ	You are joking	شماشوخی میکنید
یو آر رایت	You are right.	شماراست میگوئید (حق باشما است)
اوری بادی نز ات	Everybody knows it.	هر کسی آنرا میدانند
ای هو ناتینگ تو سی	I have nothing to say	من چیزی ندارم بگویم

تلفظ	جمله	معنی
دُنْتْ بی اَنْگری	Don't be angry	عصبانی نباشید
اِتْ اِزْ نُ مَاتِر	It is no matter	اشکالی ندارد
آفْتِرْ اُلْ	After all	بالاخره
آفْ کُورْسْ	Of course	البته
آنْ دِ کانْتْرِرِی	On the contrary	برعکس
دو یُورْ بِسْتْ	Do your best	بهترین عملی که میتوانی بکنی سعی خودترا بکنی
ایت ایز اُل د سیم تو می	It is all the same to me	همه برای من یکسان است
نِوِرْ مایند	Never mind.	اهمیتی ندهید
وات دید یو اَسک	What did you ask?	چه سئوال کردید
ای شل گُ هوم	I shall go home	من منزل خواهم رفت
وات ایز د ماتر	What is the matter?	چه خبر است (چه اشکالی است)
دُنت گُ اِوی	Don't go away	دور نشوید (نروید)
آپ ستِرز	Up stairs	طبقه بالا
داون ستِرز	Down stairs	طبقه پائین
دو یو مین دَت	Do you mean that?	آیا جدی میگوئید
ای دیدنت مین ایت	I didn't mean it	قصد آنرا نداشتم (اتفاقی بود)
ای اگری وید یو	I agree with you	من باشما موافقم
جنتلمن اگریمنت	Gentleman agreement	قول مردانه
ایت ایز اُل اُوِر	It is all over	بکلی تمام شد
ویک آپ	Wake up	بیدار شو
گُ تو سلیپ	Go to sleep	بخواب
نان آو یور بیزنس	None of your business	بشما هیچ مربوط نیست
اُل ایز یورز	All is yours	تمام مال شما است
گیو ایت تو می	Give it to me	بدهید بمن
تیک ایت وید یو	Take it with you	باخود ببرید
پارت ایت این تو	Part it in two	دو قسمت کنید
ای لاست ماین	I lost mine	من مال خود را گم کردم
ایت مست بی دِر	It must be there	بایستی آنجا باشد
هاو دید یو فایند آوت	How did you find out?	چگونه پیدا کردید

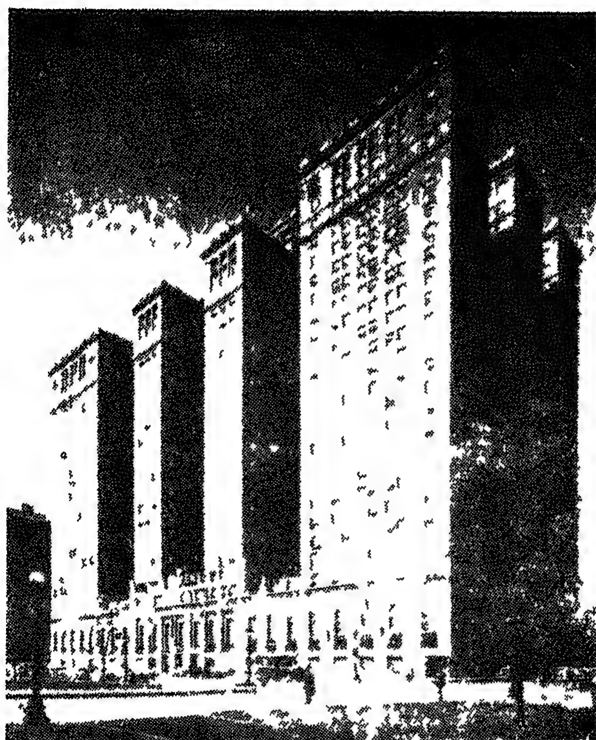
تلفظ	جمله	معنی
رد نکست دی	The next day	روز آینده
آنادر ویك	Another week	یك هفته دیگر
وان ح‌ل یر	One whole year	یکسال تمام
سونر ار لیتر	Sooner or later	دیر یا زود .
دت ایز واب وکس می	That is what vexes me	اینست که مرا عصبانی میکند
هی جست کیم این	He just came in.	او هم اکنون داخل شد
هی ایز ویتینگ فور یو	He is waiting for you	او منتظر شما است
وسین اول پیپلز ریچ	Within all people's reach.	در دسترس تمام مردم
آو وات گود ایز ایت	Of what good is it ?	این چه خوبی (نتیجه) ای دارد؟
ات دی برك	At day break	هنگام طلوع خورشید (صبح زود)
ایس آن‌نون تو می	It is unknown to me	برای من مجهول است
ای واز اباوت تو فل	I was about to fall !	من نزدیك بود بیافتم
ای دید ایت این ا هاری	I did it in a hurry	آنرا با عجله انجام دادم
دس آپ تو یو	That is up to you	بسته بمیل و نظر شما است
یو ماست سی وات اور یو لیك	You must say, whatever you like	شما بایستی هرچه دوست دارید بگوئید
این د ویك اند	In the week end	در آخر هفته (تعطیل هفتگی)
فور د لست تایم	For the last time	برای آخرین بار
ای گیو ایت آپ	I gave it up	آنرا ترك کردم
یو ویل انجوی ایت	You will enjoy it	شما از آن لذت خواهید برد
ای هو گات نو مانی	I have got no money	من پول ندارم
گت د تینگس ردی	Get the things ready	اثاثیه را حاضر کن
وی کن‌نات گت هوم تونایت	We cannot get home tonight ,	ما نمیتوانیم امشب بمنزل برسیم
د ستری گات اباوت	The story got about.	مطلب بگوش همه رسید
ای دنت گت یو	I don't get you.	مقصود شمارا نمیفهمم
آر یو جوکینگ	Are you joking ?	آیا شوخی میکنید
دنت بی فانی	Don't be funny	مسخره گی نکن
دت ایز جست لیك یو	That is just like you	درست مثل شما است
ای هو نو ایدیا	I have no idea	بی‌فکری (عقیده‌ای) ندارم

تلفظ	جمله	معنی
واٹ ایز یور آیدیا	What is your idea?	عقیده شما چیست .
فرام تاپ تو باتم	From top to bottom	ازسر تا پا
این د مین تایم	In the meantime	در این ضمن (هنگام)
این دیس وری مومنت	In this very moment	درست درهمین لحظه
دت ایز یور ترن	That is your turn	نوبت شماست
ایز دت اناف	Is that enough?	این کافیست
دتس اناف فور می	That's enough for me	این برای من کافیست
ات دپندز آپان یو	It depends upon you	این بسته بمیل شما است
آی کیم تو تل یو	I came to tell you	من آمدم بشما بگویم
آر یو شور آو وات یو سی	Are you sure of what you say?	آیا آنچه میگوئید اطمینان دارید
ای دونت تینک ماچ آو ات	I don't think much of it	خیلی فکر آنرا میکنم (آنرا باور نمیکنم)
آی کن بر ات نو لانگر	I can bear it no longer	بیشتر طاقت آنرا ندارم
هاو کود یو دو ات	How could you do it?	چگونه اینکار را کردید؟
دیدنت آی تل یو	Didn't I tell you?	من بشما نگفتم؟
د سونر د بتر	The sooner the better	زودتر بهتر
شورتر د سویتر	Shorter the sweeter	کوتاهتر شیرینتر
هی اگزاستس مای پیشنس	He exhausts my patience	او حوصله مرا سر برد
آی اپریشی ایت ات وری ماچ	I appreciate it very much	من از آن خیلی راضی هستم
هاو دو یو گت الانگ ویس هیم	How do you get along with him?	با او چگونه میسازید «سر میبرید»
آی ام یوزد تو ات	I am used to it	بآن عادت کردم
ات ایز کوایت الرایت	It is quite alright	کاملا درست است
یو آر میس تیکن	You are mistaken	شما اشتباه میکنید
[illegible]	[illegible] will show [illegible]	شما را بایشان نشان خواهم داد
تو تایمز تو مکس فور	Two times two [illegible] four	دو ضرب در دو میشود چهار
فور فرام تن لیوز سیکس نو لس نو مور	Four from ten leaves six no less no more	ده منهای چهار باقی میماند شش نه کم نه بیشتر

تلفظ	جمله	معنی

تذکرات

در ساختمانها و پارکهای بزرگ و یا خیابانهای شهر
اینگونه علائم و تذکرات بسیار دیده میشود



اِلِوِیتِر	Elevator	آسانسور
اِکسْپِرِس تو دِ توئِنتی فیفث فْلُر	— Express to the 25 fl	سریع تا طبقهٔ ۲۵
لُکال فرام توئنتی سیکس تو دِ فیفتی فِرْسْت فْلُر	— Local from 26 to the 51 fl	محلی (باتوقف) ازطبقه ۲۶تا۵۱

تلفظ	جمله	معنی
بل رینگ	Bell ring.	صدای زنگ
رینگ (پوش دبل)	Ring. Push the bell.)	زنگ بزنید.
اینترنس	Entrance.	دخول
اکسیت	Exit.	خروج
پ‌ری‌وت	Private.	خصوصی
ن ادمی تنس	No admittance.	اجازه نیست(ورود ممنوع)
تو لت	To let	برای اجاره
اپارتمنت	Apartment.	— آپارتمان
تن منت	— Tenement.	— خانه
فرنیشد روم	— Furnished room.	— اطاق مبله
آن فرنیشد روم	— Unfurnished room.	اطاق بدون مبل
رستورنت	Restaurant.	رستوران
پست آفیس	Post office.	اداره پست
فایر ستیشن	Fire station.	آتش نشانی
مانی اکس چنج	Money exchange.	صرافی
باربر شاپ	Barber shop.	سلمانی
شو میکر	Shoe maker.	کفاشی
دنتیست	Dentist.	دندانسازی
دونت سپت آن د فلور	Don't spit on the floor	روی زمین تف نیاندازید
ن سموکینگ الود	No smoking allowed.	سیگار کشیدن ممنوع است
لوك آوت فر پینت	Look out for paint.	متوجه رنگ باشید.
کیپ آف د گراس	Keep off the grass.	خارج سبزه باشید (سبزه را لگد نکنید)
پ‌ری‌وت وی	Private way.	جاده خصوصی
دنجرز پسینگ	Dangerous passing	خطر عبور
دو نات مالست د انیمالز	Do not molest the animals.	حیوانات را اذیت نکنید
فول ستاپ	Full stop.	توقف کامل
ویل ری اپن	Will reopen.	مجدداً باز خواهد شد
پول پوش	Pull Push	بکشید فشار بدهید
اتنشن	Attention	دقت کنید
اینفرمیشن دسك	Information desk.	دفتر اطلاعات

تلفظ	جمله	معنی
بِدْ روم	Bed room	اطاق غذاخوری
سْلیپینگ روم	Sleeping room.	اطاق خواب
لیویںگ روم	Living room.	اطاق نشستن پذیرائی)
فر مِن	For men.	برای مردها(مردانه)
فر وُ مِن	For women	برای زنها(زنانه)
فر سِل	For sale.	برای روش
فر رِنْت	For rent.	برای اجاره (اجاره‌داده‌میشود)
باس سْتاپ	Bus stop	ایستگاه اتوبوس
ساب وی	Subway	ترن زیر زمینی
دآن تآن	Down town	پائین (مرکز) شهر
نرد سَیْد	North side.	شمال شهر
سآت سَیْد	South side	جنوب شهر

جوابهای موافق و مخالف
(مثبت و منفی)

ای بِت یو	I bet you	باشما شرط میبندم .
سِرتنلی ناب	Certainly not	محققاً خیر
وای ناب	Why not?	چرا خیر ؟
یِس ایندید	Yes indeed	آری در حقیقت
ویس پْلِژر	With pleasure	با کمال میل
ایف یو لَیْك تو	If you like to	اگر شما مایل باشید
ای تینك سُ	I think so	من همین‌فکررامیکنم(خیال میکنم همینطور است)
ای بیلیو سُ	I believe so.	عقیده من همین‌است
یو آر رایت	You are right	حق باشما است
ترولی	Truly.	حقیقتاً .
ای سوار تو ایت	I swear to it	من بآن قسم میخورم .
ای ام پازی تیو	I am positive	من مطمئن هستم(بهر چه گفته شده) .
ویلینگ لی	Willingly	بانهایت میل
بای انی مینز	By any means	بهر وسیله .
ای دآت	I doubt it.	من مشکوکم.
ناب کو ایت ول	Not quite well.	کاملا خوب نیست

تلفظ	جمله	معنی
ایم آف رِیْد نات	I am afraid not.	میترسم نه• (گمان نمیکنم)
ایم نات رِسْرتِین	I am not certain.	اطمینان ندارم (مطمئن نیستم)
نات نآو	Not now.	اکنون خیر .
نات سو	Not so.	اینطور خیر
دَت ایز نات د وی	That is not the way	اینطریق نیست
دَت ایز او کی	That is O. K	خوب است .
می بی- پاسیبْلی	Maybe. Possibly	شاید (ممکن است)
یو آر رانگ	You are wrong.	شما اشتباه میکنید
یو آر دوئینگ وِل	You are doing well.	درست عمل میکنید
آی اگری ویذ یو	I agree with you	من باشما موافقم
ایت ایز نات سو	It is not so.	اینطور نیست
آی هَو نات (هَوِنْت)	I have not (haven't)	ندارم
ای هو نو نید آو ایت	I have no need of it.	بآن احتیاجی ندارم
دُنْت یو وانْت انی	Don't you want any?	آیا شما هیچ نمیخواهید
ایت ایز اُلمُسْت ایمپاسی بل	It's almost impossible	این تقریبا غیرممکن است

شادی و تأسف

تلفظ	جمله	معنی
آی اَم سُ ری .	I am sorry.	متأسفم .
آی اَم وری سُ ری	I am very sorry.	خیلی متأسفم
وات ا پیتی	What a pity!	چه تأسفی .
اتیز ا گریت پیتی	It is a great pity.	یك تأسف بزرگی است
اتیز وری سد	It is very sad	خیلی غمگین است .
اتیز ا گریت میس فرچون	It is a great misfortune.	یك بدبختی بزرگی است
ایم وری گلاد آو ایت	I am very glad of it.	از آن خیلی خوشحالم .
ایت گیوز می گریت جُی	It gives me great joy.	برای من بسیار باعث خوشحالی است
هاو هپی آی اَم	How happy I am!	چقدر من خرسندم
آی ویش یو جُی	I wish you joy.	امیدوارم خوش باشید .
ای کنگراجو لیت یو	I congratulate you.	بشما تبریك میگویم (مبارك باشد) .
دَت میکس می سو	That makes me so	چقدر مرا خوشحال میکند

تلفظ	جمله	معنی
هپی	happy!	
دتش گود	That is good	سیار خوب است
ای هو گود نیوز فر یو	I have good news for you	برای شما خبر خوشی دارم
ای هو بد نیوز فر یو	I have bad news for you	برای شما خبر بدی دارم
ایم وری گلاد تو هیر اِت	I am very glad io hear it.	از شنیدن آن بسیار خوشحال هستم

تغیر و سرزنش

هی ایز وری انگری	He is very angry	او خیلی عصبانی است
هی هز ا بد تمپر	He has a bad temper	او بد اخلاق است .
هی ایز فوری یز ا باوت	He is furious about it	راجع بآن غضبناك است
یو آر رانگ	You are wrong.	شما اشتباه میکنید
وات ا شیم	What a shame!	چه خجالتی
هاو کود یو دو اِت	How could you do it?	چطور توانستی اینکار را بکنی
ایم ا شیمد آو اِت	I am ashamed of it.	من از آن خجالت میکشم
یو آر وری ماچ تو بلیم	You are very much to blame	شما خیلی قابل سرزنش هستید (شمارا بایستی سرزنش کرد)
شیم آن یو	Shame on you	خجالت بکش
وات ا لیزی بنز	What a lazy bones	چه آدم تنبلی
اتیز یر فالت	It is your fault.	تقصیر شما است

برخورد و ملاقات

احوال پرسی

هلو دیر	Hello, dear	سلام عزیزم
گود مرنینگ مدم	Good morning, madam	صبح بخیر خانم
گود افترنون میس	Good afternoon, miss	بعدازظهر بخیر دوشیزه

تلفظ	جمله	معنی
گود ایوینینگ رسر	Good evening, sir	شب بخیر آقا .
هاو دو یو دو	How do you do?	حال شما چطور است
کو ایت ول تنك یو	Quite well, thank you	کاملا خوب است ممنونم
هاو آر یو	How are you?	شما چطورید .
پرتی ول تنکس	Pretty well, thanks.	بسیار خوب ممنونم
هاو دو یو فیل	How do you feel?	شما چطورید؟
ال ریت فین	Alright (fine)	خوب است.
فرست ریت	First rate.	خیلی خوب .
وری ول	Very well.	بسیار خوب است .
ناب س بدلی	Not so badly	آنقدرها بد نیست
فین تنك یو	Fine thank you	خوب است متشکرم
هاو ایز میس ترزا گتینگ آن	How is miss Threza getting on?	خانم ترزا چه میکنند ؟
شی ایز ناب وری ول لیتلی	She is not very well lately.	حال ایشان اخیراً خیلی خوب نیست.
وای واتیز د ماتر ویس هر	Why? What is the matter with her?	چرا ؟ چه عیبی دارد ؟
شی ایز سیك	She is sick.	او مریض است
شی ایز ایل این بد	She is ill in bed	او مریض بستری است
شی دازنت ایت	She doesn't eat.	غذا نمیخورد
شی دازنت سلیپ	She doesn't sleep	نمیخوابد
شی هز ا هدیك	She has a headache	سردرد دارد
هاو ایز یر برادر	How is your brother?	برادر شما چطور است ؟
هی هز ا بد کلد	He has a bad cold.	سرمای بدی خورده است.
هاو ایز دت	How is that?	(چطور) ؟
هی کن نور تیك کر آو هیم سلف	He can never take care of himself.	هیچوقت از خودش نگهداری نمیکند
هاو ایز یر فادر	How is your father?	پدر شما چطور است ؟
هاو آر چیلدرن	How are the children?	بچه ها چطورند ؟
گیو می کیند ریگاردز تو دم	Give my kind regards to them	سلام دوستانه مرا بآنها برسانید .
ری ممبر می تو یر سیستر	Remember me to your sister.	از قول من بخواهرتان سلام برسانید .

تلفظ	جمله	معنی
,ون دید یو آ'رایو هیر	When did you arrive here?	شما کی اینجا رسیدید ؟
'ای آ'رایود 'لست ویك	I arrived last week.	هفته گذشته رسیدم
,ور دو یو س ,تی	Where do you stay?	کجااقامت میکنید ؟
'ای س,تی ویس 'مای فکس	I stay with my folks	نزد اقوامم اقامت میکنم
'ای س,تی ات بی ستریت 'نم ,بر ,تن	I stay at B — street. Number 10.	من درخیابان(ب)شماره ۱۰ اقامت دارم .
کام اند سی می سام 'تیمز	Come and see me sometime.	گاهی بیائیدمرا ببینید
بی شور'ای ویل	Be sure, I will	مطمئن باشید خواهم آمد
,ون آر یو ,ات هوم	When are you at home?	کی شمادر منزلید ؟
ا'لم' ست ,انی 'تایم	Almost anytime	تقریباً همه وقت
ا'ل ,دی لانگ	All day long	تمام روز .
,اوری ایو ینگ	Every evening	هرشب .
'ایم 'گلاد تو 'هو ,مت یو	I am glad to have met you.	من خیلی خوشوقتم که شما را ملاقات کردم .
'گلاد تو میت یو	Glad to meet you	ازملاقات شماخوشوقتم
'ای هپ تو سی یو ,ا ,گین	I hope to see you again.	امیدوارم شمارا مجدداً ملاقات کنم
وی ویل میت ,ا,گین	We will meet again.	مامجدداً ملاقات خواهیم کرد
گود بای 'مای ,دز	Good bye, my dear.	خدا حافظ عزیزم -
بای بای سی یو سون	Bye bye,see you soon	خداحافظ(امید)دیدارفوری
گود 'نیت	Good night.	شب بخیر
'ایم تا,یرد	I am tired.	من خسته ام
'ایم دریدفولی تایرد	I am dreadfully tired	بی اندازه خسته ام .
سیت دا'ن بلیز	Sit down, please	خواهش میکنم بنشینید
,رست 'یر ,سلف	Rest yourself	استراحت بفرمائید .
'ای فیل درآ'ری	I feel drowsy	من خواب آلودم .
'ای فیل دیزی	I feel dizzy.	من احساس گیجی میکنم
'ایم 'شلیپی	I am sleepy	من خوابم میاید .
هاْ دید یو 'سلیپ 'لست 'نیت	How did you sleep last night?	دیشب چطورخوابیدید ؟

تلفظ	جمله	معنی
دو یو هو نیت رمرز	Do you have night-mares?	آیا شما بیخوابی میکشید
لت می اینترودوس یو تو مستر	Let me introduce you to Mr —	بگذارید شمارا باقای — معرفی کنم .
ایم پلیزد تو میت یو	I am pleased to meet you.	ازملاقات شما مشعوفم
دیس ایز می لیدی فرند	This is my lady friend.	این خانم ازدوستان من هستند
دیس ایز می جنتلمن فرند	This is my gentleman friend.	این آقا رفیق من هستند
ای ویش یو ا مری کریسماس	I wish you a merry Christmas	آرزومندم عید کریسماس (میلادمسیح) برای شما مبارك باشد
ای ویش یو ا هپی نی یو یر	I wish you a happy New Year	آرزودارم سال نوخوشحال باشید
تنك یو ای ویش یو ذ سیم	Thank you, I wish you the same	متشکرم منهم برای شما همانرا آرزو دارم

هوا

تلفظ	جمله	معنی
هاو ایز ذ وذر	How is the weather?	هوا چطور است
ذ وذر ایز فاین	The weather is fine	هوا خوب است
وری بد	— very bad	خیلی بداست
کلیرینگ آف	— clearing off	صاف میشود
آفولی کلد	— awfully cold	بدجوری سرد است
کلاودی	— cloudy	ابر است
وارم تودی	— warm today	امروز گرم است
وری هات	— very hot	خیلی گرم است
ایتیز سنوینگ	It is snowing	برف میآید
ایز ذت ریلی سو	Is that really so?	آیا حقیقتاً اینطوراست
ایتیز گوئینگ تو رین	It is going to rain	باران شروع میشود
ایتیز ستورمی	— stormy	هوا طوفانی است
ایتیز رینینگ	— raining	باران میآید

تلفظ	جمله	معنی
,ا تیز آ' ,فل' و یندی	It is awful windy.	باد شدیدی است
,ا تیز 'فریز یسگك	— freezing.	یخ بندان است
,ا تیز بی ل' ز یر'	— below zero.	زیر صفر است
وات ,ا ست' ژم	What a storm!	چه طوفانی !
وی 'هد 'فیو فیت سن' 'لست ویك	We had five feet snow. last week.	هفته گذشته ۵ فیت برف باریده است
ویل ایت ,اور ك,لر آف	Will it ever clear off?	آیا هرگز هوا صاف خواهد شد (باین زودیها)
دو یو تنك دیس ست'رم ویل 'لست لانگ	Do you think this storm will last long?	آیا شما خیال میکنید این طوفان طولانی خواهد بود.
'ای 'هپ ایت ویل ك,لر آف سون	I hope it will clear off soon.	امیدوارم بزودی صاف خواهد شد .
ایت ,می 'كلی,یر(ك,لر) آف توم' ر'	It may clear off to-morrow.	ممکن است فردا صاف شود .
'ای 'هو تو شا,ول ,د سن' فرام 'می د' ر	I have to shovel the snow from my door.	من بایستی برف را ازجلوی درب خانه پارو کنم
'ایم گ' ئینگ تو شکی	I am going to ski.	من به اسکی میروم .
دو یو 'هو ساچ ,ا ,و,در این 'ایران	Do you have such a weather in Iran	آیا شما چنین هوائی در ایران دارید ؟
,یس وی 'هو ,ا ,وری ,س ,ور وین ,تر بات ,ایتر ,نات 'دمپ 'لیك دیس ,ا تیز د 'ری ,اند ,هلثی	Yes, we have a very severe winter, but it is not damp like this. It is dry and healthy.	بلی ما یك زمستان بسیار سختی داریم ولی اینقدر مرطوب نیست بلکه (هوای) خشك و سالمی است .
'ای تیك وی آر گ' ئینگ تو 'هو آنا,در ست' ژم	I think we are going to have another storm !	من تصور میکنم که طوفان دیگری خواهیم داشت . (مجدداً طوفان خواهدشد)
,یس ایت لوکس 'لیك,اب	Yes, it looks like it.	بلی همینطور بنظر میرسد .
,د و'رس ایز ,یت تو کام	The worse is yet to come.	بدتر از اینها خواهد شد .
'ای هیر تان ,در	I hear thunder.	من «صدای» رعد میشنوم .
ایت ,هیلز	It hails.	تگرك میبارد .
,در ایز ,ا 'لیت نینگ	There is a lightning.	«رعد و برق است» .

لفظ	جمله	معنی



BEAUTIFUL WINTER

لفظ	جمله	معنی
اُهْ ساچْ اِ رِین	Oh such a rain!	اوه چه بارانی
اِت هَز بین رِینینگ	It has been raining	تمام شب گذشته را
آل نایت	all night	باران می بارد
وی هَد اِ هِوی	We had a heavy	مادیروز گذشته بارندگی

تلفظ	جمله	معنی
شآ' یِزِدِ	shower yesterday	سنگینی داشتیم
,دِر اِز ,دِ ,رِنْبُ'	There is the rainbow	آنجا قوس و قزح است
,دِ سن بْرِکس آ'ت	The sun breaks out	خورشید در میآید
,دِ 'سن اِز تْ'رئینگ	The sun is trying	خورشید سعی زیاد دارد که
هارْدْ تو کام آ'ت	hard to come out	بیرون بیاید
,ایِز فاگی	It is foggy	ابر است
— ,وِری میسْتی	— very misty	خیلی مه آلود است
— ,اِ 'فاینْ 'نایْت	— a fine night	شب قشنگی است
— ,اِ 'نایس ,دی	— a nice day	روز خوبی است
— مون لایْت	— moonlight	مهتاب است
— سْ ,لِپِری آ'ت دُ' رْز	— slippery outdoors	بیرون‌درب(خارج)لیز است
,ایِز ,وِری هارد و واك	— very hard to walk	راه رفتن خیلی‌مشکل‌است
ایِز ,وِری سْپْ'لشی	— very splashy	خیلی گل و شل است
سْتریتس آر ,وِری مَدی	Streets are very muddy	خیابانها خیلی خیس‌است
ایز ,نت دِ س ,اِ بیو یعول ,دی	Isn't this a beautiful day?	آیا امروز روزقشنگی نیست؟
واټ ,اِ 'نایس ,دی	What a nice day!	چه روز قشنگی
» » ,وِ ,دِر	What a nice weather!	چه هوای خوبی
'جست 'لایك سْپِرینگ	Just like spring	درست مثل بهار

سؤال و جواب راجع بکار

تلفظ	جمله	معنی
'ای هَ ,وِنْت سین یو فُر ,اِ لانگ 'تایم	I haven't seen you for a long time	من مدت مدیدی است شما را ندیده‌ام.
,وِرْ 'هو یو بین ال دس 'تایم	Where have you been all this time?	این مدت‌را کجا بودید؟
آر یو وُرْکینگ ,اِنی وِرْ	Are you working anywhere?	آیاشماجائی مشغول‌کارید
ور آر یو وُرْکینگ ,ات	Where are you working at?	شما در کجاکار میکنید؟
دو یو لایك 'یُر وُرْك	Do you like your work?	کارتانرا دوست دارید؟

تلفظ	جمله	معنی
هآ' لانگ 'هو یو بین و'ر کینگ در	How long have you been working there?	چه‌مدت است شما آنجا کار میکنید ؟
ایز ایت ا گود پ‌لیس	Is it a good place?	آیا جای خوبی است ؟
آر یو پیدْ ول	Are you paid well?	آیا شما خوب پرداخت میشود ؟ (حقوق شما خوب است)
ایتیز ا پار 'تیم جاب	It is a partime job.	نصف روز کار است.
اتیز ا فول 'تیم جاب	It is a fulltime job	تمام روز کار است
ایز در ای 'چنس 'فر می تو گت این	Is there any chance for me to get in?	آیا برای من شانسی هست که آنجا داخل شوم ؟
'ای دُنت نُ اتیز هارْد تو تل	I don't know, it is hard to tell	من نمیدانم اظهار آن مشکل است
یس یو می ترای (ت'ری)	Yes, you may try	بلی شما ممکن است امتحان کنید
وی آر کو'ایت بیزی نآ'	We are quite busy now.	اکنون ما خیلی مشغولیم
در ایز نُ هپ ات پْ رزنت	There is no hope at present.	فعلاً امیدی نیست
'ای ول ترای تو هلپ یو سام‌هآ'	I will try to help you somehow	سعی خواهم کرد بشما کمك کنم
د بیزی نس ایز وری دیول	The business is very dull	تجارت خیلی سخت است (بازار راکد است)

وقت

تلفظ	جمله	معنی
وات 'تیم ایز ایت	What time is it?	چه ساعتی است
دَت کلاك ایز 'فست	That clock is fast	آن ساعت تند است
تل می د 'تیم پلی ز	Tell me the time please	خواهش میکنم وقت را بمن بگوئید
یُرْ واچ ایز وری سْلُو	Your watch is very slow	ساعت شما خیلی کند است
اتیز بی هیند 'تیم	It is behind time	از وقت عقب است
اتیز وی اَهِد آو 'تیم	It is way ahead of time.	خیلی از وقت جلو است

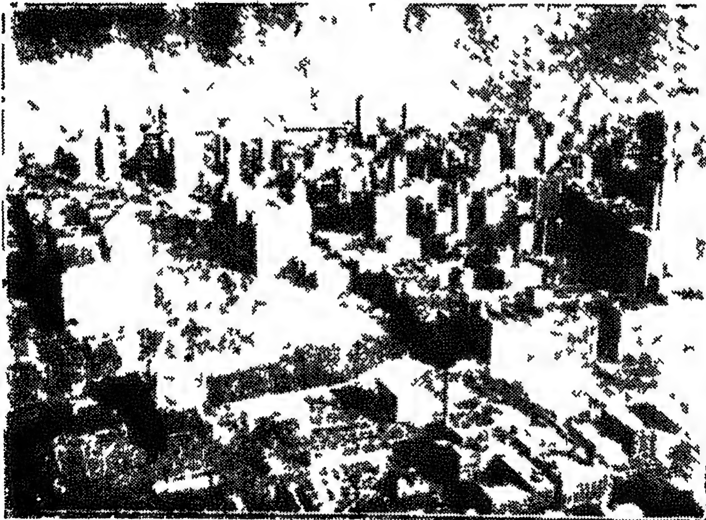
تلفظ	جمله	معنی
وات 'تیم ایزیت بای 'یُرْ واچ	What time is it by your watch?	با ساعت شما چه وقت است ؟
'می واچ 'هزْ سْتاپْدْ	My watch has stopped.	ساعت من ایستاده است .
'ای 'هوْ فُ'رْگارتِنْ تو ویند اِت (ویندِتْ) آپ	I have forgotten to wind it up.	من فراموش کرده ام کوکش کنم
'می واچ کیپْس گود 'تیمْ	My watch keeps good time.	ساعت من وقت را خوب نگاه میدارد .
'ای 'هوِنت گات دِ'تیم	I haven't got the time	نمیدانم چه وقت است .
اتیز تِن 'پَسْت تْوِلْوْ	It is ten past twelve.	دوازده و ده دقیقه است .
— کوآرْتِرْ پَسْت تو	— quarter past two	دو و ربع است .
— هَفْ پَسْت وان	— half past one.	یك و نیم است .
— تْوِنْتی 'پَس فُرْ	— twenty past four	چهار و بیست دقیقه است
— کوآرتِرْ تو 'فِیو	— quarter to five	پنج و ربع کم است
ایت 'جَسْت سْتْراك اِیْت	It just struck eight.	هم اکنون ساعت هشت زد
اتیز اِلِوِن اُ'کْلاك	It is eleven o'clock.	ساعت یازده است .
— میدْدِی (میدِی)	— midday!	ظهر است .
— مید 'نِت	— midnight.	نصف شب است
— فُ'رْنون	— forenoon.	قبل از ظهر است
— افْتِرْنون	— afternoon.	بعد از ظهر است

سن

تلفظ	جمله	معنی
هاو اُلْدْ آرْ یو	How old are you?	چه سنی دارید ؟
'آیمْ تِرْتی وان یِرْز اُلْدْ	I am thirty-one years old	من سی و یکساله ام
'ای شَلْ سون بی تو انتی 'فِیو	I shall soon be twenty five	بزودی بیست و پنج ساله خواهم شد
یو لوك یانْگِر	You look younger.	شما جوانتر نشان میدهید .
یو لوك ماچ اُلْدِر	You look much older	شما خیلی پیرتر نشان میدهید .
ای دیدْنْتْ نُ یو وِر سُ اُلْد	I didn't know you were so old.	من خیال نمیکردم شما اینقدر پیر باشید .
هی ایز اَت لیست فُرْتی	He is at least forty -	او حداقل چهل و پنج سال دارد .

تلفظ	جمله	معنی
فیو	five	
ای شل بی توانتی ایت نکست مارچ	I shall be twenty - eight, next March	من فروردین آینده بیست و هشت سال خواهم داشت
دس ایز مای برث دی	This is my birthday	این روز تولدم است
ایم اونلی سیکس تین	I am only sixteen	من فقط شانزده سال دارم
ایم نات از اولد از ای لوك	I am not as old as I look	من آنقدر که نشان میدهد پیر نیستم
دی تیك می فر توانتی ناین	They take me for twenty-nine	آنها مرا بیست و نه ساله تصور میکنند
یو پس فر توانتی فیو	You pass for twenty-five	شما از بیست و پنج بیشتر دارید
یو آر ا یانگ من یت	You are a young man yet	شما هنوز مرد جوانی هستید

شهر و راهنمائی



ALONG THE RIVER, TO THE LAKE, AT CHICAGO

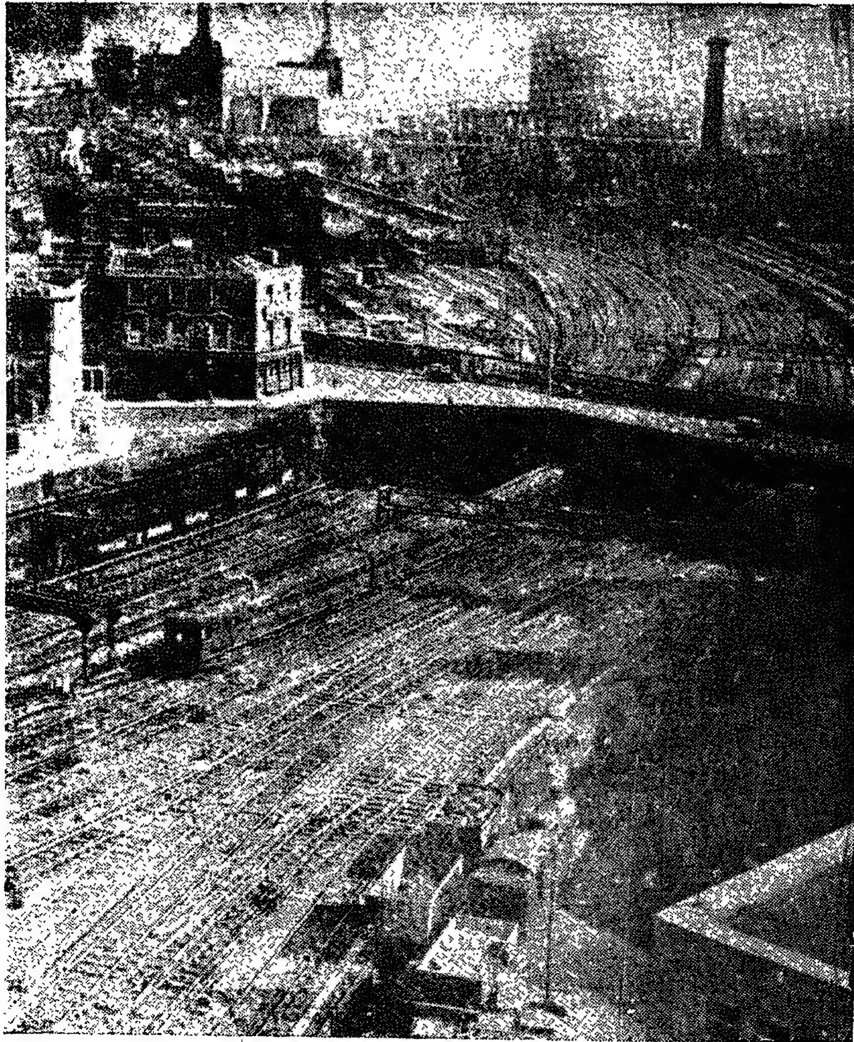
تلفظ	جمله	معنی
وات شتریت ایز دیس	What street is this?	این چه خیابانی است ؟
واتیز د نیم آو دیس شتریت	What is the name of this street?	اسم این خیابان چیست ؟
ورز ایز د ریل روی ش تیشن	Where is the railway station?	ایستگاه راه‌آهن کجاست .
هاو دو یو گت تو د ش تیشن	How do you get to the station?	چگونه میشود بایستگاه رفت ؟
ویچ ایز د نی رشت روی تو د دیپ	Which is the nearest way to the depot?	نزدیکترین راه به ایستگاه مسافرت کدام است ؟
ویچ ایز د روی تو جی — شتریت	Which is the way to J — street?	راه خیابان (ج) کدام است .
داز دیس رد لید می تو پی —	Does this road lead me to P —, ?	آیا من از این راه میتوانم به (پ) بروم ؟
هاو کن ای گت تو د پابلیك لیب رری	How can I get to the Public-Library?	چگونه من میتوانم بروم به کتابخانه عمومی ؟
ویچ وی ایز تو د می یوزی یم	Which way is to the Museum?	راه موزه کدام است ؟
گ شت ریت آن	Go straight on.	راست بروید
ترن تو د رایت	Turn to the right.	براست بپیچید
ترن تو د لفت	Turn to the left.	بطرف چپ بپیچید
کیپ تو یر لفت	Keep to your left.	سمت چپ ادامه بدهید
گ آپ شتریت	Go up street.	بروید بالای خیابان
گ دآن شتریت	Go down street.	بروید پائین خیابان
کراس د رد	Cross the road	آنطرف خیابان
ازیت فار فرام هیر	Is it far from here?	از اینجا دور است
ن، اتیز نات فار .	No, it is not far.	خیر دور نیست .
نات وری فار .	Not very far.	نه آنقدرها دور
یو کن سی ات فرام هیر	You can see it from here.	شما از اینجا میتوانید ببینید .
یس اتیز کوایت فار	Yes, it is quite far.	بله کاملا دور است .
اتیز تن می نتس واک	It is ten minutes walk	ده دقیقه راه است .
— هف آن آورز ریدّ	It is half an hour's ride.	نیم ساعت سواری است .

تلفظ	جمله	معنی
یو ,ب,تر ,تیك ,ا كار	You better take a car	شما بهتر است اتومبیل بگیرید .
وات ,ا كار شود ای ,تیك	What a car should I take?	چه اتومبیلی بهتر است بگیرم .
,انی کیند یو وود لیك	Any kind you would like.	هر قسمی که دوست دارید .
,انی ,یل' کب	Any Yello Cab.	(هر تاکسی زرد رنك)
هاَ آ ,فن ایز ,ا كار پسینگ بای هیر	How often is a car passing by here?	اتوبوس چند وقت بچند وقت از اینجا عبور میکند ؟
,در ایز وان ,اوِرِ ,تن می ,نتش	There is one every ten minutes.	هر ده دقیقه یکعدد هست .
,دی رن ,وری ایرِ,گولر هیر	They run very irregular here.	اینجا خیلی نامرتب عبور و مرور میکنند
,ویت او نتیل ,د كار ستاپس	Wait until the car stops.	صبر کنید تا اتوبوس بایستد
,نکست شتاپ ایز ,ترد ستریت	Next stop is third street.	توقف بعد خیابان سوم است
ن' سم' کینك پلیز این فرانت	No smoking please in front	خواهشمند است در قسمت جلو سیگار نکشید
سم'کینك آن ,د ریر	Smoking on the rear.	سیگار کشیدن در قسمت عقب
واتیز ,د ,فر	What is the fare?	کرایه چقدر است ؟
فیو ,سنت (,ا دم)	Five cents. (a dime)	پنج شاهی (ده شاهی) .
دیس كار رنز ,وری سل'	This car runs very slow.	این اتومبیل خیلی آهسته میرود
,اتیز ,رنینگ ,وری فست	It is running very fast	خیلی تند میرود
ـ ,شیكینگ	It is shaking	تکان میخورد
,ات ,میکس می دیزی	It makes me dizzy.	من را گیج میکند
کاندا کتر پلیز ,ات می آف ,ات ترد آ,ون یو	Conductor, please let me off at third Av.	میز خواهش میکنم بگذارید در خیابان سوم پیاده شوم
ویل یو گیو می ,ا ت ,رنسفر فر دی شتریت	Will you give me a transfer for D-St.	خواهش میکنم یك بلیط برای خیابان د بمن بدهید.
,ور شود ای چنج فر ,ام سکو ,ار پلیز	Where should I change for M — Square please?	خواهش میکنم بمن بفرمائید برای چهارراه ـ کجا بایستی (اتوبوس را) عوض کنم؟

تلفظ	جمله	معنی
دو یو سپیك اینگلیش	Do you speak English	آیا شما انگلیسی حرف میزنید ؟
ا لیتل نات ماچ	A little, not much.	یك کمی نه خیلی .
کن یو رید	Can you read?	میتوانید بخوانید ؟
یو رید وری ول	Yor read very well.	شما خیلی خوب میخوانید .
هاو لانگ هو یو لرند ات	How long have you learned it?	چه مدت آنرا یاد گرفته اید؟
ا باوت تو ییرز	About two years	تقریباً دو سال .
یو پرنانس وری ول	You pronounce very well.	شماخیلی خوب تلفظ میکنید
یو هو ا وری گود اکسنت	You have a very good accent.	شما یك تلفظ (آکسان) خیلی خوبی دارید .
ای فاوند د پرننسی ایشن وری دیفی کالت	I found the pronunciation very difficult.	تلفظ برای من بسیار مشکل است .
د اینگلیش لنگواج ایز وان آو د هاردست لنگواجز	The English language is one of the hardest languages.	زبان انگلیسی یکی از مشکل ترین زبانهاست
د آمریکن پرونسی ایشن ایز ماچ ایزی یر	The American pronuntiation is much easier.	تلفظ زبان آمریکائی خیلی آسانتر است.
دو یو هو ماچ دیفی کالتی تو سپیك	Do you have much difficulty to speak?	آیاشما برای صحبت کردن دچار اشکال زیاد هستید ؟
یس ای کنت سپیك وری ول بات ای دو اندرستاند وات اور دی سپیك اباوت	Yes, I can't speak very well, but I do understand whatever they speak about.	بلی ؛ من نمیتوانم خوب صحبت کنم لیکن راجع بهر موضوعی که صحبت کنند میفهمم .
ای تینك یو نید لاتس آو پراکتیس این کانورسیشن	I think you need lots of practise in conversation.	من تصور میکنم شما احتیاج زیادی بتمرین در صحبت کردن دارید .

ایستگاه راه اهن

دراستاسیونهای بعضی ازشهرهای بزرك بیش ازپنجاه رشته خطوط انشعابی (تراك) Track.) جدا میشوّد . تراکها هرکدام دارای شماره اند که مسافرین مقصد خود را اشتباه نکنند



تلفظ	جمله	معنی
ورْ ایز د ساوْث ش تی شن	Where is the South Station?	استاسیون جنوب کجا است ؟
ورْ ایز د تی رکت آفیس	Where is the ticket office?	دفتر بلیط (فروشی) کجاست؟
ورْ ایز د ویتینگ روم	Where is the waiting room?	اطاق انتظار کجاست ؟
آر یو گوئینگ بای اکس پرس	Are you going by express?	آیا شما با ترن سریع السیر میروید ؟
هاری آپ اند بای یر تی کت	Hurry up and buy your ticket.	عجله کنید و بلیط خودرا بخرید .
هاو ماچ ایزت تو باستن	How much is it to Boston?	تا بستن چقدر است؟ (کرایه)
پلیز چك می بگیج	Please, check my baggage.	خواهش میکنم رسید اثاثیه من را بدهید.
هیر ایز ا چك فر یر بگیج	Here is a check for your baggage.	این رسید اثاثیه شما است .
ون ایز د ترین تو ستارت	When is the train to start?	چه وقت ترن حرکت میکند ؟
تن می نتس فرام ناو	Ten minutes from now.	ده دقیقه دیگر .
ویچ تراك ایز فر شیکاگو	Which track is for Chicago?	کدام راه (سکو) برای شیکاگو است ؟
ورْ ایز د توالت	Where is the toilet?	مستراح کجا است ؟
ایز دژ ا پلیس تو درینك واتر هیر	Is there a place to drink water here?	آیا اینجا محلی برای نوشیدن آب هست ؟
ایز دژ ا لانچ روم نیر بای	Is there a lunch room near by?	این نزدیکیها رستوران - غذا خوری هست ؟
هاری آپ یو ویل میس د ترین	Hurry up, you will miss the train.	عجله کنید شما ترن را از دست خواهیدداد.
دو وی ستاپ ات تی	Do we stop at T — ?	آیا مادر (ایستگاه) ت - توقف میکنیم ؟
وی آر ات - ناو	We are at — now.	مادر (ایستگاه) ت هستیم .
گیو یر تی کتس	Give your tickets.	بلیطهای خود را بدهید .

تلفظ	جمله	معنی
ایز دیس سُم‌کینگ کار	Is this smoking car.	آیادر این واگون میشود سیگار کشید ؟
ن' رد سم'کینگ کار ایز این رد ریر — این فرنْت	No, the smoking car is in the rear. — in front.	خیر واگون سیگار کشیدن درعقب(یادرجلو) است .
یس یو می سم'ك هیر	Yes, you may smoke here.	بلی شمامیتوانید اینجا سیگار بکشید .
دو وی چنج هیر	Do we change here?	آیاما اینجا عوض‌میکنیم ؟
دو وی چنج انی ور ات ال فر هالی وود	Do we change anywhere at all for Holly-Wood?	آیاما برای هولیود اصولا بایستی جائی (ترن‌را) عوض کنیم ؟
ال چنج هیر	All change here.	همه‌دراینجا عوض میکنند .
وات ایز د نیم آو دیس سْ تی شن	What is the name of this station?	اسم‌این ایستگاه چیست ؟
می ای اپن دیس ویندو	May I open this window?	ممکن‌است(اجازه‌میفرمائید) من‌این پنجره را بازکنم .
دو یو مایند اپنینگ د ویندو	Do you mind openning the window?	«اجازه بفرمائید پنجره باز باشد»
می ای شات دت ویندو	May I shut that window?	ممکن‌است(اجازه‌میفرمائید) من آن پنجره‌را ببندم ؟
ایز در روم هیر فر وان	Is there room here for one?	آیااینجا برای یکنفرجا هست؟
ایز دیس سیت تی کن	Is this seat taken?	آیا اینجا گرفته شده‌است ؟

اداره پست

ور ایز د پست آفیس	Where is the Post Office?	اداره پست کجا است ؟
ور ایز د ل‌تر باکس ارآوند هیر	Where is the letter-box around here?	صندق پست کجا است ؟ (در این نزدیکیها)
در ایز ن' ل‌تر باکس ارآند هیر بات د پست آفیس ایز نیر بای	There is no letter-box around here, but the Post Office is near by.	صندوق پست‌این نزدیکیها نیست ولی اداره پست نزدیك اینجا است .

تلفظ	جمله	معنی
'کیندلی ,تل می ,ورْ ,د س 'تمپ ویند' ایز	Kindly tell me where the stamp window is.	لطفا بمن بفرمائید باجه «فروش» تمبر کجااست ؟
کیپ آنْ 'یر 'رایت ,نکست ك' ر ,نرْ	Keep on your right, next corner.	«ازدست راست بروید» اولین سه گوش خیابان .
پلیز ,وی دیس پار ,سل — ,ل,تر	Please weigh this parcel, — letter.	خواهش میکنم این بسته‌را (کاغذرا) وزن کنید .
ایت ,ویز تو پا 'ندز	It weighs two pounds	وزن آن دو پند است .
واث ایز این 'سایْد پلیز	What is inside, please?	خواهش میکنم بفرمائید داخل آن چیست ؟
,منوسکریپ	Manuscript.	اوراق و نوشتجات .
,مر ,چن 'د ,یز	Merchandise.	مال‌التجاره .
پرین ,تد 'م ,ترز	Printed matters.	اوراق ولوازم چاپی
'م ,گزین	Magazine,	مجله — (روزنامه‌جات) .
هاو ماچ ماست 'ای پی 'فر 'پس ,تیج	How much must I pay for postage?	چه‌مبلغ بایستی برای‌پست بپردازم ؟
ایت ریکوایرز توانتی ,سنتس و 'رث آو ثی 'تمپس	It requires twenty cents worth of stamps.	بهاء تمبر پستی آن بیست‌و پنج شاهی است
گیو می — وان تو ,سنتس — ثی 'تمپس	Give me one two cents stamp.	یك‌تمبر دوشاهی بمن بدهید .
— تو 'پست کاردز	— two post cards.	دوعددکارت پستال بمن بدهید .
— تری وان ,سنت ثی ,تمپس 'پلیز	— three one-cent stamps please.	خواهش میکنم سه‌عدد تمبر یکشاهی بمن بدهید .
'ای وود 'لایك تو ,رجیس ,تر دیس ,ل ,تر	I would like to register this letter.	من مایلم این کاغذ را سفارشی کنم .
'رایت 'یر 'ادرس آن د تاپ آو ,د این 'و ل 'پ	Write your address on the top of the envelope.	نشانی خودتان‌را دربالای پاکت بنویسید .
,ون داز ,نکست ,میل لیو 'فر سوئیت ,زر 'لند	When does the next mail leave for Switzerland?	اولین پست برای سوئیس کی حرکت خواهدکرد ؟

تلفظ	جمله	معنی
نکست میل لیوز فر تهران ایران ات تو ای ام	Next mail leaves for Teheran, Iran. At two A . M .	اولین پست «پست بعد» در ساعت دوقبل از ظهر حرکت میکند(برای تهران) P. M. – A. M. اولی علامت اختصار برای قبل ازظهر ودیگری برای بعد از ظهر میباشد این علامات اختصاری بین المللی و از زبان لاتین اقتباس شده است
ای لیك تو هو ا مانی ا ر ردر فر فیفتی د لرز	I like to have a money order for fifty dollars.	من مایلم مبلغ پنجاه دولار حواله پولی بفرستم
فردین ا ر دمِشتیك	Foreign or Domestic?	خارجه یا داخله ؟
ا ریت سر فیل آپ دیس ب لنك	All right, sir, fill up this blank.	بسیار خوب آقا این ورقه را پر کنید .
ور ایز د جنرال دلیوری ویندو	Where is the General delivery window.	باجه توضیع عمده کجاست؟
اتیز آن د آدر سیِد	It is on the other side.	در آنطرف است .
ایز دِر انی لِتر فر می	Is there any letter for me?	آیا کاغذ برای من هست ؟
هیر ایز می نیم اند ادرِس	Here is my name and address	این اسم وآدرس من است .
هیر ایز ا رجیسترد لِتر فر یو	Here is a registered letter for you.	این کاغذ سفارشی برای شما است .
سین دیس کارد پلیز	Sign this card please	خواهش میکنم این کارت را امضاء بفرمائید .
دِر ایز ناتینگ فر یو تو دی	There is nothing for you to-day.	امروز هیچ چیز برای شما نیست .
پلیز سند می میل تو دیس ادرِس هیر اف تر	Please send my mail to this address hereafter.	خواهش میکنم ازاین ببعد اوراق پستی مرا به این آدرس بفرستید .

هتل

تلفظ	جمله	معنی
دو یو هَو انی هتل روم فر می	Do you have any hotel room for me?	آیا هیچ اطاق هتل برای من دارید ؟
آی وانت ا سینگل روم	I want a single room	من یك اطاق تنها «یکنفره» میخواهم .
دید یو رزرو انی روم بیفُر	Did you reserve any room befor?	شما هیچ اطاقی قبلا ذخیره کرده اید ؟
یس دیس ایز می رزرویشن کارد	Yes, this is my reservation card.	بلی این ورقه ذخیره من است.
لت می چك پلیز	Let me check please.	خواهش میکنم اجازه بفرمائید رسیدگی کنم .
ای هو انلی ا وری سمال (شمال) ترانك	I have only a yery small trunk.	من فقط یك چمدان خیلی کوچك دارم .
دیس ایز یُر روم نَمبر توانتی تری	This is your room, Number 23?	این اطاق شماره ۲۳ مال شما است .
گیو می سام مچز پلیز	Give me some matches please	مقداری کبریت بمن بدهید .
لت می هو ا پیس آو سُپ	Let me have a piece of soap	مقداری صابون بمن بدهید .
ای وانت سامینگ تو ایت	I want something to eat	من میخواهم غذا و چیزی بخورم .
ات وات آور ایز د برك فست ردی	At what hour is the breakfast ready?	چه ساعتی صبحانه حاضر است
هاو ماچ دو یو چارج فر د روم	How much do you charge for the room ?	قیمت اطاق چقدر است ؟
وات دو یو چارج فر میلز	What do you charge for meals?	قیمت اغذیه چقدر است ؟
ای وود لایك تو هو می برك فست این بد	I would like to have my breakfast in bed	من دوست دارم صبحانه خود را در رختخواب بخورم
گیو می ا رینگ ات سِوِن	Cive me a ring at 7	ساعت ۷ مرا از خواب بیدار کنید

تلفظ	جمله	معنی
وِرْ ایز د ریدینگ روم	Where is the reading room ?	اطاق مطالعه کجاست ؟
دو یو هَو انی لِتِرْ پِیپِرْ پِن اند اینك	Do you have any letter paper, p e n, and ink ?	آیا شما کمی کاغذ مراسله قلم و جوهر دارید ؟
هَوْ یو انولاپْس تو	Have you envelopes too ?	پاکت هم دارید ؟

لباس شوئی

تلفظ	جمله	معنی
ای هَو سام لینِن فُرْ د لندری	I have some linen for the laundry	من مقداری لباس (ملافه سفید) برای لباسشوئی دارم
وِر ایز یُرْ لندری لیست	Where is your laundry list ?	لیست(صورت) البسه شما کجا است ؟
هیر ایتیز	Here it is —	اینجا است .
فُرْ کالرْز	Four collars.	چهار عدد یقه
تو وایت شِرْتْس	Two white shirts	دوعدد پیراهن سفید
تو پِرز آو کافز	Two pairs of cuffs.	دو جفت سر دستی .
تْری پِرز آو ساکْس	Three pairs of socks	سه جفت جوراب
تِن آندِرْ شِرْتْس	Ten undershirts	ده عدد پیراهن زیر .
تو دْرآوِرْز	Two drawers	دو عدد شلوار زیر .
وان نایت شِرت	One night shirt	یك پیراهن خواب
سیکس هَندکِرْچیفْز	Six handkerchiefs	شش دانه دستمال
وِن ویل مای لندری بی رِدی	When will my laundry be ready ?	لباسهای من کی حاضر خواهد شد ؟
ای ماست هَو ایت نِکْسْت ساتورْدی	I must have it next Saturday	من شنبه آینده آنرا میخواهم (اینرا داشته باشیم)
یو دُنْت پوت ستارچ ایناف	You don't put starch enough	شما باندازه کافی آهار (نشاسته) نمیزنید
ای میس ا کالر	I miss a collar	من یك یقه گم کرده‌ام
سی هاو بَدْلی دَت ایز دان	See how badly that is done.	ملاحظه کنید چقدر بد درست شده است

تلفظ	جمله	معنی
دس ایز بدلی ای رند	This is badly ironed	این بد اطو شده است
یو ماست تیک اِت بك	You must take it back.	شما بایستی آنرا بر گردانید (پس بگیرید) .
یو ماست دو اِت اَگین	You must do it again	شما بایستی آنرا مجدداً اطو کنید .
دیس شرت دَز نات بیلانگ تو می	This shirt does not belong to me.	این پیراهن متعلق بمن نیست

رستوران غذاخوری

تلفظ	جمله	معنی
ایز بریکفست ردی	Is breakfast ready?	آیا صبحانه حاضر است ؟
ایز دینر ردی	Is dinner ready?	آیا شام حاضر است ؟
آیم وری هنگری	I am very hungry	من خیلی گرسنه هستم .
وات وود یو لایك	What would you like?	شما چه دوست دارید ؟
گیو می ا کاپ آو کافی	Give me a cup of coffee	یك فنجان قهوه بمن بدهید
گیو می تی	Give me tea.	بمن چای بدهید .
ای وود لایك تو (ساف ـ هارد) بویلد اگز	I would like two (soft, hard) boiled eggs	من دو عدد تخم مرغ آب پز (نیمبند ـ سفت) میخواهم
ای وانت ا چیز آملت	I want a cheese omelet	من املت پنیر میخواهم
برینگ می سام واتر پلیز	Bring me some water, please	خواهش میکنم مقداری آب برای من بیاورید
دو یو ویش فر سوپ	Do you wish for soup?	آیا شما سوپ میل دارید ؟
وات شل ای هلپ یو تو	Whatshall I help you to?	من چه کمکی میتوانم بشما بکنم (چه میل دارید تقدیم کنم) ؟
پس می د شوگر پلیز	Pass me the sugar please	شکر را بمن لطف فرمائید
وینگر پلیز	vinegar please	سرکه « «
چینج دس نپکین	Change this napkin	این دستمال سفره را عوض فرمائید (نوعی کاغذ سفره)
هلپ یور سلف	Help yourself.	خودتان میل بفرمائید .

تلفظ	جمله	معنی
وی تر	Waiter,	پیشخدمت ـ
لت می سی د منو پلیز	Let me see the menu please.	خواهش میکنم صورت غذا را بمن نشان بدهید
وات هو یو فر دی نر	What have you for dinner	برای شام چه دارید ؟
وی هو	We have,	ما گوشت گاو سرخ کرده داریم .
رشت بیف	Roast beef,	
رست پرك	Roast pork.	گوشت بچه خوك سرخ کرده.
رشت تورکی	Roast turkey.	بوغلمون سرخ کرده
فرید ك د	Fried cod,	نوعی ماهی سرخ کرده .
ایز د رست بیف گود	Is the roast beef good?	آیا گوشت گاو سرخ کرده خوب است ؟
گیو می ا کلین فرك پلیز	Give me a clean fork please.	یك چنگال تمیز بمن بدهید .
د نت یو الیك	Don't you like,	آیا شما سبزیجات دوست ندارید ؟
ـ وج ب بلز	vegetables?	
ـ پ تیت وز	— Potatoes?	سیب زمینی « «
ـ ك بج	— Cabbage?	کلم « «
ـ ا نی ین	— Onions?	پیاز ـ ؟
دو یو هو ریس	Do you have rice?	آیا برنج (پلو) دارید ؟
ای لیك تو هو سام	I like to have some.	من مقدار کمی میل دارم .
د دی نر وار وری گود	The dinner was very good.	شام بسیار خوبی بود .
لیدی آ ز چك پلیز	Lady, our check please.	خانم خواهش میکنم صورت حساب مارا بدهید .

آشنائی و معرفی

تلفظ	جمله	معنی
دو یو ن مستر هنری	Do you know Mr, Henry?	آقای هنری را میشناسید ؟
ای د نت ن ای وان بای دت نیم	I don't know anyone by that name.	من هیچکس را باین نام نمیشناسم.
یس ای ن هیم ایتی میتلی	Yes, I know him intimately.	بلی من ایشان خیلی صمیمانه میشناسم .

تلفظ	جمله	معنی
هی ایز می فرِنْد	He is my friend.	او رفیق من است .
ای هوْ نانْ هیم فرْ ا لانگ تیم	I have known him for a long time.	من مدت مدیدی است ایشان را میشناسم
هی ایز مِیْ بْرادِرْ این لا	He is my brother in-law.	او برادر زن من است .
دو یو نُ هیم	Do you know him?	آیا شما ایشانرا میشناسید ؟
ای نُ هیم وِری وِل	I know him very well,	من ایشانرا خوب میشناسم .
وِرْ داز هی لیو	Where does he live?	او کجا اقامت میکند ؟
هی لیوزْ نیر بای	He lives near by.	او همین نزدیکیها اقامت دارد
کَنْ یو دی رِکْتْ می تو هیز هاوْس	Can you direct me to his house?	آیا شما میتوانید مرا بخانه ایشان راهنمائی فرمائید ؟
ای ویل شُ یو وِرْ هی لیوز	I will show you where he lives.	من بشما نشان خواهم داد او کجا اقامت دارد
وات دو یو تینك آو هیم	What do you think of him?	شما راجع باو چه عقیده دارید ؟ (فکر میکنید)
ای تینك هی ایز ا نیْس من	I think he is a nice man	من فکر میکنم او یك مرد خوبی است
هی ایز نات وِری ری لیَ بل (ریلایبل)	He is not very reliable.	او خیلی قابل اطمینان نیست .
یو کَن الْ ویز دِپِنْد آن هیم	You can always depend on him	شما میتوانید همیشه بایشان اطمینان کنید (رابطه داشته باشید) .
هی ایز ا کْروك	He is a crook.	او یك حقه باز (کلاه - برداری است)
هی ایز آنْ آنِسْتْ مَن	He is an honest man	او مرد شرافتمندی است .
هی ایز ا وری رِسْ پِك تِبل مَن	He is a very respectable man	او یکشخص بسیار محترمیست
ای دانت لایك دت لِیْدی ات الْ	I don't like that lady at all.	من آن خانم را بهیچوجه دوست ندارم .
شی ایز تو کانْ سیتِدْ	She is too coneeited.	او خیلی مغرور است .
شی هَزْ تو گود آنْ اپینیَن آو هِرْسلف .	She has too good an opinion of herself.	خیلی ازخودش خوشش میاید

تلفظ	جمله	معنی
هی هز آن ارگنت دیس پزیشن	He has an arrogant disposition.	او یك وضع متفرعنی دارد .
وات کیند آو ا لیدی ایز شی	What kind of a lady is she ?	اوچطور خانمی است ؟
ای تینك هی ایز ا وری گود هارتد من	I think he is a very good hearted man.	من تصور میکنم او یك مرد بسیار خوش قلبی است .
هی ایز می نیم سیك	He is my name-sake.	او هم اسم من است .
شی ایز ا واندرفول لیدی	She is a wonderful lady.	او یك خانم بسیار خوبی است .
شی ایز جست سویت انه بی یو تیفول	She is just sweet and beautiful.	او در حقیقت دختری است شیرین و زیبا .
هی ایز ا هندسم من	He is a handsome man.	او مرد خوشگلی ست .
شی ایز ا لاولی گرل	She is a lovely girl.	او دختر محبوب و دلربائی ست
هی ایز ا وری شمارب ب ئی	He is a very smart boy.	او پسر باهوشی است .
ای ویش ای نیو هر	I wish I knew her.	آرزو دارم که با او آشنا شوم (اشاره به مؤنث) .
ای ویش هی واز می فرینه	I wish he was my friend.	من آرزو دارم او (اشاره به مذکر) رفیق من بود .
ایل ویل اینترودوس یو تو هر	I'll introduce you to her.	من شما را به او معرفی خواهم کرد
شی ایز ا پور گرل	She is a poor girl.	او دختر فقیری است .
هی ایز ا ریچ من	He is a rich man	او مرد ثروتمندی است .

بازی ورق

دو یو پلی کاردز	Do you play card?	آیا شما ورق بازی میکنید ؟
وری لیتل	Very little,	خیلی کم .
ای الویز لوز	I always lose.	من همیشه میبازم .
ویل یو پلی ا گیم	Will you play a game?	آیا شما میل دارید یك پارتی بازی کنید .
شافل د کاردز ول	Shuffle the cards well.	ورقها را خوب بر بزنید .

تلفظ	جمله	معنی
هاو ماچ شل وی پلی فور	How much shall we play for?	چه مبلغ (شرط چه) بازی خواهیم کرد ؟
وی شل پلی فور نو مانی	We shall play for no money	ما برای پول بازی نخواهیم کرد
ای دونت لایک گمبلینگ	I don't like gambling.	من قمار کردن را دوست ندارم
جست تو پس اوی د تایم	Just to pass away the time	فقط بمنظور گذراندن وقت
کات پلیز	Cut please	خواهشمندم قطع (کوپ) بفرمائید .
هو ایز تو دیل	Who is to deal?	کی بایستی ورق بدهد ؟
یو آر تو دیل	You are to deal	شما بایستی ورق بدهید
دیل اگین	Deal again	مجدداً ورق بدهید .
ای هو ا گود هند	I have a good hand.	من دست خوبی دارم .
ایتیز یور ترن	It is your turn	نوبت باشما است
پلی	Play	بازی کنید .
ای پلی ا	I play a	من بازی میکنم — یك
هارت	heart,	— دل (دلـ)
دیمند	diamond.	— خشت
کلاب	club	— ترفل (گشنیز)
سپید	spade	— سیاه (پیك)
کینگ	king	— شاه
کوئین	queen	— بی بی .
ای هو لاست	I have lost	من باخته ام

مسافرت

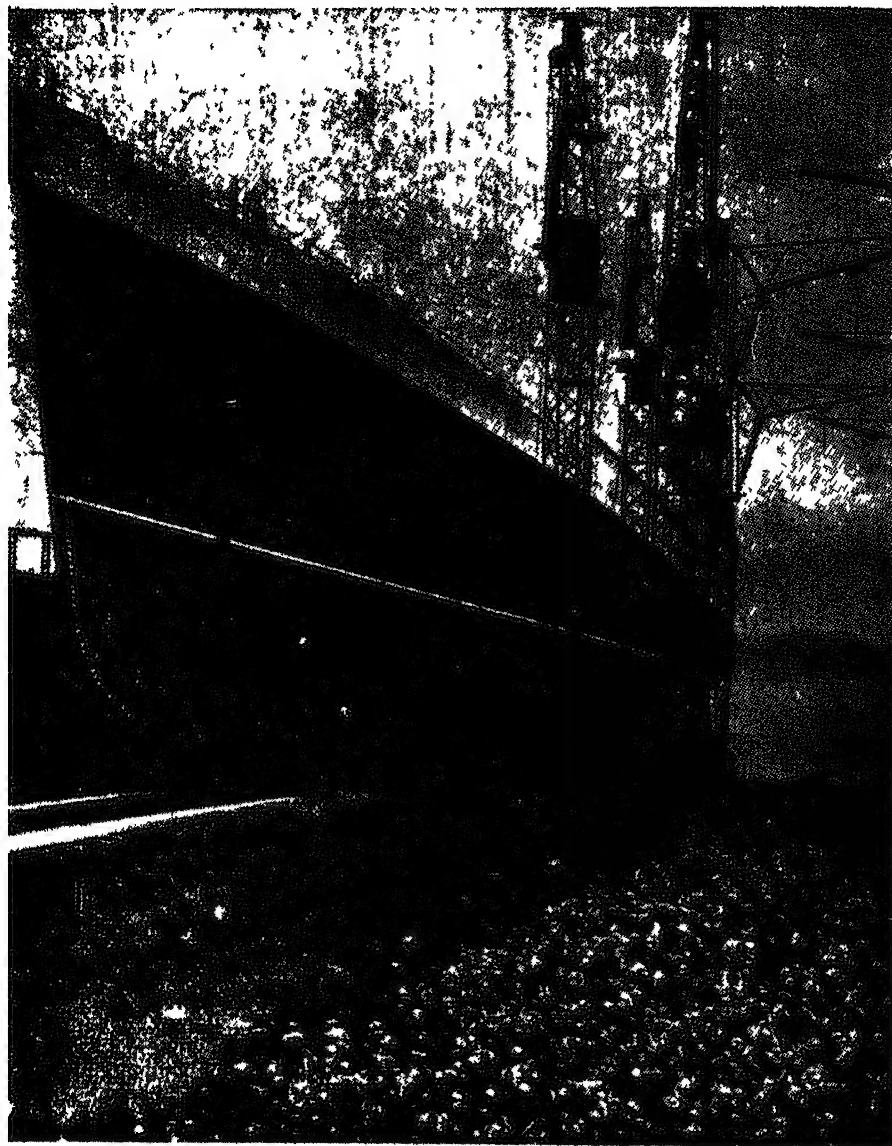
کلیه جاده های رانندگی بین شهر های آمریکا دارای شماره است بطوریکه اشخاص میتوانند از روی نقشه (نقشه های مخصوص مسافرت با شماره خطوط مسافرت) (Road Guide) بآسانی و بدون اشتباه بمقصد برسند .

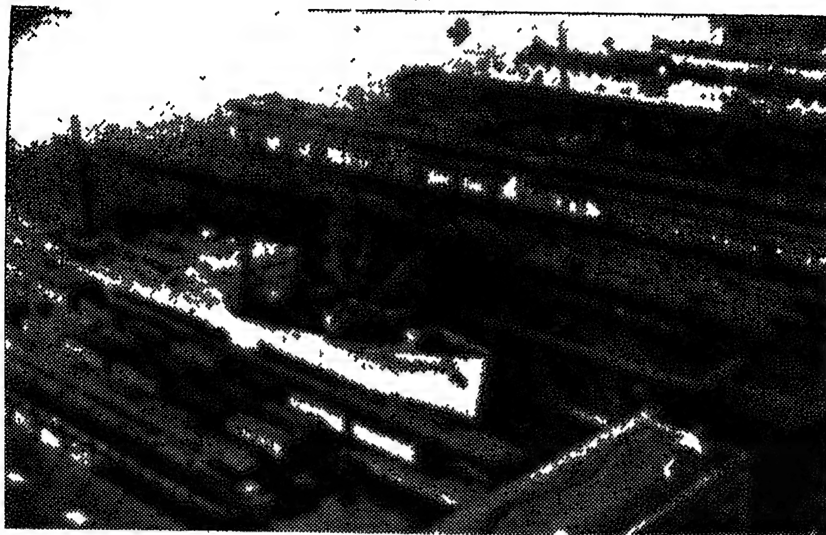
در کلیه فروشگاههای بنزین « رود گاید » (راهنما)مجانا به رانندگان داده میشود .

تلفظ	جمله	معنی
آرْ یو گ‌ئینگ تو کالیفرنیا	Are you going to California?	آیاشما بکالیفرنی میروید ؟
هاْ لانگ ویل یو سْتی دِرْ	How long will you stay there?	چه مدتی شما آنجاخواهید ماند ؟
اباْتْ ا مانْث	About a month.	تقریباً نزدیک یکماه .
وِن دو یو تینك آو گ‌ئینگ	When do you think of going?	شما فکر میکنید که کی حرکت خواهید کرد ؟
ای سِتْ آتْ تومْرُ	I set out to-morrow,	من فردا خواهم رفت . (حرکت خواهم کرد)
هَوْ یو مید اِلْ یر پْرِپاریشَنز	Have you made all your preparations?	آیاشما تمام تهیه خودرا دیده‌اید ؟
اِوْری تینگ ایز رِدی	Everything is ready.	همه چیز حاضر است .
دو یو اینتند تو ری رِتْرْن سون	Do you intend to return soon?	آیاشما خیال(قصد)دارید زود مراجعت کنید ؟
آر یو گ‌ئینگ فُرْ پْلِژِرْ اُرْ آن بی زی نِس	Are you going for pleasure or on business?	آیاشما برای تفریح (خوش گذرانی)میروید یا برای کار (تجارت) ؟
ای اینتند تو سْپِنْد مَی وِکیشِنْ دِرْ	I intend to spend my vacation there.	من خیال دارم تعطیلات خود را درآنجا بگذرانم .
ای مِیْ سْتارت ا بیزی نِس دِر	I may start a busi - ness there.	من ممکن است در آنجا شروع بکار کنم .
دید یو اِوِر تراوِل تو د وِسْتْ	Did you ever travel to the west?	شماهیچ بطرف غرب مسافرت کرده‌اید ؟
نُ ای دی‌دِنْتْ هَو ا چَنْس تو	No I didn't have a chance to.	خیر من شانس آنرا نداشتم (وقت آنرا نداشتم) .
ای هَوْ سین اِلْ اُوِرْ د ایست کُسْتْ آو د یونیتد سْتیتْس	I have seen all over the east coast of United States.	من تمام اطراف کرانه های شرق ممالك متحده را دیده‌ام
ویچ سْتیتْ دو یو لایك د بِسْتْ	Which State do you like the best ?	کدام استان را ازهمه بیشتر دوست دارید ؟
ای گِسْ اِلْ آرْ د سِیْم	I guess all are the same.	من تصور میکنم همه یکجورند

تلفظ	جمله	معنی
سآث آمریکا ایز تِرَبلی هات	South America is terribly hot.	در آمریکای جنوبی گرمای موحشی است -
نیویورك ایز وان آو د بیزی بیسْت سیتی آو د وُرلْد	New York is one of The busiest city of the world.	نیویورك یکی از شلوغترین (مشغولترین) شهرهای دنیا است .
ایف یو گُو آپ تو د نُرث وِسْت یو ویل فیند آن اِوِرگرین تاؤن	If you go up to the north-west you will find an ever-green town.	اگر شما بروید بطرف بالا (شمال غرب) یك شهر همیشه بهاری خواهید یافت .
هاؤ دو یو لیك شیکاگو	How do you like, Chicago?	شیکاگو را چطور دوست دارید .
اُه آی هو هِرد ا لاب تِریبِل تینگس اباؤت ایت	Oh! I have heard a lot terrible things about it.	اوه - من راجع بآن شهر یکچیزهای موحشی شنیده‌ام .
وای دُنْت یو گُو تو میشیگان	Why don't you go to Michigan?	چرا شما بمیشیگان نمیروید ؟
لیك میشیگان ایز ا گُلْدن لیك ایندید	Lake Michigan is a golden lake indeed.	دریاچه میشیگان درحقیقت یك دریاچه طلائی است .
ایف آی دیدنْت هَو تو تراول آی وود ستی اَت مای آون کانتری	If I didn't have to travel, I would stay at my own country	اگر من مسافرت کردن اجباری نداشتم در مملکت خود میماندم .
یو دُنْت هَو تو گُو انی وِر ایف یو دُنْت وانت تو	You don't have to go anywhere, if you don't want to.	شما مجبور نیستید بجائیکه دوست ندارید (نمیخواهید) بروید .
سُو آی ویل ستی هوم	So, I'll stay home.	بنابراین من خانه خواهم ماند







By rail to dock side — از راه آهن به اسکله

مسافرت با کشتی

ستیمْ شیپْ اِ ,جِنسیزْ	Steamship agencies	شعبه نمایندگی کشتی بخار (کشتی های مسافرتی)
فرِنْچْ لاین (لَیْنْ)	French Line	خط فرانسه
داچْ لاینْ	Dutch Line	— هلند
بریتیشْ اُوِرْ سیزْ لاینْ	British Overseas Line	— انگلستان و(آنور)دریاها
امریکنْ پاسیفیکْ لاینْ	American Pacific Line.	— امریکا و اقیانوس کبیر
ایزْ دِرْ وانْ هیِرْ هو سْپیکسْ اینگلیشْ ؟	Is there one here who speaks English?	آیا اینجا کسی هست که انگلیسی صحبت کند
یِش سِرْ وی کنْ سْپیک دِ انگلیش لَنگو اِجْ	Yes, sir, we can speak the English language	بلی آقا ما میتوانیم بزبان انگلیسی صحبت کنیم
آرْ یو آنْ اِ جِنت فور فرِنْچْ لاینْ ؟	Are you an agent for the French Line?	آیا شما شعبه نمایندگی خط فرانسه هستید

تلفظ	جمله	معنی
یس ,سر دیس ایز د پلیس	Yes, sir. This is the place.	بلی آقا همین محل است
,ون ویل د ,نکست ستی ,مر آو د فرنچ لاین لیو فر نیویورك ؟	When will the next steamer of the French Line leave for New York?	چه موقع کشتی بعدی (اولین کشتی) خط فرانسه بطرف نیویورك حرکت خواهد کرد ؟
,نکست ماندی ات فر ا کلاك این د آفتر (آف ,تر) نون	Next Monday at four o'clock in the afternoon.	دوشنبه آینده ساعت چهار بعد از ظهر
وات ایز د ,نیم آو د بت	What is the name of the boat?	اسم کشتی چیست ؟
وات ایز د ,فر فر ,ترد کلاس تو نیویورك؟	What is the fare for third class to New - York?	کرایه تا نیویورك برای درجه سوم چه مبلغ است؟
وات ایز د ,فر فر ,س کند کلاس ؟	What is the fare for second class?	کرایه برای درجه دوم چه مبلغ است ؟
وات ایز د دیف ,رنس ؟	What is the diffe-rence?	چه تفاوتی دارد ؟
دو وی هوا ,بتر (,ب ,تر) ,سر ویس ؟	Do we have a better service?	آیا ما سرویس (پذیرائی) بهتری خواهیم داشت ؟
,ب تر فود ؟	—a better food?	غذای بهتری ؟
ایز ایت ,ا کلین ,اند ستر انگ شیپ ؟	Is it a clean and st-rong ship?	آیا کشتی تمیز ومستحکمی است ؟
,یس ,سر ایت ایز کانسی ,د ,ر د وان آف ,د ,بست شیپز آو ,د فرنچ لاین	Yes. sir; it is consi-dered one of the best ships of the French Line.	بلی آقا این یکی از بهترین کشتیهای خط فرانسه تلقی میشود
,ون ایز ایت د یو ات نیویورك ؟	When is it due at New-York?	چه موقع به نیویورك خواهد رسید ؟
سیکس ,د یز اف ,تر ایتز ,دپار ,چر	Six days after its departure.	شش روز پس از عزیمتش
دو یو گیو پ ,رتی گود ,سر ویس این ,د ,ترد کلاس؛	Do you give pretty good service in the	آیا شما دردرجه سوم خوب پذیرائی میکنید ؟

تلفظ	جمله	معنی
ترد کلاس؟	third class?	
فرلی گود — بات از گود از د سکند کلاس آف کورس (کورس) بات گود ایناف فر د پرایس	Fairly good;—not as good as the second class, of course, but good enough for the price.	تقریباً خوب — البته نه بخوبی درجه دوم ولی نسبت به قیمتش خوب است .
هاو ماچ لاگیج آر وی الاد تو تیک ویذ اس ویذ آوت چارج	How much luggage are we allowed to take with us without charge?	چه مقدار اثاثیه بدون پرداخت بهاء اضافی مجاز است که باخود برداریم ؟
دو وی هو تو بی اگزامیند بی فر اینترینگ د شیپ	Do we have to be examined before entering the ship?	آیا ما بایستی قبل از ورود بکشتی معاینه شویم .
نو سر یو می بی اگزامیند این ساید د شیپ	No, sir, you may be examined inside the ship.	خیر آقا شما ممکن است در داخل کشتی معاینه شوید.
هو یو انی ترابل ویذ یز آیز	Have you any trouble with your eyes	آیا شما هیچگونه چشم دردی دارید .
نو سر آی هو نو ترابل واتسوور	No, sir. I have no trouble whatsoever	خیر آقا من از اینگونه اشکالات ندارم .
در ایز نو دات یو ویل پس	There is no doubt you will pass.	شکی نیست که شما قبول خواهید شد .
گیو می ا تیکت فر فرست کلاس تو نیویورک	Give me a ticket for the first class to New-York.	یك بلیط درجه یك برای نیویورك بمن بدهید .
ویل یو رجیستر یر نیم هیر	Will you register your name here?	ممکن است (خواهش میکنم) اسمتانرا اینجا بنویسید .
دیس ایز یر لیف اینشو رنس	This is your life insurance.	این بیمه نامه عمر شماست . (در مدت مسافرت).
دیس ایز یر تیکت دیس	This is your ticket.	این بلیط شما است .
ایز یر کابین نمبر	This is your cabin number.	این شماره اطاق شماست .
هو ا نیس ویج	Have a nice voyage.	اصطلاحی است برای سفر بخیر

تلفظ	جمله	معنی
تنکیو گود بای	Thank you; Good-bye.	متشکرم خدا حافظ .
دیس ایز مَی فِرْسْت تایم آن د سی	This is my first time on the sea.	این اولین باریست که من روی دریا هستم .
هاو دو یو لیک اِت	How do you like it?	شما چقدر از آن خوشتان میآید؟ــ اصطلاحی است برای (چطور است ؟)
ای تینک ایتیز نیس اند ای لی کت وری ماچ	I think it is nice, and I like it very much.	من فکر میکنم خوب است ومن خیلی آنرا دوست‌دارم
ای هو بین ترا ولینگ آن د شیپ فُرْ دِلَسْت تن ییرز	I have been travelling on the ship for the last ten years.	من ده سال است (ده سال اخیر) که با کشتی مسافرت میکنم .
سی هاو بیو تیفول دِ هرای زن ایز	See how beautiful the horizon is.	به بینید چه افق زیبائی است
د سی ایز سُ کالم	The sea is so calm.	دریا خیلی آرام است .
لت اس گُ تو دنسینگ	Let us go to dancing	بگذارید (بفرمائید) برویم به دانس .
— پلی ا گیم	— play a game.	برویم برای بازی .
— سوئی مینگ	— swimming.	— شنا کردن .
— تو بار فُر ا درینك	—to bar for a drink	— به بار برای نوشیدن .
ای وانت تو پراکتیس سام اینگلیش کان ور سی شن	I want to practise some English conversation.	من میخواهم قدری مکالمات انگلیسی یاد بگیرم . (مشق کنم) .
دیس ایز د بست تایم فُر دیس پِرْ پِس	This is the best time for this purpose.	این بهترین موقع برای این مقصود است .
د سی ایز س راف	The sea is rough.	دریا خیلی متلاطم(خشن)است
د ویند ایز ا گینست اس	The wind is against us.	باد برخلاف جهت‌ماست.
ای هو ا بَد سی سیك	I have a bad sea sick	من مریض بدی شدم (حالت تهوع واستفراغ است که‌در موقع زیاد تکان خوردن کشتی دست میدهد).

تلفظ	جمله	معنی
مِیْ تو واتْ شودْ وی دو ,ا باْ' ,تتْ	Me too; what should we do about it?	من هم همینطور. چه میتوانیم برای(راجع به) آن بکنیم؟
یو ,ب ,تر ناتْ تو ایتْ 'اتْ ا'لْ	You better not to eat at all.	شما بهتر است ابداً چیزی نخورید.
لوكْ ,د ,سیْ ,لرْز آرْ س' شورْ آوْ ,دمْ ,سلفزْ	Look; the sailors are so sure of themselves.	ملاحظه بفرمائید ملاحان چقدر نسبت بخود مطمئنند.
وی آرْ گوئینْگْ تو رِیچْ ,د ش'رْ سونْ	We are going to reach the shore soon.	ما بزودی بساحل خواهیم رسید.
وی آرْ گوئینْگْ تو بی واکسی ,نیْ ,تدْ سونْ	We are going to be vaccinated soon.	ما بزودی تلقیح خواهیم شد
'ایْ 'هوْ بینْ واکسیْ ,نیْ ,تدْ ا' 'رِدی	I have been vaccinated already.	من تلقیح شده‌ام (در گذشته)
لوكْ آ'تْ 'فرْ 'میْ تینْگزْ	Look out for my things.	اثاثیه من را نگاه کنید(متوجه باشید).
ایزْ دیسْ ,د وانْ	Is this the one?	این یکی است؟
داتْ وانْ تو	That one too.	آن یکی هم (هست)
ایزْ 'یرْ ,نیمْ آنْ ایتْ	Is your name on it?	آیا اسم شما روی آن هست
ویلْ یو ,اگزا مینْ دیسْ 'ترانْكْ 'پلیزْ	Will you examine this trunk, please	ممکن است این چمدان را معاینه فرمائید (خواهش میکنم.
,ورْ 'کنْ 'ایْ ,چنْج 'میْ مانیْ	Where can I change my money?	کجا میتوانم پول خود را تعویض کنم
ا'ه د مانیْ ,اکْس ,چنْج ایز کوْایْت ,ا کانْفیوزینگْ 'پراب ,لمْ	Oh! the money exchange is quite a confusing problem.	اوه— تعویض پول کاملا یك قضیه بغرنجی است.
واتْ کایْندْ آف مانیْ 'هوْ یو گاتْ	What kind of money have you got?	شما چه نوع پولی دارید؟
'ایْ 'هو ,ا 'هندْ ,ردْ پاْ 'ندزْ	I have a hundred Pounds.	من یکصد پوند دارم
هاْ ماچ ایزْ آنْ اینگلیش پاْ'ند ورْث بایْ آ,مریکنْ 'د ,لرْز	How much is an English pound worth by American dollar?	آیا ارزش یك پوند انگلیسی بدلار آمریکائی چقدر است؟

تلفظ	جمله	معنی
'ای دُ نْتْ نُ' یورب ,ترْ کُ' تو ,د 'بنكْ	I don't know, you better go to the bank.	من نمیدانم شما بهتر است به بانك بروید.
	هنگام ورود درگمرك	
واتْ ایر یرْ ,نیمْ	What is your name?	اسم شما چیست ؟
مای ,نیمْ ایزْ	My name is —	اسم من — است
واتْ ایزْ یرْ 'لسْتْ ,نیمْ	What is your last name?	اسم فامیل شما چیست؟
مای 'لسْتْ ,نیمْ ایزْ —.	my last name is —.	اسم فامیل من — است
هاَ' اُلْدْ آرْ یو	How old are you?	سن شما چیست؟
'ای 'امْ تو ,انتی 'فیوْ ییرْزاُلْدْ	I am 25 years old.	من بیست پنج سال دارم (۲۵ سال پیر هستم)
,ورْ ,ور یو ب' رْنْ	Where were you born?	کجا متولد شده اید؟
'ای وازْ ب' رْنْ این تهران ایران	I was born in Teheran, Iran	من در تهران ایران متولد شده ام
واب ایز یر آ کو پیْ شن	What is your occupation?	شغل شما چیست؟
'ای ام ,ا کار ,پنْ ,ترْ	I am a carpenter.	من یك نجار هستم.
— ,پینْ ,ترْ	— painter,	« نقاش هستم.
— ,بیْ ,کرْ	— baker.	« نانوا هستم.
— ستو ,دنْتْ	— student.	« محصل «
— ,لیْ ,برْرْ	— labourer.	« کارگر «
— آنْ اینجی نیر	I am an engineer	« مهندس «
آرْ یو ,مر یدْ	Are you married?	آیا شما ازدواج کرده اید
نُ' ,سرْ 'ایْ 'امْ سینْ ,گلْ.	No, sir, I am single	خیر آقا من مجرد هستم
,یش ,سرْ 'ایْ ام ,مرید	Yes, sir, I am married	بلی آقا من ازدواج کرده ام
واب ایر یر وَیف ز ,نیمْ	What is your wife's name?	اسم زن شما چیست؟
,هرْ نیمْ ا زْ -	Her name is —	اسم ایشان — است.
هاَ' لانْگ 'هو یو بیس	How long have you	چه مدت است که شما ازدواج

تلفظ	جمله	معنی
بین مرید	been married?	کرده‌اید؟
اباات تن ییرز	About 10 years.	تقریباً ده سال
هاؤ منی چیلدرن هو یو گات	How many children have you got?	چند بچه دارید؟
ای هو ن چیلدرن ات ال	I have no children at all.	من بچه ابداً ندارم .
ای هو وان بای اند تو گرلز	I have one boy and two girls.	من یکپسر ودو دختر دارم
وات آر دیر نیمز اند دیر ایجز	What are their names and their ages ?	اسامی وسن آنها چیست
دیر نیمز آر	Their names are—.	اسامیشان — است .
دیر ایجیز آر .... فیفتین ایت اند فیو	Their ages are fifteen eight, and five.	سنشان پانزده-هشت- و پنج (سال) است.
هو یو بین این دیس کانتری بیفور	Have you been in this country before	آیا شما قبلا دراین مملکت بوده‌اید؟
نو سر دیس ایز می فرست تیم	No, sir, this is my first time.	خیر آقا این اولین دفعهٔ من است .
هو یو انی رلا تیوز هیر	Have you any relatives here?	آیاشما هیچ بستگانی دراینجا دارید.
یس سر ای هو	Yes, sir, I have.	بلی اقا من يك عمو (دائی)
آنکل-فادر-سن-برادر - سیستر این لا-مادر - این لا-سن (است را)	Uncle, father, son, brother, sister-in-law, mother-in-law	پدر - پسر - برادرزن مادر زن و (غیره) دارم .
وات ایز هیز نیم	What is his name?	اسم ایشان چیست ؟
ورز دار هی لیو	Where does he live?	کجاا قامت‌دارد- زندگی‌میکند
هی لیوز این	He lives in —.	او در — اقامت دارد
ورز داز هی ورك	Where does he work?	او کجا کار میکند ؟
هی ورکز ات	He works at —,	او در — کار میکند
هی ایز این بی زی نس فر هیم سلف	He is in business for himself.	او برای خودش تجارت میکند (تجارت شخصی دارد)
هی ایز ا بی زی نس من	He is a businessman.	او مرد تاجریست
هی ایز نات مرید	He is not married	او ازدواج نکرده است .
هیز ویف ایز نات لیوینگ	His wife is not living	همسرش در گذشته است

تلفظ	جمله	معنی
مَیْ وِیْف ایز اینْ ایران	My wife is in Iran	همسر من در ایران است
تِلْ می هیز وَیْفْ ز اَنْد هیز چیلْدْرِنْز نیمْز	Tell me his wife's and his children's names	اسامی همسر و اولاد ایشانرا بمن بگوئید
هاو لانْگْ هَزْ یُرْ آنکِلْ بینْ اینْ دیس کانتْری	How long has your uncle been in this country?	چه مدت است که عموی شما در این مملکت است ؟
آلْمُسْتْ تِنْ ییرْز	Almost 10 years.	تقریباً ده سال .
دید یو پی یُرْ فِرْ اُرْ سام وان اِلس پِیْدْ ایت فُرْ یو	Did you pay your fare or someone else paid it for you?	آیا شما کرایه خود را داده اید یا شخص دیگری آنرا برای شما پرداخته است ؟
هِرْ دِزْ بینْ اِنی پْرامیز تو یو فُرْ وُرْك	Has there been any promise to you for work?	آیا هیچ قولی برای کار در آنجا بشما داده شده است؟
نُ سِرْ ناتْ یِتْ	No, sir, not yet.	خیر آقا (هنوز خیر)
آرْ یو گُئینگ تو اِنیْ اَدْرِسْ این پارْتیکولار	Are you going to any address in particular?	آیا شما بآدرس مخصوصی میروید
یِسْ سِرْ آیْ اَم گُئینگ دیْرِکْتْلی تو مَیْ آنْکِلْ	Yes, sir, I am going directly to my uncle.	بلی آقا من مستقیماً نزد عموی خود میروم
وِنْ دید یو هیرْ فرام هیمْ لَسْت	When did you hear from him last?	آخرین موقعیکه از او خبری داشته اید چه موقع بوده است؟
اِباوْتْ تو ویکس اَگُ	About two weeks ago	تقریباً دو هفته قبل
هاو ماچ اَنْد واتْ کایندْ مانی هَوْ یو اَباوْتْ یو	How much, and what kind money have you about you?	چه مبلغ و چه نوع پول با (همراه) خود دارید .
آیْ هَوْ تِنْ دِلارْزاینْ دِکَش اَنْد وان تاوْزَنْد فرانکْس	I have 10 dollars in the cash, and one thousand francs	من ده دلار نقد و یکهزار فرانك با خود دارم
هَوْ یو هَد اِنی ترابل ویث یُرْ آیْز	Have you had any trouble with your eyes?	آیا شما هیچگونه چشم دردی داشته اید ؟

تلفظ	جمله	معنی
نو ,سرْ	No, sir.	خیر آقا
ا'لْ رایت یو ,مِیْ گُ'	All right, you may go	بسیارخوب شمامیتوانید بروید

تردید و تبادل نظر

تلفظ	جمله	معنی
واب ایز تو بی دان	What is to be done?	چه بایستی انجام شود ؟
واب ك' ُرسْ شود وی ,تیك	What course should we take?	چه راهی را بایستی پیش بگیریم؟
واب 'شلْ وی دو	What sall we do?	ما چه خواهیم کرد ؟
واب 'هوْ وی تو دو	What have we to do	ماچه کاری داریم انجام بدهیم؟
,لتْ 'اسْ (,لتْسْ) سی	Let us see.	بگذارید ببینیم .
وی ماسْتْ ریصالوْ آپان سامْثینْگْ	We must resolve upon something	ما بایستی به چیزی تصمیم بگیریم
وی ماست ,تیْكْ سام ك' ُرسْ	We must take some course.	ما بایستی راهی پیش گیریم
'ای د'نْتْ ن' واب تو دو	I don't know what to do	من نمیدانم چه کنم .
'ای 'ام این ,ا گْرِیْت ,ام ب ,ررَسْمِنْتْ	I am in a great embarrassment	من در یك سر گردانی (مخمصه) بزرگی هستم
وی آر این ,ا گْرِیْت ,پر 'پلکسیتی	We are in a great perplexity	مادریك حیرت(سر گردانی) بزرگی هستیم .
دیس ایز ,وری ,ام ,برسینگ	This is very embarrassing	این خیلی مبهم است . (خیلی سر گردانی است)
د'نْتْ یو تینْكْ س'	Don't you think so?	آیا شما اینطور تصور نمیکنید؟
'ای تینك س'	I think so	من همینطور خیال میکنم
'ای د'نْتْ تینك س'	I don't think so	من اینطور خیال نمیکنم .
'ای داب ,اباُ'تْ ایت	I doubt about it	من راجع بآن مشکوکم .
آر یو شور	Are you sure?	آیا شما مطمئنید؟
تینك ,اتْ ا' ,ور	Think it over	(مجدداً) راجع بآن فکر کنید .
لیو ,اتْ تو می	Leave it to me.	آنرا بمن واگذار کنید .
ایف 'ای ,ورْ یو	If I were you.	اگر من (مثل) شما بودم
ایف 'ای ,ورْ این یُرْ (یور) 'پلیْس	If I were in your place.	اگر من بجای شما بودم .

تلفظ	جمله	معنی
ای ام آو ر اَ پینی ین دات.	I am of the opinion, that —.	من باین عقیده‌ام که —
ایف یو تیك می آدوِیس	If you take my advice —.	اگر شما نصیحت مرا قبول کنید
ای ام تینکینگ آف وان وی	I am thinking of one way.	من یك راهی را فکر میکنم.
این نُ وی	In no way.	بهیچ راه.
انی تینك یو سی	Anything you say.	هر چه شما بگوئید.
آن ایدی یا شترایکس می	An idea strikes me.	یك فکری بخاطرم رسید.
آن ایدی یا جست کیم تو می مَیند	An idea just came to my mind.	هم اکنون فکری بخاطرم رسید.
لتس دو سامثینگ اباوت	Let us do something about it.	بگذارید راجع بآن (عملی انجام دهیم).
لتس دو سامثینگ الس	Let us do something else.	بگذارید کار دیگری بکنیم.
دیس ایز ا وری گود ایدی یا	This is a very good idea.	این یك عقیده بسیار خوبی است.
وات دو یو تینك	What do you think?	شما چه فکر (تصور) میکنید
لتس دو سُ	Let us do so.	بگذارید همینطور (عمل) کنیم
ای هد را در	I had rather.	من ترجیح میدهم.
(ایتیز) ب تر	It is better.	این بهتر است.
وود ایت نات بی ب تر	would it not be better	آیا این بهتر نخواهد بود.
ایتیز د بست تینك وی کن دو	It is the best thing we can do.	این بهترین کاریست که ما میتوانیم بکنیم.
دیس ایز د انلی تینك وی کن دو	This is the only thing we can do.	ما فقط میتوانیم این کار را بکنیم.
یو هو وان مُرْ چنس	You have one more chance.	شما یك شانس دیگر هم دارید. شانس در جملات مختلف معانی مخصوص میدهد که گاهی متضاد میباشد.
گیو می وان مُرْ چنس	Give me one more chance.	بمن فرصت (امکان عمل) بدهید

تلفظ	جمله	معنی
اَیل ,تیك وان مُ'ز 'چنْس	I'll take one more chance.	من یکبار دیگرهم امتحان میکنم (ریسك میکنم)
یو ب ,تِرْ ناتْ تو ,تیك ,انی 'چنْ ,سِز	You better not to take any chances.	شما بهتراست هیچ (ریسك نکنید) خودرا بخطر نیندازید.
اَی 'ام (آیْم) ناب ,تیکینگ ,انی 'چنْ ,سِز	I am not taking any chances.	من ابداًکار احتمالی نمیکنم (خودرا بخطر نمیاندازم) .
واب آر یو ,ویتینگ ف'رْ	What are you waiting for?	شمامعطل چه هستید؟
,میْك آپ یُ'رْ 'مَیْند	Make up your mind.	اصطلاحیست که در مواقع تردید گفته میشود بمعنای تصمیم خودرا بگیرید.
واب ایز یُ'رْ دیسی ,ژِنْ 'اف ,تِرْ اُ'لْ	What is your decision after all?	بالاخره تصمیم شماچیست؟
اَی 'هپْ ایت ویل ,تِرْن آوت اُ'لْ 'رایت	I hope it will turn out all right.	من امیدوارم که خوب ازآب درخواهد آمد.
اَی 'هپ ایت وُ'رکْسْ	I hope it works.	امیدوارم مفید واقع شود
,لتس کیپ 'هپینگ	Let us keep hoping.	بگذارید امیدوار باشیم.

مکالمات برای استخدام

تلفظ	جمله	معنی
آیم لوکینگ ف'رْ ,ا جابْ	I am looking for a job.	من در جستجوی کاری میباشم
کود یو ,تلْ می ,ور اَی 'کن 'فیند ,ا جاب	Could you tell me where I can find a job?	آیا شمامیتوانید بمن بگوئید کجا میتوانم کاری پیدا کنم
'هوْ یو ,انی سْ ,پشیالیتی (تْ ,رید)	Have you any speciality? (trade)	آیا شما هیچ تخصصی دارید؟
وات کایند آو ,ا سْ ,پشیالیسْت آرْ یو	What kind of a specialist are you?	شما چه متخصصی هستید؟
'ایم ,ا کار ,پن ,تر	I am a carpenter.	من یك نجارم .
— ,پینْ ,تر	— painter.	» » نقاشم.
— ,تیْ ,لر	— tailor.	» » خیاطم.
— بارْ ,بِرْ	— barber.	» » سلمانی هستم

تلفظ	جمله	معنی
— پ رش من	— pressman.	من یک چاپچی هستم.
— آن این جی نر	—an engineer.	« « مهندس هستم .
ن سر ای هو ن ت ریْد	No, sir, I have no trade.	خیر آقا تخصصی ندارم .
ایم را کامان (لک من) لی برر	I am a common labourer.	من یک کارگر معمولی هستم.
ورْ ایز ایمپل ئی منت آفیس پلیز	Where is employment office please?	اداره استخدام کجاست؟ (خواهش میکنم)
آن د وست سید آو د ترد فل ر	On the west side of the third floor.	درقسمت غربی طبقه سوم.
گ تو د اینف ر می شن د سک	Go to the information desk.	به‌دفتر (میز) اطلاعات بروید
یس سر هوم دو یو ویش تو سی	Yes, sir, whom do you wish to see?	بله آقا چه کسی را مایلید ملاقات کنید (ببینید ؟)
ای وود لیک تو سی د ف ر من – باس	I would like to see the foreman,-(boss)	من مایلم رئیس قسمت را ملاقات کنم
ال ریت سر	All right, sir.	بسیار خوب آقا
گ ریت آپ ستر ز	Go right up stairs	مستقیم بروید بالا .
هیز نیم ایز ج نس	His name is Jones.	اسم او (جونس) است
یو ویل فیند هیم ات د دسک	You will find him at the desk.	شما اورا پشت میزخواهید دید (پیدا خواهید کرد)
هی هازنت کام یت	He hasn't come yet.	او هنوز نیامده است .
ای اکس پکت هیم انی می نت	I expect him any minute.	من هردقیقه انتظار اورادارم (یکی‌دودقیقه خواهدآمد)
یو کن ویت ات د آفیس اونتیل هی کامز	You can wait at the office until he comes	شما میتوانید در دفتر منتظر باشید تا او بیاید.
دز هی ایز کامینگ ناو	There he is coming now.	او اکنون دارد میآید
گود م ر نینگ مس تر ج نس	Good morning. Mr. Jones.	سلام آقای (جونس)
می ای هلپ یو	May I help you?	آیا ممکن است من بشما کمکی کنم (اصطلاحیست برای سؤال بمعنای چه

تلفظ	جمله	معنی
		فرمایشی دارید ؟)
هو یو ا جاب فر می	Have you a job for me?	آیا شغلی برای من دارید.
وات کن یو دو	What can you do?	شما چه میتوانید بکنید ؟
ایم آن اکس پرت مکانیك	I am an expert mechanic.	من یك مکانیك مطلعی هستم .
ایم ا فرست کلاس لبی برر	I am a first class labourer.	من یك کارگر درجه یك هستم
ای کن دو انی کایند آو هارد ورك	I can do any kind of hard work.	من هر قسم کار مشکلی را میتوانم انجام دهم .
ای هو تو ییرز اکس پری ینس این دیس ورك	I have two years experience in this work.	من در این کار دو سال تجربه (اطلاعات وتخصص) دارم .
ای هو گود رفرنسز	I have good references.	من تجربیات خوبی دارم.
ای هو نو ورك جست ناو	I have no work just now.	من فعلا کاری ندارم .
سری ای هونت انی جاب فر یو	Sorry, I haven't any job for you.	متأسفم من هیچ شغلی برای شما ندارم.
بات سر ایم هارد آپ اند ای بدلی نید تو ورك	But, sir. I am hard up, and I badly need to work.	ولی آقا من دچار سختی (تنگ‌دستی)میباشم‌واحتیاج مبرمی بکارکردن دارم .
ای هو ترا ولد ا لانگ دیش تنس ویش د هپ آو فیندینگ سام ورك هیر	I have travelled a long distance with the hope of finding some work here	من مسافت بعیدی را بامید پیدا کردن کاری در اینجا پیموده‌ام .
ول یو کام نکست ماندی ردی تو ورك	Well, you come next Monday, ready to work.	بسیار خوب شما دوشنبه آینده آماده و حاضر بکار باشید .
ای ویل ترای یو	I will try you.	من شمارا امتحان خواهم‌کرد
تنك یو سر	Thank you, sir.	متشکرم آقا
گود بای	Goodbye.	خدا حافظ

تلفظ	جمله	معنی

How to get a job – چگونه میتوان کار گرفت

تلفظ	جمله	معنی
'س یو هوْ بین لو کینگ فْ ر ا ،پزی ،شنْ ،اند 'کنْتْ 'فیند ،انی	So you have been looking for a position, and can't find any!	پس شما درجستجوی شغلی هستیدو نمیتوانیدهیچ (شغلی) پیدا کنید؛
داتْ ایز نات تو بی وان ،د ،ردْ 'ات	That is not to be wondered at.	این چیزی نیست که بآن تعجب کنید (باعث تعجب نیست)
ایت ،می این ،ت ،رست یو تو ن' ،دزْ آر ن' ،پز یشن ا' ،پن تو پی ،پل هو آزْ ا' ،پن ا'نلی تو ،پزیشنس	It may interest you to know there are no position open to people who are open only to position.	این ممکن است مورد توجه شما شود (ممکن است خوشتان بیاید) که بدانید هیچ شغلی باز نیست بروی اشخاصیکه فقط درجستجوی مقامند.
د ،فرست تینك تو دو' ایز تو دی ساید ،ور یو وانت تو و' رك	The first thing to do is to decide where you want to work.	قبل‌ازهمه چیز بایستی تصمیم بگیرید کجا میخواهید کار کنید.
ی'رْ ،نکست سْتْ ،تپْ ایز تو ،اکْ زرْت ،د ج'ینت تو ،کیشْ ،د ج' ینت	Your next step is to exert the joint. «to case the joint.»	قدم بعد شما کوشش وسعی برای تلاقی (استخدام) است
'ای نی یو ا یانك فال' وانس هو وانْ ،تدْ ا جاب آن ا نیوز ،پی ،پر این شیکاگو	I knew a young fellow once who wanted a job on a newspaper in Chicago.	من یکدفعه مرد جوانی را میشناختم که شغلی در یکی از روزنامه های شیکاگو میخواست.
هی وانْ ،تد تو و'رْكْ این ،د سْپ' رتینگ ،د پارتْ ،منْتْ	He wanted to work in the sporting department.	او میخواست که در قسمت ورزشی کار کند.
س' هی ،ونت تو ،د سْپ' رتینگ ا دیتْ' رْ ،اند ،سدْ یو نید می	So he went to the sporting editor and said, «you need me»	بنابراین او نزد رئیس قسمت ورزش رفت و گفت شما بمن احتیاج دارید.
'هوْ یو 'هدْ ،انی شیکاگو ،اکْسْ ،پری ،ینْسْ	Have you had any Chicago experiece?	آیا شماهیچ اطلاعاتی راجع به شیکاگو دارید
ن' 'ای 'هوِ نتْ	No, I haven't.	خیر ندارم

تلفظ	جمله	معنی
یو آر ن' گود تو می وید آ'ت شیکاگو اکس پری ینس ها' کن یو گت د شیکاگو اکس پری ینس اونتیل سامبادی گیوز یو ا جاب این شیکاگو	You are no good to me without Chicago experience. How can you get the Chicago experience until somebody gives you a job in Chicago?	شمابدون اطلاعات راجع به شهر شیکاگو برای من خوب نیستید «بدرد نمیخورید» چگونه شما میتوانید اطلاعاتی راجع بشیکاگو کسب کنید (نمیتوانید) تا شخصی در شیکاگو یك شغلی بشما واگذار کند.
دات ایز ی'ر پراب لم اند انی وی ای هو ن' ا' پنینگ ف'ر یو هیر	That is your problem and anyway, I have no opening for you here.	این مسئله مربوط بشماست و در هر حال من محلی در اینجا برای شما ندارم.
د لید سد «یو مین تو دی؟»	The lad said: «you mean today?»	جوان گفت «مقصود شما امروز است؟»
د ادیت'ر سد «یس»	The editor said «yes.»	رئیس قسمت گفت (بلی)
دن ایل دراپ این تو م'ر' سیم تیم	Then I'll drop in tomorrow, sametime.	پس من فردا همین موقع (اصطلاحی است برای ملاقات کردن) شما راملاقات خواهم کرد.
هی گات آپ د نکست م'رنینگ اند سد	He got up the next morning and said:	او صبح بعد برخواست و گفت
ایم گ'ئینگ آت ناو اند گت می سلف سام و'رك ایت دازنت میك انی دیف رنس وات کیند آف و'رك ا'ر ور ایتیز س' لانگ از ای میك ایناف آت آف ات تو ایت اند سلیپ	I am going out now and get myself some work, It doesn't make any difference what kind of work or where it is, so long as I make enough out of it to eat and sleep.	من اکنون خارج میشوم و کاری برای خود میگیرم هیچ فرقی نمیکند که چه نوع و یا کجا میباشد همانقدر که من بتوانم از آن تهیه خواب وخوراك کنم.
دن ای کن اف'رد تو ویت ف'ر دیس ا' پنینگ	Then I can afford to wait for this opening,	آنوقت من میتوانم تحمل این انتظار را برای باز شدن (محل) بنمایم.

تلفظ	جمله	معنی
بی کاز لوك سام دی ردر ویل بی آن ا پنینگ	Because, look, some day there will be an opening.	زیرا ملاحظه کنید بالاخره یک روزی محلی « باز » خواهد شد.
س هی ونت آت راند گات هیم سلف را جاب از را ستاك كلرك	So he went out and got himself a job as a stock clerk,	پس او خارج شد و برای خودش کاری مانند انبار داری پیدا نمود
راند دیس لید هو هد گت ریت لیت رری امبی شنز فاند هیم سلف تن درلی کا نتینگ آپ میل ین آن در شرتس راند دستینگ دم پی شنتلی فرام ایت تو فیو	And this lad, who had great literary ambitions, found himself tenderly counting up million undershirts and dusting them patiently from 8 to 5.	و این جوان که خیلی آرزوی علم و ادب داشت دید (خودرا یافت) که با شفقت « از ساعت ۸ تا ۵ و نیم » میلیونها زیر پیراهنی را شماره نموده و با صبر و حوصله گرد گیری مینماید.
راند ات سیکس ترتی هی وار این د سپ رتینگ د پارت منت آو د شیکاگو نیوز پی پر ویتینگ تو سی د سپ رتینگ ادیتر تو گیو هیم د ورك	And at 6.30 he was in the sporting department of the Chicago news paper, waiting to see the sporting editor, to give him the work:	و در ساعت ٦ و نیم او در اداره قسمت روزنامه شیکاگو منتظر ملاقات رئیس قسمت ورزشی بود که باو کار رجوع نماید
اه یو آر هیر را گین	Oh! you are here again?	اوه باز شما اینجائید؟ « باز شما آمدید؟ »
یس ریپلاید د لید	Yes, replied the lad.	« بلی » مرد جوان جواب داد
ول وات ای تلد یو یس تر دی گز فر تو دی	Well, what I told you yesterday goes for today.	بسیار خوب هرچه من دیروز بشما گفتم امروز تکرار میکنم « اصطلاحیست بمعنی تکرار میشود ».
دن ایل بی بك تو مرو سد د لید اند ونت هوم	Then I'll be back tomorrow.- said the lad, and went home.	جوان گفت « پس من فردا مراجعت خواهم کرد » و بمنزل رفت.
هی واز بك تو م ر اند اوری نیت اف تو	He was back tomorrow: And every	او فردا باز گشت و هر شب تا سه ماه تمام « مراجعه » نمود.

تلفظ	جمله	معنی
ُدتَ فُ'ز ترِی س' د لیدْ مانتْس	night after that for three solid months.	بعد از آن (برای سه ماه تمام)
وانْ ایْوْ نینگْ د شُپ' رتینگ ادیت'ز کُلدْ هیم اینتو هیزْ پْرای وِت آفیس اند سد	One evening the sporting editor called him into his private office and said :	یك شب رئیس قسمت ورزش او را باطاق خصوصی خود خواند و گفت
لوكْ هیر 'ای د'نتْ نید یو اند 'ای د'نتْ وانت یو	Look here, I don't need you and I don't want you;	«اصطلاحیست برای متوجه نمودن مخاطب در موقع شروع بصحبت بمعنای — گوش کنید — اینجا نگاه کنید» من بشما احتیاجی ندارم و شما را نمیخواهم
بات 'ای د'نتْ سی انی وی آو گتینگ ردْ آو یو	But I don't see any way of getting rid of you.	لیکن هیچ راهی نمی بینم که ازدست شماخلاص شوم
اكْ سپْتْ تو 'هیرْ یو دن 'ای کَنْ 'فیرْ یو 'ریتْ ا' وِی (رای ددِ	Except to hire you. Then I can fire you right away.	جز اینکه شمارا استخدام کنم آنوقت من میتوانم فوراً شما را اخراج کنم .
اندْ پْلیز گادْ یو ویل گُ' دنْ اند 'هنْتْ سام آ دزْ آفیس	And please God you will go then and haunt some other office.	آنوقت بامید خدا شما باداره دیگری مراجعه خواهی کرد (خدا روزیت را جای دیگر حواله کند)
اندْ س' د لیدْ واز هایرد ('هیرد)	And so the lad was hired.	و باین ترتیب مرد جوان استخدام شد.
اند هی واز ن ودْ فایرد	And he was never fired.	و او هیچوقت اخراج نشد .

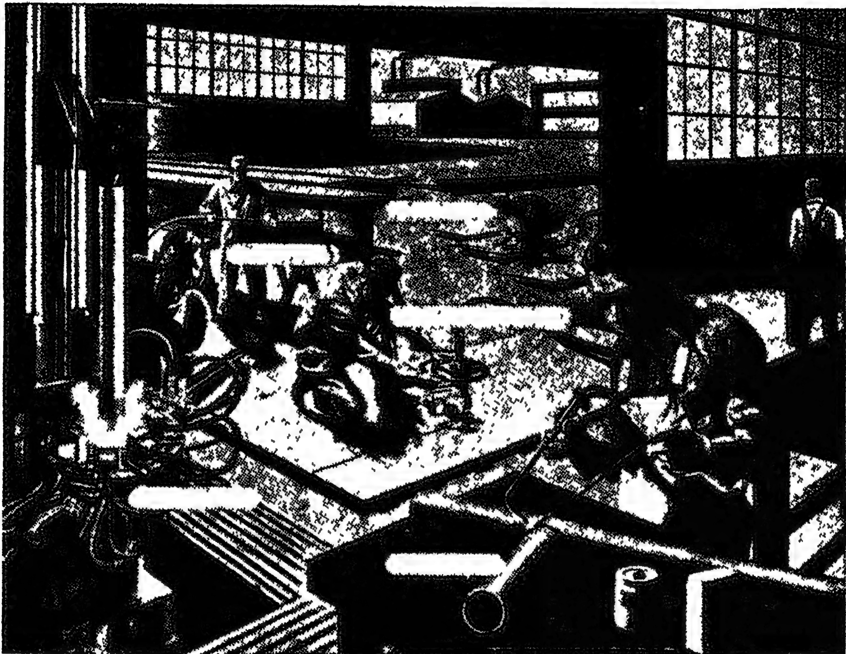
کارخانه و محل کار

تلفظ	جمله	معنی
دو دیس ,فرسْتْ	Do this first.	اوّل این (کار) را بکنید
هاری آپْ	Hurry up.	عجله کنید
دیس ایز اینْ ا گْتْ ,ریْتْ راشْ	This is in a great rush.	این خیلی با عجله است
پْلیز راش دیس ثْرو	Please rush this through.	خواهش میکنم اینرا باعجله تمام کنید
ایت ایز دی یو توم'ر' م'رْ نینگْ	It is due to-morrow morning.	فردا صبح انجام خواهد شد (دست خواهد داد)
,ونْ کَنْ یو فینیش ,ات ؟	When can you finish it ?	کی میتوانید آنرا تمام کنید؟
دو یو تینك ایت ویل بی ,ردی دیس 'افْ ,ترْ نون	Do you think it will be ready this afternoon ?	آیا شما فکر میکنید امروز بعد از ظهر حاضر خواهد شد (بود) ؟
کَن یو دو ,ات این 'هفْ آنْ آ' رْ	Can you do it in half an hour?	آیا شما میتوانید نیمساعته آنرا انجام دهید ؟
ن' 'ای کَن نات فینیش ,اتْ بی ف'رْ تو آ' رَز	No I cannot finish it befotetwo hours.	خیر من نمیتوانم آنرا قبل از دوساعت تمام کنم
دیس ایز تو ,هوی 'ای کَن نات ,لفتْ ,اِت	This is too heavy I cannot lift it.	این خیلی سنگین است من نمیتوانم آنرا بلند کنم
پْلیز گیو می سام ,هلْپْ آن دیس	Please give me some help on this.	خواهش میکنم برای این کمی بمن کمک کنید
گیو می ا 'هَنْدْ پْلیز	Give me a hand, please.	خواهش میکنم بمن کمک کنید
کود یو هِلْپْ می سام ها'	Could you help me somehow?	آیا شما میتوانید جوری بمن کمک کنید
ها' کَنْ 'ای هلْپْ یو	How can I help you?	چگونه میتوانم بشما کمک کنم ؟
آسْكْ ,د باسْ ف' رْ ,ا ,هلپ	Ask the boss for a help.	از رئیس قسمت تقاضای یک کمک کنید
د'نت بی س' ,لیزی	Don't be so lazy.	اینقدر تنبل نباشید
'ای'ام تو بیزی نا'	I am too busy now.	من حالا خیلی کار دارم

تلفظ	جمله	معنی
,ن ,ورْ ,مینْد ,ای کَنْ دو ,اِت ,ال' نْ	Never mind, I can do it alone.	اهمیتی ندارد من میتوانم بتنهائی آنرا انجام دهم
ای د'نْتْ وانت,انی ,هلْپ	I don't want any help.	من هیچ کمکی نمیخواهم
ای ویل دو اِت سون	I will do it soon.	من بزودی آنرا انجام خواهم داد
,پر ,هپْس دی یورینگ آن آوْ	Perhaps during an hour.	شاید در ظرف یکساعت
پوش اِت آپ دیسْ ,وی	Push it up this way.	آنرا از اینطرف ببالا هول دهید
پول ,اِپ دآونْ داتْ ,وی	Pull it down that way	آنرا از آنطرف بپائین فشار دهید
گتْ ,ا ه'لْدْ آن دات	Get a hold on that	آنرا نگاه دارید
پْ ,رِستْ دآونْ	Press it down.	بپائین فشار دهید
ای کَنْنَاتْ پول ,اِپ (پو ,لت	I cannot pull it.	من نمیتوانم آنرا بکشم
ای ویل دو ,اِتْ ازْ سون ازْ ای ,گتْ تْرو ویث دیسْ جاب	I will do it as soon as I get through with this job.	من پس از آنکه اینکاررا تمام کردم فوراً آنراانجام خواهم داد
دو یو سْمُ' كْ	Do you smoke?	آیا شما سیگار میکشید
ایت ایز ,ا ,فلثی ها ,بت	It is a filthy habit.	آن عادت کثیفی است
ن' ,د ,سنتْ منْ شود ایندا'لج این سْموکینگ اُرْ دْرینکینگ	No decent man should indulge in smoking or drinking.	هیچ شخص فهمیدهٔ نبایستی خود را تسلیم هوا و هوس سیگار کشیدن یا مشروب خوردن نماید
هو دید داتْ	Who did that?	چه کسی آن(عمل) را کرد ؟
هو بْر' كْ دیس	Who broke this?	کی اینرا شکست ؟
ای دی ,دنتْ دوْ ,اِت	I didn't do it.	من (اینکار را) نکرده ام
ای کو ,دنتْ ,هلْپ ,اِت	I couldn't help it.	من نتوانستم ازآن ممانعت کنم (اتفاقی بوده‌است)
ایتیز نات مای فْ'تْ	It is not my fault.	این تقصیر (اشتباه)من نیست
,د باس ت'لْد می تو دو ,اِت	The boss told me to do it.	رئیس بمن گفت اینکار را بکنم (باجازه او بوده‌است)

تلفظ	جمله	معنی
آیم نات ریسپانسی ,بل ف‌'رٚ اِت	I am not responsible for it.	من مسئول آن نیستم
'ای 'هوٚ ن' ریشپانسی بی لیتی	I have no responsibility,	من مسئولیتی ندارم
'ای دیدِ نتٚ ای ,ونٚ تا ,چتٚ	I didn't even touch it	من‌حتی بآن دست نزدم
'ای دیدِ نت سی ,انیٚ وانٚ د' ئینگ ,ات	I didn't see any one doing it.	من ندیدم کسی اینکار را بکند
'ای 'کنات ,اکیوزٚ ,انی وان	I cannot accuse anyone.	من نمیتوانم کسی را متهم کنم
'هوٚ یو دان ,انی تینك آو دِ کایٚنْدٚ	Have you done anything of the kind?	آیا شما هیچ نظیر(اینعمل) را انجام داده اید
'ای کو ,دنٚتٚ کاچ آن	I couldn't catch on.	من نتوانستم آنرا بگیرم
'ای دی ,دنتٚ ن' ,ات	I didn't know it.	من آنرا نمیدانستم
هی واز این یُو ,رنٚت آو دات رول	He was ignorant of that rule.	ایشان ازآن قاعده بی‌اطلاع بوده اند
یو شود 'هوٚ ت'لْدٚ می ,ا بآ' ,تتٚ	You should have told me about it.	شما میبایستی راجع بآن قبلا بمن میگفتید
'ای 'هوٚ فی نیشت مای و' رٚكٚ	I have finished my work	من کارم را تمام کرده ام
ویل یو گیو می سامتینگ ,السٚ	Will you give me something else?	ممکن است چیز دیگری بمن بدهید (رجوع کنید)
وات دو یو وانت می تو دو ,نکسْتٚ	What do you want me to do next?	چه میخواهید که من بعداً انجام دهم
ایز ,درٚ ,انی تینگ ,السٚ	Is there anything else	آیاآنجاچیز دیگری‌هست؟
گ' تو مشین کنترٚ'لٚ	Go to machine control	بیازرسی ماشین بروید
شتاپ دِ مشین	Stop the machine.	ماشین را متوقف کنید
کنترٚلٚ دِ اینٚ ,ترٚ نال دیا ,م ,ترٚ	Control the internal diameter.	قطر داخلی را بازرسی (کنترل) کنید
دیس تیوبٚ ایز ا' ,ورٚسایزٚ	This tube is over size	این لوله بزرگتر ازاندازه است
دات 'لینٚ ایز آن ,درٚ سایز	That line is under size	آن خط کوچکتر از اندازه است
ویل یو 'پلیز ایندی ,کیتٚ	Will you please ind-	ممکن‌است اندازهای‌صحیح

تلفظ	جمله	معنی
,اگزاکت دی ,من ,شنز	icate exact dimensions.	راتعیین کنید



Try always to improve your JOB METHODS

"ترای ال ,ویز" تو ایمپروو یر جاب مت'د'ز"

همیشه سعی کنید اسلوب کارخود را ترقی دهید

ال یو هو تو دو ایز تو پوت ا لی ,تل ,متال این ت' را کا ,جت (گجت) اند واچ د پ'ین ,تر	All you have to do is to put a little metal into a gadget and watch the pointer	آنچه را که بایستی شما انجام دهید اینستکه کمی فلز داخل کار گاه گذاشته و (درجه بندی) را نگاه کنید

معنی	جمله	تلفظ
این(مطلب)هیچگاه برای من تشریح نشده بود	It has been never explained to me.	ایت هاز بین ون ,وِرْ اِکسْپْلِیْنْد تو می
اینگونه تشریح فقط کمی وقت میگیرد (لازم‌دارد)	Such an explanation takes but little time	ساج آن اِکسْ پْلِ نِیْ شِنْ تِیْکْسْ بات لیتل تایم
این ممکن است بی اهمیت بنظر برسد لیکن خیلی با اهمیت است	It may seem unimportant, but it is very important.	ایت می سیم آن ایمپ‌اُرْ تَنْت بات ایتیز وری ایمپ‌اُرْ تنت

همیشه یك راه بهتری هست !

دِر ایز اُلْ وِیْز ا بِتِرْ وِیْ



ممکن است شما کسی باشید که آنرا پیدا کنید !

می بی یو کَنْ بی د وان تو فاینْدْ اِتْ

تبنک : فکر کنید

شرح تمام کار های خودرا صورت بردارید	List all details of the job.	لیست اُلْ دی تلز آو د جاب
تمام کارماشین خودرا صورت بردارید	List all your machine work	لیست اُلْ یُرْ مشین وُرْک
کلیه کارهای دستی‌را صورت بردارید	List all hand work	لیست اُلْ هَنْدْ وُرْک

تلفظ	جمله	معنی
دو یو تینك ایتیز ,ن ,سسری	Do you think it is necessary?	آیا شما فکر میکنیداین (کار) لازم است
وات ایز ایتس ,پز ,پس	What is its purpose?	مقصود از آن چیست ؟
,ون شود ایت بی دان	When should it be done?	چه موقع بایستی تمام‌شود ؟
هو ایز ,د ,بست کو آلی 'فید تو دو ,ات	Who is the best qualified to do it?	بهترین کسی که قادر بانجام آنست کیست ؟
ها' ایز ,د ,بست ,وی تو دو ,ات	How is the best way to do it?	بهترین راه انجام آن کدام است ؟
'کن یو ,لت می آف ' دیس 'اف ,تر نون	Can you let me off this afternoon?	آیا شما میتوانید امروز بعد از ظهر مرا مرخص کنید
'ای 'هو آن این ,گیج ,منت	I have an engagement.	من یک قرار ملاقاتی دارم
'ای 'هو ,ا لیتل آ'ت'سید 'بی زی ,نس تو ,ا ,تند تو	I have a little outside business to attend to	من کمی کار خارجی دارم که قصد انجام آنرا دارم
'ای دونت فیل ,ول	I don't feel well.	من حالم خوب نیست
ا'ه'ای 'ام تا ,یرد	Oh! I am tired.	من خسته شده ام
'ای'ام ا'ل این	I am all in	من بکلی ناتوان شده‌ام
'ای'ام ستاندینگ آپ ا'ل ,دی	I am standing up all day	من تمام روز را روی پا ایستاده ام
'ای 'هو دان ,ا هارد ,د 'یز و'رك	I have done a hard day's work.	من امرور کار مشکلی انجام داده ام
'تیم ,در اکز آن	Time drags on.	وقت سختی میگذرد
وات ,ا 'درا,جری	What a drudgery	چه کار کسل کنندۀ
'ای 'کن هارد لی ستاند آپ	I can hardly stand up	من بسختی میتوانم بایستم
,مستر جونس'ای 'هو ,ا ,فی ,ور تو 'اسك یو	Mr Johnson, I have a favor to ask you	آقای جونس من میخواهم تقاضای یک مساعدتی از شما بکنم
ویل یو گیو می ,ا لیتل ,ر 'یز	Will you give me a little raise?	ممکن است کمی بمن اضافه پرداخت کنید (حقوقم‌را اضافه کنید)
'ای 'هو ,ا لارج فمیلی تو سوپ' رت	I have a large family to support.	من فامیل بزرگی را اداره میکنم

تلفظ	جمله	معنی
ای هَوْ مُرْ اِکسْ پِری رِینْس ناَ	I have more experience now.	من اکنون اطلاعات بیشتری دارم
مِی وُرْك ایز وِری هارْدْ	My work is very hard	کار من خیلی مشکل است
ای تینك آیم وُرْثْ اِ لیتل مُرْ ناَ	I think I am worth a little more now.	من تصور میکنم اکنون استحقاق اضافه حقوق را دارم
لیوینگ ایز وِری هی ناَ اِ دِیزْ	Living is very high now-a-days.	زندگی اینروزها خیلی گران است (سطح زندگی بالاست)
هی ایز اِ رپید وُرْکرْ	He is a rapid worker	او کارگر سریعیست (زرنگیست)
دیس پرْسنْ شود بی کانسیدِردْ فُرْ پرُمُشنْ	This person should be considered for promotion.	این شخص بایستی برای ترفیع در نظر گرفته شود
هی ایز اَمبیشِزْ تو پراگْرِس اِند شود بی آدْوَیزْ هاُ تو کوآلی فَیْ هیم سِلفْ فُرْ	He is ambitious to progress and should be advised how to qualify himself for.	او آرزوی ترقی کردن را دارد و بایستی او را راهنمائی نمود که چگونه خودرا مستعد آن (ترقی) نماید
هی ایز کرْ لِس این وُرْكْ	He is careless in work	او نسبت بکار بی اعتناست
هی ایز اِ کلاكْ وا چرْ	He is a clock watcher	او مرتب بساعت نگاه میکند (اصطلاحیست بمعنای منتظر اتمام وقتست)
هی شود بی ترانسْ فرْد تو آدِرْ وُرْك	He should be transferred to other work	او بایستی بکار دیگری منتقل شود
اُ کِیْ یو کَنْ تیك دِ دی آف	O. K. you can take the day off.	بسیار خوب شما میتوانید امروز بمرخصی بروید

اختلاف ومشاجره

دُنْتْ سو اِرْ	Don't swear.	فحش ندهید
یو هَوْ نُ رَیْت تو سو اِرْ اَتْ می	You have no right to swear at me.	شما حق ندارید بمن فحش بدهید

تلفظ	جمله	معنی
وای دو یو سوِر رار	Why do you swear?	شما چرا فحش میدهید
واچ یُر تکینگ	Watch your talking.	مواظب حرف‌زدن خود باشید
دُنت بی سُ رود	Don't be so rude.	اینقدر بیتربیت نباشید
هل آن یو	Hell on you.	جهنم شو
گُ تو هل	Go to hell.	اصطلاحیست بمعنای برو بجهنم
دُنت ترابل می	Don't trouble me.	اسباب زحمت من نشوید
دُنت بی سیلی	Don't be silly.	احمق نباش (خریت نکن)
دیس ایز ا فولیش وِی یو اکت	This is a foolish way you act.	این طرز رفتار شما دیوانگیست
پلیز کیپ اُ وِی فرام می	Please keep a w a y from me.	خواهش میکنم از من دور باشید
دُنت بادر می	Don't bother me.	مزاحم من نباشید
آیم تایرد آو یُر جُکس	I am tired of your jokes.	من از شوخیهای شما خسته شدم
ویل یو کیپ کوایت	Will you keep quiet?	ممکن است ساکت شوید
دُنت تاچ می	Don't touch me.	بمن دست نزنید
ستاپ یُر فولینگ	Stop your fooling .	دست از مسخرگی خود بردار
مایند یُر آن بی زی نس	Mind your own business.	بکار خودتان کارداشته باشید
ای دُنت کر	I don't care.	من اهمیتی نمیدهم
ای دیدنت دو انیتینگ تو هیم	I didn't do anything to him.	من اوراهیچ کاری نکرده‌ام
هی ستراک می فرست	He struck me first.	اول او مرازد
وای دُنت یو لت می ورک	Why don't you let me work.	چرا نمیگذارید من کارم را بکنم
یو آر اُلویز بادرینگ می	You are always bothering me.	شما همیشه مزاحم من هستید
پلیز تل هیم تو ستاپ	Please tell him to stop	خواهشمیکنم بگوئید نکند
یو بلادی فول	You bloody fool !	احمق بی‌تربیت
فُر گاد سیک دُنت	For God's sake don't.	ترا بخدا نکن
وای دُنت یو ستاپ	Why don't you stop?	چرا خاتمه نمیدهید
وات هو ای دان تو یو	What have I done to you?	من بشما چه کرده ام

تلفظ	جمله	معنی
'کَنْتْ یو کیپ کوآیت	Can't you keep quiet?	آیا شما نمیتوانید ساکت شوید؟
آر یو کِ ریزی	Are you crazy?	آیا شما دیوانه هستید
نانْ سِنْس	Nonsense.	بی معنی
سیلی 'تُکْ	Silly talk.	حرف احمقانه
گاد دِمْنْ (دِمْ) یو	God. Damn you.	خدا لعنت کند
دُنْت کاسْتْ می تْرا بِلْ	Don't cast me trouble	باعث گرفتاری من نشوید
اُ رایت لِتْس شِکْ 'هَنْد	Alright, let us shake hand.	بسیار خوب بیائید دست بدهیم (آشتی کنیم)
'فُرْ گیْو می دات واز مای 'فُتْ	Forgive me, that was my fault.	من‌را ببخشید تقصیر از من بوده است
'فُر گیْو اند 'فُرْ گِتْ	Forgive, and forget.	ببخشید و فراموش کنید
'فُر گِتیتْ	Forget it.	صرفنظر کنید
ای هیتْ تو بادِرْ یو	I hate to bother you	من از اذیت کردن شما بیزارم (نمیخواهم شمارا اذیت کنم)

اطاق کرایه

تلفظ	جمله	معنی
سینْ گِلْ روم	Single room.	اطاق منفرد
'سَید روم	Side room.	اطاق کناره
فرُنْتْ روم	Front room.	اطاق جلو (رو به خیابان)
فِرْ نیشتْ روم	Furnished room.	اطاق مبله
آن فر نیشت روم	unfurnished room.	اطاق بدون مبل
هات اندْ کُلْدْ وا تِرْ	Hot and cold water.	آب گرم وسرد
ویندُ 'زْ	Windows.	پنجره
توالِتْ	Toilet.	روشوئی (مستراح)
سْتیم هیتْ	Steam heat.	حرارت بخار
فِرْ نِیْس هیت	Furnace heat	حرارت کوره
گَسْ 'لَیْتْ	Gas light.	روشنائی گاز
الکتریک 'لَیْتْ	Electric light.	روشنائی برق
چِرْز اند تیْ بِل	Chairs, and table.	صندلی و میز
بیورُ	Bureau.	دفتر

تلفظ	جمله	معنی
دِرْ ایز اِ فِرْنیشت رُوم این دیس هاءُس	There is a furnished room in this house.	یک اطاق مبله در این خانه است
آیْلْ گُءُ این اِند سی اِتْ	I will go in and see it	من داخل میشوم و آنرا می بینم
گود مُرْنینگ سِرْ ایز دِ لَنْد لِیدی این	Good morning, sir ; is the landlady in?	سلام آقا ـ خانم خانه هستند؟
یِس سِر شی ویل بی آءُت این اِ می نِت	Yes, sir; she will be out in a minute.	بلی آقا ایشان درعرض یکدقیقه خواهد آمد
هَوْ یو اِنی رومز تو لِت	Have you any rooms to let ?	آیا هیچ اطاق برای کرایهٔ دارید
یِس سِرْ واتْ کایند آو رومز وود یو لیک	Yes,sir; what kind of rooms would you like ?	بله آقا شما چه جور اطاق دوست دارید
ای وانْت اِ سینگِل روم	I want a single room	من یک اطاق منفرد میخواهم
ای وانت اِ لارج سکوِرْ روم	I want a large square room .	من یک اطاق چهار گوش وسیع میخواهم
یِس سِرْ وی هَوْ اِ نَیس وان آنْ دِ سِکَنْد فلورْ	Yes , sir ; we have a nice one on the second floor .	بلی آقا ما یکعدد خوب در طبقه دوم داریم
می ای هَوْ اِ لوک اِ تِتْ	May I have a look at it ?	ممکن است آنرا نگاهی بکنم ؟
سِرْ تِنْلی	Certainly .	البته (محققاً)
کام رَیْت آپ	Come right up .	تشریف بیاورید بالا
هیر ایز دِ روم	Here is the room .	اطاق اینجاست
یو سی اِوْری تینک ایز نیو اِند کلین	You see everything is new and clean .	ملاحظه کنید همه چیز نوو تمیز است
وِنْ دو یو هَوْ سَنْ شَیْنْ این دیس روم	When do you have sunshine in this room ?	چه مواقعی در این اطاق آفتاب هست ؟
وی هَوْ سَنْ شَیْنْ اُلْ دِ مُرْنینگ	We have sunshine all the morning .	تمام صبح آفتاب میتابد (آفتاب داریم)
وی هَوْ اِتْ این دِ افْتِرْ نون	We hav it in the afternoon .	ما بعد از ظهر ها آنرا (آفتاب) داریم

تلفظ	جمله	معنی
دو یو هَو انی نُ یز این دیس هاُس	Do you have any no-ise in this house ?	آیا شما هیچ (سروصدائی) دراین خانه دارید ؟
نُ سِرْ وی هَو نُ چیلدْرن	No, sir; we have no children .	خیر آقا ـ ما بچه نداریم
دیس ایز ا وِری کوایت هاُس	This is a very quiet house .	این خانهٔ بسیار ساکتیست
دیس ستریت ایز وِری کوایت تو	This street is very quiet, too .	این خیابان هم خیلی ساکت است
آی ویل لوک اِت ا فیو آدِر رومز بیفور آی دیسایْد آن دیس وان	I will look at a few other rooms before I decide on this one	قبل‌ازاینکه‌راجع باین‌یکی تصمیمی بگیرم یکنگاهی به چند اطاق دیگرمیکنم
هَو یو اِنی آدِر روم تو لِت این دیس هاُس	Have you any other room to let in this house ?	آیا هیچ (اطاق)دیگری برای اجاره دراین منزل دارید ؟
یِس سِر وی هَو ا سمُل وان آن دِ تِرْد فلُر	Yes, sir; we have a small one on the third floor .	بله آقا ما یک (اطاق) کوچک‌درطبقه سوم داریم
آی تینک آی ویل تیک دیس وان	I think I will take this one .	من خیال میکنم‌این یکی‌را بگیرم
وات دو یو اَسک فُر دیس وان	What do you ask for this one?	قیمت این چقدر است (چه مبلغ میخواهید)
دیس وان ایز تو دلرز	This one is two do-llars .	این یکی دو دولار است
آی ویل سِند مَی ترانک تومُرُ	I will send my trunk to-morrow .	من فردا چمدانم را خواهم فرستاد
ویل یو گیو می ا کی تو دِ دُر	Will you give me a key to the door .	خواهش میکنم کلید دررا بمن بدهید
دو یو وانت دِ رِنت این اَدوانس	Do you want the rent in advance ?	آیا شما کرایه را پیش میخواهید

منزل و اپارتمان اجاره

تلفظ	جمله	معنی
ل' کالیتی	Locality.	محل و مکان
فل' ژ	Floor.	کف اطاق
سوئیت	Suite.	چند اطاق کامل با تمام وسائل زندگی
س ,لژ	Cellar.	زیر زمین
جانی ,تر	Janitor.	سرای دار
د' ژ کی ,پژ	Door-keeper.	دربان
آ' ,نر	Owner.	مالک
,رنت	Rent.	اجاره
فر' نت	Front.	نما (قسمت جلو)
ریَر (ری,ار)	Rear.	قسمت عقب
وانتی ,لیْ ,شنْ	Ventilation.	تهویه هوا
,کت ,چنْ	Kitchen.	اشپزخانه
بثْت تابْ	Bath tub.	وان (برای حمام گرفتن)
ما ,دژنْ ایمپروْوْ ,منْتس	Modern improvement	دستگاه (مدرن) و تکمیل
ا'لْ کانْ,ونی ,انْسِز	All conveniences.	تمام وسائل راحتی
ا'لد 'ف ,شنْ	Old fashion.	قدیمی
هی 'اکْتْس این سْتْ,ریْنج 'ف ,شنْ	«He acts in strange fashion.»	«او رفتارعجیب و غریبی دارد»
,د لانگ سْ ,کرْتس ایز ن' لانْ ,گرْ ,د 'ف,شنْ	«The long skirts is no longer the fashion»	«دامن بلند دیگر مد نیست» (معمول نیست)
,جنتلمنْ ,وژ 'کنْ 'ای'فیند ,د جانی ,تر آوْ دیس بیلدینگ	Gentleman, where can I find the janitor of this building?	آقا من کجا میتوانم سرایدار این ساختمان را پیدا کنم ؟
'ای د' نْتْنْ' ,وژ هی ایز	I don't know where he is.	من نمیدانم او کجاست
'ترای ,نکسْت د' ژ	Try next door.	درب پهلوئی را سری بزنید
هی ,میْ بی دا'نْس ,ترژ	He may be down-stairs.	او ممکن است پائین باشد
هی ایز هیر	He is here.	او اینجاست
'پلیز ش' می ,ا ,ت ,نِیْنْت	Please show me a tenement.	خواهش میکنم یک منزل بمن نشان بدهید

تلفظ	جمله	معنی
هآ‌ٌ لارج ایز اِتْ	How large is it ?	چه اندازه است ؟
اِتْ هَزْ ثْرِی رومزْ وان بارْ لِرْ وانْ سْلیپینگ روم اند وان کِ چِنْ	It has three rooms, one parlor, one sleeping room and one kitchen .	سه اطاق یک طالار (سالن) یک اطاق خواب و یک اشپزخانه دارد
هَوْ یو وانْ وِیث تو رومز	Have you one with two rooms ?	آیا شما یک (منزل) دو اطاقه دارید
— فُرْ رومزْ	— four rooms ?	— چهار اطاقه ؟
واتیز دِ رِنْتْ	What is the rent ?	کرایه آن چقدر است ؟
فیفتین دُلَرْ اِ ویک	Fifteen dollars a week .	هفته ۱۵ دلار
ایزدیس اِ گودْ لُکالیتی	Is this a good locality	آیا این یک محلهٔ خوبیست
هآ‌ٌ نیر ایز دِ سْتِیْ شِنْ	How near is the station ?	ایستگاه (راه آهن) چقدر نزدیک است ؟ (چقدر راه است)
دو یو هَوْ اِنی چیلدْ رِنْ	Do you have any children ?	آیا شما هیچ بچه دارید ـ
یِس سِرْ ای هَوْ وانْ بُ ی اند تو گِرْلْزْ	Yes , sir ; I have one boy and two girls.	بله آقا من یک پسر ودو دختر دارم
دی آر وِری کو ایِتْ	They are very quiet.	آنها خیلی ساکتند
مِی تِنَنْتس آبْ جِکْتْ تو چیلدْ رِن	My tenants objet to children .	مستاجرین من از بچه خوششان نمیآید
ای ویل اَسْکْ دِ اُنِرْ اِباوتْ اِتْ	I will ask the owner about it ?	من از مالک راجع بآن خواهش خواهم کرد
وی هَوْ نُ چیلدرِن	We have no children	ما بچه نداریم
دو یو هَوْ مادِرْن ایمپْرُوْ مِنْتْسْ	Do you have modern improvemerts ?	آیا شما یک دستگاه جدید (مدرن) و کامل دارید
دِ رومزْ آرْ تو سْمُ لْ	The rooms are too small .	اطاقها خیلی کوچک هستند
دِرْ ایز نُ روم هیر	«There is no room here.»	« اینجا جا نیست »
ای کَنْتْ لیوْ این اِ کْلُ زْ کوآرْ تِرْزْ	«I can't live in a close quarters.»	من نمیتوانم در یک جای کوچک و شلوغ زندگی کنم

تلفظ	جمله	معنی
هَوْ یو کْلا زِتْس	Have you closets ?	شما جای لباس دارید ؟
یِس سِرْ وی هَوْ اُل کانْ وِنی انْسِزْ	Yes ,sir ; we have all conveniences.	بله آقا ماتمام وسائل راحتی را داریم
دِرْ ایز ا پْلیس فُرْ ویسْت دِر ایز ا نیس توآ لِت روم ویث هات اند کُلْدْ وارْتِرْ	There is a place for waste , there is a nice toiletroom with hot and cold water.	یک ذباله دانی و یک اطاق آرایش (حمام روشوئی مستراح) قشنگ با آب سرد وگرم دارد
ایز دِ سْکول هاوْس فار فرام هیر	Is the schoolhouse far from her ?	آیا مدرسه خیلی دوراست
نُ سِرْ ایتیز آن دِ نِکْسْت سْتریت	No , sir ; it is on the next street.	خیرآقا در خیابان مجاور است
دِ پُسْت آفیس ایز نیر بای	The Post Office is near by.	اداره پست خیلی نزدیک است
دِ تی اِتِرْ ایز فار	The teatre is far.	تآتر دور است
دِ مارْکِتْ ایز اُنْلی فیو می نِتْس واکْ(واکث) فرامْ هیر	The market is only five minutes, walk from here.	از اینجا تا بازار فقط پنج دقیقه راهست
دِرْ ایز نُ مارْکِتْ فُرْ دیس گود	«There is no market for this good. »	« این مال التجاره دربازار خریدار ندارد »
دِ مارْکِتْ رُزْ	«The market rose. »	« قیمتها بالا رفته است »
دیس ایز ا سِنْتْرالْ لُکیشِنْ	This is a central location.	این محل مرکزیت دارد (بهمه جا نزدیکست)
وِنْ ویل یو مووْ این	When will you move in ?	چه موقع باینجا اسباب کشی خواهید کرد
ای ویل مووْ آن دِ فِرْسْت آو دِ مانْثْ	I will move on the first of the month	من اول ماه اسباب کشی خواهم کرد
دو یو وانْتْ انی دیپازِتْ	Do you want any deposit ?	آیا شماهیچ بیعانه میخواهید
اُ نُ ایف یو دُنْتْ مووْ این رایْت اِوِی یو وُنْتْ هَوْ اِتْ لِیتِرْ	Oh ! no , if you don't move in right away you won't have it later.	اوه خیر اگر شما زود اسباب کشی نکنید دیگر آنرا (دیرتر) بدست نخواهید آورد

تلفظ	جمله	معنی
یس وی وانت د رنت این اد ونس	Yes, we want the rent in advance.	بلی آقا ما اجاره را پیش میخواهیم

پرداخت مال‌الاجاره

تلفظ	جمله	معنی
پی د رنت	Pay the rent.	اجاره را بپردازید
ای کن نات پی د رنت دیس مانث	I cannot pay the rent this month.	من کرایه این ماه را نمیتوانم بپردازم
ایل پی ات نگست ویک	I'll pay it next week.	هفته آینده آنرا میپردازم
ای ویل نات پی د رنت انتیل یو فیکس د ویندو	I will not pay the rent until you fix the window.	تاپنجره را تعمیر نکنید کرایه را نمیپردازم
د روف ایز لیکینگ	The roof is leaking.	طاق چکه میکند
د واتر پیپ ایز فرزن	The water pipe is frozen.	اوله آب یخ بسته
د گس پیپ ایز لیکینگ	The gas pipe is leaking.	اوله گاز سوراخ شده (چکه میکند)
د واتر پیپ ایز برست	The water pipe is burst.	اوله آب ترکیده است
ون ای تلد هر شی برست اینت تیرز	«When I told her, she burst into tears.»	وقتی من باو گفتم یکدفعه بگریه افتاد »
ای برست آو لاف	«I burst of laugh »	« من از خنده ترکیدم »
د سلر ایز فلودد ویس واتر	The cellar is flooded with water.	زیر زمین از آب پرشده است
هر آیز واز فلودد آو تیرز	«Her eyes were flooded of tears.»	« چشمانش پر از اشک بود »
هو ات فیکسد ات وانس	Have it fixed at once.	فوراً آنرا تعمیر کنید
د ویند گلاس ایز سمچد (سمشد)	The window glass is smashed.	شیشه پنجره شکسته است
د وال پیپر ایز تورن	The wall paper is torn.	کاغذ های دیوار پاره شده
د والز نید وایت واش	The walls need whitewash.	دیوار احتیاج به سفید کردن (آب پنبه) دارد

تلفظ	جمله	معنی
اَیْ وانْتْ اِ کی تو دِ بَکْ دُ رْ	I want a key to the back door.	من یک کلید برای درب عقب میخواهم
دِ چِمْ نیْ ایز سْمُ کینگ بَدْلی	The chimney is smoking badly.	دودکش بدجوری دود میکند (گرفته است)
وی وُنْتْ پِیْ دِ رِنْتْ اَن لِسْ یو فیکس اِوْری تینگ	We won't pay the rent unless you fix everything.	تا اینکه همه چیز را تعمیر نکنید ما کرایه را نخواهیم پرداخت
تِ نِنْتْسْ دآ نْسْ تِرْزْ (آپْسْ تِرْزْ) آرْ مِیْ کینگ تو ماچ نُ یْزْ	Tenants downstairs (upstairs) are making too much noise.	مستاجرین پائین (بالا) خیلی سروصدا میکنند
وی کَنْ نات سْلیپْ اَتْ نایْتْ	We cannot sleep at night.	ماشب نمیتوانیم بخوابیم
وی وانت اِ کی	We want a key.	ما یک کلید میخواهیم
دِ لاکْ ایز آ تْ آوْ اُ رْدِرْ	The lock is out of order.	قفل خراب شده (کار نمیکند)
اَی واز اینُ سِنْتْ باتْ دِیْ لاکْدْ می آپْ فُ وُ ن هُ لْ ییر	«I was innocent but they locked me up for one whole year.»	« من بیگناه بودم ولی یکسال تمام مرا بزندان انداختند »
وی وانت اِ نی یو اَیْسْ باکْسْ	We want a new icebox.	مایک یخچال نومیخواهیم
وی لَیْکْ تو هَوْ اِ رِدیُ تِلْ وی ژِن	We like to have a radio television.	ما یک رادیو تلویزیون میخواهیم
ایت کاسْتْ یو مُ رْ رِنْتْ اَنْ لِسْ یو بایْ اِتْ فُ رْ یُ رْ اُ نْ	It cost you more rent unless you buy it for your own.	اجاره شما اضافه خواهدشد مگر اینکه برای خودتان (شخصی) بخرید
هیر ایز یُرْ رِنْتْ	Here is your rent.	این کرایه شماست
پْلیز پَسْ می دِ رِسیتْ	Please pass me the receipt	خواهش میکنم بمن رسید بدهید

نانوائی

گودْ ایوْ نینگْ لِیْدی اَیْ وود لَیْکْ تو گِتْ اِ لُ فْ آوْ بْرِدْ	Good evening lady, I would like to get a loaf of bread.	سلام خانم (سلام شب) من یک قرص نان میخواهم

تلفظ	جمله	معنی
وات ا ل' فر هی ایز	«What a loafer he is.»	« او چه آدم بیماریست »
یس سر وات کیند وود یو لیک	Yes, sir; what kind would you like ?	بله آقا چه نوع (نان) دوست دارید ؟
ای وانت ا پک آو بلاک برد	I want a pack of black bread	من یک بسته نان سیاه میخواهم
وایت برد	— white bread.	نان سفید —
یس وی هو جست وات یو وانت	Yes; we have just what you want	بله هرچه بخواهید داریم .
وود یو لیک فرش اُر ستیل برد	Would you like fresh or stale bread ?	آیا شما نان تازه دوست دارید یا نان بیات؟
ایز دِر انی دیفرنس این د پرایسس	Is there any difference in the prices?	آیا قیمتشان تفاوتی دارد ؟
نُ دی آر بُث ات د سیم پرایس	No, they are both at the same price.	خیر هردو یک قیمتند.
یس ستیل برد ایز ا نیکل چیپر	Yes, stale bread is a nickel cheaper	بلی نان بیات پنج شاهی ارزانتر است (نام سکه پنج سنتی است)
ای تینک ایل تیک فرش برد	I think I'll take fresh bread.	من نان تازه میگیرم.
ای پری فر ستیل برد	I prefer stale bread.	من نان بیاترا ترجیح میدهم
دکترز ریکمند ستیل برد	Doctors recommend stale bread.	دکترها نان بیات را تجویز کرده‌اند.
دیس وان ایز فرش تو دی	This one is fresh to-day.	این یکی امروز تازه است
دیس ایز فرام یستر دی	This is from yesterday.	این از دیروز است
وات کیند آو کیکس اند پیز دو یو هو	What kind of cakes and pies do you have ?	چه قسم نان کک و مربائی دارید ؟
دو یو هو میلک هیر	Do you have milk here ?	آیا اینجا شیر دارید ؟
یو هو ا لند آو میلک اند هانی	«You have a land of milk and honey.»	« شما یک مملکت پر از نان و نعمت دارید »

تلفظ	جمله	معنی
یش سر وی هو پور فرش ملک	Yes, sir, we have pure fresh milk.	بله آقا ما شیر تازه و خالص داریم
میلکی وی	«Milky way.»	« کهکشان»
گیو می ا پنت	Give me a pint.	یک قوطی بمن بدهید
پنت	« Pint. »	(وزنیست برای مایعات کمی بیشتر از نیم لیتر)
گیو می ا ک' رت	Give me a quart.	یک چارک بمن بدهید
ک' رت	« Quart. »	(وزنیست برای مایعات مساوی ۰/۹۶ لیتر)
ها' ماچ ایز ا ک' رت	How much is a quart ?	چارکی چند است ؟
وی سل ات فر کو آرتر ا ک' رت	We sell it for quarter a quart.	ما چارکی ۲۵ سنت میفروشیم
کوآرتر	« Quarter. »	(نام سکه نقره بمبلغ یکچهارم دلاراست)
لت می هو وان	Let me have one.	یکعدد بمن بدهید
گودبای لیدی	Goodbye, lady.	خداحافظ خانم
گودبای ک'ل ا گین	Goodbye, call again.	خدا حافظ مجدداً تشریف بیاورید

خواربار فروشی

پ' تیت'ز	Potatoes.	سیب زمینی
ت' میت'ز	Tomatoes.	گوجه فرنگی
'ریس (رایس)	Rice.	برنج
ویت	Wheat.	گندم
ا' تس	Oats.	جو
ک' رن	Corn.	غله (ذرت)
چیز	Cheese.	پنیر
با تر	Butter.	کره
اگ	Egg.	تخم مرغ
شو گر	Sugar.	شکر
کیند گودز	Canned goods.	« قوطی حلبی محشوی غذا »

تلفظ	جمله	معنی
ساردینز	Sardins.	ساردین
سالم نز	Salmons.	نوعی ماهی (ماهی آزاد)
ا نی رانز	Onions.	پیاز
گارلیک	Garlic.	سیر
تی	Tea.	چائی
کافی	Coffee.	قهوه
میت	Meat.	گوشت
لم - (لمب)	Lamb.	بره (گوشت بره)
پ رک	pork.	گوشت خوک
بیف	Beef.	گوشت گاو
ما رتن	Mutton.	گوشت گوسفند
هیند کوآر ترز	Hind quarters	ماهیچه پا
ف ر کوآر ترز	Fore quarters.	ماهیچه دست
کرا کرز	Crackers.	بیسکوئیت شور
هانی	Honey.	عسل
د نت یو تراس می هانی	«Don't you trust me honey ?»	« بمن اطمینان نمیکنی عزیزم »
هانی مون	« Honeymoon. »	« ماه عسل »
بی واکس	Bee wax.	موم
ر یزنس	Raisins.	کشمش
هو یو ری زنس	Have you raisins?	آیا شما کشمش دارید
گیو می را پاند آو با رتر	Give me a pound of butter	یک پوند کره بمن بدهید (وزن مساوی ٤٥٤ گرم و نام یک لیره انگلیسی)
– را دازن آو راگز	— dozen of eggs.	دوازده عدد (یکدوجین) تخم مرغ بمن بدهید
– باکس آو مچز	— a box of matches.	یک جعبه قوطی کبریت —
– تو کوارتز آو بارتر میلک	— two quarts of butter milk.	دو چارک ماست — (نوعی ماست قدری مایعتر)
– را کوارت آو میلک	— a quart of milk.	یک چارک شیر —
– را گالن آو کرازین	— a gallon of kerosene	یک گالن نفت — (وزن مایع مساوی ٤٥٤٠ گرم)
گالن	«Gallon.»	

تلفظ	جمله	معنی
ـ ا بگ آو چرکُل	— a bag of charcoal.	یک پاکت دغال چوب —
واتیز د پرایس آو یُر اگز	What is the price of your eggs?	قیمت تخم مرغهای شما چقدر است ؟
واد دو یو چارج فر هانی	What do you charge for honey?	قیمت عسل چقدر است ؟
هاو ماچ ایز شوگر ا پاوند	How much is sugar a pound?	هر پوند شکر چه مبلغ است ؟
ای وانت تو پاوندز آو فلاور	I want two pounds of flour.	من دو پوند آرد میخواهم
دو یو هو راشین ماشترد	Do you have Russian mustard?	آیا شما خردل روسی دارید ؟
گیو می ا پک	Give me a pack.	یک بستهٔ بمن بدهید

آرایشگاه مردانه

تلفظ	جمله	معنی
ای وانت تو گت جست ا شیو	I want to get just a shave.	من فقط میخواهم ریشم را بتراشم
ای وانت تو گت ا هرکات	I want to get a hair cut.	من میخواهم موی سرم را بزنم (اصلاح کنم)
پلیز کام دیس وی اند سیت آن دیس چر	Please come this way and sit on this chair.	خواهش میکنم از اینجا تشریف آورده وروی این صندلی بنشینید
ویل یو سیت آپ ا لی تل هایر (هیر)	will you sit up a little higher.	ممکن است کمی بالاتر بنشینید ؟
داتس ایناف	That is enough.	همین اندازه کافیست .
دو یو وانت ا کلز شیو	Do you want a close shave?	آیا مایلید صورتتان را از ته بتراشید ؟
یس ای وانت ا وری کلز شیو	Yes, I want a very close shave.	بلی میخواهم خیلی از ته بتراشم
ن سرز وانس ایز ایناف	No, sir, once is enough.	خیر آقا یکدفعه کافیست
داز می ریزر هرت یو ؟	Does my razor hurt you?	آیا تیغ من شما را اذیت میکند ؟

تلفظ	جمله	معنی
ن' رسِرْ رایز اٰل' رٰیت	No, sir, it is all right.	خیر آقا خوب است .
ریس راتیز نات شارپ ایناف	Yes; it is not sharp enough.	بلی باندازه کافی تیز نیست.
'ای تینک یو نید را رهر کات تو	I think you need a hair cut, too.	من تصور میکنم شما به اصلاح سرهم احتیاج دارید
رول یو 'میْت گیو می را رهِرْ کات	Well you might give me a hair cut.	بسیار خوب ممکن است سرمرا هم اصلاح کنید
وود یو 'لیک را کلُ'ز کاتْ	Would you like a close cut?	آیا دوست دارید خیلی کوتاه اصلاح کنید؟
دو یو وانت می تو کات راب ش' ر رتز	Do you want me to cut it shorter?	میخواهید آنرا کوتاه تر کنم ؟
ن' 'جسْت تریم راتْ را رآ'ند	No, sir, just trim it around.	خیر فقط اطراف آنرا بزنید.
ریس رسر کا رتت ش' رُتْ	Yes, sir, cut it short.	بلی کمی کوتاه‌تر کنید.
دو یو وانت تو رشیوْ را رآ'ندْ 'یرْ رنکْ	Do you want to shave around your neck?	آیا میخواهید اطراف گردنتانرا بتراشم؟
ریس رسر رشیوْ راتْ رآ'ند	Yes, sir, shave it round.	بلی اطرافش را بتراشید
ن' رسر رشیوْ سْتْ رِیْت دآ' نْ	No, sir, shave straight down.	خیر آقا مستقیم بپائین اصلاح کنید.
دو یو 'لیک رهرْ سینْجْ ایت ویل کیپ 'یرْ رهرْ فْرامْ ف' لینک	Do you like hair singe? it will keep your hair from falling.	میخواهید انتهای موهای شمارا بسوزانم ؟ این از ریزش موهای شما جلوگیری میکند
'شل'ای روت 'یرْ رهر	Shall I wet your hair?	آیا میخواهید موهای شمارا تر کنم ؟
ن' رسر کام راتْ دْرای	No, sir comb it dry.	خیر شانه خشک بزنید
پارتْ راتْ این دِ می ردلْ	Part it in the middle.	از وسط فرق باز کنید
دو یو وانت دِ شامپو	Do you want the shampoo?	آیا شامپو میخواهید (نوعی شستشوی سر)
ن' رسرْ 'جسْت روتْ رات ترو	No, sir, just wet it through.	خیر آقا فقط کمی آب بزنید

تلفظ	جمله	معنی
اوه رسِرْ یو آر گو ئینگ گِرِی	Oh! sir, you are going gray.	اوه ! آقا موی سرشما سفید میشود.
رِد فیو چِرْ لوکس گِرِی	«The future looks gray.»	«آتیه تاریک بنظر میرسد»
شود ای کالِرْ اِتْ آپ	Should I colour it up?	میخواهید (موهای شما را) رنگ کنم ؟
نُ تَنک یو جُشت پوت سام اُیْل آن اِتْ	No' thank you; jut put some oil on it.	خیرمتشکرم فقط کمی روغن بآن بزنید
پار تِتْ فْرام دِ سایِد	Part it from the side.	از پهلو فرق باز کنید
دو یو لیک تو هَوْ یِرْ شوز شِیند	Do you like to have your shoes shined?	آیا میخواهید کفشهایتان را واکس بزنید
یِسْ پْلیز	Yes, Please.	بلی خواهش میکنم
نُ تَنک یو	No, thank you.	خیر متشکرم
هیر ایز یِرْ بیل وانْد پِیْ راپ تو دِ کَشِرْ پْلیز	Here is your bill, sir; and pay it to the cashier please.	این صورت حساب شماست آقا و خواهش میکنم بصندوق بپردازید

کفاشی مردانه

تلفظ	جمله	معنی
ای وانت اِ پِرْ آو شوز	I want a pair of shoes.	من یکجفت کفش میخواهم
وات سَیْز دو یو وِیر	What size do you wear?	شما چه اندازه (کفش) میپوشید ؟
ای تینک اِیْتْ اَند هَف وود بی اُلْرایت	I think eight and half would be alright.	خیال میکنم (اندازه) هشت و نیم خوب باشد
هاو ماچ آر دِی	How much are they?	بهای آنها چقدر است ؟
وی هَوْ اُلْ پْرایسِسْ	We have all prices.	ماهمه قیمتی داریم
وات سَیْز آو شوز دو یو وانت	What size of shoes do you want?	شما کفش بچه اندازه میخواهید ؟
ای دُنت نُ	I don't know.	من نمیدانم
ای وِیر سَیْز نَین	I wear size nine.	من اندازه ۹ میپوشم
لِتْ می تْرای آن	Let me try on.	بگذارید بپوشم وامتحان کنم
وات کَینْد وُود یو	What kind would you	شما چه نوع

تلفظ	جمله	معنی
لیک	like?	دوست دارید ؟
ای وانت لیسد شوز	I want laced shoes.	من کفش بندی میخواهم
گیو می ا پر آو — شوز	Give me a pair of — shoes.	یکجفت کفش — بمن بدهید
ش می سام — شوز	Show me some — shoes.	چند جفت کفش — بمن نشان بدهید
هو یو سلی پرز	Have you slippers?	کفش راحتی دارید
دو یو هو را ربر شوز	Do you have rubber shoes?	کفش لاستیکی دارید ؟
ای وانت ا پر آو اورشوز	I want a pair of over shoes.	من یکجفت کالوش میخواهم .
دیس شو ایز تو تیت	This shoe is too tight	این کفش خیلی تنگ است
دیس وان ایز تو شمل	This one is too small	این یکی خیلی کوچك است
داب هرتس می ت ز	That hurts my toes.	آن انگشت پایم رامیزند
گیو می ا سیز لارجر	Give me a size larger	یک نمره بزرگتر بمن بدهید
گیو می ا سیز شمل ر	Give me a size smaller.	یک نمره کوچکتر بمن بدهید
هو یو شپ رت شوز	Have you sport shoes?	کفش اسپرتی دارید ؟
می ای ترای وان	may I try one?	ممکن است یکجفت امتحان کنم ؟
هاو ماچ آر دی	How much are they?	بهای آنها چقدر است ؟
د ز آر ا ل ون ده لرز ا پر	Those are eleven dollars a pair.	اینها جفتی یازده دلار است
ای تینک ایل تیک دیز تو پرز	I think I'll take these two pairs.	من خیال میکنم این دو جفت را بخرم
دو یو گیو انی دیس کا نت	Do you give any discount?	آیا شما هیچ تخفیف میدهید ؟
د ز آر د بست شوز یو کن اور فیند	Those are the best shoes you can ever find.	اینها از بهترین کفشهائیست که شما میتوانید پیدا کنید.
بات گیو می سام دیس کا نت انی هاو	But, give me some discount anyhow.	ولی در هرحال بمن کمی تخفیف بدهید.

تلفظ	جمله	معنی
ا' رایت ِسرٌ 'ای 'کن ِمیٔک ِاِت 'فرٌ ِتن 'دِلرٌز اِ ِپرٌ اِند نُ ِلسٌ	Alright, sir, I can make it for ten dollars a pair and no less.	بسیار خوب آقا من‌میتوانم تاجفتی ۱۰ دلار بدهم و کمتر هم نمیشود
دو یو ِتیک ِاتٌ ویث یو ا' رٌ شود 'ای ِسند ِاِت تو ی' رٌ 'ادٌ ِرس	Do you take it with you, or should I send it to your address?	آیا آنرا باخود میبرید یا بایستی بآدرس شما بفرستم ؟
پلیز ِسند ِاتٌ تو دیس 'ادرس	Please send it to this address.	خواهش میکنم باین آدرس بفرستید

تعمیر کفش

تلفظ	جمله	معنی
ایز دِرٌ اِ کابٌ ِلرٌ نیر بای	Is there a cobbler near by?	آیا این نزدیکیها پینه‌دوز (تعمیر کفش) هست
گٌ' تو دِ ِنکٌست ٌستریت	Go to the next street.	بخیابان پهلو بروید
ِمنٌد	Mend.	تعمیر
هیل	Heel.	پاشنه
س' لٌ	Sole.	تخت
ستیچٌ	Stitch.	کوک کردن
ِلیس	Lace.	بند کفش
ِنیل	Nail.	میخ
'پچٌ	Patch.	وصله
ویل یو ِمنٌد ٌمی شوز ِمستر	Will you mend my shoes, mister?	آقا ممکن است کفش مرا تعمیر کنید ؟
'ای وانت اِ 'پچٌ پوت ا'ورٌ دِ ت'زٌ	I want a patch put over the toes.	میخواهم یک وصله به سرپنجه آن بیاندازید
ها' ماچ دو یو چارج 'فرٌ اِ نی‌یو 'سل اِند هیل	How much do you charge for a new sole and heel?	برای یک تخت وپاشنهٔ نو چه مبلغ میگیرید ؟
دات ویل کاست یو تو 'د ِلرز	That will cost you two dollars.	برای شما دو دلار تمام خواهد شد
در ایز اِ ِنیل ستِکینگ آپ این ٌمیٔ شو	There is a nail sticking up in my shoe	کفش من یک میخ دارد ممکن است.

تلفظ	جمله	معنی
ویل یو فیکس اِت	will you fix it?	آنرا درست کنید ؟
کَن یو فیکس اِت وایل آیم ویتینگ	Can you fix it while I am waiting ?	آیا ممکن است ضمن اینکه من منتظر هستم آنرا تعمیر کنید
ویل یو هَوِت رِدی تومارو	Will you have it rea dy tomorrow?	ممکن است آنرا فردا حاضر کنید ؟
ویل یو سیت دِر اِند تیک یُر شوز آف	Will you sit there and take your shoes off.	بفرمائید بنشینید آنجا و کفشهای خود را درآورید
او کی گیومی سام تو دِیز پی پِر	O K. give me some to-day's paper	بسیار خوب یکی از روزنامه‌های امروز را بمن بدهید

میوه و سبزی فروشی

تلفظ	جمله	معنی
آ رینج	Orange.	پرتقال
لِمِن	Lemon.	لیمو
بانانا	Banana.	موز
اپل	Apple.	سیب
گریپس (رِد وایت)	Grapes (red, white)	انگور (قرمز - سفید)
پِر	Pear.	گلابی
پیچ	Peach.	هلو
پامگرانِت	Pomegranate.	انار
پرون	Prune.	آلوزرد
پلام	Plum.	آلوچه
ستراربریز	Strawberries	توت فرنگی
بلاک بریز	Blackberries.	تمشک
کی یو کام بر	Cucumber.	خیار
وا تر مِلِن	Watermelon.	هندوانه
مسک مِلِن	Muskmelon.	طالبی
چری	Cherry	آلبالو و گیلاس
آوکادو	Avocado.	نوعی گلابی بدون شیرینی
پاین اپل	Pineapple.	آناناس (نوعی میوه است که درهوای گرم بدست میآید)

تلفظ	جمله	معنی
سِ لِرى	Celery.	کرفس
راديش	Radish.	ترېچه
لِتيس	Lettuce.	کاهو
هَوْ يو باناناز	Have you bananas?	آيا شما موز داريد ؟
هاوْ ماچْ آرْ دِى	How much are they?	بهاى آنها چه مبلغ است ؟
دِى آر اِيتى سِنتس هَفْ اِ دازِن	They are eighty cents half a dozen.	آنهاشش عدد (نيم دوجين) هشتاد سنت است .
دَتيز تو اِكسْ پِنْسيو	That is too expensive	آن خيلى گران است .
دَتيز نات رَايْپ ايناف	That is not ripe enough.	کاملا نرسيده است .
ديس ايز تو گرين	This is too green.	اين خيلى کال است (سبز است)
اَى ويل نات باى اِنى باناناز	I will not buy any bananas.	من هيچ موز نخواهم خريد .
اَى وانت اِ دازِن آو لِمِنْز	I want a dozen of lemons.	من دوازده عدد ليمو ميخواهم
گيو مى گودْ وانْس .	Give me good ones.	خوبش را بمن بدهيد
گيو مى اِ پاوْند آو کاليفرنيا گريپْس	Give me a pound of California grapes.	يک پوند انگور کاليفرنيا بمن بدهيد .
— اِ بَسْکِتْ آو کانْکُرد گريپْس	— a basket of Concord grapes.	يک سبد انگور کنکرد بمن بدهيد .
— اِ بارْتِلْ آو سوئيت سى دِر	— a bottle of sweet cider.	يک بطرى شراب شيرين سيب — .
— اِ پاوْند آو دِيتْس	— a pound of dates.	يک پوند خرما —
— هَفْ اِ پاوْند آو فيگس (فِگْس)	— half a pound of figs.	نيم پوند انجير بمن بدهيد .
هاوْ دو يو سِلْ پيرز اِ دازِن	How do you sell pears a dozen?	دوازده عدد گلابى را چند ميفروشيد ؟
آرْ دِى رَايْپ ايناف تو ايت	Are they ripe enough to eat?	آنقدر رسيده هست که بشود خورد ؟
يِس سِر يو کَن تيست اِت .	Yes, sir, you can taste it.	بلى آقا ميتوانيد امتحان کنيد .
دِى لوک گرين	They look green.	آنها کال بنظر ميرسند .

تلفظ	جمله	معنی
دی لوک اُ ,ور 'رایپ.	They look overripe.	یا گندیده اند (خیلی رسیده) .
د'نت پوت ,انی ,بد وانس این د بگ	Don't put any bad ones in the bag.	بدهایش را توی پاکت نگذارید.
ایف یو یوز می 'رایت 'ای ویل کام ا ,گین	If you use me right I will come again.	اگر بامن درست معامله کنید بازهم خواهم آمد .
یو کن پیک آپ یر ,سلف .	You can pick up yourself.	شما میتوانید خودتان سوا کنید .
'ای وانت سام پی ,کلز .	I want some pickles.	من کمی ترشی میخواهم .
,تیک دیس کار ,اند گ' ,ار آ'ند ,دن پیک آپ ,انی تیک یو وانت تو .	Take this care; and go around, then pick up anythiog you want too.	این چرخ را برداشته به اطراف بروید و هرچه میخواهید بردارید

جواهر فروشی



The Kohinoor Diamond(Exact Size) Weight (106$\frac{1}{4}$) Carats

کوه نور (اندازه اصلی) وزن ۱۰۶$\frac{۱}{۴}$ قیراط

تلفظ	جمله	معنی
جو ,ار لر.	Jeweler.	جواهر فروشی
پْ ,ر سی' ژ شت' ,نز	Precious stones.	سنگهای قیمتی
گ'لد .	Gold.	طلا
گ'ل ,دن ,ودینگ .	« Golden wedding. »	« پنجاهمین سال ازدواج ».
'بلاک گ'لد .	«Black gold. »	« نفت »
'دی ,مند	Diamond.	برلیان (الماس تراشیده).

تلفظ	جمله	معنی
دی مَند ودینگ	«Diamond wedding.»	« شصتمین سال ازدواج».
بلاک دی مند	« Black diamond. »	« ذغال سنگ »
رینگ .	Ring.	انگشتری (حلقه)
ودینگ رینگ .	wedding ring.	انگشتری عروسی .
این گیج منت رینگ .	Engagement ring.	انگشتری نامزدی .
منز دی مند رینگ .	Man's diamond ring.	انگشتری برلیان مردانه
هالیس ترز رینگ .	Hollister ring.	نوعی انگشتری (انگشتری تقدس) .
براس لت.	Bracelet.	دست بند (النگو) .
نک لس.	Necklace.	گلوبند .
سیل ور .	Silver.	نقره .
سیل ور ودینگ .	« Silver wedding »	« بیست وپنجمین سال ازدواج » .
سیل ور وز	Silverware.	ظروف نقره .
تی سیل ور سرویس	Tea silver service.	سرویس جای خوری نقره
سیل ور پ لیتز .	Silver plates.	بشقاب نقره .
ش ترلینگ سیل ور	Sterling silver.	نقره خالص
پرل	Pairl.	مروارید .
روبی .	Ruby.	یاقوت (لعل) .
گلد مدل	Gold medal.	مدال طلا
ایرینگ .	Earring.	گوشواره .
پلاتینی یوم	Platinum.	طلای سفید (پلاتین)
جورال.	Jewel.	جواهر
را هارت آو		قلب
فابری		آتشین
والان تین هارت	Valentine heart.	قلب (مخصوص) روزوالانتین

تلفظ	جمله	معنی

روز چهاردهم فوریه مطابق ۲٤ بهمن ماه معروفست به روز عشاق
دراین روزمعمولا جواهراتی که بشکل قلب است و یاهدایائیکه ماعکس قاب توأم
است بمنظور ابراز عشق ردو بدل میشود

تعمیر وفروش ساعت

تلفظ	جمله	معنی
واچ	Watch.	ساعت .
ریست واچ	Wrist watch.	ساعت مچی
واچ بندز	Watch bands.	بند ساعت .
واچ چین	Watch chain.	زنجیر ساعت
واچ کیس	Watch case.	جعبه ساعت
جو ال	Jewel.	سنگ (جواهر) ;
سپرینگ	Spring.	فنر
می نت هند	Minute-hand.	عقربه دقیقه شمار .
آوَر هند	Hour-hand.	عقربه ساعت شمار
سکند هند	Second-hand.	عقربه ثانیه شمار
کلاک	Clock.	ساعت مبلی
الارم کلاک	Alarm clock.	ساعت شماته
هاو دو یو دو سر	How do you do, sir.	حال شما چطور است آقا ؟
ویل یو فیکس می واچ	Will you fix my watch?	ممکن است ساعت مرا درست کنید ؟ (تعمیر کنید)
سرتنلی	Certainly.	البته (محققاً) .
ویل یو سی وات د ترابل از ویس ات	Will you see what the trouble is with it ?	ممکن است ببینید چه عیبی دارد ؟
دو یو هو تیم تو تیک ا لوک ات ات	Do you have time to take a look at it ?	آیا وقت دارید یک نگاهی بآن بکنید ؟
کود یو تل می وات ایز رانگ	Could you tell me what is wrong ?	بمن بفرمائید چه عیبی دارد (چه چیزش خراب است)
یو آر گتینگ هلد آو د رانگ اند آو د ستیک	« You are getting hold of the wrong end of the stick. »	« شما کاملا برعکس حقیقت فکر میکنید (از مرحله پرتید) . »
شی دید هیم رانگ	«She did him wrong.»	« باو خیانت کرد »

تلفظ	جمله	معنی
ای تینک د سپرینگ ایز برُکن	I think the spring is broken.	من تصور میکنم فنرش شکسته است .
آور هند ایز برُکن	Hour-hand is broken.	عقربه ساعت‌شمار شکسته است .
پرهپس ایت نیدز کلینینگ	Perhaps it needs cleaning.	شاید احتیاج به تمیز کردن داشته باشد .
ایت دازنات ورک ات ال	It does not work at all.	این ابداً کار نمیکند
ایت گُز وری سلُ	It goes very slow.	این خیلی عقب کارمیکند
ایت رنز تو فست	It runs too fast.	این خیلی جلو کارمیکند .
هاو ماچ ویل ایت کاست می	How much will it cost me ?	برای من چه مبلغ تمام میشود .
ایت ویل کاست یو وان دلار تو فیکس ایت	It will cost you one dollar to fix it.	تعمیر آن برای شما یک دلار تمام خواهد شد .
ویل یو دو ا گود جاب	will you do a good job.	خوب درست خواهید کرد؟
یس سر وی گرنتی آور ورک	Yes, sir, we guarantee our work.	بله آقا ما کار خود را تضمین میکنیم
وِن کن ای هو ایت	When can I have it ?	کی بدست من خواهد رسید؟
توم رُ سیم تیم	Tomorrow same time	فردا همین موقع.
کل نکست ویک	Call next week.	هفته آینده تشریف بیاورید.
هاو ماچ ایز دات واچ این د شُ کیس	How much is that watch in the show case ?	بهای آن ساعت که در ویترین است چه مبلغ است؟
شُ می سام گلد واچ	Show me some gold watch.	چند ساعت طلا بمن نشان بدهید
ای وانت ا نیس لوکینگ ریست واچ	I want a nice looking wrist watch.	من یک ساعت مچی قشنگ میخواهم .
هو یو الارم کلاک	Have you alarm clocks ?	آیا ساعت شماته دارید ؟
دو دی کیپ گود تیم	Do they keep good time ?	آیا آنها وقت را دقیق نگاه میدارند ؟ (نشان میدهند ؟)

تلفظ	جمله	معنی
میبی د تی ربل کلاک ایز بتر	Maybe the table clo- ck is better	شاید ساعت رومیزی بهتر است
دو یو هو انی سوئیس واچ	Do you have any Swiss watch ?	آیا شما هیچ ساعت ساخت سوئیس دارید ؟
ایم لوکینگ فر ا بتر وان دو یو هو انی آدرز	I am looking for a better one do you have any others ?	من یکعدد بهتر میخواهم آیا هیچ نوع دیگری دارید ؟
ای وانت ا ومنز ریست واچ	I want a women's wrist watch.	من یکساعت مچی زنانه میخواهم
لت می سی ای گس دیس وان ایز د بست	Let me see, I guess this one is the best	بگذارید که بینم من تصور میکنم این یکی از همه بهتر است
ای دو تیک دات وان	I do take that one	من آن یکی را میگیرم
می ای اسک یو تو پک ات از ا گفت ویس ا ویت (ردد) ری بن آن ات	May I ask you to pack it as a gift with a white(red)ribbon on it ?	ممکن است خواهش کنم آنرا باروبان (نوار) سفید (قرمز) مخصوص هدیه بسته بندی کنید ؟
سر تنلی ایف یو وانت تو	Certainly, if you want too.	البته اگر میل داشته باشید
آر یو گ تینگ تو تیک ات ویس یو اُر شود ای سند ات تو انی ادرس این پارتیکولر ؟	Are you going to take it with you, or should I send it to any address in particular ?	آیا آنرا باخودتان خواهید برد یا بایستی من آنرا بآدرس مخصوصی بفرستم
پلیز میل ات تو دیس ادرس ویس دیس کارد آو مین	Please mail it to this address, with this card of mine	خواهش میکنم با کارت من باین آدرس بفرستید
میس . جین تی	Mis, Jeanne T	نام ..
فر او سن ایست ایتی س کند ستریت	407 E. 82nd St.	شماره . خیابان .. ..
شیکاگو ایلی نویز	Chicago, Ill	شهر استان
وود یو لایک تو رایت انی ساب جکت	Would you like to write any subjet on your	آیا مایلید شرحی روی کارت خود بنویسید ؟

تلفظ	جمله	معنی
آں بزکارد اُر شود ای رسند اِت ت لنک	card, or should I send it blank ?	یا آنرا سفید بفرستم
یس پلیز ای وانت تو رَیت سامثینگ . ایف یو دانت مَیند	Yes, please, I want to write something, if you don't mind	بله خواهش میکنم (اگراجازه بفرمائید) میخواهم چیزی بنویسم

Daerest Jeanne.

Please accept this small Christmas gift from one who wishs you, from the bottom of the heart, a very marry Christmas.

With all my love
J. H.

دی رست جین

پلیز اکث سِپت دیس سمال کریستماس گفت فرام وان هو ویشز یو فرام د باتم آو د هارت ا وری مری کریستماس.

ویس الّ می لاو

جی . تی

ج - عزیز .

با تمام قلب عید کریسماس را بشما تبریک گفته و خواهش میکنم این هدیه کوچک کریسماس را از من بپذیرید

باتمام عشق
ج . ب .

تلفظ	جمله	معنی
دو یو وانت اِنیتیکه اِلس سِر	Do you want anything else, sir?	چیز دیگری میخواهید آقا؟
ای وود لیک تو سی ایف یو هو سام مِل دی یز بِل اَلرم	I would like to see if you have some melodious bell alarm.	اگر ساعت شماطه که زنگ آن باموسیقی باشد داشته باشید، خیلی مایلم ببینم.
دی هو ات ماتیک اَلرم شت آف ویش پلاستیک کیس	We have automatic alarm " shut off " with plastic case.	ما ساعت شماطه خودکار (ازصدا افتادن) با جعبه پلاستیکی داریم
دویو ویش تو سی	Do you wish to see?	آیا میل دارید ببینید ؟
اُه یس ای لا وت بات ای هو نُم ر مانی آن می	Oh! yes, I love it, but I have no more money on me.	اوه البته من آنرا دوست دارم لیکن بیشتر از این پول همراه خود ندارم .
کود یو سیو دت فر می تیل ای کام بک	Could you save that for me till I come back?	آیا میتوانید آنرا تا مراجعت من نگاه دارید ؟

Men Store فروشگاه مردانه

کل زینگ	Clothing.	البسه
کت	Coat.	کت
وِست	Vest.	جلیقه
پنتس	Pants.	شلوار
اُ ور کت	Overcoat.	پالتو
رین کت	Raincoat.	پالتوی بارانی
شرت	Shirt.	پیراهن
درآ ورز	Drawers.	زیرشلواری
آن در و یر	Underwear.	لباس زیر
هت	Hat.	کلاه
کپ	Cap.	نوعی کلاه (کپی)
آن در شرت	Undershirt.	زیر پیراهنی
ک لر	Collar.	یقه
کافس	Cuffs.	سردست

تلفظ	جمله	معنی
'نیْتْ ,شرْتْ	Nightshirt.	لباس خواب
,ایپْ ,رنْ	Apron.	پیش بند
,نکْتْ 'تی	Necktie.	کراوات
با ,تنْ	Button.	تکمه
,میْ 'ایْ 'اشکْ یو توشْ می سام سوت آوْ کُلْ زسْ	may I ask you to show me some suit of clothes?	ممکن است از شما خواهش کنم چند دست لباس بمن نشان بدهید ؟
فالْ می 'پلیز	Follow me please.	خواهش میکنم عقب من بیائید .
واب 'کیْند وود یو 'لیْکْ	What kind would you like?	شما چه نوع دوست دارید ؟
هاْ چیپْ آو ,ا سوت آر یو لوکینگْ 'فرْ	How cheap of a suit are you looking for?	لباس در حدود چه مبلغ (چقدر ارزان) میخواهید ؟
نات م'رْ 'دنْ 'نینتی 'د ,لرْزْ	Not more than ninety dollars	بیشتر از نود دلار نباشد
,یسْ ,سرْ کام دیس ,وی 'پلیز	Yes, sir, come this way, please.	بلی آقا خواهش میکنم از این راه تشریف بیاورید
واب ایز 'یرْ 'سیْزْ	What is your size?	اندازه شما چیست ؟
'ایْ دنْتْ نْ ,د ,اگْزکْتْ 'سیْزْ	I don't know the exact size.	من اندازه صحیح را نمیدانم
ویل یو 'پلیز ,تیْکْ 'می ,م ,جر	Will you please take my measure?	خواهش میکنم شما اندازه مرا بگیرید
'ایْ وانْتْ ,ا 'لیْتْ سوتْ	I want a light suit	من لباس روشن میخواهم
'ای پْری ,فرْ ,ا ,شیْد داژْ ,کرْ	I prefer a shade darker.	من لباس تیره رنگتر را ترجیح میدهم .
دیسْ ,پنتس ایز تولانْگْ	This pants is too long	این شلوار خیلی بلنداست.
'کنْ یو شْ ژْ ,تنْ ,اتْ	Can you shorten it?	آیا میتوانید آنرا کوتاه بکنید ؟
آفْکْ رْسْ هاْ سونْ وودْ یو وانْ ,تْ	Of course, how soon would you want it?	البته کی (چقدر زود) آنرا میخواهید ؟
'ایْ وانْ ,تْ دیس ایوْنینگْ	I want it this evening.	من امشب آنرا میخواهم.
یو 'کنْ 'هوتْ توم' رْ	You can have it to-	فردا آنرا خواهید داشت

تلفظ	جمله	معنی
	morrow	
اَیْ تُلْدْ یو اَی نیدْ اِتْ تو نَیْت	I told you I need it to-night	بشما گفتم امشب بآن احتیاج دارم
دیس وِسْتْ اِز تو لارْج	This vest is too large.	این جلیقه خیلی گشاد است
لِتْ می ترای آناَدِرْ وان	Let me try another one	بگذارید یکی دیگر امتحان کنم
دیس کُتْ ایز وِری تَیْتْ اَتْ دِ آرْم پِتْس	This coat is very tight at the armpits.	جای آستین این کت خیلی تنگ است .
دِ سْلیوْز آرْ تو شُرْتْ	The sleeves are too short	آستینها خیلی کوتاه هستند
اَیْ دُنْتْ لَیْکْ دیس کالِرْ	I don't like this colour	من این رنگ را دوست ندارم
اَیْ وانْتْ آناَدِرْ سْتَیْل	I want another style	من مدل دیگری میخواهم
پلیز شُ می آنادِر وان	Please show me another one	خواهش میکنم یکی دیگر بمن نشان بدهید .
شُ می اِ هَیْر (هایر) پْرایْسْدْ سوت	Show me a higher priced suit.	یك لباس پربهاتر بمن نشان بدهید
ای لَیْکْ دیس سْتاف	I like this stuff	من این پارچه را دوست دارم
کَنْ اَیْ تْرای اِتْ آن	Can I try it on?	آیا میتوانم آنرا پوشیده و امتحان کنم ؟
سِرْتِنْلی دِرْ ایز کْلازِتْس آپْ دِرْ	Certainly, there is closets up there.	البته رختکن در آنجاست
ایت فِتْس یو وِری وِل	It fits you very well	این کاملا باندازه شماست
دو یو نید اِنیتینگ اِلْس	Do you need anything else?	آیا چیز دیگری احتیاج دارید ؟
ای وانْتْ اِ نَیْس چِکِرْدْ وولِنْ شِرْتْ ویس سام سیلْکْ هَنْدْکِرْچِفْز	I want a nice chequered woolen shirt with some silk handkerchiefs	من یك پیراهن چهارخانه پشمی و مقداری دستمال ابریشمی میخواهم .
بْرینگ می تو پِرْز آو وولِنْ سْتاکینگ	Bring me two pairs of woolen stocking	دو جفت جوراب پشمی برای من بیاورید .
لِتْ می هَوْ دَتْ آنْدِرْ دْرآ وِرْ	Let me have that under-drawer.	آن زیر شلواری را بمن بدهید

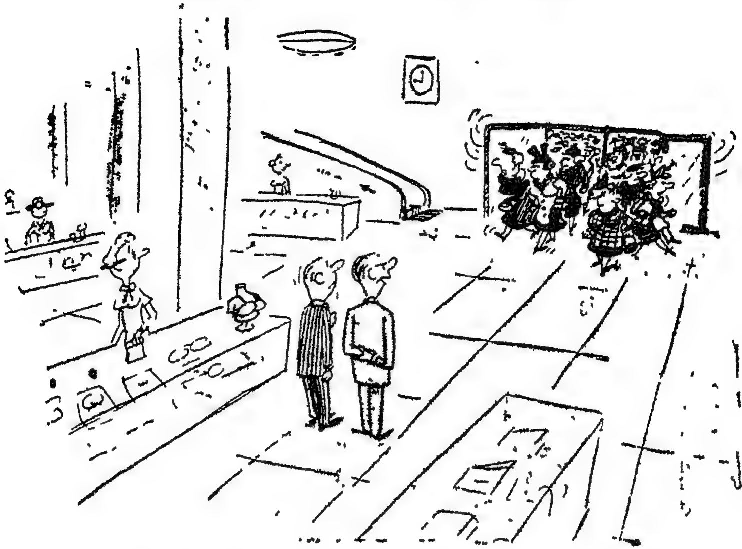
تلفظ	جمله	معنی
دو یو هو سام بتر گلاوز	Do you have some better gloves?	آیا شما هیچ دستکش بهتری دارید ؟
هو یو سین آور ماردرن هند پینتد تی	Have you seen our modern hand pain ted tie?	آیا شما کراواتهای جدید مارا که بادست نقاشی شده دیده اید ؟
ای وانت ا هت	I want a hat	من یک کلاه میخواهم
دیس از نرو	This is narrow	این تنگ است
هو یو ا وی دِر وان	Have you a wider one?	آیا گشادتر دارید
کن یو ویدن ات فر می	Can you widen it for me?	آیا شما میتوانید آنرا برای من گشاد کنید ؟
ها ماچ از ات	How much is it?	قیمت آن چقدر است ؟
دتز فر فیفتین دلرز	That is for fifteen dollars	آن پانزده دلار است .
هو یو ا چی پر وان	Have you a cheaper one?	یکی ارزانتر دارید ؟
ای دنت وانت تو پی سو ماچ	I don t want to pay so much	من نمیخواهم اینقدر زیاد بپردازم
هاو ماچ ایز آپ مای بیل	How much is up my bill?	صورت حساب من (تماماً) چقدر شد ؟
می ای اسک یو تو سند دم تو مای ادرس از ا سی او دی بیل	May I ask you to send them to my address as a C O D bill?	ممکن است از شما خواهش کنم آنها را بآدرس من بفرستید و پول آنرا در محل دریافت کنید ؟
از یو ویش	As you wish	هرطور که مایل باشید

در فروشگاه های بزرگ (یا کوچک) اشخاص میتوانند هرچه میخواهند خریداری نموده و فقط آدرس خود را بدهند از روی آن فروشگاه اشیاء را بهمان آدرس آورده و بهای اجناس را دریافت نمایند این عمل را « Cash On Delivery » مینامند .

معنای پرداخت هنگام توزیع

تلفظ	جمله	معنی

Women Store فروشگاه زنانه



" Brace yourself . . . here cemes the weaker sex. "

قویدل باش که جنس ضعیف میآید

تلفظ	جمله	معنی
ای وانت تو گ فر شاپینگ وود یو لیک تو کام الانگ	I want to go for shopping, would you like to come along?	من میخواهم بروم خرید آیا میل دارید همراه من بیائید ؟
اه یس ای سا سام اد این د پی پر وبچ ای وبش تو بای یت	Oh! Yes, I saw some add in the paper which I wish to buy it.	اوه بلی من در روزنامه اعلانی دیده ام که مایلم آنرا بخرم .
ای هو ن تیم کن یو میک ات توم رو	I have no time, can you make it tomorrow?	من وقت آنرا ندارم میتوانید بفردا بیاندازید
لتس گ	Let us go.	بیائید برویم
لتس تیک د ال وی تر	Let us take the elev-	بیائید باآسانسور بهطبقه -

تلفظ	جمله	معنی
آپ تو ـ فل ر	ator up to — floor.	برویم .
ن لتس واک ترو وی میْت سی سامتینگ نی یو آن آ ر وی	No let us walk through, we might see something new on our way.	خیر بیائید راه برویم ممکن است در بین راه چیز تازهٔ ببینیم
اُه جی ـ لوک ات دیس	Oh! J - , Look at this.	اوه ج- اینرا نگاه کن .
دتس گرجس ای لاوت	That's gorgeous, I love it	آن خیلی زیباست من آنرا دوست دارم
یو هو ال ویز ا گود تیست ج—	You have always a good taste J —.	خانم ج- شما همیشه یک سلیقه خوبی دارید .
وات ا کالر دتس ا میزینگ	What a colour, that's amazing	چه رنگی - آن خیلی مبهوت کننده (زیباء) است
دیس کالر داز نات گ ویس یو	This colour does not go with you.	این رنگ بشما نمیآید .
دت لوکس ماچ ب ر	That looks much better	آن خیلی قشنگتر بنظر میآید
ش می سام کاتن	Show me some cotton	بمن کمی کتان نشان بدهید.
ای وانت سام کالیک	I want some calico.	من مقداری جلوار میخواهم.
ای وود لیک تو سی سام ری بنز	I would like to see some ribbons.	من مایلم مقداری روبان ببینم .
دیس کالر ایز تو دارک ـ تو لیْت	This colour is too dark. - too light.	این رنگ خیلی تاریک (خیلی روشن) است .
هو یو انی نرو ار	Have you any narrower?	آیا هیچ باریکتر دارید ؟
می ای سی سام بر در	May I see some broader?	ممکن است کمی عریض تر (بمن نشان بدهید) ببینم
وا ایس دیس ا یارد	What is this a yard?	هر یارد این چه مبلغ است؟
برینگ می ا سن کین ویس بادکن	Bring me a skein with bodkin.	برای من یک کلاف و میل کلاف بیاورید .
دیس تیپ ایز گود	This tape is good.	این قیطان خوبست .
وات آر دی ا پر	What are they a pair?	آنها جفتی چند است ؟
ترای آن دیز	Try on these.	اینها را پوشیده و امتحان کنید

تلفظ	جمله	معنی
ردئی فیت یو ,وری ,ول	They fit you very well.	آنها کاملا اندازه شما هستند
ای ویل ,تیک ,دم ویش می	I will take them with me.	من آنهارا باخود خواهم برد .
دیسیز ا فین شین گاباردین این سافت کا ,لر ,لیدی وود یو لایک تو ترایت آن	This is a fine shin gabardin, in saft colour, lady, would you like to try it on?	این یک گاباردین خوش رنگ وخوبیست خانم . آیا میل دارید آنرا پوشیده وامتحان کنید ؟
ایم او کینگ فر ا کریسپ وول ستاف	I am looking for a crisp wool stuff .	من یک پارچه پشمی مجعد میخواهم .
یو ,می لایک دیس ستریپد ,رد اند ,ری	You may like this striped red and gray.	شما ممکن است این راهراه قرمز وخاکستری رادوست بدارید .
ای دانت تیسک ای وود بی کاز ای یوژو آلی دانت ویر ستریپد کت	I don't think I would, because I usually don't wear striped coat.	من تصور نمیکنم (دوست بدارم) زیرا من معمولا کت راه راه نمیپوشم .
کود یو شو می سام کت ویش دیپ کافد	Could you show me some coats with deep cuffed?	آیا میتوانید چند کت یقه بلند بمن نشان بدهید ؟
ییس مدم دیس ایز ا تاپ آو تی ,لرینگ	Yes. madam, this is a top of tailoring.	بلی خانم این ازخیاطیهای درجه اول است .
ها ,ابات توئید مدم	How about tweed madam?	ماهوت چطوراست خانم
,ور ایز ,د ,فر کت ,دپارت ,منت	Where is the fur coat department?	شعبه پالتوهای فر (نوعی پالتوهای پوست گران قیمت است) کجاست ؟
ای وانت ا سپرینگ تایم هت	I want a springtime hat.	من یك کلاه بهاره میخواهم
بربنگ می سام سوئیم سوت	Bring me some swim suit.	چند لباس شنا برای من بیاورید .
وود یو لایک دیس	Would you like this?	آیا اینرا دوست دارید ؟

تلفظ	جمله	معنی
ترای آن دیس ش' رت کت	Try on this short coat	این کت کوتاه را امتحان کنید
دیس ایز لورلی , مل ,تد باین 'بک	This is loosely belted in back.	این در پشت بند آزاد دارد.
,می 'ای سی سام 'فرمال , ,ودینگ گانز	May I see some formal wedding gowns?	آیا ممکن است چند دست لباس رسمی عروسی ببینم ؟
'برینگ می را 'هند 'بگ	Bring me a handbag.	یک کیف دستی (زنانه) برای من بیاورید .
'برینگ می ا ,پر آو 'لیت کول کام ,فرت شوز	Bring me a pair of light cool comfort shoes.	برای من یکجفت کفش راحت سبک و خنک بیاورید
دو یو ,کر 'فر ,لیشد ,شمیز	Do you care for laced chemise?	آیا شما زیرپوش (زنانه) بندی دوست دارید ؟
'سید س ,لت س , کرت	Side - slit skirt.	دامن یادرز پهلو
بلوز ویش 'تی (تای)	Blouse with tie.	بلوز باکراوات
'دتس اینافٔ 'ای ماست تو ,کت 'بک	That ıs enough, I must to get back.	کافیست من بایستی مراجعت کنم
,اتیز ,کتینگ ,لیت وی ل کام 'فر شاپینگ سام آ,در 'تیم	It is getting late, w'll come for shopping some other time.	دیرشده است ما وقت دیگری برای خرید خواهیم آمد

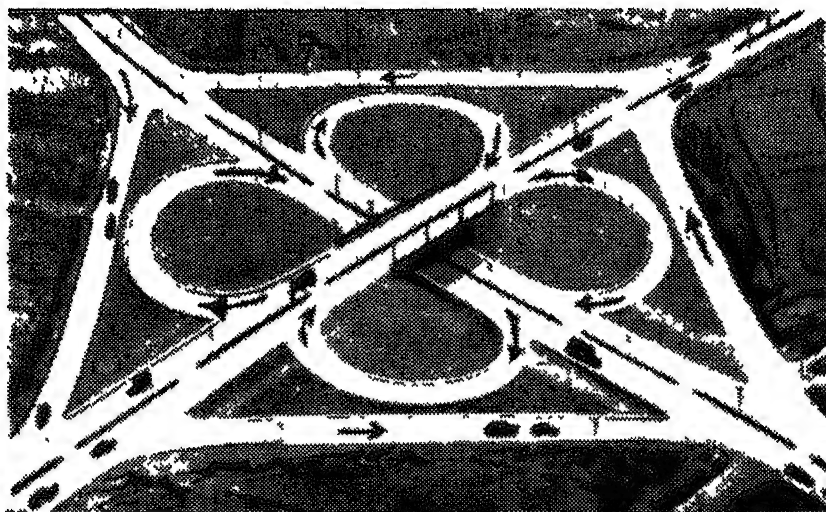
اتومبیل و رانندگی

کار د 'ری وینگ	Car driving.	اتومبیل رانی
'د'ری ,ور (درای ,ور)	Driver.	راننده
ر' د	Road.	جاده
'هی ,وی	Hıghyway.	جاده اصلی (بزرگ)
ر' د کل' ز د 'فر ری ,پرز	Road closed for repaırs.	جاده برای تعمیر بسته است
سپید	Speed	سرعت
ر' د 'کید	Road guide	راهنمای جاده
,ریل ر' د کراسینگ	Raılroad c ɔssıng.	عبور از روی راه آهن
کیپ تو 'یر 'رایت	Keep to your rıght.	از طرف راست بروید
سکول زون	School zone.	محوطه مدرسه .

تلفظ	جمله	معنی
سْلُ دآ نْ	Slow down.	آهسته کنید (آهسته برانید)
فولْ سْتاپْ	Full stop.	ایست کامل
سْپیدْلیمیتْ فُرْتی فیوْ مَیلْز پِرآ رْ	Speed limit, forty-five miles per hour.	حداکثر سرعت ۴۵ میل در ساعت .
نُ سْپیدْ لیمیتْ آنْ دیسْ هَیْ وِیْ	No speed limit on this highway.	دراین جاده سرعت آزاد است (بهر سرعت میخواهید برانید)
تا نِلْ ا هِدْ	Tunnel ahead.	تونل در جلو .
سْپیدْ لیمیتْ فیفتین مَیلْز پِرْ آ رْ اُ وِرْ دِ بْریج	Speed limit fifteen miles P. H. over the bridge.	حداکثر سرعت روی پل ساعتی ۱۵ میل .
دینْ جِ رِزْ پاسینگْ	Dangerous passing.	عبور (جلوزدن) خطرناکست
رُدْ آنْ دِرْ دِ کُنْسْتراکْشنْ پَسْ بای یُ رْ آ نْ ریسْکْ	Road under the construction, pass by your own risk.	جاده دردست تعمیر است بمسئولیت خود عبور کنید .
کِرْوْ	Curve.	پیچ
نُ پَسینگْ زُونْ	No passing zone.	محوطه ایکه نبایستی رد کرد (جلوزد)
پِیْ تُلْ هیر	Pay toll here.	عوارض را اینجا بپردازید
سْپیدْ لیمیتْ تو اِنتی فیوْ مَیلْز پِرآ رْ ثْرُو دِ تاُنْ	Speed limit 25 miles P. H. through the town.	حداکثر سرعت در داخل شهر ۲۵ میل درساعت
نُ لِفتْ تِرْنْ	No left turn.	بچپ نپیچید .
نُ یوْ تِرْنْ	No U turn.	دور نزنید .
نُ پارْکینگْ اَتْ الْ	No parking at all.	ابداً توقف نکنید.
نُ پارْکینگْ هیر تو دِ کُ رْ نِرْ	No parking here to the corner.	از اینجا تا سرپیچ توقف نکنید .
نُ پارکینگْ بیتْ وینْ تو سَینْز	No parking between two signs.	بین دوعلامت توقف نکنید.
نُ پارکینگ فرامْ اِیْتْ تو تِنْ اِیْ اِمْ اِنْدْ فیوْ تو سِ وِنْ پی اِمْ آدِرْ آ رْز پارْکینگ	No parking from 8.00 to 10.00 A. M. and 5.00 to 7.00 P. M. other hours parking	از ساعت ۸ صبح تا ۱۰ صبح و پنج بعد ازظهر تا ۷ بعد ازظهر توقف نکنید و بقیه ساعات فقط میتوانید

تلفظ	جمله	معنی
اُنلی وانْ آوْرْ	only one hour.	یکساعت توقف کنید .
آیْ ویشْ تو هایِرْ اِ گودْ دْرایوِرْ بایْ دِ آوْرْ — بایْ دِ دیْ	I wish to hire a good driver, by the hour — by the day.	من میل دارم یک راننده خوب بطور ساعتی استخدام کنم . — بطور روز مزد .
دوْ یو وانت اِ فُرْمالْ شوفر سِر	Do you want a formal chauffeur, sir?	آیا یک شوفر رسمی (لباس رسمی) میخواهید ؟
تیْکْ می تو دِ هاسْپیتال اَزْ فَسْتْ اَزْ یوْ کَنْ	Take me to the hospi- tal as fast as you can.	مرا باسرعت هرچه بیشتر بمریضخانه ببرید
کودْ یوْ تیْکْ می تو دِ اِسْتیْشِنْ بیفُرْ دِ ترِیْنْ لیوْزْ	Could you take me to the station bef- ore the train leaves?	آیامیتوانید مرا به ایستگاه برسانید قبل ازاینکه ترن حرکت کند ؟
آیلْ بی وِرِیْ گْلادْ تو گیوْ یو اِ رایْدْ تو یُرْ هوم	I'll be very glad to give you a ride to your home.	من با کمال میل شمارا با اتومبیل بمنزلتان خواهم رساند .
آیْم گوئینگْ تو دْرایْوْ اَراوْنْدْ دِ پارْکْ وودْ یو لایْکْ تو کامْ اَلانْگْ	I am going to drive around the Park, would you like to come along?	من برای اتومبیل رانی به اطراف پارک میروم آیا مایلید همراه من بیائید ؟
دیسْ ایزْ اِ نایْسْ سَنی دِیْ لِتْسْ تیْکْ دِ کاوِرْ آفْ	This is a nice sunny day, let us take the cover off.	روز آفتابی قشنگی است بیائید کروک ماشین را بخوابانیم .
واتْ اِ نایْسْ رُوْدْ	What a nice road.	چه جاده خوبی
واتْ اِ بَدْ رُوْدْ	What a bad road.	چه جاده بدی .
لِتْسْ تُسنابْ هیر فُرْ اِ وایْلْ	Let us stop here, for a while.	بگذارید دراینجا مدت کمی توقف کنیم .
اِتْزْ گِتینگْ دارْکْ یو بِتِرْ لایْتْ آپْ	It is getting dark, you better light up.	هوا تاریک شده بهتراست چراغ را روشن کنید .
دُنْتْ گُوْ ویدْ دِ بْرایْتْ لایْتْ	Don't go with the bright light.	با نور قوی نروید (چراغهای بالا)
وایْ دُنْتْ یو سْتِپْ آنْ دِ لایْتْ	Why don't you step on the light?	چراچراغ نمیزنید (خاموش وروشن نمیکنید)
یو آرْ اِ گودْ دْرایْوِرْ	You are a good driver.	شما راننده خوبی هستید
یو آرْ اِ بَدْ دْرایْوِرْ	You are a bad driver.	شما راننده بدی هستید .

تلفظ	جمله	معنی



NO SMASHEDS ON THESE ROADS!

در این جاده ها تصادف نخواهد شد

یو آرْ دْ 'رئِویِنگْ آنْ دِ رانْگْ 'سَیْد آوْ دِ رُ دْ	You are driving on the wrong side of the road.	شما در خلاف جهته جاده میرانید .
بی ,وِریْ ,کَرْ فولْ	Be very careful.	خیلی مواظب باشید
,وَرْ دازْ دیسْ رُ دْ ایدْ 'اسْ تو	Where does this road lead us to?	از این جاده بکجا میرویم؟
دیسْ رُ دْ لیدزْ فرم — تو — فُرْ فَیْو 'هنْدْ ,رِدْ 'مَیْلزْ	This road leads from — to — for 500 miles	این جاده بطول پا صد میل از — به — میرود .
,لتْس دْ 'رَیْوْ ثْرُو دیسْ شُ رْتْ کاتْ	Let us drive through this short-cut	بیائید از این راه میانبر برائیم .
اوهْ نُ دیسْ ایزْ ا دَرکْ اَنْدْ 'بلودی رُ دْ	Oh! no this is a dark and bloody road.	او نه ! این یک جاده تاریک و بسیار بدیست

تلفظ	جمله	معنی
اتیز سیفر آن دیس وی	It is safer on this way.	این راه سالمتر است
ای دنت لایک د رکلس درایور	I don't like the wreck- less driver.	من راننده بی‌احتیاط (بی باک) را دوست ندارم
ای دنت لایک د بک سیت درایورز ایدر	I don't like the back- sit drivers either	منهم اشخاصیکه پشت راننده نشسته و زیاد حرف میزنند دوست ندارم .
دنت گ سُ فست	Don't go so fast.	اینقدر باسرعت نروید .
وات ایز یر هاری	What is your hurry?	چه عجله ای دارید ؟
میک هیست	Make haste.	عجله کنید .
کیپ سترت آن	Keep straight on.	مستقیم بجلو ادامه دهید .
ترن تو د رایت	Turn to the right.	براست بپیچید .
ترن تو د لفت	Turn to the left.	بچپ بپیچید .
ستاپ واچ آت	Stop. Watch out!	نگه دار . مواظب باش .
اوه می گاد وات هو یو دان	Oh! my God. What have you done?	خدای من ! چه کردی .
دید دنت ای تل یو نات تو درینک ون یو وانت تو تیک د ویل	Didn't I tell you not to drink, when you want to take the wheel?	من بتو نگفتم وقتیکه میخواهی پشت رل بنشینی مشروب نخور .
ای واز س سکرد	I was so scared	من خیلی ترسیدم .
ای واز جست از سکرد تو .	I was just as scared too	منهم خیلی ترسیدم .
وی ور جست س لاکی دات وی کود ستاپ این دیس هاریبل کاندیشن	We were just so lucky that we could stop in this horrible con dition.	ما چقدر خوشبخت بودیم که توانستیم در این وضع موحش توقف کنیم (اتومبیل را نگاه داریم)
جست ایمجین وات مت هو هپند ایف یو هد بین گوئینگ ا لیتل فاستر	Just imagine waht might have happe- ned if you had been going a little faster	فقط مجسم کنید که چه اتفاقی صورت میگرفت اگر کمی بیشتر سرعت داشتید
وی مت هد ال بین کیلد ار کرپلد	we might had all been killed or crippled	ما همگی ممکن بود یا مرده و یا چلاق شده باشیم

تلفظ	جمله	معنی



EASY ON THE GAS MISTER !
کمی ملایم تر آقا !

اتو شوئی و تعمیرگاه ماشین

تلفظ	جمله	معنی
آر یو ممبر آو انی توورینگ کلاث	Are you member of any Touring Club?	آیا شما عضو یکی از کلوپ های رانندگی هستید ؟
هاو فار ایز ا گاراژ فرام هیر	How far is a garage from here?	از اینجا تا گاراژ چقدر (راهست) دور است ؟
می کار ایز اینشورد	My car is insured.	اتومبیل من بیمه است .
ور ایز د سرویس ستیشن	where is the service station?	اطوشوئی کجاست ؟
هاو نیر ایز د گس ستیشن	How near is the gas-station?	تا پمپ بنزین چقدر راهست
ای وانت می کار فیتد ویث ال اکسسریز	I want my car fited with all accessories	میخواهم اتومبیلم با تمام ابزار یدکی مجهز باشد.
تایرز نید مر ار	Tyres need more air.	لاستیکها بیشتر باد میخواهند
وان آو د تایرز ایز ورن آت	One of the tyres is worn out.	یکی از لاستیکها پاره شده است . (از کار افتاده)
ای هو بروکن ا —	I have broken a —.	من یک — شکسته ام

تلفظ	جمله	معنی
یو هو ا فلت تایر دو یو وانت می تو فیکس ات	You have a flat tyre, do you want me to fix it?	شما یک پنچری دارید میخواهید آنرا درست کنم
هو یو اگزامیند د سپید , چنجینگ گیر	Have you examined the speed - changing gear?	آیا شمادسته دنده راامتحان کرده اید ؟
ریپلیس می ب ریک	Replace my brake.	ترمزهای مرا میزان کنید .
د کلاچ ایز آت آو اردر	The clutch is out of order.	کلاچ ازکار افتاده است (کار نمیکند)
د کاربوراتر داز نات ورک از رگولر	The carburator does not work as regular.	کاربوراتر مثل همیشه کار نمیکند (مرتب نیست) .
د بک سپرینگ ایز بروکن	The back spring is broken.	فنر عقب شکسته است .
فندرز آر سمشد	Fenders are smashed.	گل گیرها شکسته اند
ایت نیدز ا کامپلت بادی جاب	It needs a complete body job.	این احتیاج به یك تعمیر کامل اطاق دارد .
ای تینک ایت نیدز ا نی یو پینت	I think it needs a new paint.	من تصور میکنم این احتیاج به یک رنگ نو دارد
وات ایز د رگولر پرایس آو ا لابریکیشن تریتمنت	What is the regular price of a lubrication treatment ?	دستمزد معمولی برای روغن کاری (گریس کاری) چه مبلغ است ؟
شی نیدز ا کامپلت سرویس	She needs a complete service.	این (اتومبیل) بیک سرویس کامل احتیاج دارد .
ایت دازنت ستارت این د مرنینگ دو یو تینک ایت نیدز ا نیو باتری	It doesn't start in the morning, do you think it needs a new battery?	صبحها روشن نمیشود آیا شما تصور میکنید به یک باتری نو احتیاج دارد؟
گس تانک ایز لیکینگ	Gas tank is leaking.	باک بنزین سوراخ شده است
گس لین ایز درتی	Gas line is dirty.	لوله بنزین کثیف است .
ریدی یتر لیکس	Radiator leaks.	رادیاتور چکه میکند

تلفظ	جمله	معنی
د ناتس ور ک لوز ویل یو تی تن دم آپ	The nuts work loose. will you tighten them up.	پیچ و مهره‌ها شل شده ممکن است آنها را محکم کنید؟
این جین ایز نات تون آپ	Engine is not tune-up.	موتور مرتب کار نمیکند.
تیک ا لوک ات	Take a look at — .	یک نگاهی بکنید به جعبه
اکو مو لی تر	— Accumulator.	برق .
ب ریک	— Brake.	— ترمز
کم	— Cam.	— فرمان (قسمت زیر)
کنترل د	Control the —	کنترل کنید (بازرسی کنید)
هد لیت	— Head light.	— چراغهای بزرگ را .
فاگ لیت	— Fog light .	— چراغهای مخصوص مه
پارکینگ لیت	— Parking light	— چراغهای کوچک .
ور ایز ا یوزد کار دی لر ار آند هیر	Where is a used car dealor around here?	در این نزدیکیها معاملات اتومبیل کهنه کجاست ؟
ای وانت تو سل می کار اند گت رد آف ات	I want to salemy car and get rid of it.	من میخواهم اتومبیل خود را فروخته و از آن خلاص شوم

دارو خانه و مریض

تلفظ	جمله	معنی
ویل یو هو دیس پریسکریپشن ردی وایل ای ام ویتینگ	Will you have this prescription ready while I am waiting	ممکن است ضمن اینکه من منتظر هستم این نسخه را حاضر کنید
ای کن نات ویت ای ویل کال فر ات لی تر	I cannot wait. I will call for it later.	من نمیتوانم منتظر شوم کمی بعد (دیرتر) برای آن مراجعه خواهم کرد .
یس سر ایل میک ات ردی شرتلی	Yes, sir, I will make it ready shortly.	بله آقا . من آنرا زود حاضر خواهم کرد .
دا زت کان تین انی پ ی سن	Does it contain any poison?	آیا هیچ مسمومیت دارد ؟
یس اتیز ا لی تل پ ی س نز	Yes, it is a little poi-sonous.	بله کمی مسموم است
ن ایت کان تینز ن	No, it contains no	خیر مسموم نیست .

تلفظ	جمله	معنی
پئی زن	poison.	(سم)
اتیز هارم لس	It is harmless.	بی‌ضرر (بی‌اذیت)است
هاو ماچ ویل یو چارج فر ات	How much will you charge for it?	آنراچه‌مبلغ حساب‌میکنید؟
آی وانت چارج یو ماچ	I won't charge you much.	من برای شما زیاد حساب نمیکنم
آی هو ا لی تل هدیک واتیز گود فر ات	I have a little headache, what is good for it?	من یک سردرد ملایمی‌دارم برای آن چه خوبست
برم ویث ا گلاس آو کلد واتر ایز د بست یو کن گت	Bromo with a glass of cold water is the best you can get.	بهترین چیزیکه میتوانید بنوشید یک گیلاس آب سرد بابرومو است .
دو یو تینک سام کنین پیلز وود بی ا رایت	Do you think some quinine pills would be alright?	آیا فکرمیکنید چند قرص کنین خوب باشد ؟
وات هو یو فر سر ترت	What have you for sore throat?	برای گلو درد چه دارید ؟
واتیز گود فر کافینگ	What is good for coughing?	برای‌صرفه کردن‌چه‌خوبست
تیک سام کاف دراپس	Take some cough drops.	چند قرص مخصوص صرفه بگیرید .
آی هو رو متیزم	I have rheumatism,	من روماتیسم دارم .
لوک اتیز سول اینک	Look, it is swelling.	نگاه کنید باد کرده است .
آی هو ستمکیک	I have stomachache.	دل من درد میکند .
آی هو نو ابی تیت	I have no appetite.	من اشتها ندارم .
گیو می آن ابی تی زر	Give me an appetizer	یک چیز مشهی بمن بدهید.
درینک ا گلاس او سودا	Drink a glass of soda.	یک گیلاس سودا بنوشید .
آی وانت ا توث براش اند پاودر	I want a tooth brush and powder.	من مسواک و گرددندان میخواهم .
واتیز دیس گود فر	What is this good for?	این برای چه خوبست ؟
دیس ایز گود فر هارت ترابل	This is good for heart trouble.	این برای امراض قلبی خوبست

تلفظ	جمله	معنی
کیوْ می ,ا با ,تلْ آ ,وتْ	Give me a bottle of it	یک بطری از آن بمن بدهید.
´ای ´هوْ ,ا سْمارتْ ,پیْنْ این ´میْ ´بکْ	I have a smart pain in my back.	پشت من درد میکند (تیر میکشد)
´هوْ دیسْ دْراگْ ,اند یو ویل ,گتْ ,ا ´فیسْتْ ,پیْن ریلیف	Have this drug and you will get a fast pain relief.	این دوا رامیل کنید آنوقت خیلی زود ازدرد خلاص میشوید . (درد ساکت میشود)
´ای وانت سامتینگ ,ازْ ,ا ´لکْ ,زتیوْ	I want something as a laxative.	من کمی مسهل میخواهم .
یو نیدْ ثْری ,تیْ ,بلْ سْپوْنْ فولزْ آوْ ´منْ ,یزیا	You need three tablespoonfuls of Mangnesia.	شما به سه قاشق سوپ خوری پر منیزی احتیاج دارید .
ایْ ´هوْ نْ´ سْت´ ماکْ آپْ ,ستْ	I have no stomack upset.	من رودل ندارم
,شیکْ ,ولْ بیْ ´فوْ یوزینگْ´	Shake well, Before using.	قبل از استعمال آنرا کاملا تکان بدهید .
´فرْ ,د نْ´ زْ	For the NOSE.	برای دماغ
´فرْ ,د ایرْ	For the EAR.	برای گوش
´فرْ ,د آیْ	For the EYE.	برای چشم
´فرْ ,د ,بیبی	For the BABY	برای بچه
,تیکْ وآنْ تی سْپوْنْفولْ ´افْ ,ترْ میلْزْ ,اندْ ,اتْ ,بدْ ´تیمْ	Take one teaspoonful after meals and at bedtime.	یک قاشق چائی خوری پر بعد از غذا ودرموقع خواب میل فرمائید
کیپْ با,رتلْ ´تیْتلی کْلْ´زْدْ	Keep bottle tightly closed.	سربطری را محکم ببندیدو نگاهداری کنید
کَ´ ,شنْ ناتْ تو بی	CAUTION	احتیاط
,تیْ,کنْ اینْ ,ترْ ,نلی	not to be taken internally.	برای استعمال داخلی نیست .
پ´ یْ ,سنْ بی ,کرْ فول	POISON , be careful.	سم . احتیاط کنید .
کیپْ این ,د ,رْفری ,جری ,ترْ « ,ر´فریجْ ,ریتر »	Keep in the Refrigerator.	در یخچال نگاهداری کنید (یخچال برقی)
´پرا ,تکْتْ ´فرامْ ´لیْتْ	Protect from light.	از روشنائی محفوظ بدارید
´فرْ ,ا کْسْ ,ترْنالْ یوزْ	For EXTERNAL use	برای استعمال خارجی

تلفظ	جمله	معنی
اُنلی	only.	فقط
دیش پْریسْکْریپْ ,شن کَنات بی ریفیلد .	This Prescription can not be refilled.	این نسخه نبایستی دودفعه پیچیده شود

بیمار وپزشک

تلفظ	جمله	معنی
,هل' دا کْتِرْ	Hallo, doctor.	سلام آقای دکتر
,می'ای ,اِشکْ یو 'فرْ ,ا تار' ,ا گْزامی ,نی ,شن	I want a thorough Examination.	ممکن است خواهش کنم منرا یک معاینه کامل (طبی) کنید
'ای 'امْ آفْ ,ریْدْ'ای 'هو ,کنْ سامپْ ,شن	I am afraid I have consumption.	من میترسم که مبتلا به مرض سل باشم
هارْت ترا ,بلْ	— heart trouble	— امراض قلبی
,کدْ ,نی ترابلْ	— kidney trouble.	— امراض کلیوی
لانگ ترابلْ	— lung trouble.	— امراض ریوی (شش)
شت' ماکْ ترابلْ	— stomach trouble	— معدی (شکم)
لی ,ورْ ترابلْ	— liver trouble	— امراض کبد
'ای 'هو ,انس ومْنیا	I have insomnia.	— من بیخوابی دارم
نیو 'رلْجی یا	— neuralgia.	— امراض عصبی
,بلْیوزْ ,نس	— billiousness.	— امراض کیسه صفرا
,کتارْ	— catarrh.	— امراض بینی و حلق (ذکام)
'ایْ کاچه ,اکْ' لْدْ	I caught a cold	من سرما خورده ام .
'د ,یرْ هی یا	I have diarrhoea	— اسهال دارم
کانستی ,پیْ ,شن	— constipation.	— یبوست مزاج
دو یو تینکْ'ای 'هو ,ا 'بدْ ,کیْسْ	Do you think I have a bad case?	آیا تصور میکنید وضع (مرض) من بدباشد .
ایزیت کیو ,ری ,بلْ	Is it curable?	آیا این قابل علاج است ؟
دو یو تینکْ ,اتیزْ آنْ ,اکیوتْ ایلْ ,نسْ	Do you think it is an acute illness?	آیا شما فکر میکنید این یک کسالت . مهمی است؟
ایزیتْ کْر' نیکْ	Is it chronic?	مداومت خواهد داشت ؟
ایزیتْ ,دینْ ,ج ,رزْ	Is it dangerous?	آیا خطرناک است
'ای 'هوْ بین سا ,فرینگ ویس دیس ترا ,بلْ	I have been suffering with this trouble	من مدت زیادیست که از این کسالت رنج میکشم .

تلفظ	جمله	معنی
فرْ ا لانگ تیمْ	for a long time.	(برای مدت مدیدی)
اِتیز اُنلی ا شُرْتْ تیمْ سینْس اَی هَوْ اتْ	It is only a short time since I have it.	فقط مدت کوتاهیست که بآن مبتلا شده ام .
هاو لانگْ ویلیتْ تیک بیفُرْ ا کیورْ ایز افکتد	How long will it take before a cure is effected?	چه مدت طول خواهد کشید قبل از اینکه (تا اینکه) معالجه موثر واقع شود ؟
هاو لانگْ داز اتْ جنرالی لَسْتْ	How long does it generally last?	این معمولا چه مدت طول میکشد ؟
یو هَوْ ناتْ تو وری اباوتْ اتْ اُلْ	Youhave not to worry about it at all.	شما ابداً راجع بآن آزرده نباشید (فکر نکنید)
یو شودْ گُ تو هاسپیتالْ فرْ آنْ آپریشن	You should go to hospital, for an operation.	شما بایستی برای عمل به بیمارستان بروید
یو هَوْ ا کیند آفْ دیزیز ویچ ریکوایرز ا گودْ سرجیکالْ آپریشن	You have a kind of disease which requires a good surgical operation.	کسالت شما جوریست که احتیاج به یک عمل جراحی (طبی) دارد .
یو نید آنْ اکْس ری	You need X - ray.	شما به عکس برداری (طبی) احتیاج دارید
یو نید ا بلادْ تستْ	You need a bloodtest.	شما به تجزیه خون احتیاج دارید
یو هَوْ ا هی بلادْ پرِشرْ	You have high blood presure.	شما فشار خون دارید .
یُرْ یورینلیزیس شُزْ تو ماچْ شوگرْ	Your urinalysis shows too much sugar.	تجزیه (ادرار) شما مقدار زیادی قند نشان میدهد .
ای گسْ ایمْ سافرینگْ فرامْ دیابیتیزْ	I guess I'm suffering from Diabetes.	تصور میکنم مرض قند مرا زجر میدهد
— کَنْسرْ	— Cancer.	— سرطان
— نیومُنیا	— Pneumonia.	ذات‌الریه
— نفْ ریتیس	— Nephritis.	سنگ کلیه .
ایم آفْریدْ ای امْ تیوبرکولزیس	I am afraid I am Tuberculosis.	میترسم که مسلول باشم
— اپنْ دیسی تیزْ	— Appendicitis.	میترسم آپاندیس داشته باشم

تلفظ	جمله	معنی
ایم گتینگ فت داکتر وات شود ای دو ابات تت	I am getting fat, ctor, what should I do about it?	آقای دکتر من چاق شده‌ام برای معالجه آن چه بایستی بکنم ؟
ایف یو آر اورویت نا ریدیوس یر فود ار ایت ویل کاز یو آن اپیت لکسی	If you are over-weight now, reduce your food, or it will cause you an apeblexy.	اگر اکنون شما وزن اضافی دارید غذای خود را کم کنید والی باعث سکته شما خواهد شد .
د فرست پازیتیو ستپ تو کیپ ی ر هلث ایز اکستریملی سمپل	The first positive step to keep your health is extremely simple:	اولین قدم مثبت (مؤثر) برای سلامت ماندن بی نهایت ساده است
پرزنت یر سلف تو یر داکتر فر آن انول اوورهلینگ . ایت ویل بی د بست اینشورنس اگینست فیزیکال دیزاستر	Present yourself to your doctor for an annual overhauling is the best insurance against physical disaster.	همه ساله برای یک معاینه و معالجه کامل خود را بپزشک معرفی نمائید این بهترین بیمهٔ سلامتی شما در مقابل مصائب و امراض طبی است

دندان پزشک

داکتر ای هو ا بد توث اک	Doctor, I have a bad toothache.	آقای دکتر من یک درد دندان بدی دارم
در ایز ا لارج کویتی این ات (اینیت)	There is a large ca-vity in it.	در آن یک سوراخ بزرگی (کرم‌خوردگی) شده‌است.
ا تیز شیکینگ	It is shaking.	لق شده‌است (تکان میخورد)
یو بتر تو پو لت آ ت	You better to pull it out.	شما بهتر است که آنرا بکشید
ای ود لیک تو سیو ات	I would like to save it.	میخواهم آنرا نکشم (نگه دارم)
ات سمارتس	It smarts.	تیر میکشد
ات ایکس ون ای	It aches when I	موقعیکه آب سرد و یا گرم

تلفظ	جمله	معنی
دِرینک هات اُر کُلد واتِر	drink hot or cold water.	مینوشم درد میگیرد .
اَی کَن نات چیو اِنیتینگ آن اِت	I cannot chew any thing on it.	با آن نمیتوانم چیزی بجوم
اِتیز وِری سِنسیتیو	It is very sensitivte	خیلی حساس است .
لَست نایت اِت ستارتِد تو سوِلینگ آپ	Last night it started to swelling up.	از دیشب ورم کرده است
وُدِنت بی دِ بِست تو فیل اِت	Wouldn't be the best to fill it?	آیا بهتر نیست که آنرا پر کنید .
اِتیز دِ لَست توث آن دِ رایت (آن دِ لِفت)	It is the last tooth on the right (on the left).	آخرین دندان در طرف راست است (چپ است) .
دُنت یو تینک اَی نید اِ ثُرُ کلینینگ	Don't you think I need a thorough cleaning?	آیا شما فکر میکنیددندان هایم پاک کردن لازم دارد؟
اَی وانت ثری آرتیفیشِل تیث	I want three artificial teeth.	من سه عدد دندان مصنوعی میخواهم .
اَی وانت اِ سِت آو آرتیفیشِل تیث .	I want a set of arti-ficial teeth.	من یکدست دندان مصنوعی میخواهم
اَی وانت یو تو سِت مَی تیث	I want you to set my teeth.	من میخواهم دندانهایم را مرتب کنید .
واتیز یُر پرایس	What is your price?	شماچه مبلغ میگیرید ؟
وات پاوْدِر دو یو ریکمِند	What powder do you recommend?	چه گرد دندانی تجویز میکنید
هاو آفِن شود اَی واش دِم	How often should I wash them?	چند بار بایستی آنرا شستشو کنم ؟
کَلسیِم اَند ویتَمینز اِی سی اَند دی آر گود فُر توثس اِنَملز	Calcium and vitamins A. C. and D. are good for tooth 's enamels	کلسیم و ویتامینهای آ . ث و د برای مینای دندان مفیدند
اَی سَجِست فایو اِفِکتیو رولز فُر یُر توث هِلث	I suggest five effec - tive rules for tooth health:	من پنج پیشنهاد مفید برای سلامتی دندانهای شما میکنم.

تلفظ	جمله	معنی
تیک اِ کوارت آو مِلک اِوری دی	1. Take a quart of milk everyday.	۱ . هر روز یک مطری شیر بنوشید .
درینک فروت جو سِس	2. Drink fruit juices.	۲ . آب میوه بنوشید .
اوُیْد ایکسِسیو شوگَر	3. Avoid excessive sugar.	۳ . در خوردن شیرینی افراط نکنید .
براش یُر تیث ثری تایمز اِ دی	4. Brush your teeth three times a day.	٤ . دندانهای خود را روزی سه بار بشوئید
کانسَلت یُر دِنتیست اِوری سیکس مانثز	5. Consult your dentist every six months.	٥ . هر ششماه یکبار با دندان پزشک خود مشاوره کنید
ثنکس اِ لات داکتر گودبای	Thanks a lot, doctor. Goodby.	آقای دکتر خیلی متشکرم خدانگه دار

چشم پزشک

A short-sighted eye.

چشم نزدیک بین

A far-sighted eye.

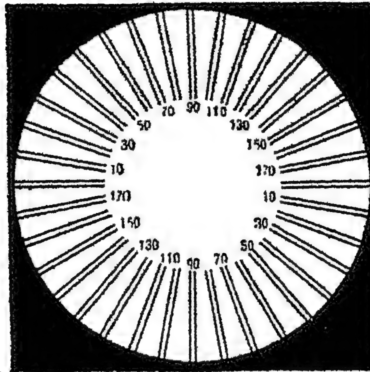
چشم دوربین

تلفظ	جمله	معنی
گود مُرنینگ داکتر	Good morning, doctor.	صبح شما بخیر آقای دکتر
ایم فار سایتِد	I am far-sighted.	چشم من دوربین است .
ایم شُرت سایتِد	I am short-sighted.	چشم من نزدیک بین است
ای هَو کتار این مای آیز	I have catarrh in my eyes.	چشم من آب آورده است
ای هَو اکیژنال هِدیکز	I have occasional headaches.	من گاهگاهی سردرد دارم.
دو یو ثینک ای نید اِ پِر آو گلاسِس	Do you think I need a pair of glasses.	آیا شما فکر میکنید که من به عینک احتیاج داشته باشم ؟

تلفظ	جمله	معنی
ویل یو اگزامین مای آیز فر ا پر آو س پکتکلس	Will you examine my eyes for a pair of spectacles.	ممکن است چشم مرا برای عینک نمره دار امتحان کنید ؟
آی وانت تو چنج مای گلاسس	I want to change my glasses.	من میخواهم عینک خودرا عوض کنم .
ال رایت سیت آن دیس چر	Alrigt, sit on this chair.	بسیار خوب روی این صندلی بنشینید
کلز ذ یر رایت آی (لفت آی)	Close your right eye. (left eye).	چشم راست خود را ببندید (چشم چپ)
ترای تو رید وات اور آی شو یو	Try to read whatever I show you.	سعی کنید هرچه بشما نشان میدهم بخوانید
کلز ذ یر بث آیز	Close your both eyes.	هردو چشم خودرا ببندید .
کن یو رید ایزیلی	Can you read easily?	آیا میتوانید براحتی بخوانید؟
مای آیز آر تایرد ون ایم ریدینگ	My eyes are tired when I'm reading	چشمانم هنگام خواندن خسته میشوند .
ول یر آیز نید ا پر آو ریدینگ گلاسس	Well, your eyes need a pair of reading glasses.	بسیار خوب چشمان شما برای خواندن احتیاج به عینک دارد
یو دنت هو تو ویر مگنی فاینگ گلاسس	You don't have to wear magnifying glasses.	شما احتیاجی به استعمال عینک برای خواندن ندارید .
یو هو تو یوز ا پر آو س پکتکلس نامبر	You have to use a pair of spectacles No -	شما بایستی عینک شماره . استعمال کنید
رتینا	Retina.	قرنیه چشم
لنز	Lens.	شیشه ذره بین
س پکتکلس ویث کانکیو لنزس آر یوزد تو کرکت شرت سایتد آیز	Spectacles with concave lenses are used to correct short-sighted eyes.	عینکهای ذره بینی مقعر برای درست کردن (دید) چشمهای نزدیک بین بکار میرود
کانوکس لنزز آر یوزد فر فار سایتد آیز	Convex lenses are used for far-sighted eyes.	ذره بین های محدب مورد استعمال چشم های دور بین میباشد .

تلفظ	جمله	معنی

In a case of astigmatism not all the lines in such a diagram will appear equally distinct. Those in one direction will be sharply defined, whereas those at right angles to them will appear broadened and blurred. This defect is corrected by the use of cylindrical lenses.



درصورتیکه قرینه چشمی از کرویت خارج شده باشد (حالت استیکمات) کلیه خطوط دراین تصویر مساوی بنظر نمیرسند. خطوط دریك سمت بطور دقیق و مشخص دیده میشوند وحال آنکه خطوط سمت مقابل آنها تار و عریض بنظر میرسند. برای صحت این عیب ذره بینهای استوانهٔ بکار میروند.

Lines to test astigmatism.
خطوط جهت امتحان کرویت قرینه چشم

تلفظ	جمله	معنی
,استیگ ,متیزم	Astigmatism.	خطای چشم (تاری چشم)
ویذ آن ,استیگ ,متیزم آی ,ا سپات آو 'لیت 'لیک ,ا ستار ایز سین ,از ,ا ش'رت بر'ایت 'لین	With an astigmatism eye a spot of light like a star, is seen as a short, bright, line.	با یک چشم مریض نوعی مرض چشم (استیکماتیسم) یک نقطه روشنائی مثل ستاره مانندیك خط کوتاه درخشنده دیده میشود .
این 'الد ,اج د ,لنز آو د آی لوزس ایتس پاور ,اند س' ریکو 'ایرز ,ا بیف' کال ,لنز	In old age the lens of the eye loses its power and so requires a bifocal lens	در سن پیری ذره بینهای چشم قدرت و توانائی خود را ازدست میدهند بنابراین احتیاج به ذره بین های (دومرکزی) پیدا میکند
بیف' کال ,لنز ایز ,مید این تو پارتس ,د آپر فر دیستنس ,اند ,د لا' ور فر ریدینگ	Bifocal lens is made in two parts, the upper for distance and the lower for reading.	ذره بین های دو مرکزی ازدو قسمت تشکیل شده اند قسمت بالا برای فاصله (دور) وقسمت پائین برای خواندن .

تلفظ	جمله	معنی

مکالمات تلفنی

تلفظ	جمله	معنی
پلیز تل می ور کن ای فیند ا پابلیک تلفن هیر	Please tell me where can I find a public telephone here?	خواهش میکنم بگوئید کجا میتوانم یک تلفن عمومی پیدا کنم .
د پابلیک تلفن ایز این د بیس منت	The public telephone is in the basement.	تلفن عمومی در قسمت تحتانی است (زیرزمین)
هو یو ا تلفن بوک هیر ؟	Have yon a telephone book here?	آیا شما کتابچه تلفن دارید.
ویچ وان دو یو وانت	which one do you want?	کدام یکی را میخواهید ؟
ای لیک تو سی د رد وان	I like to see the red one.	من میخواهم دفتر قرمزرا نگاه کنم (دفاتر قرمز تلفن مخصوص اعلانات است)
هاو کن ای یوز دیس تلفن پلیز	How can I use this telephone please?	خواهش میکنم بفرمائید چگونه میتوان از این تلفن استفاده کرد ؟
هلد آپ د ریسی ور فرست دن دراپ یر نی کل این د سلات	Hold up the receiver first, then drop your nickel in the slot.	اول گوشی را برداشته و بعد دهشاهی در محل پول بیاندازید .
ایف یو وانت د اینف رمی شن ترآی تو او اند اسک د نمبر دات یو وانت	If you want the infor mation, try two 0. and ask the number that you want.	اگر اطلاعات را میخواهید شماره دوصفر را بگیرید وشماره ایرا که میخواهید سئوال کنید .
هلو آپارِ یتر پلیز پس می هادسن فر نین وان فیو	Hello, operator, please, pass me, "HUDson 4915".	هلو،پرِتر(تلفنچی) خواهش میکنم شماره (هادسن - ۴۹۱۵) را بمن بدهید
یس سر جست ویت ا می نت	Yes, sir, just wait a minut.	بله آقا الساعه کمی صبر کنید
هلو ایز دات میس تا گر	Hello! is that Mis Taggar?	هلو آیا شما خانم تا گر هستید ؟
یس سر هو ایز دیس	Yes, sir, who is this	بله آقا شما کی هستید ؟

تلفظ	جمله	معنی
پْلیزْ	please?	خواهش میکنم ؟
دیسْ ایزْ جلال ای ویشْ تو سْپیکْ تو میسْ جین پْلیز	This is Jalal I wish to speak to Miss Jeanne please.	من جلال هستم خواهش میکنم اجازه بفرمائید باخانم جین صحبت کنم .
سْپیکینگْ	Speaking.	صحبت میکنم (خود من هستم)
اُلْرایْتْ جَسْتْ هُلْدْ دِ ریسی وِرْ	Alright, just hold the receiver	بسیار خوب گوشی را نگاه دارید
سری شی ایزْ ناتْ اینْ دو یو وانْتْ می تو لیوْ هِرْ اِنی مِسیج	Sorry, she is not in, do you want me to leave her any message?	متاسفم . منزل نیستند . آیا میخواهید یادداشتی برای ایشان بگذارم (پیغامی دارید ؟)
مِیْ ای اَسْکْ یوْ تو لیوْ هِرْ دیسْ مِسیجْ	May I ask you to leave her this message?	ممکن است از شما خواهش کنم این پیغامرا (یاداشت را) بایشان بدهید .
نُ تَنْکْ یو جَسْتْ تِلْ هیم جی — هَو کُلْدْ یو اَنْد ای می ترای اِ گِینْ	No, thank you, just tell him J — have called you, and I may try again.	خیر متشکرم فقط بایشان بگوئید که ج ـ بشما تلفن کرد و من ممکنست مجدداً تلفن کنم
ایلْ گیوْ هیمْ اِ رینگْ لِیْ تر	I'll give him a ring later.	من کمی بعد بایشان تلفن خواهم کرد .
سری یو گاتْ اِ رآنْگْ نَمْ بِرْ	Sorry you got a wrong number.	متاسفم شما شماره اشتباهی گرفته اید .
هلو آپْ رِیْ تِرْ یوْ گاتْ می اِ رانْگْ نَمْ بِرْ	Hello! operator, you got me a wrong number.	هلو ! مرکز شما شماره اشتباهی بمن داده اید
سری پْلیزْ ریپیتْ یِرْ نَمْ بر	Sorry, please, repeat your number.	ببخشید . خواهش میکنم شماره خود را تکرار کنید
ای وانْتْ اِ لانْگْ دیس تِنْسْ کُلْ	I want a long dis tance call.	من میخواهم با شهرهای دیگر (خطوط تلفنی دور) صحبت کنم .
یِسْ سِرْ وِرْ تو	Yes, sir, where to?	بلی آقا بکجا ؟
ای دُنْتْ نُ دِ نَمْ بِرْ باتْ دِ نیمْ ایزْ — اِتْ	I don't know the number, but the name	من شماره آنرا نمیدانم ولی اسم ایشان — است

تلفظ	جمله	معنی



The main building of the modern telephone system in New York City. This is said to be the largest teleph. one institution in the world.

د میں بیلدینگ آو د ما دِرن تلفن سیس تم این نیویورک سیتی دیس ایز سید تو بی د لارجست تلفن ایستیتو شن این د و رلد

بنای مرکزی تلفونخانه با اصول جدید در شهر نیویورک. میگویند این وسیعترین مؤسسهٔ تلفون در دنیا است.

تلفظ	جمله	معنی
یو یرک	is — at New York	ودر نیویورک میباشد
ال ریت هو یو گات تو اند هف د لرز چنج ردی	Alright, have you got two and half dollars change ready?	بسیار خوب شما دو دلارو نیم پول خورد حاضردارید؟
نا دراپ سیکس کوار تر این د شلات	Now drop six quarter in the slot.	اکنون ٦ دو ریال و نیمی در جای پول بیاندازید.
دیس ایز داکتر براون سک رتری سپیکینگ	This is doctor Brown secretary speaking	اینجا منشی دکتر بران صحبت میکند.
ای وانت تو اسک داکتر فرا ویزیت می ای	I want to ask doctor for a visit, may I?	میخواهم از آقای دکتر تقاضا کنم برای دیدن مریض بیاید آیا ممکن است؟
پلیز کل ات وانس بیبی ایز وری سیک	Please call at once doctor, baby is very sick.	آقای دکتر خواهش میکنم فوراً تشریف بیاورید بچه خیلی مریض است

تلفظ	جمله	معنی
ایْ شلْ کامْ اُ ,ووْ دایْ ,د ,ویْ (اُریْت ا,روی	I shall come over right away.	من هم اکنون آنجاخواهم آمد
	« بانك »	
اُایْ ویشْ تو اُ ,پنْ ا اُبنکْ ,ا کاُ ,نْس	I wish to open a bank accounts	من میل دارم یک حساب بانک باز کنم .
اُ اُریْت ,سرْ	Alright, sir	بسیار خوب آقا
ویلْ یوْ پْلیزْ فیلْ دیس ت اُبلْنک	Will you please fill this blank	ممکن است خواهش کنم این ورقه را پر کنید ؟
,فرْستْ ,نیم	First name:	نام (اسم اول)
میدِلْ ,نیم	Middle name.	عنوان (اسم وسط)
اُلستْ ,نیم	Last name·	نام فامیل
فا,درْ فولْ نیم	Father full name·	نام کامل پدر .
پْ ,لیسْ آوْ ,برْثْ	Place of birth:	محل تولد .
,دیْت آوْ برْثْ	Date of birth	تاریخ تولد
اُنچرالی ,زیشن	Naturalisation.	ملیت
پر اُ ,فشنْ	Profection	شغل
,اِجْ	Age	سن
,ادْ ,رسْ	Address·	نشانی (آدرس)
,دیْت	Date	تاریخ
سینْ ,ی ,چرْ	Signature	امضاء
هااُ ماچْ مانیْ دوْ یو ویشْ توْ دیپازتْ	How much money do you wish to deposit?	چه مبلغ مایلید سپرده بگذارید ؟
اُایْ ویشْ تو دیپا ,زتْ وان هنْدْ ,ردْ ,س ,ونتی اُد ,لرز	I wish to deposit one hundred seventy five dollars	من مایلم یکصد و هفتاد دلار سپرده بگذارم
اُیرْ ,فرستْ دیپازتْ ماستْ بی تو اُهنْدْ ,ردْ د ,لرزْ اُرْ مُ رْ باتْ ناتْ ,لسْ	Your first deposit must be two hundred dollars or more but not less.	سپرده اول شما بایستی دویست دلار و یا بیشتر باشد ولی کمتر نمیشود .
هیر ایزْ ,ا چکْ اُفرْ ,ایتینْ هنْدْ ,ردْ	Here is a check for eighteen hundred	این یک چک بمبلغ یکهزارو هشتصد دولار

تلفظ	جمله	معنی
د لرز. ویچ ای ویش تو پوت این می اکانت	dollars which I wish to put in my account.	است که مایلم بحساب بانکی خود بگذارم .
ای لیکت تو هو ا بنک بوک	I like to have a bank book.	من یك دفترچه چك میخواهم
کود یو در می ا بنک چک فر دیس ارد	Could you draw me a bank check for this ordre?	آیا میتوانید برای این حواله بمن یك چك بانکی بدهید ؟
ای نید وان تاوزند دلرز ترا ولرز چک این تن دلرز بیل	I need one thousand dollars traveler check in ten dollars bill.	من به یکهزاردولار چکهای مسافرتی (ده دلاری) احتیاج دارم
ای وانت تو بای سام ترژری باندز	I want to buy some tresury bonds	من میخواهم مقداری اوراق (خزانه داری) بخرم
ای لیکت تو در آوت ا چک فر فیفتین دلرز	I like to draw out a check for fifteen dollars.	من میخواهم یك چك پانزده دلاری بکشم .
هاو ماچ این ترست دو یو پی	How much interest do you pay?	شما چه مبلغ منفعت میپردازید ؟
وی پی تری پر سنت	We pay 3 per cent.	ماصدسه میپردازیم
هی لوکس الویز افتر هیز اون اینترست	«He looks always after his own interest»	« او همیشه فکر منافع خودش میباشد »
دیس ایز جست تو یر اینترست	«This is just to your interest»	« این نقط برای خاطر شما است »
ون ایز د اینترست دی یو (دیو)	When is the interest due?	چه موقع منفعت پرداخت خواهد شد ؟
ایتیز دیو اوری کوارترلی	It is due every quarterly.	هرسه ماه یکبار پرداخت خواهد شد .
د اینترست ایز ادد تو د پرینسیپل	The interest is added to the principal.	منافع به اصل اضافه میشود .
ای ویش تو کلز آپ می اکانت از ایم گوئینگ بک تو ایران	I wish to close up my account as I'm going back to Iran.	من مایلم حساب خود را ببندم چون بایران مراجعت خواهم کرد

تلفظ	جمله	معنی
ویل یو پلیز در ا چک فر د بالنس آو یر اکانت	Will you please draw a check for the balance of your account.	خواهش میکنم یك چك برای تتمه موجودی حساب خود بکشید
ای ویش تو نو می بنك بالنس	I wish to know my bank balance.	من میخواهم بدانم تتمه موجودی حساب من چقدر است.

مذهب و مراسم مذهبی



An old village steeple

تلفظ	جمله	معنی
,اباَ' ثَ دِ جا جَ ,منْتْسْ	It is about the judgments.	راجع بقضاوت است
وات ,ا 'منیی فی ,شنْتْ ,چرْچْ دیسْ ایز	What a magnificent church this is!	این چه کلیسای باشکوهی است .
لتْسْ سیتْ این ,د ا' رْ ,کسْترا	Let us sit in the orchestra.	بیائید نزدیك ارکست (جلو) بنشینیم .
دیس پاس ,ترْ ایزْ ,ا ,ورِی کودْ سْپی ,کرْ	This pastor is a very good speaker.	این واعظ بسیارخوب‌صحبت میکند .
هی 'هزْ ,ا 'نیْسْ و' یْسْ	He has a nice voice.	او صدای خوبی دارد .
,لتْسْ ا' لْ جَ' یْنْ این سینْکینْکْ	Let us all join in singing.	بیائید همه باهم آواز بخوانیم .
نا' ,د پاسْ ,ترْ ویل ,میْکْ ,ا نانْسْ ,منْتْسْ 'فرْ ,نکْسْتْ ویکْ	Now the pastor will make announcements for next week.	اکنون کشیش برنامه هفته آینده‌را اطلاع‌خواهد داد
,لتْسْ ریدْ ,د بوکْ آوْ ,ج ,نسیْس	Let us read the book of Genesis.	بیائید کتاب خلقت (پیدایش) رابخوانیم .
— ,اکْ ,ز ,دسْ	— Exodus.	— کتاب مذهبی مربوط به خروج کلیمیان ازمصر .
— کینکْزْ	— Kings.	— پادشاهان
— کرانی ,کلزْ	— Chronicles.	— وقایع تاریخ (مذهبی)
— 'پسالْمْزْ	— Psalms.	— زبور حضرت داود
— 'پرا ,ورْبْسْ	— Proverbs.	— امثال
,لتْسْ ا'لْ سینْکْ ,د سانْکْ آوْ ,ج ری 'مِا	Let us all sing the song of Jeremiah.	بیائید همگی آوار مصیبت را بخوانیم . (مذهبی)
— سالا ,منْ	— Solomon	— (نوعی آواز مذهبی) انفرادی
— ,لمینْ ,تیْ ,شنْزْ	— Lamentations.	— عزاداری
— 'کسْپلْ	— Gospel.	— بشارت
,لتْسْ ا' لْ سْ 'تنْد آپ ,انْد پْ ,ریْ	Let's all stand up and pray.	بیائید همه بایستیم ودعا کنیم .
آ' رْ فا ,درْ ویچْ آرْتْ اینْ ,ح ,ونْ ,هل' دْ بی 'دیْ ,نیمْ	Our father which art in heaven, hollowed be thy name,	ای پدر ماکه در آسمانهائی نام تو مقدس است

تلفظ	جمله	معنی
دیْ کینگْدامْ کامْ دیْ ویلْ بی دآنْ آنْ ایرثْ اَزْ اِتیزْ اینْ هِوِنْ . گیوْ اَسْ دیزْ دیْ آوْرْ دیْلی بْرِدْ اَندْ فُرْگیوْ اَسْ آوْرْ دِتْسْ اَزْ وی فُرْگیوْ آوْرْ دِتِرْزْ اَندْ لیدْ اَسْ ناتْ اینْتُ تِمْپْتیْشِنْ باتْ دِلیوِرْ اَسْ فْرامْ ایویلْ فُرْ دَیْنْ (ثَیْنْ) ایزْ دِ کینْگْدامْ اَندْ دِ پاوِرْ اَندْ دِ گْلُری فُرْ اِوِرْ اَندْ اِوِرْ آمینْ .	thy kingdom come, thy will be done on earth as it is in heaven. Give us this day our daily bread, and forgive us our debts as we forgive our debtors, and lead us not into temptation but deliver us from evil, for thine is the kingdom and the power and the glory, for ever and ever Amen.	در آسمان وزمین اجرا میشود هرآنچه تو اراده کنی. ای روزی دهنده ما بما روزی بده و گناهان ما راعفو کن ومارا به ادای فرایض خود موفق فرما. خدایا مارا ببخش و براه راست هدایت کن . ما را از پیروی هوای نفس ممانعت کن و از شیطان دور نگاهدار . عزت وجلال از آن تست چنانچه همیشه و همیشه توانا و قادر مطلق بوده وخواهی بود آمین .
دو یو هیرْ دِ چِرْچْ بِلْزْ .	Do you hear the church bells?	صدای زنگ کلیسا را میشنوید ؟
دو یو لیکْ اِتْ	Do you like it?	آیا آنرا دوست دارید ؟
نُ آیْ دُنْتْ لیکْ اِتْ	No, I don't like it.	خیر من آنرا دوست ندارم .
پیپلْ ویثْ اُپینیِنْزْ اَباوْتْ چِرْچْ بِلْزْ آرْ دی ویْدِدْ جِنِرالی اینتو کْلاسِسْ	People with opinions about church bells are divided generally into two classes.	عقاید مردم راجع به زنك کلیسا معمولا به دو دسته تقسیم شده است
دُزْ هو کَنْتْ بیرْ دِ ساوْنْدْ آوْ دِمْ اَندْ دُزْ هو سِیْ هاوْ سوییتْ دی آرْ	Those who can't bear the sound of them, and those who say how sweet they are	(یکدسته) آنهائیکه تحمل شنیدن آنرا ندارند و (یکدسته) آنهائیکه میگویند آن چقدر شیرین است

عکاسی

تلفظ	جمله	معنی
کارمرآ (کَمْرا)	Camera.	دوربین عکاسی
رُ لْ فیلْمْ	Roll film.	حلقه فیلم
دارْکْ روم	Dark room.	اطاق تاریک
دیْ ,شِزْ ,فُرْ دی ,و ,لِپِنْگْ	Dishes for developing	ظروف برای ظاهر کردن فیلم
دْرِینیگْ رَکْ	Draining rack.	(اسبابیست جهت خشک کردن فیلم)
فْ لَشْ ,لَمْپْ	Flash lamps.	لامپ عکاسی
فا ,نِلْ	Funnel.	لوله (قیف)
پْرِنْتینگْ فْ ,ریْمْ	Printing frame.	دستگاه روتوش (قید)
شا ,تِرْ	Shutter.	پرده چوبی
سْپیدْ ایندیْ ,کیْ ,تِرْ	Speed indicator.	سرعت نما
تری پادْزْ	Tripods.	سه پایه
ویوْ ,فینْدِرْ	View finder.	منظر نما
آنْ ,اِکْسائِ تینْگْ ,فت' گراف	An exciting photo graph.	یک عکس خوب (مهیج)
ویلْ یو ,تیکْ ,مِیْ ,فت' گرافْ ,سِرْ	Will you take my photograph, sir?	آقا ممکن است عکس مرا بردارید ؟
هاَ' ماچْ دوْ یوْ چارجْ ,فر ,کَبی' ,نتْ (ریکُ' رْدْ) ,فت'	How much do you charge for cabinet (record) photos?	برای عکس پرسنلی چه مبلغ میگیرید ؟
سیکْسْ ,دُلرْزْ ا دازِنْ	Six dollars a dozen.	دوازده عدد شش دلار
هاَ' دو یوْ وانْتْ ,یرْ پیکْتْ ,چرْ ,تیْ ,کنْ	How do you want your picture taken	چطور میخواهید عکس شما برداشته شود ؟
ایْ وانْتْ فولْ ,سِیزْ	I want full size.	من اندازه (تمام قد) میخواهم
— سْ ,تَنْدینْگْ	— Standing.	— ایستاده
— سیتینْگْ	— Sitting.	— نشسته
— پْرا ,فیلْ	— Profile.	— نیم روخ
— فْرانْتْ ویو	— front view.	— از روبرو (جلو)
ا' ,رَیْتْ ,سِرْ	Alright, sir.	بسیار خوب آقا
سیتْ آنْ دیسْ ,چِرْ	Sit on this chair.	روی این صندلی بنشینید
لوکْ تو و' رْدزْ دِ	Look towards the ca-	بطرف دوربین نگاه کنید

تلفظ	جمله	معنی
کا ,مرا	mera.	(دوربین)
لوکْ تو وُ رِدْزْ می	Look towards me.	بطرف من نگاه کنید
دو ناتْ وینْکْ فرْ اِ مَا,منْتْ	Do not wink for a moment.	یک لحظه چشمک نزنید
سْ ,میْلْ ,ا لیْ ,تلْ	Smile a little.	کمی تبسم کنید
,ونْ ویلْ یو ,هوْ ,اتْ ,ردیْ	When will you have it ready?	چه موقع آنرا حاضر خواهید کرد
,ایْ ویلْ شُ یو ,ا پْروفْ ,نکْسْتْ ویکْ	I will show you a proof next week.	هفته آینده منفی (نمونه) آنرا بشما نشان خواهم داد
,ترایْ تو ,میکْ ,اتْ ,نیشْ ویلْ یوْ	Try to make it nice, will you?	خواهش میکنم آنرا قشنگ درست کنید
بی شورْ یو ویلْ ,لیْکْ اتْ	Be sure, you will like it.	مطمئن باشید شما آنرا دوست خواهید داشت

آتش و آتش نشانی

تلفظ	جمله	معنی
,درْ ایزْ ,ا فایرْ این ,دتْ هاءُ سْ	There is a fire in that house.	درآن خانه یك آتش‌سوزی است
,ورْ ایزْ دِ فایرْ سْ ,تیْشْنْ	Where is the fire station?	اداره (ایستگاه) آتش نشانی کجاست ؟
,ورْ دوْ یو ساءُ پزْ دِ فایرْ ایزْ	Where do you suppose the fire is?	تصور میکنید آتش سوزی در کجاست ؟
هاءُ کَنْ وی ,نتی ,فیْ دِ فایرْ سْ ,تیْشْنْ	How can we notify the fire station?	ماچگونه میتوانیم بایستگاه آتش‌نشانی اطلاع دهیم ؟
,درْ ایز ,ا ,ردْ باکْسْ نیرْ د ,کرْ ,نرْ یو ویلْ ,فیْنْدْ دِ کی آنْ ,درْ دِ باکْسْ اُ ,پنْ ,اتْ آپْ ,انْدْ رینْگْ	There is a red box near the corner, you will find the key under the box, open it up and ring.	یک جعبه قرمز رنگ نزدیك پیچ (چهارراه) است و شما کلیدآنراهم میتوانید در زیر جعبه پیدا کنید . آنرا باز کرده و زنگ بزنید
ایفْ یو ,کنْتْ ,اُ ,پنْ ,اتْ بْ ,ریکْ د گْلاسْ	If you can't open it, break the glass.	اگر نتوانستید آنرا باز کنید شیشه را بشکنید .
هیرْ دیْ کامْ	Here they come.	دارند میآیند .

تلفظ	جمله	معنی
سی دِ فایرِ منّ هاو، وِلْ دِیْ آر اکوئیپْدْ	See the firemen how; well they are equipped !	نگاه کنید مامورین آتش نشانی چقدر خوب مجهز اند
سی دِ آ ریال لدر بایْ ویچ دِیْ کلیمْ آپْ دِ بیلدینگ	See the aerial ladder by which they climb up the building	نردبام هوائی را که از آن به بالای ساختمان میروند نگاه کنید .
واتْ ا جی گنتیک پامپْ اینجین	What a gigantic pump engine.	چه موتور پمپ عظیم الجثه ای
دتْ سیمز کاپبل اوْ دیفاینگ اُلْ دِ وا ترْ این اُلْ سیز	That seems capable of defying all the water in all seas.	چنان بنظر میرسد که قادر است با تمام ابهای دریاها مبارزه کند
دِ فایر دِ پارتمنت این آمریکا ایز ادمی ربلی ولْ اُ ر گا نایزد	The fire department in America is admirably well organized.	اداره آتش نشانی درامریکا تشکیلات خوب و قابل تحسین دارد .
این آمریکا دِ فایر منْ کامْ بیفُر دِ فایر	In America the firemen come before the fire.	در آمریکا مأمورین آتش نشانی قبل از آتش سوزی میآیند .
ایفْ دِ فایر منْ کامْ تاپینگ اتْ یُر دُر بایْ اُلْ مینز لتْ دِمْ این	If the firemen come tapping at your door by all means let them in	چنانچه مأمورین آتشنشانی آمده ودرب منزل شما را زدند . باتیپ خاطرایشان را بداخل راهنمائی کنید
دِیْ کیمْ فُر فایر اینس پکشن این دِیر سمپل یو نیفُرمز جست تو اوُیدا لیتر کالْ این رابر کتس اند بوتس	They came for fire inspection, in their simple uniforms just to avoid a later call in rubber caots and bouts.	آنها بالباس ساده فرمی خود آمده اند که فقط جهات آتش سوزی را مرتفع نمایند تا شما احتیاج به خبر کردن مأمورین کت و چکمه لاستیکی (هنگام آتش سوزی) پیدا نکنید
ساچ اینس پکشنز یوژوآلو اینکلود دِ الکتریک وایرینگ اند فیوز باکس دِ هیتینگ پلانت دِ	Such inspections usually include the electric wiring and fuse box, the hea-	اینگونه بازدیدها معمولا از جعبهای فیوز برق وسیم کشی - ماشینهای حرارت ودودکش وسایر

تلفظ	جمله	معنی
رچم نی اند آ دز دن جز پئنتس از ول از تراش اکو مو لیتد این س لز اند ا تک	ting plant, the chimney, and other danger points, as well as trash accumulated in cellar and attic.	نقاط خطرناک مانند ذغالهای متراکم شده در زیر زمین و انبار زیر شیروانی میباشد .
د فایر دپارتمنت این ایران ایز این ا پریمیتیو س تیج	The fire department in Iran is in a primitive stage.	اداره آتش نشانی درایران در مراحل اولیه است .

دیدار و پیغام

تلفظ	جمله	معنی
ایز مستر بی – ات هوم	Is Mr B— at home?	آقای بی – منزل هستند ؟
نُ هی ایز نات ات هوم جشت نا	No, he is not at home just now.	خیر ایشان اکنون در منزل نیستند .
ور هز هی گان تو	Where has he gone to?	کجا رفته اند ؟
ای دانت نُ	I don't know.	من نمیدانم .
ون ویل هی ری ترن	When will he return?	کی مراجعت خواهند کرد ؟
ون دو یو اکس پکت هیم هوم	When do you expect him home?	شما کی انتظار ایشان را دارید که بمنزل مراجعت کنند ؟
وی اکس پکت هیم بک اِنی مینت	We expect him back any minute	تصور میکنیم همین چند دقیقه بیاید .
دید هی سی ون هی واز کامینگ بک	Did he say when he was coming back?	آیا او بشما گفت چه موقع مراجعت خواهد کرد ؟
هی دیدنت سی ناتینگ بی کاز هی واز این ا هاری	He didn't say nothing, because he was in a hurry.	او چیزی نگفت چون خیلی عجله داشت .
ون هی کامز ویل یو تل هیم دات ای کلد فر هیم	When he comes, will you tell him that I called for him?	خواهش میکنم وقتی آمدند بایشان بگوئید که برای ملاقاتش آمده بودم
دو یو تینک هی ویل بی ات هوم دیس ایونینگ	Do you think he will be at home this evening?	آیا تصور میکنید ایشان امشب به منزل مراجعت نمایند ؟

تلفظ	جمله	معنی
پْلیزْ ,تلْ هیمْ دَاتْ 'ایْ ویلْ 'کلْ ,ا ,گیْنْ تو 'مرْ 'ار نونْ	Please tell him that I will call again to-morrow forenoon.	خواهش میکنم بایشان بگوئید که من فردا قبل ازظهر مجدداً برای ملاقات ایشان خواهم آمد .
هیْ ایزْ آ'تْ آوْ تاْ'نْ	He is out of town.	او از شهر بیرون رفته است
هی ,وِنْتْ تو ,دِ پارْکْ 'فرْ ,ا وآکْ	He went to the park for a walk.	او برای راه رفتن به پارك (باغ عمومی) رفته است .
'ایْ 'جسْتْ 'کلْدْ هیمْ تو گکْ' آ'تْ تو ,کث ,دزْ	I just called him to go out together.	من فقط آمدم که باتفاق بیرون برویم

راه پیمائی و کوه نوردی

تلفظ	جمله	معنی
شی ایز ,ویْتینگکْ 'فرْ یوْ	She is waiting for you	او منتظر شما است
ویلْ یو پْلیزْ ,تلْ ,هرْ 'ایْمْ هیرْ	Will you please tell her I am here.	ممکن است بایشان بگوئید من اینجا هستم ؟ .
و'نْتْ یو کامْ اینْ	Won't you come in?	بفرمائید تو .
,میْ 'ایْ کامْ اینْ	May I come in?	اجازه میفرمائید داخل شوم ؟
'شلْ ویْ گکْ' آ'تْ 'فرْ ,ا وآکْ	Shall we go out for a walk?	میل دارید برای گردش بیرون برویم ؟
ویثْ پْ ,ل ,ژرْ	With pleasure	باکمال میل



to climb the mountain
is a great sport fun

تو کْ 'امْبْ ,دِ مآن ,تینْ ا ,زْ
,ا گْ,ریْتْ سْ ,پرْتْ 'فنْ

کوه نوردی ورزش بسیار
مفرحی است

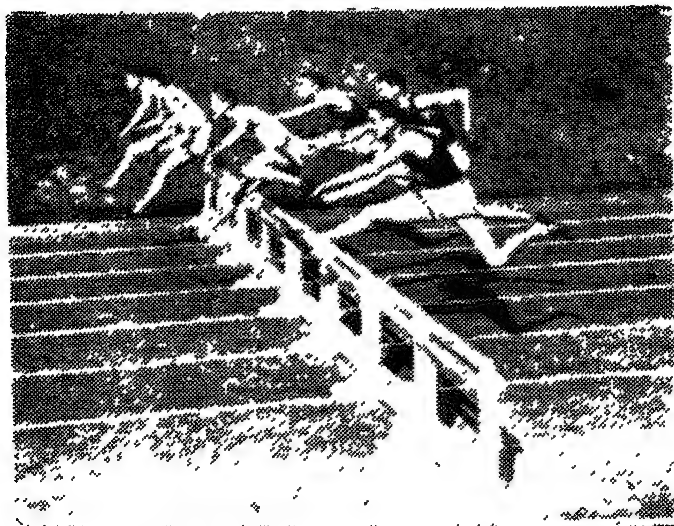
تلفظ	جمله	معنی
ای ماست پوت آن می کت	I must put on my coat.	من بایستی کت خودرا بپوشم
ویل یو اکسکیوز می ا مامنت	Will you excuse me a moment?	ممکن است یك لحظه بمن اجازه بدهید ؟
ای ویل ری ترن این ا مینت .	I will return in a minute.	من درعرض یکدقیقه مراجعت خواهم کرد
لتس گ دیس وی	Let us go this way.	بیائید از این راه برویم
اتیز ا بد واکینگ هیر	It is a bad walking here.	اینجا برای راه‌رفتن بداست
ا تیز ا وری پ لزنت والك .	It is a very pleasant walk	گردش (راه‌رفتن) بسیار خوبی است .
لتس گ آپ تو د هیل	Let us go up to the hill.	بیائید ببالای تپه برویم
لتس تیك دیس ش رت کات تو د این	Let us take this short cut to the inn.	بیائید از اینراه میان بر بمهمانخانه برویم .
دیس ایز د نی رست وی وی کن تیك	This is the nearest way we can take.	این نزدیکترین راهی‌است که ما میتوانیم برویم .

تآتر و سینما

تلفظ	جمله	معنی
دو یو گ تو تی ا تر وری آ فن ؟	Do yo go to theatre very often?	آیا شما خیلی زیاد بتآتر میروید ؟
ای گ وانس ا ویك	I go once a week.	من هفته یکبار میروم
ای گ اوری آ در ویك	I go every other week	من یکهفته درمیان میروم
وری سلدام ای گ تو تی ا تر	Very seldom I go to theatre.	من خیلی بندرت بتآتر میروم .
ای ایمج ی گئینگ تو آپرا	I enjoy going to opera	من از رفتن به اپرا لذت میبرم
ای لیك شیکسپیرز پ لی د بشت .	I like Shakspere's plays the best.	من نازیهای شکسپیر را از همه بیشتر دوست دارم
دو یو کر تو گت هی پرایسد سیتس	Do you care to get highpriced seats?	آیا دوست دارید جای گران قیمت بگیریم ؟
لت می بای تو سیتس فر تو م ر نایت	Let me buy two seats for tomorrow night	اجازه بدهید دوجا برای فردا شب بخرم

تلفظ	جمله	معنی
هاآ دو یو لیک مووینگ پیکچرز	How do you like moving pictures?	آیا شما سینما را دوست دارید ؟
ای اینجی ی دم وری ماچ.	I enjoy them very much.	من از آن خیلی لذت میبرم . (دوست دارم)
اتیز د بست پ لیس تو پس د تایم	It is the best place to pass the time.	بهترین جا برای گذراندن وقت است
د پرایسس آر ریزنبل	The prices are reasonable.	قیمتها بسیار مناسبند
دی هو کانتینیوز پرفرمنسز س دت وان کن گ این اند کام آت ون اورز هی ویشز .	They have continuous performances, so that one can go in and come out when ever he wishes	آنها بطور مدام نمایش میدهند بنابراین هرکس میتواند هرموقعی که مایل است داخل شده ویاخارج شود
دی ش سام وری اینترستینگ اند اینستراکتیو مو وینگ پیکچرز	They show some very interesting and instructive moving pictures.	آنها بعضی فیلمهای آموزشی وسیار قابل توجهی نشان میدهند
ای هو هرد دات سرکس کیم تو د تاون	I have heared that the circus came to the town.	شنیده ام که سیرک بشهر آمده است
دو یو وانت تو گ تو موزیم دیس افترنون	Do you want to go to museum this after noon?	آیا شما میل دارید که امروز عصر به موزه برویم ؟
دریو کن فیند ا کالکشن آو ال اینترستینگ اند بیوتیفول تینگس آف هیستر[illegible]	There you can find a collection of all interesting and beautiful things of history.	آنجا میتوان یک مجموعه بسیار زیب وقابل ملاحظه از تمام اشیاء تاریخی پیدا نمود .
دریز ا لات آو اسپشیال پارتس آو منز لیف اند ورک	There is a lot of especial parts of man's life and work.	در آنجا مقادیر زیادی از اقسام کار وطرز زندگانی مخصوص بشر مشاهده میشود
د ورکس آو آرت آر وری فین اسپشیالی	The works of art are very fine,especcially	کارهای صنعتی بسیار زیبا است مخصوصاً نقاشیهای

تلفظ	جمله	معنی
رد پرتریتس	the portraits.	نقاشیهای دستی .
هاو کن وی گت تو میوزیک هال	How can we get to music-hall?	چگونه میتوانیم به انجمن موسیقی برویم (انجمن موسیقی کجاست ؟)
دت ایز این د سیم بلدینگ آو د آپرا هاوس	That is in the same building of the opera-house.	آن (انجمن موسیقی) در همان ساختمان اپراست



A College Track Meet

دِر ایز ا کالج سپرتس گیم تودی	There is a college sports game today.	امروز در دبیرستان یک مسابقه ورزشی است
وات کیند آو ا گیم ایز ایت	What kind of a game is it?	چه نوع مسابقه ایست ؟
دت ایز سام کیند آو رننگ ای گس	That is some kind of running I guess	تصور میکنم یکنوع مسابقه دو باشد .
ای لاو تو گو اند سی	I love to go and see.	من دوست دارم بروم و ببینم.

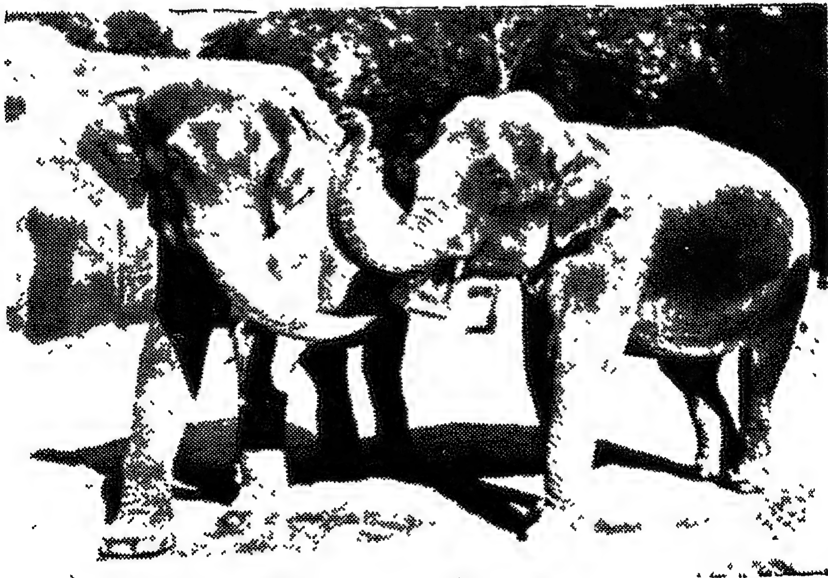
تلفظ	جمله	معنی
,ورْ 'كنْ ویْ بوكْ ,د سیتْسْ 'فرْ توْ	Where can we book the seats for two?	كجا میتوانیم برای دو نفر جا تهیه كنیم
دیزْ سیتْسْ آرْ ,ر زرْوْدْ	These seats are rese-rved.	این جاها گرفته شده است
گیوْ می ,ا پرْ 'گ 'رمْ	Give me a programme	یك پرگرام بمن بدهند .
'دتسْ ,د 'مسْتْ اینْ ,ت ,رستینگْ ,گیمْ 'ایْ ,ا ,ورْ سینْ	That is the most interesting game I ever seen.	این جالبترین مسابقه‌ایست كه من تاكنون دیده ام .
واتْ ها ,پندْ	What happened?	چه اتفاقی افتاد ؟
دیدنْتْ یو سی	Didn't you see?	شما ندیدید ؟
هی سا ,دنلی كراشدْ ا' ,ورْ	He suddenly crushed over.	او یكدفعه معلق شد (بزمین خورد)
'شلْ ویْ گ' 'دنسینگْ تو 'نیتْ	Shall we go dancing tonight?	میل دارید امشب به‌دانس برویم ؟
'ایْ 'دنسْ نی ,درْ تانگو' ,نرْ رامْبا	I dance neither tango nor rumba.	من نه تانگو و نه رمبا میرقصم .
'ایْ نیدْ ,و ,تیك ,ا فیوْ 'دنسینگْ ,ل ,سنزْ	I need to take a few dancing lessons.	من احتیاج بچند درس رقص دارم .
دیسْ ازْ ,ا ,وری 'نیسْ بالرُوْمْ	This is a very nice ballroom.	این یك سالن رقص سیار قشنگیست .
آرْ یو اینْ ,ترسْ ,تدْ این 'دنسینگْ	Are you interested in dancing?	آیا شما برقص علاقه‌مندید؟
'ایْمْ اینْ ,تر ستدْ تو 'دنسْ باتْ 'ایْمْ اونْلی ,ا بیگی ,نرْ	I am interested to dance, but I'm only a beginner.	من برقص علاقه‌مندم لیكن خیلی مبتدی هستم
'ایْ تینْكْ 'ایْمْ ,گتینگْ ,ا ,بتْ راستی	I think I'm getting a bit rusty.	من تصور میكنم یك قدری فراموش كرده ام
ویْ 'شلْ سیْ	We shall see.	خواهیم دید (شكالی ندارد)
'شلْ ویْ 'دنسْ	Shall we dance?	ممكن است برقصیم ؟
,می 'ایْ 'هوْ دیسْ 'دنسْ "پلیزْ	May I have this dance please?	خواهش میكنم اجازه بدهید باهم برقصیم
یوْ آرْ ,ا ,وری بیوْ تیفولْ 'دنْ ,سرْ	You are a very beautiful dancer.	شما بسیار قشنگ میرقصید

تلفظ	جمله	معنی
یرْ دنسینگ ایزْ سُ پرْ فکْتْ	Your dancing is so perfect	رقص شما بسیار عالی است (کامل است)
دیدْ یو اینْجْ ایتْ	Did you enjoy it?	آیا شما خوشتان آمد ؟
آرْ یو ساتیس فیْ	Are you satisfy?	آیا شما راضی هستید ؟

پارک تفریحات و باغ وحش

تلفظ	جمله	معنی
واتْ آرْ یوْ گ ئینگ تو دو نکستْ سانْ دیْ	What are you going to do next sunday?	شما یکشنبه آینده چه خواهد کرد ؟
لتْس گ تو اِمیوز مِنت پارْک	Let us go to amusement park.	بیائید بباغ تفریحات برویم
ایزْ درْ ا پْ لیْس ورْ ویْ کنْ بی الْ نْ ویدآ تْ بی اینگ کراوْ دِدْ لیْک دیسْ	Is there a place where we can be alone, without being crowded like this?	آیا در این محل جائی هست که باین اندازه شلوغ نباشد وما بتوانیم تنها باشیم ؟
یو کنْ فینْد درْ واتْ را ورْ یوْ لیْک	you can find there whatever you like.	شما در آنجا میتوانیدهرچه بخواهید پیدا کنید
لتْس گ تو زو انْد هوْ فنْ	Let us go to zoo and have fun.	بیائید برویم بباغ وحش وتفریح کنیم .
ایتْ ویلْ تیْک الْ دیْ	It will take all day.	تمام روزرا خواهد گرفت
دنْ وی ماسْت تیْک سامْ ساندویچزْ	Then we must take some sandwiches.	پس ما بایستی مقداری ساندویچ برداریم
انیملزْ	Animals.	حیوانات اهلی
بیسْتْزْ	Beasts	حیوانات وحشی
کْرَبْ	Crab.	خرچنگ (سماجت)
داوْ	Dove.	کبوتر (علامت صلح)
ایْ گل	Eagle.	عقاب (خوش بین)
فکْسْ	Fox.	روباه (شخص مزور)
گتْ	Goat.	بز (بدبو)
هکْ	Hawk	شاهین (دوره فروش)
ایْ بکس	Ibex.	بز وحشی (شکار)
جاکال	Jackal.	شغال (وکیل دادگستری)
کیدْ	Kid	بزغاله (تمسخر) (بچه)

تلفظ	جمله	معنی
′ل ربن	Lıon.	شیر (شخص بسیار مهم)
مانکی	Monkey.	میمون (حقه بازی)
′نیتینگال	Nighingale.	مرغ حق
آ′ ل	Owl.	جغد (عاقلترین حیوانات)
′پ رت	Parrot.	طوطی (حرف نسنجیده زدن)
کو ,ایل	Quail.	بلدرچین (مغلوب و پریشان)
′رت	Rat.	موش کوهی (نمک بحرام)
سْپآ ر′	Sparrow.	گنجشك (بیگناه)
,تر ,تل	Turtle.	سنگ پشت (وارونه)
یونی ,کرن	Unicorn	دیوشاخدار (مخصوص افسانه)
,ور مین	Vermin.	حشره موزی
ووف	Wolf.	گرگ (زن پرست)
′یک	Yak.	گاومیش (کودن)
ز′ ا′ ,لزی	Zoölogy.	حیوان شناسی



تلفظ	جمله	معنی
ای لاو انیملز	I love animals	من حیوانا را دوست دارم
ای فیل سری فر دم	I feel sorry for them	من بحال آنها تأسف میخورم
هاو ماچ دو دی سافر بی هیند د بارز آو د کیجز	How much do they suffer behind the bars of the cages.	آنها چقدر در پشت میله های قفس رنج میبرند
نو دونت ویست یر سیمپاتی آن نان اسنشلز	No, don't waste your sympathy on non-essentials.	خیر بیهوده بچیزهای بی اهمیت تأسف نبرید
مست انیملز آر بتر آف این د زو دن این د وایلد	Most animals are better off in the zoo than in the wild.	بیشتر حیوانات در باغ وحش آزاد باشند بهترند تا در بیابان (جنگل)
دی آر هلثی یر اند مست آو دم هپی یر	They are healthier, and most of them happier.	دارای سلامتی بیشتر و بیشتر آنها خوشحالترند.
دی هو لس ترابل اند وری بات مر فود اند ایز	They have less trouble and worry, but more food and ease.	دارای زحمت و غصه کمتر و برعکس دارای غذا و استراحت بیشتری هستند.
دی لوک یانگر اند لیو لانگر	They look younger and live longer.	جوانتر بنظر میرسد و زیادتر عمر میکنند .
لوک ات دیس ای منس فلایت کیج فیلد ویث بردز	Look at this immense flight cage filled with birds.	این قفس عظیم پرندگان را که پر از مرغ است نگاه کنید .
سام پرچینگ این ا تری	Some perching in a tree.	بعضیها روی درختی نشسته اند (چندک زده اند)
سام سیتینگ آن دیر اگز این ا نست	Some sitting on their eggs. in a nest.	بعضیها در آشیانهٔ روی تخم خود خوابیده اند
لوک ات دوز بیوتیفول فلامینگز ویچ آر ستاکینگ این د پول	Look at those beautiful flamingos which are stalking in the pool.	آن (مرغهای آبی) زیبا را نگاه کنید که چگونه در حوض آب میخرامند .
سی دیز اینیومربل سانگ بردز	See these innumerable songbirds.	آن مرغهای خواننده بیشمار را نگاه کنید

تلفظ	جمله	معنی
دی آر جست س تندینگ آن ا لم سینگینگ دیر هارتس آ ت	They are just standing on a limb singing their hearts out.	آنها بدون آلایش روی شاخهٔ ایستاده واز ته قلب آواز میخوانند
دیس ایز جست ا سن آو دیر ب تال هپی نس	This is just a scene of their total happiness.	این تحقیقاً یک منظره از جمیع خوشحالی آنهاست
انیملز یوسی د نت هو د ایدی ما آو فر بدآم ا ند کپیویتی	Animals, you see, don't have the ideas of freedom and captivity.	میدانید؟حیوانات هیچ فکری وعقیدهٔ راجع به آزادی ویا اسارت ندارند
دی سیم تو ن د ولی یو آو رگو لرمیلز ل ردز پرا تکسن اند د ف ریند شپ آو من	They seem to know the value of regular meals, leisure, protection and the friednship of man.	آنها چنان بنظر میرسند که ارزش غذای مرتب و فراغت خاطر و دوستی با انسان را میدانند.
ایف یو آر گوئنگ تو و ری ا با د ت انیملز یو ب تر شتارت ویش د ز دات آر نات انلی کیجد	If you are going to worry about animals, you better start with those that are not only caged.	اگر شما میخواهید بحال حیوانات متأسف شوید بهتراست فقط تا بهائی متأثر شوید که در قفس نیستند
ا ستال ایز نات ب تر دن ا کیج	A stall is not better than a cage.	طویله و آخر از یك قفس بهتر نیست
اکسن هرس سز دانکیز کملز اند منی آدرز آو د کیند آر کان دمند تو هارد لی بر	Oxen, horses, donkeys, camels, and many others of the kind are con demned to hard labor.	گاوها ـ اسبها ـ الاغها ـ شترها و بسیاری دیگر از این قسم کار های پرزحمت و شاق محکومند .



تلفظ	جمله	معنی

عشق



Romance on the meadow

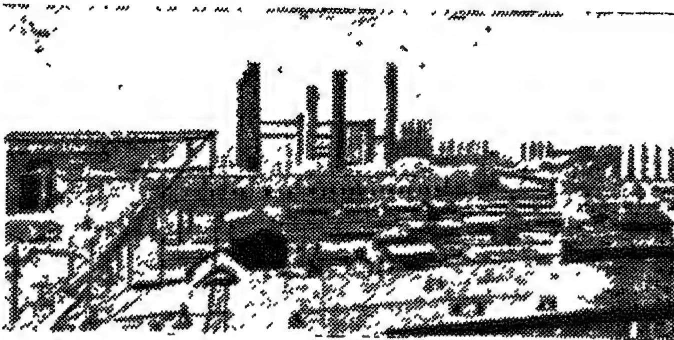
اَیْ لاوْ یو ,اَنْدْ اَیْ اُلْ وِیْزْ دوْ	I love you, and I always do	من ترا همیشه دوست داشته وخواهم داشت
اَیْمْ اِنْ لاوْ وِیْثْ یوْ	I'm in love wiht you	من عاشق شما هستم
یو آرْ دِ اُنْلی وَانْ اَیْ لاوْ	You are the only one I love,	شما تنها کسی هستید که من دوست دارم
اَیْ دْرِیْمْ آوْ یوْ اُلْ وِزْ	I dream of you always	تو همیشه در رویای منی (همیشه خواب ترا میبینم)
اَیْ جَسْتْ کَنْتْ تو تِلْ یو هاوْ ماچْ یو مین تو می	I just can't to tell you how much you mean to me	من قادر شرح علاقه خود نسبت تو نیستم (بی اندازه برای من ارزشی)
اَیْ اَدُرْ یوْ	I adore you	ترا تاحد پرستش دوست دارم
اَیْ اَدْمَیْرْ یُرْ لوکْسْ	I admire your looks.	از نگاه تو لذت میبرم
یو آرْ مَیْ اِنْجِلْ	You are my angle	تو فرشته منی
یو آرْ دِ دارْلِینْگْ آوْ مَیْ هارْتْ	You are the darling of my heart	تو عزیز دل منی

تلفظ	جمله	معنی
یو آر د پِرِتیِ اِسْتْ گِرْلْ این دِ وُرْلْد	You are the pretiest girl in the world.	تو خوشگلترین دوشیزگان دنیائی
یو آر دِ کایند آو مَن آی کَن فول مای سِلْف اَ باوت	You are the kind of man, I can fool myself about.	شما مردی هستید که من را دیوانه خود کرده اید
یو آر د کایند گِرْل آی واز دریمینگ آو	You are the kind girl I was dreaming of.	تو آن دختری هستی که من در رویا میدیدم .
لایف کَن بی بیوتیفول بات هاو کود اِت بی ویدآوت یو	Life can be beautiful, but how could it be without you?	زندگی زیباست ولی بی تو چگونه میتواند زیبا باشد
ناثینگ کَن بریک آور هارتس این تو	Nothing can break our hearts in two.	هیچ چیز قادر نیست که قلب ما را از هم جدا کند
یو هَو اِ فیس اَز سیمتریکال اَز اِ ویِنوس	You have a face as symmetrical as a Venus.	صورت قشنگت بقدر موزون است که مانند ستاره ناهید میباشد (مثل ماه است)
یو هَو تیک ویوی هِر دارک اُر لایت	You have thick wavy hair. (dark or light)	تو دارای موهای ضخیم مجعد (تیره یا روشن)
تیک لانگ لَشِز	— thick long lashes	— مژگان ضخیم و بلند
ستریتیش شورت نوز	— straightish short nose	— بینی کوچک (کوتاه) و مستقیم
ایون اَند وایت تیث	— even and white teeth	— دندانهای مرتب و سفید (مساوی)
یُر آیز سو فول آو فمینین الیور دَت مای هارت سکیپس تو بیت وِن آی لوک اینتو دِم	Your eyes so full of feminine allure that my heart skips to beat when I look into them.	چشمان تو آنقدر جذاب و زیبا است که هر موقع به آن نگاه میکنم دلم تپش میافتد
دِ فلاور ایز بیوتیفول فور اِ دی بات یو آر بیوتیفول فور اِوِر	The flower is beautiful for a day but you are beautiful for ever.	زیبائی گل فقط برای یک روز است ولی تو برای همیشه زیبائی
یو آر اِ وِری هَندسَم	You are a very hand-	تو یک مرد زیبائی هستی

تلفظ	جمله	معنی
(ٓهنْ ٖسمْ) ُمنْ	some man.	(مرد خوشگل)
ٗایْ پْر آ ْ دْ آوْ یو دارْلینْگ	I proud of you, darling,	من بتو افتخار میکنم عزیزم
یوْ آرْ تالْ ویشْ ُویْدْ شولْ ٖدرْزْ	You are tall with wide shoulders.	تو دارای قد بلند و شانهای عریضی هستی
ٗایْ لاوْ ٖا ُمنْ هوْ ٗاکْتْسْ ریْ ٖز ٖنبْلی ایسْتْ ٖدْ آوْ ٖا مُ ٖشْنْلی	I love a man who acts reasonably instead of emotionally.	من مردی را دوست دارم که رفتارش پسندیده باشد نه دارای احساسات تند
دُنْتْ یو لاوْ می دارْلینْگْ	Don't you love me darling?	آیا تو مرا دوست نداری عزیزم ؟
ٖیس ٗایمْ کْ ٖرٖیزی ٖاباٗوْتْ یوْ	Yes, I am crazy about you	آری . من برای تو دیوانه هستم .
نُ ٗایْ دُنْتْ	No, I don't	خیر (دوست) ندارم
ٗایْ ُلایْکْ یوْ ٖوری ماچْ باتْ ٗایمْ ناتْ اینْ لاوْ ویشْ یوْ	I like you very much but I'm not in love with you.	من خیلی ترا دوست دارم ولی عاشق تو نیستم .
ٗایْ ٗامْ ٖوریْ فاٗنْدْ آوْ یوْ	I am very fond of you.	من بشما خیلی علاقه‌مند هستم
وانْسْ ٗایْ وازْ اینْ لاوْ ویشْ یوْ باتْ ٗایم ناتْ ٖانیْ ُمرْ	Once I was in love with you but I am not any more.	یک موقعی من عاشق تو بودم ولی دیگر نیستم .
دُنْتْ تْ ٖرکْ ُمیْ هارْتْ	Don't break my heart.	دلم مرا مشکن .
اُهْ یوْ هارْتْ بْ ٖرکرْ	Oh! you heartbreaker.	ای بی وفا
	✿✿✿	
ٖونْ یوْ آرْ ا ٖویْ	*When you are away,*	هنگامیکه از من جدائی
ٗایمْ ٖرسْتْ ٖلسْ لُنْلی	*I am restless, lonely,*	من بیقرار بیچاره و
ٗو ٖرچْدْ ٗبرْدْ ٖد ٖجکْتْدْ	*wretched, bored, dejected;*	بیعلاقه و مأیوسم .
باتْ هیر ایزْ ٖد رابْ	*But here is the rub, my*	ولی محبوب عزیزم اشکال
ُمیْ دارْلینْگْ ٖدرْ (دیرْ)	*darling dear,*	در اینجاست که همین
ٗایْ فیلْ ٖد سیْمْ	*I feel the same*	احساسات در من است وقتی
ٖونْ یو آرْ هیرْ	*when you are here.*	تو در نزد منی .

تلفظ	جمله	معنی

Iran ایران



A part of Gasolene Plant in Abadan قسمتی از مؤسسات نفت آبادان

آرْ یوْ آنْ ایرانیْ یِنْ	Are you an Iranian?	آیا شما ایرانی هستید ؟
یِسْ اَیمْ آنْ ایرانیْ یِنْ	Yes, I'm an Iranian.	بلی من ایرانی هستم .
واتْ دوْ یوْ ثینکْ آوْ ایرانی یِنْ پیپلْ (پیْ پلْ)	What do you think of Iranian people?	شما راجع به مردم ایران چه فکر میکنید ؟
دِ ایرانی یِنزْ آرْ آوْ اِ دارْکْ کامْپْ لکْشِن	The Iranians are of a dark complexion,	ایرانیان دارای چهره گندم گون (تیره) میباشند
دیْ هَوْ بلاکْ (بْ لَکْ) آیزْ اِندْ بلاکْ هِرْ	they have black eyes and black hair.	آنها دارای چشمان و موهای سیاه هستند .
دیْ بیلانْگْ تو دِ اِ ری یِنْ ریْش	They belong to the Aryan race.	آنها متعلق به نژاد آریا میباشند .
دِ ایرانی یِنزْ آرْ اِ گودْ پیْ پلْ	The Iranians are a good people.	ایرانیان مردمان خوبی هستند
دیْ آرْ ثریفْتی اِندْ اینْ تلیْ جنْتْ پی پلْ	They are thrifty and intelligent people.	ایشان مردمان قانع و زیرکی هستند .
فرْ سنْچریزْ ایرانی یِنزْ هَوْ سافِرْدْ ثروْ دِ مَسکْرِش آوْ ارْبْسْ اِنْدْ	For centuries, Iranians have suffered through the massacres of Arabs and	ایرانیان چند قرن از قتل وغارت اعراب و ترکهای مغول (بربر) رنج [illegible]

تلفظ	جمله	معنی
بارْ برِیْ یِنْش	Barberians	(ترکهای بربر)
ا سد پارْتْ آوْ آرْ هیسْتری سِزْ دِیْ کیمْ کیلدْ برُنْتْ پیْ لیجْدْ اندْ هَدْ گانْ	A sad part of our history says: They came, killd, burnt, pillaged, and had gone	فصل غم انگیزی از تاریخ ما میگوید که آنها آمدند و کشتند و سوختند (غارت کردند) و رفتند .
وِیْ هُپْ دِرْ ویلْ بی نُ مُرْ مَسکْ رِسْ هیرْ افْتِرْ	We hope there will be no more massac res hereafter.	ما امیدواریم که دیگر بعد از این قتل و غارت بیشتری صورت نگیرد .
وِیْ آرْ گلادْ دَتْ ایْران ایزْ ا کانْسْتی توشانْ گاوِرْنْ مِنْت ناو	We are glad that Iran is a Constitutional Government now.	اکنون ما خوشحالیم که ایران دارای یک حکومت مشروطه میباشد
دِ ایرانیَنْز آرْ وانْ آوْ دِ اُلْدِسْتْ ریْسِس آنْ دِ فیْسْ آوْ دِ ایرْثْ	The Iranians are one of the oldest races on the faee of the earth.	ایرانیان یکی از قدیمی ترین نژادها در روی کره زمین میباشند
دیر هیسْتِری دیْتْس بَکْ تو فورْ ثاوْزَند ییرْز بی سی	Their history dates back to four thousand years B C	آنها دارای تاریخ ممتد از چهارهزار سال قبل از میلاد مسیح میباشند
دِیْ هَدْ بین رولینگْ الْ دیر کانْتِمْپِرِریزْ فرام دِ بلاکْ سی تو دِ ایندیَنْ اشَنْ اندْ ماونْتِینْ آوْ تیبِتْ تو دِ کُسْتْسْ آوْ دِ رِدْ سی	They had been ruling all their contemporaries from Black Sea to the Indian Ocean and mountain of Thibet to the coasts of the Red Sea	آنها بکلیه معاصرین (ممالک) همجوار خود از دریای سیاه تا اقیانوس هند و از جبل تبت تا کرانه های دریای قرمز حکومت میکردند
ستیل آوْر نیشَنْ هَز دِ جینیَسْ مِنْ تو پْرِزِنْتْ تو دِ وُرْلْدْ ازْ دِ فِرْسْتْ مَنْ آوْ دِ ییرْ	Still our nation has the genius men to present to the world as the first man of the year.	هنوز ملت ما فرزندان نابغه‌ای دارد که بتواند نام بزرگترین مرد سال بدنیا معرفی نماید
دِیْ آرْ آنِسْتْ اندْ وِلْ مینینگْ پی پلْ	They are honest, and well meaning people.	ایشان مردمان درست و شرافتمندی میباشند

NOBILITY and BEAUTY نجابت وزیبائی



The Iranian women, however are deprived of some condition of liberty, but they are extremely intelligent, civilizede and highly respected.

گرچه زنان ایرانی از بعضی شرائط آزادی محرومند لیکن
بینهایت با هوش و متمدن بوده و بسیار محترم میباشد

تلفظ	جمله	معنی
آف 'کرس ,در آر, فی یو دی ,ج ,ن ,ر یتد · ایرانی ینز باب ,دی آر ,اک ,سپشن	Of course, there are few degenerated Iranians, but they are exceptions.	البته تعداد کمی ایرانیان فاسد وجود دارند لیکن آنها مستثنی هستند .
'ای بیلیو داب د گود کو آلیتیز آر ناب د, منا ,پلای آو ,انی ,ریس	I believe that the good qualities are not the monopoly of any race.	من تصور نمیکنم هیچ نژادی منحصراً از مردمان خوب تشکیل شده باشد .
د گود اند د بد د آ ,نست اند ,د دیس آ ,ست د 'مرال اند د ایم' رال کود بی فآ' ند این ' ا' ل د کانتریز آو د گلاب	The good and the bad the honest and the dishonest, the moral and the immoral could be found in all the countries of the globe.	خوب و بد - نجیب و نانجیب باعقیده و ایمان و بدون عقیده و ایمان در تمام ممالك روی کره ارض پیدا میشوند .

United States of America



ممالك متحده آمریکا

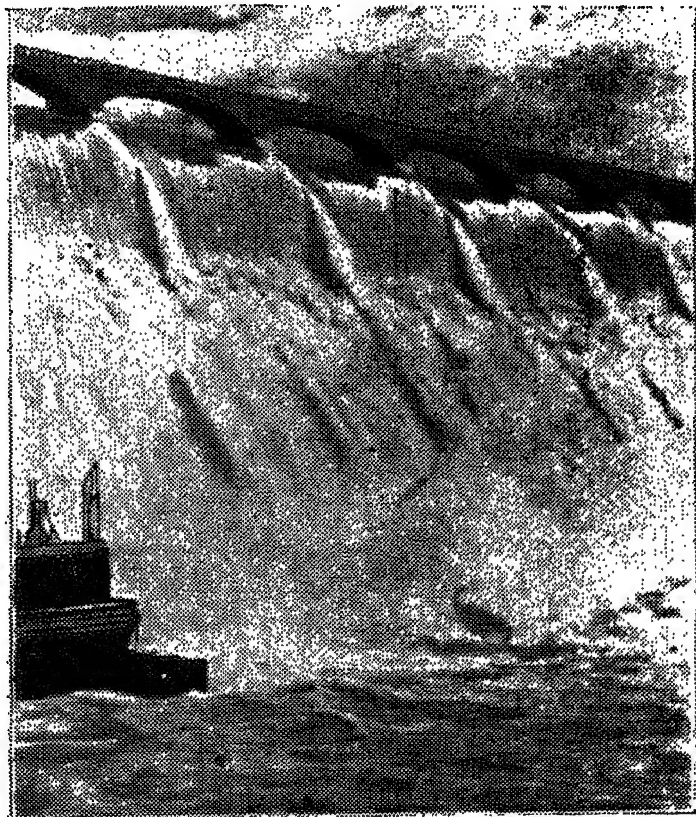
تلفظ	جمله	معنی
,د یو 'نی ,تد س ,ییتس ایزا ,ف ,د ,ریشن آو 'فرتی ,ایت س 'ییتس	The United States is a federation of forty - eight states.	ممالک متحده امریکا از شرکت چهل و هشت استان تشکیل شده است .
وایز د کاس تیتو ,شن آو د یو نای ,تد س ,ستس آو آ,مریکا	What is the Constitution of the United States of America?	ممالک متحده امریکا دارای چه شرائط و قوانینی میباشد
,ا یز د لا بای ویچ دیس کانتری ایز کا ,و ر ند	It is the law by which this country is governed.	اداره این مملکت فقط در دست قانون است
,د کانگ ,رس 'اب واشینگتن دی سی	The Congress at Washington. D. C.	قوانین ممالك متحده امریکا را مجلس در واشنگتن

تلفظ	جمله	معنی
میکس د لاز آو د یونی تد ش تیتس	makes the laws of the United States.	(پایتخت) وضع مینماید
لاز آو د ش تیت آر مید بای د ش تیت اجیس لی چر	The laws of the State are made by the State Legislature.	قوانین استانها بوسیله دارالشورای استان وضع میکردد
هو میکس د لاز آو د سیتی	Who makes the laws of the city?	قوانین شهری را چه اشخاصی وضع مینمایند ؟
د برد آو آل در من	The Board of Aldermen.	انجمن معتمدین و نمایندگان محل .
در گ نو س ن ترز فرام ایچ ش تیت تو س نت	There go two senators from each state to senate.	از هر استان دو سناتور به مجلس سنا میروند
هاو منی ر پری زن تیتوز (کان گ رش من) گ فرام ایچ ش تیت	How many representatives(congressmen) go from each state?	از هر اسان چند نفر نماینده مجلس شورا تعیین میگردد؟
دت د پندز آن د پاپو لیشن آو د ش تیت	That depends on the papulation of the state.	این بستگی به مقدار جمعیت آن اسان دارد .
هاو منی ر پری زن تیتوز گ فرام د ش تیت آو نیو یورک	How many representatives go from the state of New York?	از استان نیویورک چند نفر نماینده به مجلس شورا میروند .
ثر تی س ون	Thirty-seven.	سی و هفت نفر
د پی پل و ت فر د پ ر زی دنت ایندی ر کتلی	The people vote for the President. indi rectly.	مردم بصور غیر مستقیم برای ریاست جمهوری رای میدهند .
دمس تو سی دت د پی پل ا لکت د پ ر زیدنت ثرو ا لک ترز	That is to say that the people elect the President through electors.	بدین معنی که نمایندگان منتخبه ازطرف ملت رای انتخاب رئیس جمهوررای میدهند .
د پ ر زیدنت ایز د هد (شف اگزیکیو تیو) آو د یو نی تد س تیتس	The President is the head (Chief Executive) of the United States.	در ممالک متحده امریکا ریاست جمهوری سمت سر فرماندهی کل را داراست

تلفظ	جمله	معنی
هو ایز د ,هد آو د س ,تیت	Who is the head of the state?	حکومت هراستان یاچه کسیست ؟
د گا ,ورْ نرْ	The Governor.	فرماندار .
د لی ,برتی آو کان ,شنس فریدام آو د پرس, اند فریدام آو سپیچ آر گارانتید بای د کانستیتو شن آو د یو ,نی ,تد س ,تیتس	The liberty of cons - cience, freedom of the press, and freedom of speech are guarantee by the constitution of the United States.	آزادی عقیده — آزادی مطبوعات — آزادی نطق بوسیله قوانین مشروطه ممالک متحده امریکا تضمین گردیده است .
تو ,سیو د لی ,برتی یو نیو ,ین,اند ,ا ,بلیش ش ,لی وری ,وز د ,مین کآ ,زس آو د سیویل و ,ز این د یو ,نی ,تد س ,تیتس آو آ,مریکا	To save the liberty, Union, and to abolish slavery were the main causes of the Civil War in the United States of America.	نگاه داری آزادی و اتحاد ومنع قانون بردگی از جهات اصلی جنگهای داخلی ممالک متحده امریکا بوده اند.
آبراهام لینکلن واز د پ ,رزیدنت ات دت تیم	Abraham Lincoln was the president at that time.	در آن هنگام آبراهام لینکلن سمت ریاست جمهوری را دارا بوده است
ایت واز هیز آ ,ن ,ا پی نی ,ین دت د لا ایز بای د پی ,پل ویش د پی پل فر د پی ,پل	It was his own opinion that the law is by the people. with the people. for the people.	عقیده شخصی او این بوده است که قانون بوسیله مردم و بکمک مردم و برای مردم میباشد
د آ,مری ,کن پی ,پل آر ,هلسی ,ولسی ,اند ,وایز	The Amerienn people are healthy, wealthy and wise.	مردمان آمریکا دارای سلامتی و ثروت و عقلند
پی ,پل آو آور کانتری تک وری اینتی ,میتلی ,ابآ ت د آ,مریکا	People of our country talk very intimatly about the America.	مردمان مملکت ما باعلاقه شدیدی نسبت به امریکا صحبت میکنند
دی تینک یو آر د ,بست این د و ,رلد	They think you are the best in the world.	آنها شما را در دنیا از همه بهتر میدانند

The land of power and activity

سرزمین قدرت و فعالیت



A Section of Spillway of Grand CouLee Dam

نمائی از ریزش آب سد عظیم « کولی »

THIS HUGE WORK ON THE COLUMBIA RIVER IS ONE OF THE GREATEST ENGINEERING JOBS EVER PERFORMED

این باق عظیم که در رودخانه کلمبیا است یکی از مهمترین کارهای مهندسی است که تاکنون انجام گرفته است

امثال وحکم

تلفظ	جمله	معنی
ا کْلی اِزْ کانْ شِنْشْ فیرْزْ نُ اکو زیشْنْ	A clear conscience fears no accusation.	آنراکه حساب پاك است از محاسبه چه باك است
ا دْرآ نینگ مَنْ ویل کِچْ اتْ ا سْترآ	A drowning man will catch at a straw.	الغریق یتشبث بکل حشیش
ا فولْ اِنْد هیزْ مانیْ آرْ سونْ پارْتِدْ	A fool and his money are soon parted.	احمق وپولش بزودی ازهم جدا میشوند .
ا فْ رِیْند اینْ نیْد ایزْ ا فْ رینْد ایندید	A friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشدکه گیرد دست دوست در پریشانحالی ودر ماندگی
ا فولْ پِرْسْ نِ ورْ لکْسْ فْ رِنْدزْ	A full purse never lacks friends.	یک کیسه پر هرگز بدون رفیق نمیماند .
ا گودْ نیمْ کیپْسْ ایتْسْ لاسْتْرْ اینْ دِ دارْکْ	A good name keeps its luster in the dark.	نام نیک درخشش خود را درتاریکی هم نگاه میدارد (نام نیک همیشه باقیست)
ا گیلْتی کانْ شِنْسْ نیدْزْ نُ اکیْ یو زِرْ	A guilty conscience needs no accuser.	یک وجدان مجرم محتاج به متهم کننده نیست .
ا لیْتْ پِرْسْ ایزْ ا هِویْ کِرْسْ	A light purse is a heavy curse.	کیسه سبک (جیب خالی) لعنت (فحش) سنگینی است.
ا لی تِلْ لیکْ ویل سینْکْ ا گْ ریتْ شیپْ	A little leak will sink a great ship.	آفتاب بدین بزرگی را لکه ابر ناپدید کند .
ا لیْ تِلْ پاتْ ایزْ سونْ هاتْ	A little pot is soon hot.	ظرف کوچک زود داغ میشود (چو پرخاش بینی تحمل بیار)
اُلْ آرْ ناتْ دیفْزْ دِتْ داگْزْ بارْکْ اتْ	All are not thieves that dogs bark at.	همه اشخاصی راکه سگ بایشان پارس میکنند دزد نیستند.
اُلْ ایزْ فیشْ دِتْ کامْزْ تو دِ نِتْ	All is fish that comes to the net.	فقط ماهی بتور میافتد . (هرچه بتورافتادماهیست)
اُلْمُسْتْ اِنْد وِریْ نَیْ سیْوْ مِنیْ ا لَیْ	Almost and very nigh save many a lie.	تقریباً وشاید ـ شخص را از خیلی دروغها نجات میدهد .
اُلْ ایزْ ناتْ گُلْدْ دِتْ گْلی تِرْزْ	All is not gold that glitters.	هرآنچه میدرخشد طلا نیست . (هر گردی گردو نیست)
آنْ ایوِلْ لِسْنْ ایزْ	An evil lesson is	درس شیطانی زود آموخته

تلفظ	جمله	معنی
سونْ ,لرْنْدْ	soon learned.	میشود .
آنْ آ ,نسْتْ ٬منْزْ و٬ رْدْ ایزْ ,ازْ گودْ ,ازْ هیزْ بانْدْ	An honest man's word is as good as his bond.	حرف(قول) یك مرد شرافتمند وسندش یک ارزش را دارند .
آنْ ٬ایْ ,دلْ ث ,رینْ ایزْ ,د ,دویلزْ و٬رْکشاپْ	An idle brain is the devil's workshop.	یک مغز بیکار (کاهل) کارگاه شیطان است
,ا ,پنیْ ,سیوْدْ ایزْ ,ا ,پنیْ ایرْنْدْ	A penny saved is a penny earned.	یکشاهی پس انداز یکشاهی درآمد است .
,ا را ,تنْ ٬ا,پلْ اینْ ,جرْمْ ایسْ کامپانیْ,یْنْسْ	A rotton apple injures its companions.	یک سیب گندیده همجواران خود را لکه دار میکند
,ا شمْ لْ شپارْکْ ,میکْسْ ,ا گْرِیْتْ فایرْ	A small spark makes a great fire.	یک جرقه کوچك آتش عظیمی برپا میکند .
,ا سْ,تچْ اینْ ٬تیمْ ,سیْوْزْ ٬نینْ	A stitch in time saves nine.	یک کوك (بخیه) موقع بجای نه کوك بیموقع است
,ازْ یو سْ سْ ٬شلْ یو ریپْ	As you sow, so shall you reap.	بجز کشته خویشتن ندروی
,ا تْری ایزْ ماْ نْ بایْ ایتْس ٬فروتْ	A tree is known by its fruit.	درخت از میوه اش شناخته میشود .
بیوتیْ ایزْ شْکینْ دیپْ	Beauty is skindeep.	تن آدمی شریف است بجان آدمیت
بیْ شلْ تو پْرامیز ,اند کوئیکْ تو ,پرْ ,فرْمْ	Be slow to promise and quick to perform.	در قول دادن آهسته باش ولی درانجام آن سریع کن .
,ب ,ترْ دو ,اتْ ٬دنْ ویش ,اتْ دانْ	Better do it than wish it done.	شروع عمل بهتر است از آرزوی انجام آن
,ب ,ترْ گْ ,ا رآ نْدْ ٬دنْ ٬فلْ اینتْ ,د ,دچْ	Better go around than fall into the ditch.	ازکار برو تادرچاله بیفتی. « احتیاط در هر شرطی اصلح است »
,ب ,تر ,لیت ٬دن ,ن ,ا	Better late than never.	« آهسته برو همیشه برو »
,ب ,ترْ تو ,بنْدْ ٬دن تو ث ,رکْ	Better to bend than to break.	آنقدر کج کن که نشکند « یك جای خالی باقی نگذار »
,ب ,تر تو بی ,ال نْ ٬دنْ اینْ ٬بدْ کامپانیْ	Better to be alone than in bad company	تنها بودن بهتر است تابا رفیق بد بودن

تلفظ	جمله	معنی
بِتر تو گو تو بد ساپرلس دن تو رایز این دت	Better to go to bed supperless than to rise in debt.	گرسنه خوابیدن بهتر است تادر قرض فرورفتن
بارد گارمنتس نور فیت ول	Barrowed garments never fit well.	لباس عاریه هرگز بخوبی اندازه نمیشود .
بیزی نس بیفور پلژر	Business before pleasure.	کار قبل از تفریح
کچ د بیر بیفور یو سل هیز سکین	Catch the bear before you sell his skin.	بدشت آهوی ناگرفته مبخش
کلیمب نات تو های لست د فل بی د گریتر	Climb not too high, lest the fall be the greater.	چومیدانستی که افتادن بناچار نبایستی چنین بالا نشستن
کانفشن آو ا فالت میکس هف ا مندس فر ات	Confession of a fault makes half amends for it.	بعذر و توبه توان رستن از عذاب الیم
کانفین یر تانگ لست ات کانفین یو	Confine your tongue, lest it confine you.	زبان سرخ سرسبز میدهد برباد .
چریتی بیگینس ات هوم	Charity begins at home.	چراغیکه بخانه رواست بمسجد حرامست
کانستنت آکوپیشن پریونتس تمپتیشن	Constant accupation prevents temptation.	اشتغال دائم مانع افکار و مقاصد شیطانیست .
کورتیزی آن وان ساید نور لستس لانگ	Courtesy on one side never lasts long.	احترام از یك جانب هرگز دوام ندارد .
کاوت نات دت ویچ بیلانگس تو آدرز	Covet not that which belongs to others.	نباید بستن اندر چیز کس دل .
داب یرسلف ویس هانی اند یو ویل هو پلنتی آو فلیز	Daub yourself with honey, and you will have plenty of flies.	هرکجا چشمهٔ بود شیرین مردم ومرغ ومور گرد آیند (مکسانند دور شیرینی)
دیدز آر فروتس وردس آر بات لیوز	Deeds are fruits, words are but leaves.	عمل میوه ولیکن حرف برگ است .
دی لیز آر دنجرز	Delays are dangerous	کار امروز بفردا مینداز .

تلفظ	جمله	معنی
ديزيزس آز د اين ,ترشت ,پيد فر پ ,لژز	Diseases are the interest paid for pleasure.	بیماری و مرض یکی از عواقب وخیم عیش و عشرت میباشد.
,امپتی ,و سلز ,میک د ,گرتست ,ساوند	Empty vessels make the greatest sound.	دهل را کاندرون زندان باداست بگردون میرود فریادش از پوست
دو ,از یو وود بی دان بای	Do as you would be done by.	آن روا دار که گر برتو رود بپسندی .
ایرلی تو بد ,اند ایرلی تو ,رایز ,ات ,میکس د ,من ,هلسی ,ولسی ,اند ,وایز	Early to bed and early to rise, it makes the man healthy, wealthy and wise.	در اثر بموقع خوابیدن و سحر برخواستن شخص عاقل و سالم و ثروتمند خواهد شد.
این ,تر ,تین آ ,نر ویس هی یومیلیتی ,اند پاورتی ویس ,پی ,شنس	Entertain honor with humility, and poverty with patience.	افتخار را باتواضع و فقر را باصبر برگذار کن .
,اوری داگ ,هز هیز ,دی	Every dog has his day	هر کسی را الاجرم روز خوشیست
,اوری من ایز د آرچی ,تکت آو هیز آ ن فرچون	Every man is the architect of his own fortune.	هر کسی مهندس بخت و اقبال خود است .
,اوری شو فیتس نات ,اوری فوت	Every shoe fits not every foot.	هر کفش باندازه هر پائی نیست
,اگزام ,پل تیچز ,مر دن ,پری ,سپت	Example teaches more than precept.	مثال بهتر از قواعد تعلیم میدهند .
,اوری تینگ ایز گود این ایتس سی ,زن	Every thing is good in its season.	که هر چیزی بجای خویش نیکوست
,اویل کامیو ,کیشن ,کراپتس گود ,مرالز	Evil communication corrupts good morals.	رهم برخود بنادانی کشیدی که نادان را بصحبت برگزیدی .
,فر گیو اند ,فر ,گت	Forgive and forget.	ببخش و فراموش کن .
,فلس ف ,ریندس آر و ,رس دن ,اوپن ,انمیز (انی میز)	False friends are worse than open enemies.	رفیق دورو بدتر از دشمن علنی است (دشمن دانا به از نادان دوست)
,فرست دی ,زرو ,دن دی ,زیر	First deserve then desire.	نخست (لیاقت و استحقاق) سپس (میل و آرزو)

تلفظ	جمله	معنی
فرچون ناکس واتس ات لیست اب اوری منز گیت	Fortune knocks once* at least at every man's gate.	بالاخره یکبار اقبال درب خانه هرشخصی را خواهد کوبید
گاد هلپ د ریچ د پور کن بگ	God help the rich, the poor can beg.	«خداوند ثروتمند را کمك کندفقیرمیتواند کدائی کند»
گاد هلپس دز هو هلپس دم سلوز	God helps those who help themselves.	ـخت است پس ازجاه تحکم بردن از تو حرکت ازخدا برکت
گریت بارکرز آر نات بی ترز	Great barkers are not biters.	سگهائیکه زیادپارس میکنند نمیگزند .
هف ا لف ایز بترر دن نو برد	Half a loaf is better than no bread.	لقمهٔ نان بهتر از بودن نان است وجود ناقص بهتر که عدم صرف)
هیر تو ایس بی فر یو سپیک وانس	Hear twice before you speak once.	ـمنی که دو بشنو و یکی بش مگو
هی فیتس ویس هیز شدو	He fights with his shadow.	و باسایه خود می جنگد (از سایه خود میترسد)
هی لیوت لانگ دت لیوت ول	He liveth long that liveth well.	کسی زیاد عمر میکند که خوب زندگی کند(از انجیل)
هی دت ال ویز کام پ لینز ایز ن ور پی تید	He that always complains is never pitied.	کسی که همیشه ناله وشکایت دارد هیچگاه مورد ترحم واقع میشود .
هی هو سوئیمز این سن ویل سینک این سرو	He who swims in sin will sink in sorrow.	کسیکه درگناه شاوراست درغم واندوه خفه خواهدشد
هی هو وود کچ فیش ماست نات مید گتینگ وت	He hwo would catch fith must not mind getting wet.	کسیکه میخواهد ماهی بگیرد نبایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد .
هیز آی ایز بیگر دن هز بلی	His eye is bigger than his belly	چشمش بزرگتر از شکمش میباشد(حریص و پرخور)
هپ ایز ا گود برک فست بات ا بد ساپر	Hope is a good break fast, but a bad supper	امیدصبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد .
هات لاو ایز سون کلد	Hot love is soon cold.	عشق آتشین زود سرد میشود (سبه ناه زود عرق میکند)

تلفظ	جمله	معنی
هیو میلیتی ایز د فاندیشن آو ال ویرتیوز	Humility is the foundation of all virtues.	تواضع پایه و اساس تمام پاکدامنیهاست .
هی دت بلوز این د داست فیلز هیز آیز	He that blows in the dust fills his eyes.	کسیکه در گرد و خاک بدمد چشمان خود را آکنده میکند
هی دت هز نو شیم هز نو کانشنس	He that has no shame has no conscience.	کسیکه شرم ندارد وجدان هم ندارد
هی دت لیز داون ویث داگز ماست اکسپکت تو رایز ویث فلیز	He that lies down with dogs must expect to rise with fleas.	کسیکه با سگها بخوابد بایستی انتظار آنرا هم داشته باشد که با حشرات برخیزد (پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد)
هی دت رنز فست ویل نات رن لانگ	He that runs fast will not run long	کسیکه تند بدود زیاد نمیدود ای بسا اسب تیزرو که بماند وخر لنگ جان بمنزل برساند
هی دت ویل ستیل آن اگ ویل ستیل آن اکس	He that will steal an egg will steal an ox	کسیکه تخم مرغی را بدزدد گاوی را خواهد دزدید (تخم مرغ دزد شتر دزد میشود)
هی هو نوز هیم سلف بست ستیمز هیم سلف لیست	He who knows himself best esteems himself least.	کسیکه خود را خوب بشناسد ارزش کمی برای خود قائل است. (تواضع کند هوشمند گزین)
هی هو سوز برمبلز ماست نات گو بیر فوت	He who saws brambles must not go barefoot.	کسیکه خار کش است بایستی با پای برهنه به خارکشی نرود .
هی هو سپندز ال هی گتس ایز آن د های رود تو بگری	He who spends all he gets is on the high-road to beggary.	کسیکه تمام درآمد خود را خرج میکند در شاهراه فقر و گدائی است .
هی هو وود ریپ ول ماست سو ول	He who would reap well must sow well.	کسیکه میخواهد خوب درو کند بایستی خوب بکارد
ایدلنس ایز د پارنت آو وانت اند شیم	Idleness is the parent of want and shame.	عاقبت تنبلی احتیاج و شرمساری است .
ایدلنس ایز د روت آو ال ایول	Idleness is the root of all evil.	بیکاری و تنبلی ریشه تمام بدیهاست

تلفظ	جمله	معنی
ایف وی سابدی یو ناب آ' ز 'پ ,شنش 'دی ویل سابدی یو 'اس .	If we subdue not our passions thy will subdue us	اگر ماشهوت خودرامطیع خودنکنیم او مارا مسخر خواهد کرد .
ایف ,د ,'کپ فیت وی ,رت	If the cap fit, wear it.	اگر کلاه باندازه سرت هست بسر بگذار ' (لقمه باندازه دهن بردار)
ایل ,اگزامز ,پلز آز 'لیکک کان ,تجی یوز دیزی ,زس	Ill examples are like contageous diseases.	امثال زشت (بد) مانند امراض مسری هستند
این ا کالم سی ,ا ودری 'من ایز ,ا 'پی لت	In a calm sea every man is a pilot.	در یك دریای آرام هر کسی ناخدااست (مهره کر سک شیمد همه کس استاداست)
این 'ات وان ا ر ,اند آ' ت ,ات ,د آ ,دز	In at one ear and out at the other.	ازیك گوش شنیدن و از یکی دیگر بدر کردن .
,اتیز ,ب ,تز تو دو ,ول 'دن تو ,سی ,ول	It is better to do well than to say well.	عمل نیکو کردن برسخن نیکو گفتن برتری دارد .
,اتیز ,ن ,دز تو ,لیت تو ,لزن	It is never too late to learn.	برای کسب علم هیچ موقعی دیر نیست
,اتیز ن' سم' ل' کان کو ,اشت تو ا' ,وزکام 'یز ,سلف	It is no small conquest to overcome yourself	باموفقت (فتح) کوچکی بخود مغرور مشو
,ایتز مز پینفول تو دو نا ینگ 'دن سامتینگ	It is more painful to do nothing than something	هیچ کاری نکردن (بیکاری) از کار مشکل کردن دردناکتر است
'جک آو ا ل' ت ,ریدز اند ماس ,تز آو نان	Jack of all trades and master of none.	همه کاره هیچ کاره است
'کیمد ,نس 'لیک ک ,رین اینکرز ,یز بای سا' ئینگ	Kindness, like grain increases by sowing	مهربانی مانند بذرکاشتن گندم افزایش میابد
,لت نات 'یز تانگ کات 'یز ثر' ت	Let not your tongue cut your throat.	مگذار زبانت گلویت را قطع کند
لاف ,اند د و' زلد لافز ویس یو و' یپ ,اند یو ویپ ,ال' ن	Laugh and the world laughs with you, weep and you weep alone.	بخند تا دنیا باتو بخندد گریه کن تا تنها گریه کنی

تلفظ	جمله	معنی
لیف وِدآ ت اف رِنْد اِز دِث وِدآ ت ا وِت نِس	Life without a friend is death without a witness	زندگی بدون رفیق مرگ بدون شاهد است
لِو نات تو ایت بات ایت تو لِو	Live not to eat, but eat to live	برای خوردن زندگی مکن بلکه بخور برای زندگی کردن
لوک بی فُر یو لیپ	Look before you leap.	تا نبینی جای قدم استوار پای منه در طلب هیچکار
مِک هی وایْل د سَن شاینز	Make hay while the sun shines	هنگامیکه آفتاب است علف خشک کن (موقع شناس باش)
مَن داز وات هی کَن اَنْد گاد وات هی وِل	Man does what he can and God what he will	بشر هرچه بتواند میکند لیکن خداوند هرچه بخواهد
مَن پراپوزِز گاد دیسپوزِز	Man proposes, God disposes	(از تو حرکت از خدا برکت)
مِنی گُ آت فُر وول اَنْد کام هوم شُرْن	Many go out for wool and come home shorn	(دام هر بار ماهی آوردی ماهی این بار رفت و دام برد)
مَری یُر سَنز وِن یو وِل یُر داترز وِن یو کَن	Marry your sons when you will, your daughters when you can	برای پسرانت هر موقع که میخواهی عروسی کن ولی برای دخترانت هر موقع میتوانی
میس فُرچونز سلدام کام اَلُن	Misfortunes seldom come alone	چون بد آید هرچه آید بد شود یک بلا ده گردد و ده صد شود
نِوِر لوک ا گیفت هُرْس اِن د ماوث	Never look a gift horse in the mouth	دندان اسب پیشکشی را مشمارید
نِوِر کوئیت سِرتِنتی فُر هُپ	Never quit certainty for hope	هرگز حقیقت را به امید مفروش (سیلی نقد به از حلوای نسیه)
نِوِر وِید اِن آن نُن واترز	Never wade in unknown waters.	هرگز بآب ندانسته مرو (خود داری کن از راهی که گمراهی در اوست).
نیو برومز سویپ کلین	New brooms sweep clean.	جاروب نو تمیز جارو میکند
نُ مَن کَن سِرْو تو ماسترز	No man can serve two masters	(یک بنده نمیتوان دو خداوند داشت).

تلفظ	جمله	معنی
ن' ر'ز ویدآ' ت ا 'ترن	No rose without a thorn.	هیچ گلی بی خار نیست .
ناتینگ د'رایز سو ,نر 'دن تیرز	Nothing dries sooner than tears.	هیچ چیز از اشک زودتر خشک نیشود .
آو ا'ل 'یر ستادیز ستادی 'یر پ,ر,زنت کاندی شن	Of all your studies, study your present condition.	از تمام تحصیلات موقعیت کنونی خود را تجسس کن (درفکرحال باش)
ا'لد بیز ,یلد ن' هانی	Old bees yield no honey.	زنبور پیر عسل نمیگذارد
ا'لد ف,رندز ,اند ا'لد 'واین آز ,بست	Old friends and old wine are best.	رفیق قدیمی (مانند)شراب کهنه ازهمه چیز بهتراست
وان آی ویت ,نس ایز ,ب,تر 'دن ,تن هیر ,سیز	One eye witness is better than ten hearsays.	یک شاهدبچشم دیده بهتر از ده شاهدبگوش شنیده است (شنیدن کی بودمانند دیدن)
وان 'فلا',ور ,میکس ن' گار,لند	One flower makes no garland.	یک گل تاج درست نمیکند
وان 'هف ,د و' رلد 'نز نات ها' ,د آ,در 'هف لیوز	One-half the world knows not how the other half lives.	نیمی ازدنیا نمیدانند نیم دیگر چگونه زندگی میکنند . (کسی رااز حال کسی خبر نیست)
وان ,نیل د'رایوز آن آ,در آ'ت	One nail drives another out.	یک میخ میخ دیگر را بیرن میکشد .
وان سو ا'ل' ,میکس نات ,ا شپرینگ	One swallow makes not a spring.	یک پرستو بهاردرست نمیکند « ازیک گل بهار نمیشود»
آ'ت آو ,دت آ'ت آو دن,جر	Out of debt, out of danger.	از قرض کردن حذر کن تا از خطر دور باشی .
آ'ت آو ف'راینگ 'پن اینت' ,د 'ف,یر	Out of the frying pan into the fire.	از تاوه بیرون-در آتش . (ازچاله در آمدن و بچاه افتادن)
,پی شن ایز ,ا 'فلا',ور 'دت گر'ز نات این ,اوری بادیز گار,دن	Patience is a flower that grows not in every body's garden	صبر گلی است که درباغ هر کسی نمیروید .
,پی شن ایز ,ا 'پلاستر 'فر ا'ل 'سرز	Patience is a plaster for all sores.	صبر مشمع تمام زخمها است . (الصبر مفتاح الفرج)
پی پل هو لیو این	People who live in	کسیکه درخانه شیشهٔ زندگی

تلفظ	جمله	معنی
گلاس هاوزس شود نور ترو شتن	glass houses should never throw stone.	میکند نبایستی سنك بیاندازد (سنک برپاره حصار مزن که بود کر حصار سنک آید)
پاورتی پارتس فرندز	Poverty parts friends	فقر رفقارا جدا میکند بی زر میسر نشود کام دوستان
پری ونشن ایز بتر دن کی یور	Prevention is better than cure.	ممانعت بهتر از مداواست علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
پرکرستی نیشن ایز د دیف آو تیم	Procrastination is the thief of time.	بتأخیر انداختن دزد وقت است
پرامیز لی تل اند دو ماچ	Promise little and do much.	کم قول بده و بیشتر عمل کن
پرای نات اینت د آفرز آو آدرز	Pry not into the affair of others.	در کار دیگران مداخله مکن
رام واز نات بیلت این ا دی	Rome was not built in a day.	شهر رم در یکروز بنا نشده است
رول د اپی تیت اند تمپر د تانگ	Rule the appetite, and temper the tongue.	سخن آنکه کند حکیم آغاز یا سر انگشت سوی لقمه دراز که زنا گفتنش خلل زاید یاز ناخوردنش بجان آید
سئینگ اند د تینگ آر نو تینگس	Saying and doing are two things.	گفتن و عمل کردن دو چیز است دو صد گفته چون نیم کردار نیست
سرچ آدرز فر دیر ویرتی یوز دی- سلف فر دی فلتس	Search others for their virtues, thy- self for thy faults.	نیکی را در دیگران و بدی را در خودت جستجو کن
سی ئینگ ایز بی لیوینگ	Seeing is believing	دیدن باور کردن است
سلدام سین سون فرگاتن	Seldom seen, soon forgotten.	بندرت دیدن فراموش میشود « از دل برود هر آنچه از دیده برفت »
سلف پری زرویشن ایز د فرست لا آو نی چر	Self - preservation is the first law of nature.	(هر که بینی مراد و راحت خویش از همه خلق بیشتر خواهد) دفاع از خود اولین قانون طبیعت است
ست ا دیف تو تیک ا دیف	Set a thief to take a thief.	(شغال بیشه مازندران را نگیرد جز سگ مازندرانی)

تلفظ	جمله	معنی
سی لنس داز سلدام ایی هارم	Silence does seldom any harm	خاموشی کمتر زیان آور است «ندیدم به ز خاموشی خصالی»
ست این یُر پلیس اند نان ویل میک یو رایز	Sit in your plaee and none will make you rise	بجای خود بنشین کسی بلندت نخواهد کرد «جائی نشین که برخیزانندت»
سون رایپ سون راتن	Soon ripe, soon rotten	زود رسیده زود فاسد میشود
سرو ویل پی نو دت	Sorrow will pay no debt	تاسف جواب قرض را نمیدهد
ساور گریپس سد د فاکس وِن هی کود نات ریچ دم	"Sour grapes said the fox when he could not reach them	روباه وقتی دستش به انگور نمیرسید میگوید ترش است (گربه وقتی دستش بگوشت نرسد میگوید بو میدهد)
سپیر د راد سپویل د چایلد	Spare the rod spoil the child	کوتاهی از تنبیه بچه را ضایع میکند
سپیر وِن یو آر یانگ اند سپند وِن یو آر اولد	Spare when you are young, and spend when you are old	در جوانی پس انداز کن تا در پیری خرج کنی (برای روز پیری به)
سپیک د تروت اند شیم د دویل	Speak the truth and shame the devil	از حقیقت صحبت کن تا شیطان خجل شود
سپیر وِل اند سپند وِل	Spare well and spend well	خوب صرفه جوئی کن تا خوب خرج کنی
ستارز آر نات سین بای سن شاین	Stars are not seen by sunshine	هنگامی خورشید میتابد ستارگان دیده نمیشوند
ستریچ یُر لگز اکوردینگ تو یُر کاورلت	Stretch your legs according to your coverlet	پات را باندازه گلیمت دراز کن
سترایک وایل د آیرن ایز هات	Strike while the iron is hot	آهن را هنگامیکه گرم است ضربه بزن
ستادی تو بی وُرذی آو یُر پارنتس	Study to be worthy of your parents	کوشش کن که ارزش فامیلت را داشته باشی
تیک کِر آو د سنتس اند د دالرز ویل تیک کر آو دم	Take care of the cents and the dollars will take care of them-	از پول سیاه نگاهداری کن اسکناس از خودش نگاهداری خواهد کرد

تلفظ	جمله	معنی
دِمْ سِلْوِزْ	selves	
تُکْ آوْ دِ دِویلْ اَنْد هِیْ وِلْ اَپِیْرْ	Talk of the devil and he will appear	از شیطان صحبت کن او ظاهر خواهد شد .
تِلْ می دِ کامْپانی یو کیپ اند آئِلْ تِلْ یو هو یو آرْ	Tell me the company you keep, and I'll tell you who you are	بگو رفیقت کیست تا بگویم کیستی .
دِ اَس دَتْ بْرِیْزْ مُسْتْ ایتْس لیسْتْ	The ass that brays most eats least	الاغی که زیاد عرعر میکند کم میخورد
دِ بْلایْنْدْ مَنْزْ وایْفْ نیدْزْ نُو پِیْنْتینْگ	The blind man's wife needs no painting	همسر مرد کور احتیاج به آرایش کردن ندارد
دِ کامْفُرْتِرْزْ هِدْ نِوِرْ اِیْکْس	The comforter's head never aches	سری که آسایش دارد هرگز درد نمیگیرد
دِ دِویلْ ایزْ ناتْ اَزْ بْلَکْ اَزْ هی ایز پِیْنْتِدْ	The devil is not as black as he is painted	شیطان آنقدرها که نقاشی میکنند سیاه نیست (هرچه بگویند تو باور مکن)
دِ گُودْنِسْ آوْ اِ پودینْگ ایزْ نُونْ این دِ ایتینْگ	The goodness of a pudding is known in the eating	شیرینی حلوا هنگام خوردن معلوم میشود از حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیشود
دِ گْرِیْتِسْتْ وِلْثْ ایزْ کانْتِنْتْمِنْتْ وِیذْ لیتِلْ	The greatest wealth is contentment with little	بزرگترین ثروتها کم کم تشکیل شده «اندک اندک بهم شود بسیار»
دِ هِیْسْتی هَنْدْ کَچِزْ فْراگْ فُرْ فیشْ	The hasty hand catches frog for fish	دست عجول بجای ماهی قورباغه میگیرد
دِ هاتِرْ وُرْ دِ سونِرْ پیسْ	The hotter war the sooner peace	جنگ شدیدتر ـ صلح زودتر
دِ لَسْتْ دْراپْ مِیْکْسْ دِ کاپْ رَنْ اُوِرْ	The last drop makes the cup run over	آخرین قطره باعث لبریز شدن فنجان میشود
دِ لایِنْزْ سْکینْ ایزْ نِوِرْ چیپْ	The lion's skin is never cheap	پوست شیر هرگز ارزان نمیشود
دِ لانْگِسْتْ دِیْ ماسْتْ هَوْ اَنْ اِنْدْ	The longest day must have an end	هر روز بلندی را پایانی است (این شب سحر شدنی است)
دِ مُرْ نُوبِلْ دِ	The more noble the	نجیب‌تر ـ فروتنتر

تلفظ	جمله	معنی
مُر هامبل	more humble	(زندشاخ پرمیوه سر برزمین)
د مُر یو هیپ د وُرشت یو کیپ	The more you heap the worst you keep	هرچه بیشتر اندوخته کنی بدترین از آن تست
د پت آو ورتی یو ایز د پت آو پیس	The path of virtue is the path of peace	راه پیروی جاده صلح است .
د رَت وچ هز بت وان هل ایز سون کات	The rat which has but one hole is soon caught	موشی که فقط یک سوراخ داشته باشد زود گرفتار میشود
د سوئیتست واین میکس د شارپست وینیگر	The sweetest wine makes the sharpest vinegar	از شیرین ترین شرابها تندترین سرکه ها ساخته میشود
دِر ایز نو جنرال رول ویدآوت اَن اکسپشن	There is no general rule without an exception	هیچ قاعدهٔ عمومی نیست که بدون استثناء باشد
تایم اند تاید ستی فور نو من	Time and tide stay for no man	وقت مانند دریا برای کسی نمیماند
دی ماست هنگر این فرست دت ویل نات ورک این هیت	They must hunger in frost, that will not work in heat	آنهائیکه در تابستان کار نمیکنند باید در زمستان گرسنه بمانند
دِر ایز ا سالو فور اوری سر	There is a salve for every sore	هردردی را دوائی است
دز هو پلی ویث اجد تولز ماست اکسپکت تو بی کات	Those who play with edged tools must expect to be cut	اشخاصیکه با ابزار برنده بازی میکنند باید انتظار بریدن را داشته باشند (کسیکه خربزه خورد باید پای لرزش هم بنشیند)
تو ار از هیومن تو فرگیو دیواین	To err is human, to forgive divine	خطا راست مسلم بزرگواری وحکم که جرم بنده وان برقرار ندارد
تو منی کوکس سپویل د براث	Too many cooks spoil the broth	خیلی آشپزها آبگوشت را خراب میکنند
د بست ادوایس ایز نات تو گیو انی	The best advice is not to give any	(بهترین اندرز آنستکه هیچ چیز را اندرز ندهید)!

تلفظ	جمله	معنی
تو ماچ فمیلی یریتی تریدز کان تمپت	Too much familiarity breeds contempt	سیاری ازمساهمر (رزگلی) سحمی ر دگی مسکمند
تو پلی دِ داگ این دِ مینجر	To play the dog in the manger	باسك سه ه باری کردن
تو راب پی‌تر تو پی پل	To rob Peter to pay Paul	ازحسن‌دزدیدن‌و حسن‌دادن
تو ستِرین ات ا نت اند سوال ا کمل	To strain at a gnat and swallow a camel	از پشه‌دحر کشدن‌وشتری‌را بلعیدن(ازته‌سوزن گدشتن واردروازه داخل نشدن)
تِرید اِز دِ مادِر آو مانی	Trade is the mother of money	تجارت ما در پول‌است
تو هِدز آر بِتِر دن وان	Two heads are better than one	دوفکر بهتر از یک‌فکراست (هرکه بی‌مشورت کند به یر عالیش برهدف بیایدسر)
ترو پریز تیکس روت اند سپریدس	True praise takes root and spreads	تعریف‌ازحقایق ریشه کرده ومنتشر میشود
تو آو ا ترید سلدام اگری	Two of a trade seldom agree	دوتاجر همکار ندرت با یکدیگر موافقند .
تو سوالز دو نات مِیک ا سامِر	Two swallows do not make a summer	دو پرستو تابستان درست نمیکنند
یوز دِ مینز اند گاد ویل گیو دِ بلسینگ	Use the means and God will give the blessing	ازکاری که درعهد داری بکار ببندید و وی خواهد داد
ویست نات وانت نات	Waste not want not	تلف نکن ـ محتاج نشو
وی نِوِر نو دِ ورث آو دِ واتِر تِل دِ وِل اِز درای	We never know the worth of the water till the well is dry	تاچاه خشک‌نشد‌قدر آب را نمیدانیم تاقدر آب چه‌بی که نگردد
وِن فورچون سمایلز آن دی تیک ادوانتیج	When fortune smiles on thee take advantage	وقتی اقبال‌میخندد استفاده کن (زمانی زندگانی کن ای بیکاری وقتی که اقبال دادت حدای
وِن پاورتی کامز این ات د دور لاو فلایز آت ات د	When poverty comes in at the door, love flies out at the	همکامیکه فقر از در وارد شد عشق از دریچه پرواز میکند

تلفظ	جمله	معنی
وندو	window	
ون سرو ایز این سلیپ ویک ات نات	When sorrow is in sleep wake it not	هنگامیکه متأثری درخواست او را بیدار مکن
ون د کتس اوی د مایس پلی	When the cat's away the mice play.	هنگامیکه گربه دور است موش بازی میکند
ون یو آر ات روم دو از دی دو ات روم	When you are at Rome do as they do at Rome.	وقتی در شهر رم هستی هر چه آنجا مرسوم است بکن (خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو)
ون وی هاو گلد وی آر این فیر، ون وی هاو نان وی آر این دنجر	When we have gold we are in fear, when we have none we are in danger	وقتی طلا داریم میترسیم هنگامیکه چیزی نداریم در خطریم (را پیش از این کیسه پر سیم بود سر و رو زر از کیسه پر بیم بود)
ون درینک انترز وزدام دیپارتس	When drink enters, wisdom departs	هنگامیکه مشروب داخل شد خرد خارج میشود (نکهبد پا نامستی نجور دعاقل می)
ور ماچ اسموک ایز دیر ماست بی سام فایر	Where much smoke is, there must be some fire	هرکجا دود زیاد است آتشی هست
ور د کارکس ایز دیر د راونز ویل کالکت توگدر	Where the carcass is there the ravens will collect together	هرکجا لاشه‌ای وجود دارد آنجا لاشخورها دور هم جمع میشوند
ور دیر ایز ا ویل دیر ایز الویز ا وی	Where there is a will there is always a way	درمقابل هر اراده یک راهی پیدامیشود همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود
رایت اینجریز این داست بات کایندنس این ماربل	Write injuries in dust but kindness in marble	جور و ستم را روی خاک و مهربانی را روی مرمر بنویس
وایل دیر ایز لایف دیر ایز هپ	While there is life there is hope	تا عمر باقیست امید هست
هو اسپیتس اگینست د ویند اسپیتس این هیز اون فیس	Who spits against the wind spits in his own face.	هرکس برخلاف جهت باد تف انداخت بصورت خود انداخته است (تف سربالا)

جمله و تلفظ	معنی

Innocent

In the town of Vladimir lived a young
یانگ ,ا لیوْد وُلادیمیر آوْ تاَ'نْ ,د اینْ
merchant named Ivan. He had two shops
شاپْس توُ هَدْ هی ایوان , نیمْدْ ,مِرچِنْتْ
and a house of his own.
آ'نْ هیز آوْ ها'سْ ,ا ,اند ،
Ivan was a handsome fellow, full of
آوْ فولْ فلّو ,هندْسَمْ ,ا واز ایوان
fun, and very fond of singing. When quite
کوایْتْ ,وِنْ سینگینگ آوْ فانْدْ ,وری ,انْدْ فَنْ
a young man he had been given to drink,
دِرینْك تو گیوِنْ بینْ هَدْ هیْ مَنْ یانگ ,ا
but after he married he gave up drinking,
دِرینکینگ آپْ ,گیو هیْ ,مریدْ هیْ افْتِرْ بَتْ
except now and then.
دِنْ ,انْدْ نا'ْ ,اکْسِپْتْ
One summer Ivan was going to the
,د توْ گوئینگْ واز ایوانْ سامِرْ وانْ
Fair, and as he bade good-bye to his family
فمیلیْ هیزْ توْ گودْبایْ ,بیْدْ هیْ ,از ,اند ,فِرْ
his wife said to him, "Ivan, do not start
سْتارْتْ نات دو ایوان هیمْ توْ ,سِدْ وایْفْ هیز
to-day; I have had a bad dream about you."
یو ,اباوْتْ دْریمْ بَدْ ,ا هَدْ هَوْ ایْ تودِیْ
Ivan laughed, and said, "You are
آرْ یوْ. ,سِدْ ,اند لافْدْ ایوان
afraid that when I get to the Fair I shall
شَلْ ایْ ,فِرْ ,دِ توْ گِتْ ایْ ,وِنْ دَتْ ,افْرِیْدْ
go on a spree."
سْپْری ,ا آنْ گوْ

بی گناه

در شهر (ولادی‌میر) تاجر جوانی بنام ایوان زندگی میکرد.

او دارای دو مغازه و یك خانه شخصی بود.

ایوان مرد زیبا و پر نشاطی بود ، بموسیقی نیز علاقه بسیاری داشت

در ایام جوانی بباده گساری میپرداخت لیکن پس از آنکه متأهل اختیار نمود جز در موارد استثنائی آنهم گاه گاهی ، اصولا میخوارگی را ترك کرد.

در یک روز تابستانی ایوان عازم بازار مکاره بود ، هنگامیکه از فامیل خود خدا حافظی میکرد همسرش باو گفت « ایوان امروز عزیمت مکن ، من راجع بتو خواب بدی دیده‌ام .

ایوان ابخندی زد و گفت : تو از آن میترسی که اگر من ببازار مکاره بروم بعیش و نوش خواهم پرداخت

جمله و تلفظ	معنی
His wife replied "I do not know هیز وایف رپلاید آی دو نات نو what I am afraid of, all I know is that وات آی اَم اَفرِید آو، آل آی نو ایز دَت I had a bad dream I dreamt you returned آی هَد اِ بَد دریم آی دریمت یو ریترند from the town, and when you took off your فرام د تاون، اَند وِن یو توک آف یور cap I saw that your hair was quite gray." کَپ آی سا دَت یور هِر واز کوایت گری	همسرش جواب داد « من نمیدانم ازچه چیزی وحشت دارم فقط آنچه میدانم این است که خواب بدی دیده ام . در خواب دیده‌ام تو از شهر مراجعت کرده و هنگامیکه کلاه خود را از سر برداشتی دیدم که موی سرت تماماً سپید شده بود
Ivan laughed "That's a lucky sign," ایوان لافد دَتس اِ لاکی ساین said he "See if I don't sell out all my سِد هی سی ایف آی دونت سل آوت آل مای goods, and bring you some presents from گودز، اَند برینگ یو سام پرزنتس فرام the fair" دِ فِر	ایوان خندید و گفت « این یك علامت و نشانهٔ ازخوشبختی است خواهی دید که من کلیه مال‌التجارخود را بفروش رسانده و از بازار مکاره نیز هدایائی چند از بهر تو خواهم آورد »
So he said good-bye to his family, سو هی سد گودبای تو هیز فمیلی and drow away اند درو اِوی	آنگاه از عائله خود خدا حافظی کرده سفر آغاز نمود .
When he had traveled half-way he وِن هی هد تراولد هاف‌وِی هی met a merchant whom he knew, and they مت اِ مرچنت هوم هی نیو، اند دِی put up at the same inn for the night They پوت آپ ات د سیم این فور د نایت دِی had some tea together, and then went to هد سام تی توگدر، اند دن وِنت تو bed in adjoining rooms بد این ادجوینینگ رومز	پس از آنکه نیمی از راه را پیمود ، بتاجری که با او نیز آشنائی داشت برخورد کرد شب را در مهمانسرائی متوقف شدند سپس با یکدیگر کمی چائی نوشیده و هر یك بخوابگاه خود که در اطاقهائی متصل بهم بود رفتند

جمله و تلفظ	معنی
It was not Ivan's habit to sleep late, اتْ واز ناتْ ایوانزْ هَبِتْ تو سلیپْ لِیتْ، he aroused his driver before down, and told هی اِرُوزْدْ هیز دْرایوِر بیفُر دان، اَنْد تُلْدْ him to put in the horses, then he went to هیم تو پوتْ این دِ هُرْسِس، دِن هی وِنْتْ تو the landlord of the inn, paid his bill, and دِ لَنْدْلُرْد آوْ دِ این، پِیْدْ هیز بیل، اَنْد continued his journey کانْتینیوُدْ هیز جِرْنی	این خوی ایوان نبود که دیرگاه بخوابد پس راننده خود را قبل از طلوع آفتاب بیدار کرده و باو گفت تا اسبها را ببندد سپس نزد صاحب مهمانسرا رفت و پس از پرداخت حسابش بمسافرت خود ادامه داد
When he had gone about twenty-five وِن هی هَدْ گان اَباوْتْ تْوِنْتی - فایو miles, he stopped to rest a while at the inn مایْلز، هی اِسْتاپْدْ تو رِسْتْ اِ وایل اَتْ دِ این then he ordering for tea and got out his دِن هی اُرْدِرینْگْ فُر تی اَنْد گاتْ آوتْ هیز guitar and began to play گیتار اَنْد بیگان تو پْلِی	پس از آنکه تقریبا بیست و پنج میل راه پیمود بمنظور لحظهٔ استراحت در قهوه خانهٔ توقف کرد و پس از آنکه دستور چائی داد گیتار خود را بیرون آورده مشغول نواختن شد
Suddenly an official drove up followed سادِنْلی آن اُفیشِلْ دْرُوو آپ فالُوْدْ by two soldiers He came to Ivan and began بای تو سُلْجِرْز هی کِیْمْ تو ایوان اَنْد بیگان to question him, asking him who he was تو کوئِسْچِنْ هیم، اَسْکینْگْ هیم هو هی واز and whence he came Ivan answered him اَنْد وِنْس هی کِیْمْ ایوان آنْسِرْدْ هیم fully, and said, "Won t you have some tea فولی، اَنْد سِدْ، وُنْتْ یو هَوْ سام تی with me?" But the official went on cross- ویتْ می؟ باتْ دِ اُفیشِلْ وِنْتْ آن کْرُس questioning him and asking him, "Where کوئِسْچِنینْگْ هیم اَنْد اَسْکینْگْ هیم، وِرْ	ناگهان یکی از مامورین دولت بهمراهی دو نفر سرباز وارد شد. او بطرف ایوان آمده و شروع بپرسش نمود سؤال میکرد که او کیست و چه وقت آمده است ایوان بنام او جواب داده و گفت آیا میل ندارید کمی با من صرف چای فرمائید؟ اما مامور دولت بازپرسی خود ادامه داده و از او سؤال کرد در شب گذشته را در کجا

جمله و تلفظ	معنی
did you spend last night? Were you alone,	گذرانده‌ای ؟ آیا شما
or with a fellow-merchant? Did you see	تنها بودید ـ یا با شخص تاجری ؟ آیا شما آن تاجر
the other merchant this morning? why	دیگر را امروز صبح ملاقات کردید ؟ بچه علت شما
did you leave the inn befor dawn?"	مهمانسرا را قبل از طلوع آفتاب ترک کردید ؟ »
Ivan wondered why he was asked all	ایوان متحیر بود که چه علت اینگونه سئوالات
these questions but he described all that	از او میشود لاکن آنچرا که گذشته بود بیان کرد و
had happened and then added, "Why do	سپس اضافه نمود « برای
you cross-question me as if I were a thief	چه از من مانند یک دزد و یا راهزنی بازپرسی
or a robber? I am traveling on business of	میکنید ؟ من برای انجام کارهای تجارتی خود مسافرت
my own, and there is no need to question	میکنم و هیچ احتیاجی بازپرسی از من نیست »
me." But the official calling the soldiers	ولی مأمور دولت در حالیکه سربازها را احضار
said "I'm the police-officer of this district	میکرد گفت « من افسر پلیس این ناحیه
and I question you because the merchant	هستم و از شما بازپرسی میکنم بدانجهت که آن
with whom you spent last night has been	تاجر یعنی همان شخصیکه شب گذشته را شما
found with his throat cut we must search	با او گذرانده‌اید با گردن بریده پیدا شده
your things	است ما بایستی اثاثیه شما را بازجوئی کنیم »

جمله و تلفظ	معنی

The soldiers and the police-officer
ای بیز - پلس ,د اند سلجرز ,د
unstrapped Ivan's laggage and searched it
ات سرچد اند لاگیج ایوانز آنسترپد
Suddenly the officer drew a knife out of a
,ا آو آت نیف ,ا درو افیسر ,د سادنلی
bag, crying, "Whose knife is this?
دیس از نیف هوز کرائینگ ,بگ
Ivan looked, and seeing a blood-
بلود ,ا سینگ ,اند لوکد ایوان
stained knife taken from his bag, he
هی بگ ,هیز فرام تیکن نیف سترند
was frightened
فرایتند واز
How is it there is blood on this knife?
نیف دیس آن بلود از ,در ,ات از هاو
Ivan tried to answer but could hardly
هاردلی کود بات آنسر ,تو ترید ایوان
utter a word and only stammered I –
,آی ستمرد ,اونلی اند ورد ,ا آتر
don't—know—not mine
ماین نات نو دنت
Then the police-officer said you are
آر یو ,سد افیسر - پلیس ,د دن
the only person who could have done it
,ات دان هو کود هو ,پرسن اونلی ,د
Because no one else was there Here is this
دیس از هیر ,در واز السن وان نو بیکاز
blood-stained knife in your bag and your
یور اند بگ یور ان نیف سترند - بلود
face and manner betray you! Tell me now
ناو می تل یو بترای منر اند فیس

سربازها و افسر پلیس
اثاثه سفر ایوان را
باز نموده و مشغول
جستجو شدند ناگهان
افسر پلیس چاقوئی از
یك کیسه بیرون آورده
و فریاد کرد این
چاقو متعلق به کیست؟
ایوان نگاه کرد و
دید چاقوئی آغشته
بخون از کیسه او بیرون
آورده اند او وحشت
کرد
چگونه این چاقو بخون
آلوده شده است؟
ایوان سعی میکرد که
جواب بگوید اما بسختی
قادر بود کلمهٔ ادا
کند و فقط بالکنت زبان
گفت من — نمیدانم —
از آن — من — نیست
پس افسر پلیس گفت
تو یگانه شخصی هستی
که قادر بانجام این عمل
بوده‌ای زیرا هیچ
شخص دیگری در آنجا
نبوده است این هم
چاقوی بخون آلوده شدهٔ
که در کیسه تو است
وحشت و رفتار تو سر
شانهٔ خیانت و منافسه

جمله و تلفظ	معنی
you killed him, and how much money you یو کیلْدْ هیمْ ,اَنْدْ هاَ' ماچْ مانیْ یو stole?" Ivan swore he had not done it; that سْتُ'لْ ایوانْ سوُرْ هیْ 'هَدْ ناتْ دانْ اِتْ, 'دِتْ he had not seen the merchant after they هیْ 'هَدْ ناتْ سینْ دِ ,مِرْچِنْتْ 'افْ,ترْ ,دیْ had had tea together; that he had no money 'هَدْ 'هَدْ تیْ تُ,گِدِرْ 'دِتْ هیْ 'هَدْ نُ' مانی except some of his own, and that the knife اِکْسِپْتْ سامْ آوْ هیزْ آ'نْ ,اَنْدْ 'دِتْ ,دِ 'نیف was not his. But his voice was broken, his واز نات هیز باتْ هیز وُ'یس واز 'کِن بر' هیز face pale, and he trembled with fear as ,فیْسْ ,پیْلْ ,اند هیْ تْ'رِمْبِلْدْ ویسْ فیرْ ,ازْ though he were guilty. س' هی ,ورْ گیلْتی	بمن بگو که چگونه سو او را کشتی ؛ و چه مبلغ پول دزدیده‌ای ؟ »ایوان قسم بادکرد که او این‌عمل را نکرده است و همچنین او آن ناجر را پس از آنکه با یکدیگر چائی صرف کردند دیگر ندیده است ، و نیز پولی هم جز مبلغی که متعلق بخود اوست ندارد و بعلاوه چاقو متعلق باو نیست . لیکن صدای او گرفته، رنگش پریده ؛ و از وحشت برخود میلرزید مثل آنکه حقیقتاً مقصر است ،
The police-officer ordered the soldiers ,دِ 'پلیسْ - آفی‌سِرْ ا'رْ,دِرْدْ ,دِ 'سلْ,جِرْزْ to bind Ivan and to put him in the cart. تو ,بَنْدْ ایوان ,اند تو پوتْ هیم اینْ ,دِ کارْتْ	افسر پلیس بسرباز ها فرمان داد تا ایوان را بسته و در عرابه جای دهند .
As they tied his feet together and flung ,ازْ ,دیْ 'تیدْ هیزْ فیتْ تو ,گِدِرْ ,اند فلانْگْ him into the cart, Ivan crossed himself and هیمْ اینْتُ' ,دِ کارْتْ ایوان کراسْدْ هیمْ سِلْفْ ,اند wept. He was sent to the jail and impri- ,وِپْتْ هی واز سِنْتْ تو ,دِ ,جِیْلْ ,اند ایمْپْرِیْ soned there, with the charge of murdering ,زِنْدْ ,دِرْ ویسْ ,دِ چارْجْ آوْ موْرْ,درینْگْ and robbing a merchant. ,اند رابینْگْ ا ,مِرْچِنْتْ	ضمن اینکه پای او را میبستند و با زور او را بطرف عرابه میکشیدند ایوان علامت صلیب بر خود کشیده و گریست. او بزندان فرستاده شد و در آنجا بعنوان سرقت و مل یك ساجر محبوس گردید .
His wife was in despair, and did not هیزْ 'وَیْف وار اینْ دِسْپِرْ ,اَنْدْ دیدْ ناتْ	همسرش در نومیدی و یأس سرمیبرد و نمیدانست

جمله و تلفظ	معنی
know what to believe Her children were وَرْ چیلْدْرِنْ ,هِرْ بیلیُوْ تو واب نُ	چه چیزی را باور کند
all quite small; one was a baby at her breast بْرِِسْتْ ,هِرْ اَتْ ,بِیْبی ,ا واز وانْ شْمُ ل کو ایْتْ اُلْ	اطفالش همگی کاملا کوچك بودند، یکی هم شیرخواره بود که در آغوش خود داشت
At first she was not allowed to see him; هیمْ سیْ تو ,الاُدْ ناتْ واز شیْ ,فرْست اَتْ	اول اجازه نمیداند که او را ملاقات کند،
but after much begging, she obtained per- پرْ آبْ ,تِیْنْدْ شیْ ,بِگینگْ ماچْ اَفْتِرْ باتْ	ولی پس از تمنا و تقاضای بسیار کسب اجازه نمود و بنزد او هدایت شد
mission and was taken to him هیمْ تو ,تِیْکِنْ واز ,اَند میْ شِنْ	
When she saw her husband in prison- پْریزِنْ اینْ هازْبَنْدْ ,هِرْ سا شیْ ,وِنْ	هنگامیکه شوهر خودرا در لباس زندانی با دزدان و جنایت کاران بزنجیر بسته دید؛ بزمین افتاد و برای مدت مدیدی بهوش نیامد . آنگاه اطفال خود را بآغوش کشیده و در پهلوی او بر زمین نشست و راجع باینکه چه اتفاقی برایش پیش آمده نمود از او سئوال کرد .
dress and in chains, shut up with thieves ثیوْزْ ویثْ آپْ شاتْ ,چِیْنْزْ اینْ ,اَنْد دْرِسْ	
and criminals, she fell down, and did not ناتْ دیدْ ,اَنْدْ دَاوْنْ ,فِلْ شیْ ,کْریمینالْزْ ,اند	
come to her senses for a long time Then دِنْ ,تایْمْ لانگْ اِ فُرْ ,سِنْسِزْ ,هِرْ تو کامْ	
she drew her children to her, and sat down داوْنْ سات ,اند ,هِرْ تو چیلْدْرِنْ ,هِرْ دْرُ شیْ	
near him. She asked about what had هَدْ واتْ ,اَباوت اَسْکْدْ شی هیمْ نیرْ	
happened to him. He told her all, and she شی ,اَند ,اُلْ ,هِرْ تُلْد هی هیم تو هَپِنْدْ	تمامرا برایش شرح داد ، سپس سئوال نمود ، اکنون ما چه میتوانیم بکنیم ،
asked, "What can we do now?" نَاوْ دو وی کَن واتْ اَسْکْدْ	
Ivan did not reply, but only looked لوکْد اُنْلی باتْ ,ریپْلایْ ناتْ دیدْ ایوان	ایوان جوابی نگفت و فقط سر بزیر انداخت . آنگاه همسرش گفت
downcast. Then his wife said. ' You should شودْ یو ,سِدْ وایْف هیزْ ,دِنْ دَاوْنْ کاسْتْ	« میبایستی آنروز را عزیمت میکردی » و در حالیکه
not have started that day." And passing پاسینگْ ,اَند ,دِیْ دَتْ سْتارْتِدْ هَوْ ناتْ	انگشتان خودرا در لباس

جمله و لفظ	معنی

her fingers through his hair. she said "Ivan
ایوانْ ,سِدْ شِیْ ,هِزْ هِرْ ,ترُوْ ,مِسْ ,گِرْز ,هِرْ
dearest, tell your wife the truth, was it
,اتْ واز ,ترُوث ,د ,وَیْف ,یُر ,تِل ,دِیْرِسْتْ
not you who did it?"
,اتْ دِدْ هُوْ یُوْ ناتْ
"So you, too, suspect me!" said Ivan,
ایوانْ ,سِدْ مِیْ سَوسْپِکْتْ ,تُو یُو ,سُو
and, hiding his face in his hands and he
هی ,اند ,هندز هیز اِنْ ,فِیْس هِز ,هَیْدِینگْ ,انْدْ
began to weep Then a soldier came to say
,سِیْ تو ,کِیْمْ ,سُلْجِرْ ,ا ,دِنْ ,وِیپْ ,تو ,بِگَانْ
that the wife and children must go away,
,اوِیْ گُوْ ماسْت چِلْدِرِنْ ,انْد ,وَیْف ,دِ ,دَتْ
and Ivan said good-bye to his family for
,فُرْ فِمِیلِیْ هِیزْ تو بایْ-گُودْ ,سِدْ ایوانْ ,انْدْ
the last time
,تَیْمْ ,لَسْتْ ,دِ

When they were gone, Ivan recalled
,رِیکالْدْ ایوانْ ,گانْ ,ورْ ,دِیْ ,وِنْ
what had been said, and when he
,هی ,وِنْ ,انْدْ ,سِدْ ,بِینْ ,هَدْ ,واتْ
remembered that his wife also had sus-
سوسْ ,هَدْ ,اُلْسُو ,وَیْف ,هِزْ ,دَتْ ,رِیمِمْبِرْدْ
pected him, he said to himself, "It seems
,سِیْمْز ,اِتْ هِیمْسِلْف تو ,سِدْ هی ,هِیمْ ,پِکْتِدْ
that only God can know the truth, it is to
,تُو ,اِزْ ,اِتْ ,تِرُوث ,دِ ,نُوْ ,کَنْ ,گادْ ,اُنْلِیْ ,دَتْ
Him, alone we must appeal, and from
فِرامْ ,انْدْ ,اپِیلْ ,ماسْتْ ,وِیْ ,الُونْ ,هِیمْ
Him alone expect mercy"
,مِرْسِیْ ,اِکْسْپِکْتْ ,الُونْ ,هِیمْ

فرو میبرد ، گفت
« ایوان عزیز من
خود راست بگو ، آیا
تو آنکسی که این عمل
را کرده است نیستی ؟ »

« پس تو هم بمن مظنونی ؟ »
ایوان اینرا گفت و در
حالیکه صورت خود را در
دستانش مخفی نموده
شروع بگریستن کرد
آنگاه سربازی آمده
و گفت که زن و بچه‌ها
بایستی خارج شوند ،
پس ایوان برای آخرین
بار از بستگان خود
خدا حافظی نمود

پس از آنکه آنها رفتند
ایوان آنچه را که گفته
شده بود در خاطر مجسم
نمود ، و چون بخاطر آورد
که حتی همسرش بر او
ظنین است ، با خود
گفت « چنان بنظر میرسد
که تنها خداوند مطلق است
که بحقایق آگاهی دارد ،
و به یگانه درگاه اوست
که میتوان توسل جست
و تنها از اوست که بایستی
انتظار ترحم داشت »

جمله و تلفظ	معنی
And Ivan wrote no more petitions, اند ایوان رُتْ نُ مُرْ پِتیشِنْز.	ایوان دیگر بیش از آن نامهٔ ننوشت و بکلی
gave up all hope. and only prayed to God گیوْ آپْ آلْ هُپْ اند اُنلی پْرِیْدْ تو گادْ	نا امید شد ولی فقط بدرگاه خدا دعا میکرد
For years Ivan lived as a convict in فُرْ ییرْزْ ایوانْ لیوْدْ ازْ اِ کانویکْتْ این	سالها ایوان چون محکومی در زندان زندگی
prison. His hair turned white as snow, and پْریزِنْ، هیزْ هِیرْ تِرْنْدْ وایْتْ ازْ سْنُ، اند	کرد و موی سرش مانند برف سفید شد، ریشش
his beard grew long, and gray All his هیزْ بیرْدْ گْرُو لانْگْ، اند گْرِی آلْ هیز	بلند و برنگ خاکستری تبدیل گردید و نشاط
mirth went, he walked slowly, spoke little, مِرْثْ وِنْتْ، هی واکْدْ سْلُولی، سْپُکْ لیتِلْ،	هوائی را بکلی از دست داد آهسته و آرام حرکت
and never laughed, but he often prayed اند نِوِرْ لافْدْ، باتْ هی آفِنْ پْرِیْدْ	میکرد کم حرف میزد، ابداً نمیخندید ولی بیشتر
No news reached Ivan from his home نُ نیوزْ ریچْدْ ایوانْ فْرامْ هیزْ هُومْ	اوقات بدعا بسر داشت نه ایوان خبری از
and he did not even know if his wife and اند هی دید نات ایوِنْ نُ ایفْ هیزْ وایفْ اند	خانه و زندگی اش میرسید و نمیدانست آیا زن
children were still alive چیلْدْرِنْ وِرْ سْتیلْ اَلایوْ،	و فرزندانش هنوز در قید حیات هستند یا نه؟
One day a fresh gang of convicts وانْ دِیْ اِ فْرِشْ گَنْگْ آوْ کانویکْتْس	یک روز گروه تازه‌ای از محکومین وارد
came to the prison In the evening the old کیمْ تو دِ پْریزِنْ این دِ ایوْنینْگْ دِ اُلْدْ	زندان شدند شب هنگام محبوسین قدیمی بدور
prisoners collected round the new ones پْریزِنِرْزْ کالِکْتِدْ راوْنْدْ دِ نیو وانْزْ	تازه واردین گرد آمده و از آنها سئوال
and asked them what towns or villages اند اَسْکْدْ دِمْ واتْ تاوْنْزْ اُرْ ویلِجِز	میکردند که اهل کدام شهر یا قصبهٔ هستند و
they came from, and what they were دِیْ کیمْ فْرامْ، اند واتْ دِیْ وِرْ	برای چه محکوم شده‌اند؟ در ضمن ایوان نزدیک
sentenced for Among the rest Ivan sat سِنْتِنْسْدْ فُرْ اَمانْگْ دِ رِسْتْ ایوانْ سَتْ	تازه واردین نشسته متوجه آنها بود و

جمله و تلفظ	معنی
down near the newcomers, and listened لِسِنْدْ ,راند نی‌یوکا,مِرْزْ ,د نیرْ دآ'نْ with downcast air to what was said. ,سِدْ واز وات تو ,از دآ'نْ 'کَسْتْ ویسْ	بسا حالتی افتاده و مأیوس بآنچه صحبت میکردند گوش میداد.
One of the new convicts, a short 'شرْتْ ,ا کانْویکْتْسْ نیْ یوْ ,د آوْ وان vilain looking man, was telling the others آ,دِرْزْ ,د تِلینْگْ واز 'منْ لوکیْنْگْ ویْ,لنْ what he had been arrested for. 'فرْ ,ا,رِسْتِدْ بینْ 'هدْ هیْ واتْ	یکی از مجرمین تازه وارد که مردی کوتاه قد و دارای چهرهٔ شریر و خبیث بود برای دیگران شرح میداد که بچه علت بزندان افتاده است.
"Well, frieds," he said, "I only took توکْ ا'نْلی 'ای ,سدْ هی ف,رِیْنْدْزْ ,ولْ a horse that was tied to a sledge, and I 'ایْ ,اند سْ,لِجْ ,ا تو 'تیْدْ واز 'دتْ 'هرْسْ ,ا was arrested and accused of stealing. I 'ایْ سْتیلینْگْ آوْ ,اکی‌یوزْدْ ,اند ,ا,رِسْتِدْ واز said I had only taken it to get home هومْ ,گِتْ تو ,اتْ ,تیْکِنْ ا'نْلی 'هدْ 'ایْ ,سِدْ quicker, and had then let it go; besides, بیْ'سِیْدْسْ گ' ,اتْ ,لِتْ ,دِنْ 'هد ,اند کوئیْ.,کرْ the owner was a friend of mine. I once وانْسْ 'ایْ 'مِیْن آوْ ف,رِیْنْدْ ,ا واز آ',نرْ ,د really did something wrong, and ought by بایْ آ'تْ ,اند رانْگْ سامْتینْگْ دیدْ ریْ,الی rights to have come here long ago, but باتْ ,اگ' لانْگْ هیرْ کامْ 'هوْ تو 'ریْتْسْ that time I was not found out. آ'تْ فآ'نْدْ ناتْ واز 'ایْ 'تیمْ 'دتْ	«آری؛ رفقا ؛ من فقط یک اسبی را که در طویلهٔ بسته بود برداشتم و بعنوان دزدی باز داشت شدم . من گفتم که آنرا فقط بمنظور آن برداشته بودم تا زودتر بمنزل برسم و بعداً هم آنرا آزاد کردم که برود . بعلاوه صاحبش هم یکی از رفقای من بود . یکبار من حقیقتاً عمل خطائی را مرتکب شدم که بایستی حقاً مدتها پیش بدینجا آمده باشم لیکن در آن موقع گرفتار نشدم . »
"Where are you from?" asked some one. وانْ سامْ 'اسْکْدْ 'فرامْ یو آرْ ,وِرْ	کسی سئوال نمود « شما اهل کجا هستید ؟ »
"From Vladimir, my name is Makar." ماکار ایزْ ,نیْمْ 'مایْ 'ولادیمیرْ 'فرامْ	« اهل ولادیمیر و اسم من ماکار است »

جمله و تلفظ	معنی
Ivan raised his head and said: "Tell رتل رسد اند هد هیز ریزد ایوان me, Makar, do you know anything of the د آو انی‌تینگ ن یو دو ماکار می merchant Ivans of Vladimir? Are they دی آر ولادیمیر او ایوانز مرچنت still alive?" الیو شتیل "Know them? Of caurse I do. They دی دو ای کرس آو دم ن are poor people, but well. Their father is ایز فادر دیر ول بات نی پل پور آر in prison, a sinner like ourselves, it seems! سیمز ایت آورسلوز لیک سی نر ا پریزن این As for you, say, how did you come here?" هیر کام یو دید هآ سی یو فر از Ivan did not like to speak of his هیز آو سپیک تو لیک نات دید ایوان misfortune He only said, "For my sins." سینس می فر سد انلی هی میس‌فرچون "What sins?" asked Makar. ماکار اسکد سینس وات But Ivan only said, "Well — I must ماست ای ول سد انلی ایوان بات have deserved it!" He would have said سد هو وود هی ات دیزروْد هو no more, but his companions told Makar ماکار تلد کامپانی‌ینز هیز بات مر نُ how Ivan came to be in prison; how some سام هآ پریزن این بی تو کیم ایوان هآ one had killed a merchant, and had put the د پوت هد اند مرچنت ا کیلد هد وان	ایوان سر خود را بلند کرده و گفت: «بگو ببینم، ماکار. آیا هیچگونه خبری از خانواده ایوان، تاجر شهر ولادیمیر دارای؛ آیا آنها هنوز درقید حیاتند؟». «آنها را میشناسم! البته (میشناسم) آنها مردمانی فقیر ولی خوب میباشند. پدرشان در زندان است. یک گناهکاری مانند خود ما. بنظرم مثل شما شخصی است. بگوئید شما چگونه باینجا آمدید؟» ایوان مایل نبود که از بدبختی خود صحبت کند. پس او فقط گفت بعلت گناهان خو». ماکار سئوال نمود «چه گناهانی؟» لیکن ایوان مختصراً گفت: در هر حال بایستی من استحقاق آنرا میداشتم». و او بیش از این سخنی نبگفت. ولی اطرافیانش بماکار گفتند که بچه ترتیبی ایوان بزندان افتاد و چگونه یک شخصی تاجسری را بقتل رسانیده و کارد

جمله و تلفظ	معنی
knife among Ivan's things, and Ivan had هَدْ ایوان رانْدْ تینْگْسْ ایوانْز آمانْگْ نیفْ been unjustly condemned. کانْدِمْنْدْ آنْجاسْتْلی بینْ	را در اثـاثیه ایـوان نهاده وایوان برخلاف حق و عدالت محکوم گردیده
When Makar heard this, he looked at رات لوکْدْ هیْ دیسْ رهِرْدْ ماکارْ ، وِنْ Ivan, and exclaimed, Well well, this is ایزْ دیسْ ، ول ، ول ، اکسْ کْلیمْدْ ، اند ایوان wonderful! Realy wonderful! But how هاو بات وان دِفول رِیْ الی وانْدِفول old you have grown, Ivan!" ایوان گرُنْ هَوْ یوْ اُلْدْ	وقتی مـاکار ایـن سخنان را شنید به ایـوان نگاهی کرده و فریاد کشید: «عجب ! عجب ! ایـن چیـز غریبی است حقیقتاً عجیب است؛ ولی ایـوان تـو چقدر پیر و فـرسوده شده ای !»
The others asked him why he was so سو واز هیْ وایْ هیم اسْکْدْ آدِرْز د surprised, and where he had seen Ivan ایوان سینْ هَدْ هیْ وِرْ رانْدْ سورْپْرایْزْدْ before; but Makar did not reply He only اُنْلی هی ریپْلای نات دیدْ ماکارْ بات بیْفُرْ said: "It is wonderful that we met here!" هیرْ مِتْ ویْ دَتْ وانْدِفول ایز ایت سِدْ	دیـگـران از او سئوال نمـودند کـه چرا اینقـدر متعجب شده . و قبـلا ایـوان را در کـجا دیده است ؛ لیکن ماکار جوابی نداد و فقط گفت . « این جای تعجب است کـه مـا در اینجا مـلاقات میکنیم! »
Ivan said, "perhaps, you have heard هِرْدْ هَوْ یوْ پِرْهپْسْ سِدْ ایوان of that affair, or have seen me before?" بیْفُرْ میْ سینْ هَوْ اُرْ آفِرْ دَتْ آوْ	ایوان گفت «شاید شمـا از آن امـر چیـزی شنیده اید ؛ یا ممکن است که منرا قبلاً دیده اید؟»
"How could I help hearing? The world وُرْلْدْ دِ هیرینْگْ هِلْپْ آیْ کودْ هاو is full of rumors. But it's a long time ago." اَگُ تایْمْ لانْگْ اِ ایتْسْ بات رومِرْزْ آوْ فول ایز Maybe you heard who killed merchant? مِرْچِنْتْ کیلْدْ هو هِرْدْ یو مِیْ بی	« بالاخره حرف مردم بگوش میـرسد » . و دنیا پر از شهرتهای کذب است لیکن حال مدتها است از آن واقعه میگذرد. «شاید شما شنیده اید چه کسی تاجر را کشته است؟»
Makar laughed, and replied:" It must have هَوْ مَسْتْ ایت ریپْلایْدْ رانْدْ لافْدْ ماکارْ	ماکار خندید وجواب

جمله و تلفظ	معنی
been him in whose bag the knife was found! فآ'نْد واز 'نَیفْ دِ 'بَگْ هوزْ این هیم بین	داد : «قاتل بایستی همان کسی باشد که چاقو در کیسه اش پیدا شده است» .
When Ivan heard these words, he felt رفِلْتْ هی و'رْدْزْ دیزْ ,هِرْدْ ایوان ,وِنْ sure this was the man who had killed the دِ کیلدْ 'هِدْ هو 'مَنْ دِ واز دیسْ شورْ merchant. He rose and went away. All that 'دِتْ ا'لْ ا'وِی ,وِنْتْ ,اَنْدْ ر'زْ هی ,مِرْچِنْتْ night Ivan lay awake. He felt terribly un- . آنْ ,تِرِبْلی ,فِلْتْ هی ,اَ'وِیْک ,لِیْ ایوانْ 'نَیْتْ happy, and all sorts of images rose in his هیز اینْ ر'زْ ایمیجِزْ آوْ سُرْتْسْ ا'لْ ,اَند 'هَاپی mind. The thought of all past made him so س' هیمْ ,مِیدْ 'پَسْتْ ا'لْ آوْ تا'تْ دِ 'مَیْنْد wretched that he was ready to kill himself. هیم,سلف کیلْ تو ,رِدی واز هی 'دَتْ 'وِرِچِدْ	پس از آنکه ایوان این سخنان را شنید ؛ اطمینان حاصل نمود ایـــن همان کسی است کـه تـاجـر را کشته است . او برخواست و دور شد. تمام آن شب را ایوان بخواب نرفت . بی اندازه احساس غم و اندوح میکرد و انواع تصورات در مخیله اش رسوخ نمود . افکار آنچه که گذشته بود آنقدر او را دلتنگ کرده بود که حتی آماده خودکشی بود.
A fortnight passed in this way. Ivan ایوان ,وِیْ دیسْ اینْ 'پَسْدْ 'فُرْتْ'نَیْتْ ,ا could not sleep at night, and was so س' واز ,اَند 'نَیْتْ ,اَتْ شلیپْ ناتْ کودْ miserable that he did not know what to do. دو تو وات نُ' ناتْ دیدْ هی 'دَتْ میزِرِبلْ	یکی دو هفته بدین منوال گذشت . ایوان نمیتوانست در شب بخواب برود و آنقدر بدبخت بود که نمیدانست چه بایستی بکند .
One night as he was walking about the دِ ,اَبا'تْ واکینگْ واز هی ,اَزْ 'نَیْتْ وان prison he noticed some earth that came رکیمْ 'دَتْ ایرْثْ سامْ 'نُتیسْد هی 'پریزِنْ rolling out from under one of the shelves ,شِلْوِزْ دِ آو وان آنْدِرْ 'فرامْ آ'تْ ر'لینگْ on which the prisoners slept. He stopped 'سْتاپْدْ هی سْ,لِپْتْ 'پریزِ'نِرْزْ دِ ویچ آن to see what it was. Suddenly Makar crept کْرِپْتْ ماکار سادْنْلی وازْ ,اِتْ وات سی تو	یک شب هنگامیکه در محوطه زندان قدم میزد مشاهده نمود مقداری خاک از زیـــر یکـی از طاقیهائیکه زندانیان در آن خوابیده بودند بخارج میلغزد . ایوان توقف کرد تا ببیند که چیست . غفلتاً

جمله و تلفظ	معنی

out from under the shelf, and looked up
آپْ لوکْدْ ,اند ,شلْفْ ,د آنْ ,درْ 'فرامْ آ'تْ
at Ivań with frightened face. Ivan tried
تْ'رَیْدْ ایوانُ ,فیْسْ فْ'رَیْ تِنْدْ ویشْ ایوان ,اتْ
to pass without looking at him, but Makar
ماکارْ باتْ هیمْ 'اتْ لوکینگْ ویدآ'تْ 'پسْ تو
seized his hand and told him that he had
'هدْ هیْ 'دتْ هیمْ 'تلْدْ ,انْدْ 'هَنْدْ هیزْ ,سیْزدْ
dug a hole under the wall and added, "Just
'جسْتْ ,ادِدْ ,اند والْ ,د آنْدرْ 'هلْ ,ا داگْ
you keep quiet, old man. and you shall
'شلْ یو ,اند 'منْ ا'لْدْ کوا'یتْ کیپْ یو
get out too. If you blab, they will flog
فلاگْ ویلْ ,دیْ تْ'لبْ یو ایف تو آ'تْ ,گتْ
the life out of me. but I'll kill you first."
,فرستْ یو کیلْ 'ایلْ بات می آو آ'تْ 'لیفْ ,د

Ivan trembled with anger as he looked
لوکْدْ هیْ ,ازْ 'انْ ,گرْ ویسْ 'تریمبلْدْ ایوان
at his enemy. He drew his hand away,
ا',وی 'هَنْدْ هیز 'درْ هیْ ,انمی هیزْ 'اتْ
saying, "I have no wish to escape, and you
یو ,اند ,اسْ ,کیپ تو ویشْ نُ 'هوْ 'ای ,سِینگْ
have no need to kill me; you killed me long
لانگْ می کیلْدْ یو می کیلْ تو نید نُ 'هوْ
ago! As to telling of you— I may do so
سُ دو ,میْ 'ای یو اوْ ,تلینگْ تو ,ازْ ,اگُ
or not, as God shall direct"
دیْ ,رکْتْ 'شلْ گادْ ,ازْ ناتْ ا',ر

Next day the tunnel was found. The
,د فآ'ندْ وازْ تا,نلْ دِ ,دیْ ,نکْستْ
Governor came and questioned all the pri-
'پری دِ ا'لْ کوِ'سْ,شنْدْ ,اند ,کیمْ گا,وْ,نرْ

ماکار از زیر طاقچه بیرون خزیده و با صورتی وحشت زده به ایوان خیره شد . ایوان سعی نمود تا بدون توجه باو بگذرد ؛ لیکن ما کار دست او را گرفته و باو گفت که سوراخی در زیر دیوار حفر نموده است واضافه نمود .

« ای پیرمرد کاملا خاموش باش ، آنوقت توهم خارج خواهی شد . اگرلب تر کنی با تازیانه جانم را خواهند گرفت ، لیکن من قبلا ترا خواهم کشت . »

ایوان چون بدشمن خود نگریست از خشم برخود بلرزید . دست خود را کشید و گفت

«من آرزوی فرار را ندارم ، و تو نیز احتیاجی بکشتن من نداری ، تو مدتها پیش مرا کشته‌ای و راجع بتو نیز ـ ممکن است من اظهاری بکنم یا نه ، بسته بمیل خدا است . »

روز بعد حفره کشف شد . فرمانده آمده و از کلیه زندانیان تحقیقات

جمله و تلفظ	معنی
soners to find out who had dug the hole. زِنِرز تو فَیند آوت هو هَد داگ دِ هُل They all denied any knowledge of it. At دی اُل دی‌نَید اِنی نالِج آو اِت اَت last the Governor turned to Ivan whom لَست دِ گاوِرنِر تِرنْد تو ایوان هوم he knew to be a just man, and said: هی نیو تو بی اِ جَست مَن اَند سِد "You are a truthful old man, tell me, یو آر اِ تروتفول اُلد مَن تِل می before God, who dog the hole?" بیفُر گاد هو داگ دِ هُل Ivan's lips and hands trembled, and ایوانز لیپْس اَند هَندز تریمبلد اند for a long time he could not utter a word. فُر اِ لانگ تَیم هی کود نات آتِر اِ وُرد He thought, why should I screen him who هی تاُت وای شود آی سْکرین هیم هو ruined my life? Let him pay for what I روئیند مِی لیف لت هیم پِی فُر وات آی have suffered. But maybe I suspect him هَو سافِرد بات مِی‌بی آی سوسپِکت هیم wrongly. After all, what good would it be رانگلی افتِر اُل وات گود وود ایت بی to me? I better save his life — تو می آی بِتِر سِیْو هیز لَیف Well, old man repeated the Governor, وِل اُلد مَن ریپی‌تِد دِ گاوِرنِر "tell me the truth: who has been digging تِل می دِ تروث هو هَز بین دیگینگ under the wall?" آندِر دِ وال	نمود تا پیدا نماید که چه کسی سوراخ را حفر نموده است . آنها تماماً نسبت بآن اظهار بی اطلاعی نمودند. بالاخره فرمانده ایون را که شخص درستکاری میدانست مخاطب ساخته و گفت « تو یك پیر مرد صدیق و راستگوئی هستی برای خاطرخدا بمن بگو کی سوراخ را جفر کرده‌است؟» لبها و دستهای ایوان میلرزید و برای مدت‌مدیدی قادر ببیان کلمهٔ نبود فکر کرد ، من چرا بایستی ازاسرار کسی که زندگی‌مرا معدوم نموده است پرده پوشی کنم ؟ بگذار تا کیفر زجرهائیکه بمن داده است متحمل شود . اما ممکن است من‌اشتباها باو ظنین شده باشم . و علاوه ، برای من چه نتیجهٔ خواهد داشت بهتراست که‌من‌زندگی‌اورا نجات دهم . فرمانده تکرار کرد « بالاخره پیر مرد به من حقیقت را بگو . چه کسی زیر دیوار را حفر کرده است ؟ »

جمله و تلفظ	معنی
At last Ivan said "I cannot say, اِتْ لَسْتْ ایوان سِدْ اَیْ کَنّاتْ سِیْ your honor It is not God's will that I یُرْ آنِرْ اِتْ ایزْ ناتْ گادْزْ ویلْ دَتْ اَیْ should tell! Do what you like with me; شودْ تِلْ دو واتْ یو لَیْکْ ویثْ می I am in your hands." اَیْ اَمْ اینْ یُرْ هَنْدْزْ	بالاخره ایوان گفت «جناب فرمانده من قادر به گفتن آن نیستم. چون افشای این راز موجب رضای خدا نخواهد بود. آنچرا که مایلید بامن بکنید من در دست شما هستم»
However much the Governor tried, هاوِوِرْ ماچْ دِ گاوِرْنِرْ تْرَیْدْ Ivan would say no more, and so the matter ایوان وُودْ سِیْ نُ مُرْ اَنْدْ سُ دِ ماتِرْ had to be left هَدْ تو بی لِفْتْ	معهذا هر چه بیشتر فرمانده کوشش نمود ایوان سخن بیشتری نگفت و بنابراین موضوع متوقف ماند.
That night, when Ivan was lying on دَتْ نَیْتْ وِنْ ایوانْ وازْ لَیْئینگْ آنْ his bed and just beginning to doze. some هیزْ بِدْ اَنْدْ جَسْتْ بیگینینگْ تو دُوزْ سامْ one came quietly and sat down on his bed. وانْ کیمْ کوآیِتْلی اَنْدْ سَتْ داوْنْ آنْ هیزْ بِدْ He peered through the darkness and هی پیرْدْ ثْرو دِ دارْکْنِسْ اَنْدْ recognized Makar. رِکُگْنَیْزْدْ ماکارْ	آنشب هنگامیکه ایوان در رختخواب خود دراز کشیده و میخواست که چشم خودرا بهم بگذارد. کسی با سکوت تمام وارد شده و در کنار تختخواب وی نشست. ایوان در تاریکی کورکورانه نگاه کرد و ماکار راشناخت.
"What more do you want of me?" واتْ مُرْ دو یو وانْتْ آوْ می	«بیش از این از من چه میخواهی؟»
Makar was silent. So Ivan sat up ماکار وازْ سَیْلِنْتْ سُ ایوان سَتْ آپْ and said, "What do you want? Go away." اَنْدْ سِدْ واتْ دو یو وانْتْ گُ اَوِیْ	ماکار خاموش بود. آنگاه ایوان از جای خود برخواست و گفت، «چه میخواهی؟ دورشو.»
Makar bent close over Ivan and whis- ماکار بِنْتْ کُلُزْ اُوِرْ ایوان اَنْدْ ویسْ	ماکار بطرف ایوان خم شد و باکمال آهستگی

جمله و تلفظ	معنی
pered. "Ivan Ivan, forgive me!" پِرْدْ , ایوان ایوان 'فُرْگیوْ میْ	گفت «ایوان - ایوان مرا ببخش»
"What for?" asked Ivan. واتْ 'فُرْ ایوانْ 'اَسْکْدْ	ایوان سئوال کرد «برای چه؟»
"It was I who killed the merchant ایتْ واز 'ایْ هو کیلْدْ - دِ مِرْچِنْتْ, and hid the knife among your things. I اِند ,هِدْ ,دِ 'نیفْ آمانْگْ 'یُرْ تینْگْسْ 'ای meant to kill you too, but I heared a مینْتْ تو کیلْ یو تو باتْ 'ایْ ,هِرْدْ ,ا noise outside, so I hid the knife in your 'نُیْزْ آتْ'سیْدْ ,سُ 'ایْ ,هِدْ ,دِ 'نیفْ اینْ 'یُرْ bag and escaped out of the window." 'بَگْ ,اند ,اِسْکِیپْدْ ,آتْ آوْ ,دِ 'ویندُ	«من بودم که تاجر را کشتم و چاقو را در بین اثاثیه تو مخفی نمودم من قصد کشتن ترا هم داشتم، لیکن صدائی از خارج شنیدم، لذا چاقو را در کیسه تو مخفی نموده واز پنجره بخارج گریختم»
Ivan was silent, and did not know ایوان واز 'سیْ لِنْتْ ,اند دیدْ ناتْ 'نُ	ایوان ساکت بود و نمیدانست که چه بگوید
what to say. But Makar knelt upon the واتْ تو ,سیْ ,باتْ ماکار ,نِلْتْ آپانْ ,دِ ground. "Ivan" said he, "forgive me! For 'گْرآنْد ایوان ,سِدْ هیْ 'فُرْگیوْ می 'فُرْ the love of God, forgive me! I will con- ,دِ لاوْ آوْ گادْ 'فُرْگیوْ می 'ای ویل کانْ fess that it was I who killed the merchant ,فِسْ 'دَتْ ایتْ واز 'ای هو کیلْدْ ,دِ مِرْچِنْتْ, and you will be released, and can go to ,اند یو ویل بی ریلیزْدْ ,اِنْدْ 'کَنْ 'گُ تو your home." 'یُرْ هومْ	ولی ماکار زانو بزمین نهاده و گفت: ایوان مرا ببخش برای خاطر خدا مرا ببخش، من اعتراف خواهم نمود که آنکسی که تاجر را کشته است من هستم آنوقت تو رهائی یافته و میتوانی بخانه خود بروی»
"It is easy for you to talk," said ایتْ ایز ایزی 'فُرْ یو تو 'تاکْ ,سِدْ Ivan "but I have suffered for years. where ایوان باتْ ای 'هَوْ سا,فِرْدْ 'فُرْ ییرْزْ ,وِرْ	ایوان گفت «برای تو صحبت کردن آسان است ولی من سالهاست رنج و بدبختی کشیده ام اکنون

جمله و تلفظ	معنی

could I go to now? . . . My wife is dead
ددْ ایزْ وُیفْ مِیْ   نآ تو گُ ای کودْ
and my children have forgotten me I have
هَوْ ای مِیْ فرگاتِنْ هَوْ چیلدرِنْ مِی اند
nowhere to go . . . ."
گُ تو نُ وِرْ

Makar did not rise, but beat his
هیزْ بیتْ باتْ رایزْ ناتْ دیدْ ماکارْ
head on the floor. "Ivan, forgive me!" he
هی می فرگیوْ ایوانْ فلُرْ ذِ آنْ هدْ
cried. "When they flogged me with the
ذِ وِثْ می فلاگدْ ذیْ ونْ کِرایدْ
knout it was not so hard to bear as it
ایتْ ازْ بیرْ تو هاردْ سُ نات وازْ ایتْ نآتْ
is to see you now . . . yet you had pity
پیتی هدْ یو یتْ   ناو یو سی تو ایزْ
on me, and did not tell. For God's sake,
سیکْ گادزْ فرْ تلْ ناتْ دیدْ اند می آن
forgive me!" And he began to sob.
ساب تو بیگَنْ هیْ اند می فرگیوْ

When Ivan heard him sobbing he,
هیْ سابینگْ هیمْ هِرْدْ ایوانْ ونْ
too, began to weep.
ویپْ تو بیگَنْ تو

Makar confessed his guilt, and the
ذِ اندْ گیلتْ هیزْ کانفسْدْ ماکار
order came for Ivan's release But there
ذِرْ باتْ ریلیزْ ایوانزْ فرْ کیمْ اُردِرْ
was no use to, because as you kow he was
وازْ هیْ نُ یو ازْ بیکازْ تو یوزْ نُ وازْ
dead long time ago.
اگُ تایمْ لانگْ ددْ

من بکجا میتوانم بروم؟ زن من مرده است و فرزندانم مرا فراموش کرده اند، من جائی ندارم بروم....»

لیکن ماکار از جای برنخواست و همچنان سر بر زمین نهاده و با تضرع گفت: «ایوان منرا عفو کن؛ اگر مرا با تازیانه میزدند تحمل آن آنقدر سخت نبود که اکنون ترا میبینم..... باتمام این تفاصیل باز هم تو بمن رحم کردی و نگفتی. ترا بخدا مرا عفو کن!» این بگفت و بگریه افتاد.

وقتی ایوان شنید او گریه میکند خودش نیز شروع بگریستن کرد. . . .

ماکار بگناه خویش اعتراف نمود، و دستور آزادی ایوان صادر شد لیکن برای آن نتیجه‌ای مترتب نبود؛ زیرا همچنان که میدانید او مدتها بود دست از زندگی شسته بود.

حکایات کوچك

THE DOG AND HIS SHADOW

(1) A Dog, bearing in his mouth a piece of meat that he
(2) had stolen, was crossing a smooth stream by means of a
(3) plank. Looking in, he saw what he took to be another dog
(4) carrying another piece of meat. Snapping greedily to get
(5) this as well, he let go the meat that he had, and lost it in
(6) the stream.

(ِشدُ هیز ِاند داك ِد)

ا ِر داكْ بیرینْكْ اینْ هیزْ مآثْ ا ِر پیسْ آوْ میتْ ُدتْ هیْ (۱)
ا ِر آوْ میتْشرْ ماىْ تْشْریمْ شموثْ ا ِر ُکراسینْكْ واز تْشت ُلنّ ِ, ُهدْ (۲)
داكْ آنآ ِدرْ ىِ تو توكْ هیْ واتْ سآ ' هیْ اینْ لوکینْگْ پْ ُلنْك (۳)
, ِکتْ تو کریدیلی سْ ُنیپینْگْ میتْ آوْ پیسْ آنآ ِدرْ ,کریئینْگْ (٤)
اینْ ,اتْ لاسْتْ ,انْدْ ُهدْ هیْ ُدتْ میتْ ِد كْ' ,لتْ هیْ ,ولْ ,ازْ دیسْ (٥)
شْتْریمْ ِد (٦)

سك و سایه‌اش

سگی تکه گوشتی‌را که دزدیده بود بردهان گرفته ، بوسیله یك تخته پاره ار رودخانه صافی میگذشت. در حالیکه بپائین نظرمیکرد چیزی دید و تصور نمود سك دیگری است که تکه گوشت دیگری را بدهان میبرد . حرص و طمع ویرا بر آن داشت تاحمله کرده وآنرا ازبهر خود بدست آورد ؛ تکه گوشتی راهم که‌داشت رها نمود ودر رودخانه گم کرد

THE WOLF AND THE LAMB

(1) A hungry Wolf one day saw a Lamb drinking at a stre-
(2) am, and wished to frame some plausible excuse for making
(3) him his prey. "What do you mean by mudding the water
(4) I am going to drink?" fiercely said he to the Lamb "Pray
(5) forgive me, " meekly answered the Lamb: "I should be
(6) sorry in any way to displease you, but as the stream runs
(7) from you toward me, you will see that such cannot be the

(8) case " "That's all very well," said the Wolf, "But you know
(9) you spoke ill of me behind my back a year ago " "Nay, be-
(10) lieve me," replied the Lamb, " I was not then born." " It
(11) must have been your brother, then," growled the Wolf "It
(12) cannot have been, for I have never had any," answered the
(13) Lamb "I know it was one of your lot," rejoined the Wolf,
(14) "so make no more such idle excuses." He then seized the
(15) poor Lamb, carried him off to the woods, and ate him

(لم د اند ووف د)

(۱) ا هنگری وُوف وان دی سآ ا لم درنکینگ ات ا ستریم
(۲) اند ویشد تو فریم سام بلادی ل یوز اکس کی یوز بیز کینگ می
(۳) هیم هیر پری » وات دو یو مین بای مادینگ د تر وا
(۴) ای ام تینگ ک تو درینك « ؟ سلی نی فی سد هی تو د لم « پری
(۵) فرکیو « می میکلی آن سرد د لم » ای شود بی
(۶) سری این ای وی تو دیس پلیز یو بات از د ستریم رنز
(۷) فرام یو زد تو می یو ویل بی دت ساچ کن نات بی د
(۸) کیس » « دتس ال ودی وِل » سد د ووف بات یو ن
(۹) یو سپك ال آو می بی هیند می بك یر ا اگ» « نی بی
(۱۰) لیو » می لیدرپ د لم « ای واز نات دن برن » « ات
(۱۱) ماست هو بین یر براذر دن » گرالد د ووف « ات
(۱۲) کن نات هو بین فر ای هو نور هد انی » انسرد د
(۱۳) لم « ای نو ات واز وان آو یر لات » ری جیند د ووف
(۱۴) « سو میك نو مر ساچ ایدل اکس کیوزز » هی دن سیزد د
(۱۵) پور لم کرید هیم آف تو د وودز اند ایت هیم .

گرك و بره

روزی یك گرك گرسنه بره‌ای را دید كه از رودخانه آب میآشامد خواست تا با ساختن چند دلیل حق بجانب آن را طعمه خود سازد پس با حالتی سخت و خشن به بره گفت « برای چه آبی را كه من میخواهم بیاشامم گل آلود میكنی؟ » بره با ملایمت و تواضع جواب داد « تقاضای عفو دارم و در هرحال بسیار متأسف باشم از اینكه باعث كدورت خاطر شما شدم لیكن چون رودخانه از طرف شما سمت من جاری است ملاحظه میفرمائید كه چنین چیزی ممكن نیست » گرك گفت بسیار خوب

همه اینها درست، ولی تو میدانی یکسال پیش دوغیاب من ارمن بدگوئی کرده ای.»
بره جواب داد «هرگز ! باور بفرمائید که من درآن هنگام متولد نشده بودم »
گرك باغرش گفت «پس محققاً برادرت بوده است.» بره پاسخ داد «چنین چیزی
امکان نداشته است زیرا من هرگز برادری نداشته ام.» گرك جواب داد «من میدانم
یکی ازشماها بوده است، ودیگر بیش از این عذر و بهانهٔ بیمصرف درست مکن.»
سپس بره بیچاره را گرفته بجنگل برد واورا طعمهٔ خودساخت.

THE ANT AND THE FLY

(1) An Ant and a Fly one day disputed as to their respective
(2) merits. " Vile creeping insect!" said the Fly to the Ant,
(3) "can you for a moment compare yourself whith me? I soar
(4) on the wing like a bird. I enter the palaces of kings, and
(5) alight on the heads of princes, nay, of emperors, and only
(6) quit them to adorn the yet more attractive brow of beauty.
(7) Besides, I visit the altars of the gods. Not a sacrifice is
(8) offered but is first tasted by me Every feast, too is opene
(9) to me I eat and drink of the best, instead of living for days
(10) on two or three grains of corn as you do" "All that s very
(11) fine," replied the Ant; „but listen to me. You boast of your
(12) feasting, but you know that your diet is not always so cho-
(13) choice, and you are sometimes forced to eat what nothing
(14) should induce me to touch As for alighting on the heads
(15) of kings and emperors, you know very well that whether
(16) you pitch on the head of an emperor or of an ass you are
(17) shaken off from both with impatience. And, then, the altars
(18) of the gods, indeed! There and everywhere else you are
(19) looked upon as nothing but a nuisance. In the winter, too,
(20) while I feed at my ease on the fruit of my toil, what more
(21) common than to see your friends dying with cold, hunger
(22) and fatigue? I lose my time now in talking to you.
(23) Chattering will fill neither my bin nor my cupboard."

مکالمات روز مره آمریکائی

(فِ لَیْ دِ اِنْدْ اَنْتْ دِ)

(۱) آنْ اَنْتْ اِنْدْ ا فْلَیْ وانْ دیْ بِنْد یو بِیش دیسْ از و تو دِر بِکَمْیوْ رِسْ
(۲) مریتْس «وِیلْ کرِیپِنْگ بسکِتْ اینْ اِ سِیدْ دِ فْلَیْ تو دِ اَنْتْ
(۳) «كُنْ یو فِرْ اِ مومِنْتْ کامْ پِیرْ یُرسِلْفْ ویتْ مِی ؟ اَیْ سِرْ
(٤) آنْ دِ وینْگْ لِیكْ اِ بِرْدْ اَیْ اِنْ تِرْ د پالِیسِسْ آوْ کینْگْز اِنْد
(٥) الیتْ آنْ د هِدْزْ آوْ پرینسِسْ نِیْ آوْ اِمْپِرِرْزْ اِنْد اَلْسُو
(٦) كوئیتْ دِمْ بِدْ اونْ اِدُرْنْ دِ بِیْتْ مُرْ اَتْراکْتیو آوْ دِ بیوتی
(٧) سِیدِسْ اَیْ وِیزِتْ دِ آلتارزْ آوْ دِ گادْزْ. نات اِ سَکْری فِیسْ اِیزْ
(٨) آفِرْد بات اِیز فِرْستْ تِیسْتِد بای مِیْ اِوْرِیْ فِینِتْ تو اِیزْ اِبِنْ
(٩) تو مِیْ اَیْ اِیتْ اِنْد دِرِیْنكْ آوْ د بِسْت بِدْ اینسِنْسْ آوْ لیو شُکْ اُوِرْ دِرْ
(۱۰) آنْ تو اَزْ رِیْ بِنْزْ آوْ كِرِیتِرْزْ اَزْ کُنْ یو اَلْدْ سِ وِیْ
(۱۱) «فِبَنْ لِیْدْ رِیپِنْ دِ اَنْتْ بات بِسَنْ تو مِیْ یو اِسِتْ آوْ اِنْ
(۱۲) فِیسْتِیكْ بات یو نِ دِبْ اِیرْ دِسْتْ اِیزْ بات اِلْ وِیزْ اِلْ سِ
(۱۳) چ یُسْ اِنْدْ یو آر تِبِنْزْ سام فِرْسِد تو اِتْ واب ماتِیكِشْ
(۱٤) شُودْ یوسْ ایندیْ مِیْ تو نِاجْ . از فِرْ اِلِیتِنْكْ آنْ دِ هِدْزْ
(۱٥) آوْ کینگْزْ اِنْدْ اِیمْ پِرْرْزْ یو نِ وِرِیْ وِلْ دِتْ وِرِدْ یو
(۱٦) پِیچْ آنْ دِ هِد آوْ آنْ اِیمْ پِرِرْ اَزْ آوْ آنْ اَسْ یو آرْ کِنْ شِیْ
(۱۷) آفْ فِرامْ بِتْ وِیسْ شِنِّسْ اِیمْ پِرِ . اِنْد دِنْ دِ آلتارزْ
(۱۸) آوْ دِ گادْزْ اِیمِدِیْدْ دِزْ اِنْدْ اُورِی وِرْ اَلِسْ تو آرْ
(۱۹) لو كُدْ آبانْ اَزْ ناتیكِكْ اِ بات نی یو سِنْسْ اِن دِ بِرْ وِیْ تو
(۲۰) وِیلْ اَیْ فِیدْ اِنْ مِیْ اِیزْ آنْ دِ فُروتْ آوْ مِیْ سِیْلْ واتْ مِرْ
(۲۱) کامانْ دِنْ تو سِیْ بِیزْ فِرِیندْزْ دِتِیْنِكْ وِیسْ لِدْ كِ کِرْ هِنْ
(۲۲) اِنْدْ فِنِیگِكْ ? اَیْ لوزْ مِیْ تِیْمْ نا اینْ ستِکینِكْ یو تو
(۲۳) تِرِیْنِكْ چ وِیلْ فِیلْ دِرْ نِیْ مِیْ مِیْتْ تِرْ مِیْ دِرْدْ کاپْ .

مورچه ومگس

روزی یك مورچه ویك مگس راجع به شأن ولیاقت خویش مباحثه میکردند مگس بمورچه گفت: «ای حشره و خزندهٔ پست؛ آیا میتوانی خودرا برای یك لحظه بامن مقایسه کنی؟ من بروی بالها مانند مرغی پرواز میکنم. من بحضور سلاطین وارد میشوم و روی سر شاهزادگان و حتی پادشاهان فرود میآیم و فقط آنها را آنگاه ترك میگویم تاابروان زیبائی را زینت بیشتری بخشم. من از بارگاه خداوندگاران ملاقات میکنم و هیچ قربانی و تحفه‌ای نیست که تقدیم شود مگر آنکه اول من آنرا چشیده

باشم همچنین هرجشن و ضیافتی بروی من گشوده است. من بجای آنکه مانند تو روزها را بایکی دوسه دانه غله بسر آرم؛ از بهترین اغذیه و مشروبات میخورم و مینوشم ، مورچه جواب داد «بسیار خوب، ولی بمن گوش کن. تو باعیاد وجشنهای خود میبالی. لیکن توخود میدانی که پیوسته اغذیه‌ات آنقدرها انتخابی و برگزیده نیست وگاهی بخوردن چیزهائی مجبوری که من هرگز رغبت دست‌زدن بآنرا نمیکنم راجع بفرود آمدن‌روی‌سر سلاطین و پادشاهان‌هم بخوبی مطلعی که‌چه برسر پادشاهی وچه برسر الاغی معام کیری بابیصبری ازهردوجا رانده خواهی‌شد. وآنگاه‌ملاقات از بارگاه خداوندگاران ؛ فی‌الواقع؛ آنجایا هرکجای دیگر نرا بهیچ تنگرند مگر یک‌مزاحم ملال‌آور. همچنین در زمستان هنگامیکه من براحتی ازثمرهٔ زحمات خود تغذیه میکنم. چه فراوان میبینم که‌تو با رفقایت‌از سرما و گرسنگی وخستگی در حال جان دادنید. من اکنون در اثر گفتگوی باتو وقت خودرا از دست‌میدهم. پرگوئی نه انبانهٔ مرا پر میکند و نه دولابچه امرا.

THE MAN AND THE LION.

(1) A Man and a Lion once argued together as to which
(2) belonged to the nobler race The former called the attention
(3) of the Lion to a monument on which was sculptured a Man
(4) striding over a vanquished Lion. "That proves nothing at all
(5) said the Lion; "if a Lion had been the carver, he would have
(6) made the Lion striding over the Man."

(دَ لَینْ اِنْدْ دِ مَنْ)

(١) اِ مَنْ اِنْد اِ لَینْ وانْسْ آرْگیوْدْ تُوگِدِرْ اِزْ تُو ویچْ
(٢) بیلانْگْدْ تو دِ نابْلِرْ ریسْ دِ فُرْمِرْ کُلْدْ دِ اِتِنْشِنْ
(٣) آوْ دِ لَین تو اِ مانیومِنْتْ آنْ ویچْ واز اِسْکالْپْچِرْدْ اِ مَنْ
(٤) اِسْتْرایدینْگْ اُووِرْ اِ وانْکوئیشْدْ لَینْ «دَتْ پْرووْزْ ناتینْگْ اِتْ اُلْ»
(٥) سِدْ دِ لَینْ «ایف اِ لَینْ هَدْ بینْ دِ کاروِرْ هی وُودْ هُوْ
(٦) میدْ دِ لَینْ اِسْتْریدینگ اُووِرْ دِ مَنْ»

انسان وشیر

یکبارشخصی وشیری بایکدیگر مباحثه میکردند که کدام یك‌ازایشان بنژادی اصیل‌تر و بزرگتر متعلقند. اولی توجه شیررا ببنائی که در روی آن مجسمهٔ شیری مغلوب ومقهور درزیر پای انسانی‌حجاری شده بود جلب نمود. شیر گفت: «ابدآاین

مکالمات روز مره آمریکائی

دلیل براساب هیچ‌چیز نمیشود. اگر یك‌شیر حجاری میکرد ، اومحققاً شیررا بروی انسان پای بهاده، میساخت.»

THE BALED KNIGHT

(1) A certain Knight, who wore a wig to conceal his bald-
(2) ness, was out hunting one day. A sudden gust of wind car-
(3) ried away his wig and showed his bald pate His friends all
(4) laughed heartily at the odd figure he made, himself,
(5) so far from being put out, laughed as heartily as any of them
(6) "Is it any wonder,"said he "that another man's hair should
(7) not keep on my head when my own wouldn't stay there?"

(دِ بُلْدْ نَيْتْ)

بُلْدْ هِيزْ كانْسِلْ تو وِگْ اِ وُرْ هُو نَيْتْ سِرْتِنْ اِ (١)
وِينْدْ آوْ گَاسْتْ سادِنْ اِ دِیْ وانْ هَنْتِنْگْ آوْتْ واز نِسْ (٢)
آلْ فْرِنْدْزْ هِيزْ . پِيتْ بُلْدْ هِيزْ شُدْ اِنْد وِيگْ هِيزْ اَوِیْ رِكْرِيد (٣)
هِيمْسِلْفْ مِيدْ هِیْ فِيگُیورْ آدْ دِ اِتْ هارْتيلی لافْدْ (٤)
دِمْ آوْ اِنِیْ اِزْ هارْتيلی اِزْ لافْدْ آوْت پوتْ بِیْئِینْگْ فْرام فارْ سُو (٥)
شودْ هِرْ مِنْزْ آناذِرْ دَتْ هِیْ سِدْ وانْدِرْ اِنِیْ اِتْ اِزْ (٦)
دِرْ سْتِیْ وودِنْتْ اُونْ مِیْ وِنْ هِدْ مِیْ آنْ كِيپْ نات (٧)

آقازادهٔ کچل

یك آقا زاده‌ای که کلاه گیسی را برای پنهان نمودن کچلی خود برسر میگذاشت روزی بقصد شکار خارج شده غفلتاً باد شدیدی وزید و کلاه گیس او را باخود برده کله طاسش را نمایان ساخت تمام رفقایش از ته دل باین منظره عجیب و غریب که ساخته بود خندیدند لیکن خود او بیرمانند هریك از آنها آنقدر خندید که از حال رفت و گفت « البته تعجبی ندارد در سری که موی خود را نگاهداری نکرد موی دیگری را نگاهداری نخواهد کرد

ADVICES

1 Let your countenance be pleasant, but in serious matters somewhat grave

2 Show not yourself glad at the misfortune of another, though he were your enemy.

3 In writing or speaking, give to every person his due title, according to his degree and the custom of the place.

4 Strive not with your superiors in argument but always submit your judgment to others with modesty.

5 Undertake not to teach your equal in the art himself professes, it savors arrogancy.

6 When a man does all he can, though it succeeds not well, blame not him that did it

7 Wherein you reprove another be unblamable yourself; for, example is more prevalent than precepts.

8 be not hasty to believe flying reports to the disparagement of any.

9 Associate yourself with men of good quality, if you esteem your own reputation, for, it is better to be alone than in bad company.

10 Let your conversation be without malice or envy, for it is a sign of a tractable and commendable nature, and in all causes of passion admit reason to govern.

11 Think before you speak pronounce not imperfectly, nor bring out your words too hastily but orderly and distinctly.

12 Go not thither where you know not whether you shall be welcome or not Give not advice without being asked, and when desired, do it briefly.

13 Be not curious to know the affairs of others, neither approach to those that speak in private.

14 Undertake not what you cannot perform, but be careful to keep your promise

مکالمات روز مرهٔ آمریکائی

(اِدْوِیْ نسِنْ)

۱ — لِتْ — یِزْ — نِنْسْ، کاتنتی — بیْ — زِنْتْ، بِلیْ — بانْ — این — یزْ، سیریْ
ماتِرِز — سام‌واتْ — کِ رِیْوْ.
۲ — شْ — بانْ — سِلْفْ، یِزْ — گلادْ — اِتْ — دِ — فِرْچونْ — میسْ — آوْ — آنادِزْ
س — هیْ — وِزْ — یِزْ — اِسمیْ.
۳ — اینْ — دیْ‌تِینْکْ — اُرْ — سْپیکینْکْ — کیُوْ — تو — اِوْرِیْ — پِرْسِنْ — هیزْ — دی‌یو
تی‌بِلْ — اِکْ‌رِدیْنْگْ — تو — هیز — دیگری — اِند — دِ — تِمْ — کاسْ — آوْ — دِ — لِیْسْ، ثْپْ
۴ — رِیْوْ — شْتْ — بانْ — ویش — یِزْ — یِرْزْ، پرِیْ، سی‌یو — اینْ — مِنْتْ، آرْگو — بانْ — وِیْزْ — اِلْ
سابْمیت — یِزْ — جاجْ مِنْتْ — تو — آرْدِرْزْ — ویشْ — مادِشْتی
۵ — تِیْکْ — دِرْ — آنْ — بانْ — تو — تیچْ — یِزْ — اِکْوِرالْ — این — دِ — آرتْ — سِلْفْ هیمْ
فِشِسْ — اِیْت — یِرا — وِرْدْ — رِسیْ — کِسی — اِرْدْ.
۶ — وِنْ — اِ — مِنْ — داز — اِلْ — هی — کِنْ — س — اِتْ — کسیدِزْ — سی‌یو — نانْ
وِلْ — لِیْمْ — تْ — بانْ — هیمْ — دِنْ — دیِدْ — اِتْ.
۷ — وِرْاینْ — یو — دِیْبِرُووْ — آنادِزْ — بیْ — اِیبْلْ — لِمْ، آنْ — سِلْفْ — یِزْ
فِرْ — زِمْپِلْ — اِکْ — ایزْ — مِرْ — لِتْ — وِ، بِرِیْ — دِنْ — سپِتْسْ، بِرِیْ
۸ — بیْ — ناتْ — هِیسْتی — تو — بِیلیُوْ — لِیْنْگْکْ — فْ — رِتْسْ — ریپ — تو — دِ
مِنْتْ، بِرِیچْ، دیشْ — آو — ای.
۹ — اِیْتْ، اِس‌شِیْ — سِلْفْ، یِزْ — ویشْ — مِنْ — آوْ — گودْ — کوالیتی — ایف — یو
اِسْمیمْ — یِزْ — آنْ — ریپوتیشِنْ — فِرْ — اِتْ — اِزْ — تِرْ، بِ — تو — بی — لِنْ، اِ
دِنْ — این — اِنْدْ — پِیْ، کامْ.
۱۰ — لِتْ — یِرْ — سِیشِنْ — کانْ، وِرْ — بی — تْ — ویدآ — مْلیس — اِرْ — اِنْ‌وی
فِرْ — اِتْ — اِزْ — اِ — سِیْنْ — آوْ — اِ — تِیبْلْ — تْ — رِکْ، اِنْدْ — دِیْبْلْ — کامِنْ، رِیْچِرْ — نی — اِنْدْ
ابنْ — اِلْ — کاآزِسْ — آوْ — پِشِنْ — اِدْمِتْ — ریزِنْ — تو — وِرْنْ، کا.
۱۱ — تِیْکْ — زْ — بیف — یو — شپیکْ — اِسْ — بِرا — ناتْ — فِکْتْلی — یِرْ، اِیْمْ — رِوْ
تِیْکْ — تو — آتْ — یِرْ — زِدْزْ — وُ — تو — هیستیلی — نات — لی — دِزِرْ — اِنْد — تِنْکْتْلی، دیش.
۱۲ — کِدْ — نَتْ — دِرْزْ — تیْ — وِرْ — یوُ — نْ — نانْ — دِرْ، وِ — یو.
شِلْ — بیْ — وِلْکام — اِرْ — نات — کیُوْ — نات — وِیْشْ — اِدْ — تْ — ویدآ — بی‌تیکْ
اسکد — اِ — وِنْ — دیْ‌رِبْرِدْ — دو — اِتْ — تِرْیِلیْ
۱۳ — بیْ — نانْ — یِرْ — کی‌یوریْ — تو — نْ — دِ — فِرْزْ، آ — آوْ — آرْدِرْزْ، آ
دِزْ، بیْ — شْ — اِبِرْ — و — دِرْ — دِتْ — سْنِکْ — اس — وِنْ، رِیْ، پْ.
۱۴ — تِنْکْ، دِرْ آنْ — نانْ — واتْ — و — کِنْ‌نانْ — فِرْمْ، پِرْ — بانْ — بیْ
[illegible]

اندرز

(۱) سعی کن تا وضع وقیافه‌ات دلپذیر ومقبول باشد ولی درموارد مهم اندکی جدی باش.

(۲) ــ بدبختی دیگران خودرا مسرور جلوه مده گرچه اودشمن تو باشد.

(۳) ــ در مکاتبه یاتکلم باهرشخصی، عنوان ولقب شایسته وی‌را مطابق رتبه وشأن وآداب ورسوم محل بکار بر

(۴) ــ بابزرگان خود در مباحثه وگفتگو رقابت مکن‌و پیوسته بافروتنی و تواضع قضاوت خودرا بایشان واگذار نما.

(۵) ــ بآموزش واستادی همردیفان خود که دارای یك هنرو پیشه‌اید تعهد مسپار این ادعا بوی خوی وتکبررا میدهد

(۶) ــ هنگامیکه شخصی با تمام توانائی وقدرت خودعملی را انجام داد، گرچه بخوبی موفقیت حاصل ننمود اورا بدان عمل سرزنش مکن

(۷) ــ جائیکه دیگری را سرزنش میکنی خودت مقصر وقابل سرزنش مباش. زیرا سرمشق بودن بیش‌از حکمیت مؤثر ومعمول است

(۸) ــ در باور کردن بدگوئیهائیکه نسبت بهر کس انتشار پیدامیکند عجول مباش.

(۹) ــ اگر برای آبرو وحیثیت خود احترام‌قائلی خودرا شریك ورفیق اشخاص خوش‌جنس کن زیرا تنها بودن بهتر است تابارفیق بدبودن.

(۱۰) ــ سعی کن صحبتهایت خالی ازشرارت و حسد باشد زیرا این نشانی از طبع ملایم وپسندیده است، واداره کردن‌تمام موارد خشم وخشونت‌را به دلیل‌ومنطق واگذار کن

(۱۱) ــ قبل از سخن بیاندیش. ناقص وناتمام حرف‌مزن کلمات خودرا باعجله ادا مکن [illegible] مختصر وجامع سخن گو.

(۱۲) ــ محلیکه میهمانی در آنجا ازتو استقبال میشود پابند مرو اگر ازتو خواهش شده است [illegible] در صورت لزوم کوتاه‌ومختصر اندرز ده.

(۱۳) ــ درکار دیگران کنجکاوی مکن وهمچنین باشخاصیکه در خلوت صحبت میکنند نزدیك مشو

(۱۴) ــ بانجام آنچه بر عهده و عمل تو خارج است تعهد مکن‌ولی مواظب باش درموقع‌خود پایدار باشی

GREAT DISCOVERY of AMERICA



Sailing Towards the Everreceding Western Horizon
For the First Time

دریا نوردی بسمت افق بی‌پایان غرب برای اولین بار

CHRISTOPHER COLUMBUS

Columbus was born in Genoa in the year of 1445. He was the son of a poor wool-comber, and while yet very young he helped in his father's daily toil

At the age of fourteen he becomes a sailors, he sailes south along the African coast, and north as far as England, and even to Iceland, always observing, studying, planning the ardent thoughtful boy grows up an earnest thoughtful man. He is convinced that the earth is a globe, and if he sails west far enough he will reach India by a route shorter than any to the east. Nothing can shake his faith in this belief. It becomes the inspiration of his life

For ten years Columbus tried to persuade some European government to send him on this voyage across the Atlantic. First he sought help from his own people, the republic of Genoa, then from Venice, and afterwards from Portugal For seven years he had patiently and persistenly endeavored to interest Ferdinand and Isabella, the king and queen of Spain, in his scheme of a shorter route to India than that which their rivals, the Portuguese were hoping to find by sailing down the western coast of the dark continent. After years of waiting and seeking, the long-sought help at last came. Isabella had faith in Columbus, and proved herself a firm friend. She listened patiently to his plans, and she finally decided to fit out an expedition at the expense of her own kingdom

Finally, in August, 1492, after a delay of several months, three vessels with ninety men sailed from Palos, a little port of Spain, on the most wonderful voyage.

Every day and every hour took them farther from

home, onward and still onward they were sailing, across the trackless and boudless deep, with nothing in sight but sky and ocean.

No wonder the sailors became angry with themselves for having started upon what seemed so foolhardy an enterprise.

Finaly, the sailors in dispair and rebellion, threatened to throw Columbus overboard, but he stood firm in his hope and courage, gazing almost incessantly towards the ever-receding western horizon

Many times the eager sailors thought they saw land, many times they were disappointed When at first the land sank from sight on the eastern horizon, many of them lamented teir sad fate, and cried and sobbed like children.

At last birds began to circle around the ships, a bush covered with fresh red berries, and a piece of carved wood floated by Presently the birds were seen to fly southward By these signs Columbus felt sure tkat they were approshing land "We shall see land in the morning," he said to his men. All was excitement and activity No one could sleep All waited impatiently for the dawn.

The day broke and a beautiful island appeared before them. Columbus was the first to step upon the beach; the others followed; all knelt as the great discoverer kissed the ground and gave thanks to God. He rose from his knees, drew his sword, unfurled the great flag of Spain he took possession of the land, calling it San Salvador. He had earned a name that should never die.



کریستف کلمب

کلمبوس در سال ۱۴۴۵ (میلادی) در ژن متولد شد. او فرزند یك پشم ریس فقیری بود و هنگامیکه خیلی جوان بود بکارها و زحمات روزانه پدرش کمك مینمود.

در سن چهارده سالگی دریانوردی را آغاز نموده و از طرف جنوب تا کرانهای آفریقا و از طرف شمال تا انگلستان و حتی ایسلند راههای دریائی را میپیمود پیوسته بصیر و مراقب، اهل مطالعه، طراح و مدبر بود. این جوان پرحرارت و فکور مردی متفکر و جدی بار آمد همیشه معتقد بود که زمین کروی است و اگر چنانچه او باندازه کافی بطرف غرب دریانوردی کند بوسیله یکی از کوتاه‌ترین راههای غربی به هند خواهد رسید. هیچ چیز قادر نبود این عقیده و ایمان اورا متزلزل کند تا آنکه این یکی از الهامات زندگی اوشد.

کلمبوس مدت ده سال به ترغیب و تحریك بعضی از دول اروپائی سعی و کوشش نمود که اورا بمسافرت آنسمت اقیانوس اطلس روانه نمایند. قبلا در صدد جستجوی کمك از ملت خود (جمهوری سابق ژن) برآمد و سپس به ونیس و آنگاه به پرتغال متوسل شد و مدت هفت سال باصبر و اصرار فراوان سعی نمود با علاقه‌مندی (فردیناند و ایزابلا) پادشاه و ملکه اسپانیارا باین عقیده وراه میانبر به هند جلب نماید، راهی کوتاه‌تر از آنکه رقبای پرتغالی ایشان امیدوار بودند با دریانوردی در کرانهای مناطق تاریك و مجهول پیدا نمایند. پس از سالها تحمل و تلاش و جستجوی بی پایان بالاخره کار برسید ایزابلا به کلمبوس ایمان یافت و خود را همراهی با طرحهای نشان داد و با دقت و تعمق بطرح و نقشه‌ٔ وی گوش کرد و بالاخره تصمیم گرفت با بخرج مملکت خویش کلیه وسائل فرستادن و حرکت او را تهیه نماید.

آخرالامر پس از چندین ماه تأخیر در ماه اوت ۱۴۹۲ (میلادی) سه کشتی با نود نفر از پالوس که یکی از بنادر کوچك اسپانیاست، عجیب و حیرت انگیز ترین مسافرتهای دریائی را آغاز نمودند

هر روز و هر ساعت آنها از خانه و زندگی خویش دورتر میشدند، و بروی اقیانوسی نامعلوم و عمقی بی پایان بپیش و باز هم بیشتر میراندند. اثری بچشم دیده نمیشد مگر آسمان و آب.

جای تعجب نبود که دریانوردان سخت بخود متغیر و خشمگین بودند زیرا تصور میکردند بعملی بی‌حسورانه و بی پروا دست زده‌اند

بالاخره دریانوردان دربین و ناامیدی طغیان و شورش آغاز نمودند و کلمبوس را بتضرع برای بازگشتن التماس نمودند لیکن او وی هرچه بیشتر ...

مکالمات روز مره آمریکائی

و رشادت خود استقامت و پایداری نمود و تقریباً بطور دائم و لاینقطع بسمت افق پایان ناپذیر غرب خیره شده بود.

بارها دریانوردان بی‌صبر و حوصله تصور مینمودند زمین را می‌بینند و پیوسته ناامید و مأیوس میشدند ولی هنگامیکه برای اولین بار آثاری از زمین در افق غرب نمایان شد بسیاری از ایشان از سرنوشت غمگین خویش محزون شده مانند طفلی شروع بگریستن کردند.

سرانجام مرغها شروع بگردش در اطراف کشتی نموده، بوته‌ای پوشیده از تمشکهای تازه و قرمز با تکه چوبی منقطع روی آب روان بود لحظه‌ای بعد دیده شد که مرغها بسمت جنوب پرواز میکنند. از این علائم کلمبوس اطمینان حاصل نمود که آنها بخاک نزدیک میشوند. بجاشوان کشتی خود گفت: صبحگاهان زمین را خواهیم دید. تماما مجذوب و فعال بودند. هیچکس نتوانست بخواب رود. همه با بیصبری انتظار طلوع آفتاب را داشتند.

روز بعد آمد و جزیره‌ای سبز و زیبا در برابر آنها ظاهر شد. کلمبوس اولین کسی بود که بساحل پای نهاد و بقیه از عقب او روان شدند. همگی مانند کاشف بزرگ زانو بر زمین نهاده خاک را بوسیده و شکر خدای بجای آوردند. او برخواست و شمشیر خویش بیرون کشید و بیرق بزرگ اسپانیا را برافراشت و آن زمین را تصرف نموده نام سانسالوادور بر آن نهاد. او بتحصیل نامی نمود که هرگز محو نخواهد شد.

پایان

جلد اول

دانش جوبان ، دانش آموزان ،
کلیه مسافرین خارجه ، جهانگردان
و اشخاص دیگری که با خارجیان
چه در ا ران و چه در خارجه تماس
دارند. چنانچه یکجلد از کتاب
« مکالمات روزمرهٔ آمریکائی »
را بیوسته همراه داشه باشند، میتوانند
کلیه احتیاجات مکالماتی خود را
راجع بهر موضوع و مطلی بزبان
انگلیسی مرتفع نمایند.

جاپ پنجم